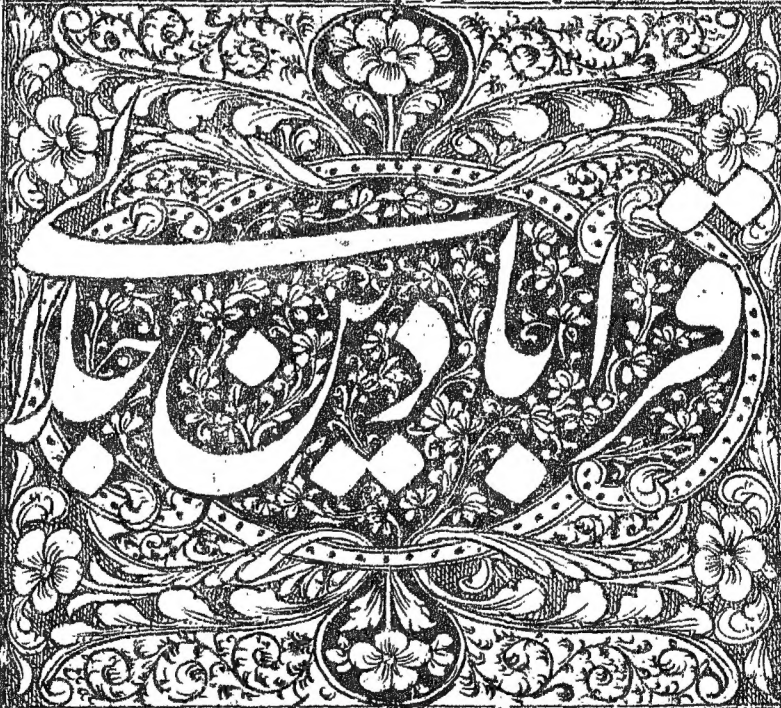




NO. 1000 (111111)
RESERVED

بِه پُورِ اِن پُورِ مَحْمُودِ مَكَا وَفَضْلِ پُورِ شَرِخُورِ اِن پُورِ
بِه پُورِ اِن پُورِ مَحْمُودِ مَكَا وَفَضْلِ پُورِ شَرِخُورِ اِن پُورِ

نسخه کتبات فیخیر الاجواب شد روی این کتاب شفا می دهد و در آن مقبول ادانی و اعالی



از تصنیفات ارسطو فطرت فلالون حلت مولانا حکیم جلال الدین امرودی

در طبع می نشی نو کشتی طبع رین مقبول است این شد

۱۱
CHECKED-1984

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE3110

بسم الله الرحمن الرحيم

این حمد خدا و درود مصطفی اصلی الله علیه و آله آنکه چند نسخه مستعمل درین تذکره آورده

و قوت آن تا دو سال باقی میماند و شربت ازان

باب الاغت

الغشدار و معنی باضم است و قیل معنی عطیه است
و قیل معنی ضربه است که در روچ است یا باشد. بلید بلید
آله و خبث الحیدر و غسل و انطالی گوید که گرم و
خشک است در درجه سوم و نیز گفته که براسه برودین
نافع است جدا اگر چه براسه دفع خسر شال است قیل
گرم است در اول درجه ثانیه و خشک است در اول
درجه ثالثه و قال استاذی رحمه الله علیه یعنی معنی الملوک
محو علویان گرم است در اول درجه اولی و خشک است
در آخر درجه ثالثه و اهل هند برای رده و برای جمیع
اقسام تپاک از گرمی باشند یا از سردی استعمال میکنند
و استعمال آن بهتر است که بعد چس روز نکند

از شقال تا سه شقال -

الوشدار و مخترع اخلاطه مرارید ناسفت
سنبیل الطیب شقال مصری بسیار هر یک ش
مشقال ورق گلبرخ بهنیدین هر یک شش شقال
سعد کوفی طباشیر سفید صندل زرشک بیهانه
هر یک پنج شقال اسارون زعفران قاقله صغیر
و کبار جوز بواخو انجان دارچینی باد رنجوبه سیاه
کنفیه خشک هر یک دو شقال مشک تبی غنبر
هر یک نیم شقال آله یک رطل فانیذ نیم من غسل
مصنعه نیم من آب به شیرین می مشقال علی الرسم
مچون سازند

النوشدار و حکیم عماد الدین محمود صفت دانه سیل
 زرنب دار چینی زرنبا و سنبل الطیب جوزبوا بسا
 قرفل درونج عقری گل ارغی گل ختموم مصطکی عرق
 ورق لقره زرشک بیدانه شک طباشیر مروارید
 ناسفت یک مثقال و نصف ورق گل سرخ سعد کوی
 صندل بگلای سوده تخم کاسنی مقشر تخم زعفران مقشر
 هر یک مثقال ورق طلا نصف مثقال شیر آمله و فلفل
 بگلای آب به شیرین آب انار شیرین امر و دعرن
 بیدانه شک هر یک صد و بیست مثقال آمله را در شیر
 گاوشب بخیسانند صبح بشویند و با شش رطل آب
 بچرخانند تا سه رطل بماند پس مالیده صاف نموده
 نبات سفید و قند سفید و عسل مصفی هر یک صد و
 بیست مثقال و گلاب و عرق بیدانه شک و آب بویه با
 بدان مخلوط کرده بقوام آرد و از آتش فرودا آورده
 بگذارند تا فانیتر بسردی شود و ادویه کوفته بچسبند
 بدان بسرشدن شربت از مثقال تا مثقالین
 و درین نسخه برای شخصی گل و غسانی زهره
 ابریشم هر یک مثقال کافور قصوری ریح مثقال
 داخل نموده شد نفع کلی بخشد و برای شخصی لاجورد
 مغسول مثقال نیز فایده کرد -

النوشدار و معتبر مشتی که در بعضی از جهات
 تمام آرد و صفت بزرگ گل ده توله قرفل مصطکی
 هر یک پنج توله سنبل الطیب ده توله بسا به چار توله
 جوزبوا و توله زعفران سه ماشه ورق انجیر
 نیم سیر اکبری قاقلین زرنب خرفه سنبل الطیب

هر یک دو توله شیر آمله یک رطل بقند سفید یک حصه
 و عسل مصفی دو حصه وزن ادویه بدستور مقرر تیار نمایند
 النوشدار و تالیف کندهی نافع حقائق
 و مقوی آن و مانع مفرح نفس مسمن مقوی معده
 محسن لون مطیب صفت گل سرخ شش درم حد کوی
 پنج درم قرفل مصطکی سنبل الطیب اسارون هر یک
 سه درم قرقه زرنب هر یک دو درم بسا به زعفران
 قاقله میل جوزبوا هر یک یک درم تشور آمله رطل فانیل
 اول آمله را بدستور مقرر تیار کنند و فانیل انداخته
 بقوام لغوث آرند و ادویه سحوقه بدان بسرشد
 و گاهی فرج شک باد و پنج بویه مروارید ناسفته سازند
 هندی هر یک مثقالین دران افزوده میکنند -

النوشدار و بدرالدین قاقله کبارده درم ورق
 گل سرخ شش درم سعد کوی بهمن سفید پوست
 آمله بلیله هندی هر یک پنج درم قرفل سنبل الطیب
 اسارون بادرنجبویه بهمن سرخ هر یک سه درم
 قرقه زرنب مصطکی شقائق توله درین خولجان
 هر یک دو درم بسا به دانه میل جوزبوا زعفران
 هر یک یک درم گادبان پنج درم عنبر اشب نصف درم
 فانیل رطل بدستور مقرر تیار نمایند شربت
 از نصف مثقال تا یک نیم مثقال -

النوشدار و که برای شخصی ترتیب داده شد
 فایده تمام بخشد صفت زرنبا درونج مروارید
 که را بسا به هر یک درم ابریشم مقصرن بهمنین
 سازند هندی سنبل الطیب قاقلین هر یک نیم درم

دو درم

آلهه مقشرفه درم فانی سفید سه چند ورق طلا
و ده ورق نقره سی عدد و بدستور مقرر تیار نمایند
انوشیدار و بابت بقراط خان اخلاطه و اید
نا سفته بسبب سرخ زعفران جگریشب سعد کوسه
افزونی خود قمار سی سازج هندی هر یک دو شقال
سنبل الطیب طباشیر سفید گل ارمنی ابرشیم مقرض
هر یک سه شقال غبار شب نیم توله شک خاص
یک شقال ورق طلا نیم شقال ورق نقره توله
شیره آلهه سی شقال قند سفید و چند غسل بکنند
اطر لقیل برای جلاله اخلاطه پوست بلبله کابی
بلبله سیاه پوست بلبله زرد آلهه شقه هر یک شش درم
حب النیل فیلیل افستین درمنه ترکی ترب سفید
محوت هر یک پنج درم بزرگ کابی مقشرفه بلسان
ترنس هر یک چهار درم شیخ ارمنی شحم خطل نمک سنگ
قسطلج هر یک دو درم کوفته بخیت بروغن بادام چرب
نموده بعسل مصفا و چند بقوام آرند و شسته
آنگه در قلا نی بند کر آورده این ست پوست بلبله
کابی بلبله آلهه شقه هر یک ده درم ترب سفید محوت
حب النیل مقشرفه هر یک پنج درم فیلیل ترنس
افستین افستیمون شیخ تلخ هندی خردل سفید
شحم خطل سعد راسن هر یک نصف استارسل شیره
از چهار درم تا پنج درم و صاحب شقای درین نسخه
درمنه ترکی داخل کرده -

اطر لقیل کبیر بلبله بلبله آلهه بوزیدان بسا سه
شیطخ هندی شقال تو درین لسان العصاره

بهمنین بالسویه نموده بروغن گاو چرب نموده
بعسل مصفا بقوام آرند شربت درم و نصف -
اطر لقیل اکبر سخن معده دافع ریح معده و
بواسیر محسن لون و سپی اخلاطه پوست بلبله کابی
بلبله سیاه بلبله شیره آلهه فلفلین هر یک سه جز
زنجبیل بوزیدان بسا سه شیطخ شقال هر یک
جز تو درین لسان العصاره حب الفلفل انار دانه
شده اند کعبه مقشرفه شکر طبرزد هر یک دو جز نیم شمشاش
سفید بهمنین هر یک جز کوفته بخیت بروغن بادام
شیرین چرب نموده بعسل بقوام آرند صاحب
سید می درین نسخه حب القلقل داخل کرده است
و شده اند ذکر نگارده و استاد می رحمه الله علیه
حب القلقل و شده اند هر دو ذکر کرده و وزن
تو درین لسان العصاره و شقال و سافج چرب
یک جز و ذکر کرده و استاد می و درین نسخه از پنج
اجوام علوی معلوم شود -

اطر لقیل اصغر مزیل رطوبات معده و نافع
بواسیر و مصف ذهن و لون اخلاطه پوست بلبله
کابی پوست بلبله بشیره آلهه بالسویه بروغن گاو
چرب نموده بعسل مصف بقوام آرند -

اطر لقیل اسطوخودوس پوست بلبله بلبله
آلهه شقه هر یک ده درم بسفاج فستق سنکلی ترب
سید محوت هر یک پنج درم اسطوخودوس هفت
درم غسل مصف دو وزن ادویه -

اطر لقیل افستیمون پوست بلبله کابی بلبله سیاه

بلبله آمله منقعه هر یک نه باشد بسفاج نه باشد سنا که
 یک توله تر بد یک توله اقیهون یک توله سیطخ شش
 انیسون هفت باشد نمک هندی پنج باشد کوفته
 بیخته بعسل سه وزن ادویه همچون سازند شربت چای شفا
 اطرافیل مقل مسل بابت ثابت خان بلبلجات
 ثلثه بلبله آمله مصطک هر یک سه جز تر بد سفید شست
 و مقل برابر ادویه اول مقل را باب گرم حل کند
 ادویه بخیته بدان سرشته بعسل همچون سازند شربت
 از سه درم تا پنج درم و اگر درین نسخه تر بد داخل کند
 صفت اطرافیل مقل میشود لیکن مقل باب گندنا
 حل کند و اگر اقیهون و مسطخ و دوس هر یک سه جز مقل
 مغز فلوکس هر یک چهار جز داخل کند اطرافیل ملین شود
 اطرافیل شاهتره مسل برای بواسیر صاحب حکم
 و سفوف را سود دارد و اخلاطه پوست بلبله زرد
 پوست بلبله کابلی هر یک سی جز بلبله بست جسنه
 سناکی پانزده جز گل سرخ هفت جز شاهتره بست
 و پنج جز در بعضی نسخه بلبله زرد چهل جز بلبله کابلی
 سی جز بلبله بست جز سناکی ده جز گل سرخ شش جز
 شاهتره پنجاه جز و در بعضی نسخه بلبلجات و شاهتره
 هر یک خمر بست و در بعضی نسخه بلبله زرد و جسنه الکنده
 دو درم و در بعضی نسخه دیگر اختلاف واقع است
 آنچه در تجربه آمده مذکور شد بدانکه در اصل نسخه
 اطرافیل که معرب اطری پهل است و اطری یعنی سنا
 و مراد از پهل بلبله آمله بلبله کابلی است و چون
 بلبله زرد و سیاه افزود کنند در افعال اقوی میشود

و چون بیوست کثیر آن بقوت، باضمه ضرر دارد و چون
 با دام شیرین یار و عنک گاو چرب می کنند و چون بغیر
 چرب استعمال میکنند موجب قویخ میشود و غسل
 درین نسخه دو چند با بد تا فعل قوی گردد و گاهی
 برای قبض بواسیر تر بد و سناکی و مقل زیاد میکنند
 و مقل را باب گندنا حل میکنند و گاهی گندنا و کبریا
 گندنا و داخل میکنند و بلبله و بلبله را بر و عنک بریا
 میکنند تا خون بواسیر نریزد و گاهی سنا و
 اسطوخودوس و بسفاج و اقیهون برای غرض
 اغراض داخل میکند و گاهی مقویات محده داخل کند
 ایاسج کوغانز یا که فضول مختلفه از به غلیظ
 و محترقه از عرق بدن جذب میکند و از صرع و کت
 و فالج و لقوه و تشنج و داء الفیل و برص و جذام
 و بهن و قوبا و شقیقه و صدراع و سفوف و فساد و قیل
 و دوار و وسواس و کلفت و شهوة کلمه و عرق نفس
 و نفرس و وجع مفاصل و عرق النساء و اراکب
 و داء الثعلب و قروح کت و ادرام بارده و خنازه
 نافه ست عمود دران خزانق ست اخلاطه
 ششم خطل پنج درم پیار غنصل بریان غار یقون
 سقمونیا خربق سیاه اشق ثوم بری کلوا حده
 درم و نصف اقیهون کما ذر بوس مقل ارزق
 صبر هر یک سه درم حاشا سافرج هندی سه
 غار یقون فرشیون جده سلیمه فلفل سیاه
 و سپید و در فلفل نعنائن و اریمنی جاده شیر
 بسفاج یکینج جده برید ستر مقل است ایوبی

زراوند طویل عصا را افشستین فریون بنیل طیب
حما از تخمیل هر یک دو درم اسطوخودوس و عسلینا
هر یک درم و نیم عمل بقدر کفایت درین نسخه در
شقاقی فلفل سیاه و ار فلفل و ارچینی از قلم
ناخ افتاده و در عمل نسخه زرباد و فلفل با لثوم
بری هر یک دو درم و نیم است چنانچه آسجانه کوشه
کذاست من استادی -

ایا راج پنا در لیس اکبر که پیش از جالینوس
در عهد بنادر لیس با و شاه یونانیان ترکیب
که منافع لوفازیا دارد و در هب حصاة کلیه و کثرت
و ضعف کبد و مثانه و کلیه رانافه است صفت
صبر سقوطی پانزده درم غار لیسون ده درم غفران
و ج و ارچینی مصطک روغن بلسان فریون حب
بلسان و ار فلفل فلفل سیاه و سفید و عسلینا
تقاح از غر هر یک دو درم قسط کما در لیس اقیهون
هر یک چهار درم اسارون سیلخه سقمونیا هر یک
شش درم بنیل الطیب سه درم و نصف مر حاما
هر یک یک درم عمل مصفا سه چند بدستور بنیانه
شربت چهار مثقال نر و بعضی باب گرم استعمال کنند
و نر و بعضی باب اقیهون لیکن استعمال این ایاراج
بعد شش ماه است -

قشر رمان فلفل صمغ عربی هر یک سه ماشه میون
بادیان هر یک چهار ماشه قافله کبار قافله صفار
و فلفل زنجبیل زرباد فلفل دراز پوست نارنج هر
یک دو ماشه گل نارنج پوست ترنج هر یک چهار ماشه
زعفران مشک خالص غنبر هر یک یکینم ماشه تقاطع
شش ماشه نعناع سه ماشه موسیامی کافی چهار سنج
ورق طلا درق نقره هر یک یکینم ماشه مر و ایدانه
نه ماشه شربت سیب شربت فواکه نبات سفید
مصفا هر یک ده توله آب برگ تنبول لبست توله
دو قوطی گلاب سه ماشه روغن گاوچ توله گلاب
عرق بنید مشک عرق بهار هر یک پنج توله بدستور
مجموع سازند شربت دو ماشه تایک درم -

ایا راج لقرطاف است از جنون و وسواس
دوار و صداع شدید و تشنج و شقاق دستها
و ج مفاصل و اختلاط عقل و فساد ذهن و استهلاک
نزول مار و حزام و برص و قوبا و فاج و لقوه و خلط
قنار اسکار سه مثقال فلفل کما در لیس هر یک پنج
مثقال زعفران مرصات سقمونیا هر یک دو درم
اشق درم عمل بقدر حاجت -

ایا راج شیخ السریس خریق درم شحم خنظل مثقال
گل سرخ نیم درم فلفل سپید مثقال زنجبیل و مثقال
و ج حاما اسارون حب بلسان حاشا صمغ ترنج
کرفس دو قوطی کوزه هر یک سه درم گاو زبان درم
تخم شامه تخم کوزه شک تخم بادرنجبویه تخم انج
نعناع خشک هر یک دو درم اقیهون دو درم

اکثیر البیدان عود غرق دو ماشه جوز بو البیاب
و ارچینی هر یک سه ماشه مصطک پنج ماشه برگ گاو زبان
شش ماشه غنچه گل سرخ هفت ماشه روغن غفران
دو ماشه گل بنفشه شش ماشه کباب چینی دو ماشه

بعل و چند بس باشند.

ایا سح مختص که تنقیه مرکب از فضول صفتی شغل بی است
و بلب و ده مثقال کند رطل سیاه و سفید فلفل و از
هر یک چهار مثقال زعفران صبر سقوی هر یکی صافی
حاشا اشق هر یک مثقال سقویا مشوی شش مثقال
عصاره استین و دو مثقال اسطوخودوس چهار مثقال
کما زریوس و دو مثقال عمل بقدر حاجت به تنور بر تیار یا
ایا سح فیقره ایست که عمد آن صبرست نافع از امراض
سر و طوبت معده و دوج مفاسل و قوی و قی و فالج
و لقوه و استه و خا و قفل زبان صفتی مصطک زعفران
سنبل الطیب حب بلسان عود بلسان اسارون سلخه
و ارچینی هر یک جز صبر سقوی مانند همه ادویه و بعضی
اطباء عود بلسان یک جز داخل می کنند و بعضی صبرا
دو وزن ادویه داخل میکنند بعل تمام بس باشند
شریعت و دو درم و قوت آن از شش ماه تا چهار
سال باقی می ماند.

ایا راج احمد سلیم که منسوب است بسلیم مولی عبدالله
بن ابی بکر نافع است از مره سودا و ادواج و رسم
و ادواج خصتین صفتی فلفل سپید رنجیل نمک
هندی قطعه هر یک شش درم اقیمن فربون چندیدتر
زعفران قرطی مصطک مازق و هر یک پنج درم سعد بن ارضان
خاستین زریز باد و رنج زرافه و طویل هر یک درم و عن بلسان
واب کافور هر یک چهار درم کوفته خجسته بر دغن بلسان آگ کوفته
مخلوط کرده بعل مصطک زعفران و لغوه سه چند بس باشند
بعل شش ماه استعمال نمایند و اگر نخواهند بقدار عدس

باب مرزنجوش سوط نمایند.

آب زین نافع از عین النفس که از خشکی شش که از حرارت
باشد لیکن تب نداشته باشد صفتی بنفشه خبازی خطی
گل نیلوفر تراشه که در آب شیرین جوش داده و چون
بنفشه طری بالایش بر نهند و در نیم گرم به نشانند
ابری که در درگروه را نافع است با لونه تخم شنبلی
برگ و گل خطی اکلیل الملک پوست خشتخاش چوب شایو
بکار برند.

امروسیا که نافع است مراستد استقا جدا و صنعت
گل و صنعت طحال و صلابت اینها را دمخ سد و است
حصاة کلیه و در بلبل صفتی دو قور پره کرمانی عید
بلسان سلخه قردمانا قحاح از خر تخم کرفش هر یک درم
و در بعضی نسخ یک نیم درم است و در فلفل قسطر فلفل
سپید هر یک نصف درم و صاف است و درم حب الغاوی
عسد و فی زعفران هر یک دو درم ادویه کوفته
خجسته بعل مازق و لغوه همچون سازند و در بعضی
نسخه مرید درم است شریعت مثقال باب گرم.

النقر و یا چون این همچون راجه اعظم بلاد است
نام نهاده شد النقر و یا که معنی بلاد است نافع است
برای صرع و فالج و لقوه و امراض و داخلی و حبش
و صداع و ادواج و صداع احلاطه سنبل الطیب
سلخه سازج هندی زعفران و درم ترکی شج
ارنی اقیمن قحاح از خر بلبل و چینی حب بلسان
قرطی هر یک دو مثقال حب البان مقشر رنجیل
هر یک دو درم مصطک عود الصلیب عمل بلاد فلفل

ج

هر یک سه درم غار لقیون دو درم صبر قوطی ده درم
ایر سببست درم پوست پنج بادیان سه رطل سرکه گند
سه رطل پوست پنج رازیان در سرکه سه شانه و پنج
و سه جوش و پندیس سرکه صاف کرده در دیک کنند
و بصل سه رطل و نیم با تش ملاکم بقوام آرند و ادویه
کوفته بخته بآن هم فروج سازند شربت یک درم آب
نیکم این است آنچه صاحب شفا فی نقل کرده لیکن
آنست که بجای ده درم و بست درم ادویه و ادقیان
گفته شود چنانچه در نسخه استادی رحمة الله علیه
نذکور است و از ترکیب جالینوس نیز چنان معلوم
و در آن غار لقیون سه درم است و بهتر آنست
که خل خرقه بقد سما منا باشد.

اکثرین نافع از فروج چشم اخلاطه شادنج مغسول
مروارید ناسته لیسو لوبال الحاس محرق مغسول
اقلیما فو هب هر یک درم کحل اصفهانی مرشیت
زرد الجهر هر یک درم بکوبند و در پارچه حریر بگذارند

باب السیار

چرخ مقوی دماغ و صفه ذهن نافع از غشی مخفقا
صفه غشود هندی قط شیرین صندل مقاصی هر یک
شغال مشک کافور ریاحی هر یک نیم شغال سوده
با گلاب سرشته بنادق سازند.

سجور که سیلان نزوات حاره را قاطع است صفه
شکر طبرزد با بلی جو مقشر و مخفص نجیساند و خشک کنند
سجور برای نقل سامعه و دوی و طنین و ریاح لایب
نافع است صفه مرزنجوش سداب افستین شجاک

صفه اسهل بالونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابره
چوشانیده در ظرف نوله وار کرده نوله را در سوراخ
گوش کرده سجور گیرند.

سجور جهت رفع احتباس طبع صفه شحم حنظل
شونیز کنندش میعه علك البطم هر یک جز غنبر شمس
نیم جز مشک زعفران ربع جز سوده بر دهن بنین سرشته
مقدار فندق در آتش انداخته از راه نوله بر جم رسانند.

سجور نافع از احتناق الرحم و منیر ولادت صفه
شحم حنظل قنا جا و شیر برابره گاد شربت سجور گیرند
سجور نافع از درد دندان که از نرله باشد صفه
پوست خنخاش غنبل الثعلب گل بالونه گل لاله
پنج لاله چوشانیده سجور گیرند.

سجور که قاطع است سیلان نزلات بارده صفه
کندر عود هندی سندروس و قسط البنی و این قه
سندروس و لبنی در این نسخه دخل نکرده است.

سجور لیث غش صفه حاشا پودینه برابره سرکه
جوش داده در بینی بخار دهند.

سجور نافع صداع حار مادی صفه بنفشه نیلوفر
قصبان خطمی جو مقشر نیم کوفته تراشه که در جوشانده
در پشت بیندازند و قدری روغن بنفشه یا
روغن گل انداخته سر مرض را به مندیل بسته
بر آن مشکوب سازند.

سجور سی که استادی علویان برای درخشا
که از نرله بود سجور کرده صفه بالونه اکلیل الملک
غنبل الثعلب مرزنجوش پوست خنخاش کشمش مشک

برابر سوده با شتراب اقراض بندند و وقت حاجت در دهن بخور گیرند.

بخور یکم همین فائده دارد و صفت زرنج صفر زراوند طویل سوده زرنج کا و بسرشد و جهان بندد بخور گیرند.

بخور یکم شیشه برآرد و صفت قسط هفت درم میب.

خشک چهار درم حب بلسان سه درم صمغ بطم دو درم جاوشیر دم خربق سفید فاوانیا هر یک دو درم شونیز تخم حبل هر یک منقال کند رده درم.

بخور طبری نافع از ربو که بعد از استعمال مسلمات و مقیات براسه دفع بقیه رطوبات شش و قصه بیه لطف است و صفت زرافه خشک کبریت آتش

نارسیده زرنج سرخ رانج پرسیاوشان صمغی ملک لایب اجزاء برابریه کرده بزرگداخته ادویه را سخن نموده

بران بخیته بنادق سازند و انگشت سوزان در قمع انداخته و بنده بران ننهند و از راه انبویه

گاسه بدین دگاسه از راه بینی بخور گیرند.

بخور حب اختناق رحم و تیسر ولادت نافع است و صفت تخم حنظل فیله جاوشیر برابریه سوده بزره گاه

بدستور بخور گیرند.

بخور حب در دندان و مواد نریله صفت پوست خشک غلبه الشطب بالونه بچ لاله زرا بنج کلید ملک

مرزنجوش برابریه بدستور بخور گیرند.

بخور نافع از ربو و سرقه بلغمی که فی الحال نفس را توسع کند و صفت زراوند حرج مرصاف میب

قنه وزن برابر زرنج سرخ برابریه سوده و برابریه

پوست بچ لاله کل بنفشه جوشانیده سرپوش از دوسه گرفته بر خساره بخار بدارند.

بخور برای ثقل سامعه و دومی وطنین و ریح نافع و صفت مرزنجوش سداب افستین شیخ ارمنی صغیر اهل

بابونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابریه جوش داده بخور کنند.

بخور برای استباس حیض نفع کند و صفت تخم حنظل شونیز کش میوه ساکه ملک البطم هر یک بزر غلبه شرب

نیم بزر خشک زعفران ریح جز سوده بروغن زرنج سرشته بقدر فندق استعمال نمایند بنوعیکه برحم برسد

بخور نافع ربو بود و صفت مر قسط سلین زعفران سوده شتراب سرشته اقراض نمایند.

بخور واقع در گوش که از نریله باشد و صفت پوست خشک تخم خشکاش مرزنجوش چوب چینی هر یک توله

بزر البنج و دواشته پوست بچ لاله سه دانه بخور گیرند.

بخور برای طرش و صفت افستین رومی و رقیقه جوش داده بخور گیرند.

بخور دفع صداع بارد و مادی و صفت مرزنجوش پودنه بابونه اکلیل الملک فیصوم شبت شیخ نام حب الغار

جوشانیده بخور گیرند.

بخور نافع دومی وطنین مع ثقل راس و ضعف سمع و صفت مرزنجوش شیخ افستین پودینه صمغ جوش داده

در گوش بخور گیرند.

بخور نافع زکام و نریله باردان و صفت بابونه اکلیل الملک مرزنجوش جوش داده بخور گیرند.

بخور نافع ربو و ضیق النفس و صفت سرسلین قسط زعفران

بروغن گاو سرشته خوب سازند و زیر قمع گذارند
دود او در خلق گیرند -

بخور نافع بواسیر وقت جریان خون صفته
تر بد زنج سرخ بآرد و زیر انگشت پشتک شتر
بخار دهند -

بخور نافع از دوسواس سوداوی صفته کند -
سندوس سنگ جراحت مقل از زین پوست
خطل کبریت سفید تار بمل شب یانی مرکب دزن
تار بمل بهشت ماشه و دزن دیگر ادویه چهار بار باشد
بخور نافع از ورم خصیه صفته گل بنفشه عسل
برگ سنبل الوگل بابونه هر یک توله جوشانید و بالا
چوکی نشسته بخور گیرند -

بخور نافع از درد دندان صفته زبرالنج عسل
کشنیز خشک برابر بر آتش گذارند و دود دندان
رسانند -

بخور نافع بواسیر صفته انزروت راتیج
پوست خوب توت -

برود عبارتست از چیزیکه از سردی چشم شود
برود کافوری نافع از حرارت چشم در حرار
صفته طویا مغسول پنج درم کافور قیر اطسوده
برود خصرم و طویا سحی کرده باب خصرم مغسول
ساخته در آفتاب خشک کند باز سحی کرده استعمال
نمایند حرارت چشم و سیلان و معر النفع کلی بخشد -

برود خصرم حار نافع از سیلان و رطوبت چشم
در جرب و سبل و دمه صفته طویا عروق انفسه

بلبله زرد و هر یک ادویه زنجبیل دار فلفل با سیران
هر یک نصف ادویه نمک اندرانی دود درم و گاسه
نمک هندی هم داخل می کنند ادویه سحی کرده بریز
گذرانیده باب خصرم غسل کرده خشک نمایند
بعد از آن باز سحی کرده بکار برند -

برود وین نافع از قلاع و ورم حلق و دانه
وین و سقوط لهما صفته بسیار پنج درم طباک
سفید درم زبرالنج عدس مقشر هر یک چهار درم
کافور و دانه تخم گل سه درم کوفته بجفت
در وین وین بدیند -

پرشعشالطاف سربانی ست بمعنی بر السلسله
چون اوجاع صعبه را در ساعت ساکن می کنند
سسه شد بدان جالینوس گفته که من آنرا در خواب
دیدم پرسیدم از او گفت من از ترکیب افلس
رومی طرکوسی ام و خاصه من آنست که حائل می شود

در میان موت و مراد از اوجاع ملکه و در من
خواص بسیار اند و بعضی از خواص من سیلان
نزلات و کثره الضباب آن سوای اعضا
پرشعشالطاف کی فلفلین زبرالنج سفید هر یک
بست درم افیون ده درم زعفران هفت درم
سنبل الطیب عاقر قرحا هر یک درم کوفته بجفت
بجسل سه چند بقوام آرد بعد دو سال استعمال نماید
وقوت آن تابست سال بانی ماند الطاف کی
گفته که شربت از آن تا دود درم است و آنچه به تجربه
رسیده است که اینقدر می کشد کسی را عادت بر آن

نذاشته باشد و این صداع فرس و سیلان نزلات
و اسهال و بعضی اوجاع را در ساعت نافع است
و اوجاع و مفاصل را در یک اسبوع و نزلات را در
یک ماه -

پاشویه غلب الثلب گل خطمی سپید زده خشک
اکلیل الملک سیوس گندم حاشا هر یک دو توله
جوشانیده صاف نموده پاشویه نمایند
دیگر برگ بید برگ بنفشه گل خطمی سپید آرد جو
گل نیلوفر یک توله جوشانیده پاشویه نمایند
پاشویه برگ بید گل بنفشه برگ بنفشه آرد جو گل نیلوفر
کثیرا هر یک توله بدستور پاشویه نمایند -

پرشعشش ابو البرکات نافع است از امراض باره
و امراض قلب و معده و سرد و صفت فلفل سپید
قاشه از خشک قوه الصاعین بزرالینج سفید قش
ازرق هر یک ده درم زعفران تراوند طویل غفل
مشوی خطیانا رومی حبه و خطای هر یک چهارم
حب النعار فیون مرصاف هر یک هفت درم سنبل
رومی چندید بتر یک درم فویدین درم کوفته بختی بسل
سه چند ادویه مجنون سازند -

پرشعشش الطاک بر نسنه دیگر نافع از نزلات باره
صفت فلفل سپید بزرالینج سپید هر یک ده درم
افیون چندید بتر هر یک مثقال زعفران دو درم
ونیم عاقر قرحا سنبل الطیب سلینج زربنا و بهمنین
عود هندی هر یک درم فویدین نیم درم تخم خشخاش
نیم مثقال عود بلسان و مثقال کوفته بختی بر وزن

بلسان یار و غن زیت چرب نموده لعسل سه چند
ادویه بقوام آرند -

پرشعشش ناشمی نافع از نزلات باره صفت
افیون پنج درم زعفران نیم مثقال فلفل مثقال معطلی
کند - دارچینی هر یک دو مثقال کوفته بختی لعسل
سه چند بقوام آرند -

پرشعشش قوی النفع از نزلات باره صفت
مرصاف زعفران یک مثقال فیون خطیانا صر هر یک
ده درم گل مختوم فیون چندید بتر غار فیون پنج
سنبل الطیب هر یک سه درم حب النعار قصیه
دارش شیجان عصا سه حبه اقیس هر یک
پنج درم تراوند طویل ریوند چینی حماما اسارون غن
بلسان هر یک نیم درم عصارات و صمغ و مثقال
حل کرده دیگر ادویه کوفته بختی همه را بعسل
چند بقوام آرند -

پرشعشش دیگر نافع از نزلات صفت خطیانا
سلینج دار فلفل چندید بتر هر یک چهار درم
قحاح از خرسنبل الطیب تراوند طویل هر یک
دو درم زعفران دو درم فیون پانزده درم فیون
تخم کرفس پوست سیج کرفس هر یک بست درم
فلفل سپیدی درم قسطم قوه اسارون هر یک
ده درم زنجبیل خشک مرابا فودنج بری هر یک
هفت درم روغن بلسان ده درم کوفته
بختی لعسل سه چند بقوام آرند و شربت این
و نسخه آخر براسی طیب است -

بر ششها چالینوس فلفل سپید بزر الیچ هر یک
بست درم افیون ده درم زعفران پنج درم
فریون سنبل الطیب عاقر قرحا هر یک درم با
چند غسل بسترند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربت تا سه نخود -

پیر رقه تخم حلبه تخم کتان هر یک توله ریوند شش
کنند و با نه نشاسته سه ماشه انزروت یک نیم
سفید تخم مرغ دو عدد و روغن کتان سه ماشه شیر
پیر رقه طبع حلبه توله طبع کتان درم ریوند توله
کنند ماشه نشاسته ماشه سفیده تخم مرغ یک عدد
انزروت ماشه روغن کتان ده درم شیر بیاخت خرد
لشحه و دیگر فلفل سپید بزر الیچ هر یک سی و هفت
و نیم مثقال افیون و زعفران هر یک پانزده مثقال
فریون عاقر قرحا هر یک شش درم غسل سه وزن ادویه
بلادر کبیر نافع فالج و لقوه در عشه بلکه تریاق
جمع علل بارده است صفت زنجبیل عاقر قرحا
شونیز فلفل قط دار فلفل و ج هر یک ده مثقال
برگ سداب سحطیت جنطیانا زرا و در حب افا
جند بید تر خردل هر یک پنج مثقال غسل بلادر پنج مثقال
و ثلث سوده بروغن کر دکان جرب نموده غسل چند ادویه
بقوام آرند و در لشحه خجیب الدین سمرقندی همه
اجزایا السویه و غسل سه وزن ادویه -

بنام و قات بناوق مسکن الوج در قوالج بارد
صفت چند بید تر ناخواه شونیز زیره کرمانی
افیون بالسویه بناوق سازند هر یک دودانگ -

بنام و ق که بقولج شد بید عراری که منصف هم داشت باشد
نفع جشد صفت تخم خرفه تخم کامپو افیون برابر سوده
بلعاب اسفول بناوق سازند هر بندق دودانگ -
بنام و ق که گرم شکم برآرد صفت منفر بزرگ کابلی
پوست آله لیلیه زرد هر یک نیم درم و نیم ترید سفید
دوازده درم فانیله چهارده درم ادویه کوفته بیخته
بقوام فانیله بناوق سازند -

بنام و ق برای سوزش بول بلادره صفت
منفر تخم خیابین منفر تخم کدو تخم خرفه مقشر تخم
خشخاش سفید هر یک هفت درم نشاسته کترا
رب السوس هر یک دو درم منفر تخم شربتیه
هشت درم بزر الیچ سفید یک نیم درم سوده بناوق
بنام و ق که نافع است مرقوح و سوزش بول
صفت منفر تخم غیب بزره منفر تخم خیابین منفر تخم کدو
هر یک بست درم صمغ عربی لاجورد درم الاون
هر یک ده درم افیون سه درم بزر کر فس درم و در
بعضه نشحه تخم کر فس سه درم افیون یک درم
سوده بناوق سازند -

بنام و ق نافع جرب آلات بول صفت منفر تخم کدو
تخم خرفه پنج درم منفر تخم خیابین و ونیم درم
منفر تخم خشخاش سفید تخم خرفه تخم غیب بزره بزره
کثیرا نشاسته رب السوس گل ارنی تخم
کر فس هر یک یک نیم درم بزر الیچ نصف درم
شربت سه درم شربت بنفشه -

بنام و ق البزور که پیش از نصیح و خروج یستعمل

صفته مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه تخم کاسنی
 مقشر تخم خطمی بارینگ با سویه سوده بناوق نمایند
 شربت سه درم بجلاب صبح و شام استعمال نمایند
 بناوق البزور که بعد از بعل کرند صفت
 مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنج درم
 مغز تخم کدو تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیر انشا
 رب السوس گل ارشی دم الاخوین تخم ششخاش سفید
 تخم کرفس هر یک دو درم کوفته بخیته بناوق سازند
 و با شیر و تخم خربزه و توله و شیر و خاز شکست ماشه بعل کرند
 بناوق که چون در دهن نگذارند مانع شود سیلا
 نزلات را صفته افیون زعفران میوه سالک برآ
 وزن سوده بناوق سازند و در دهن نگذارند
 و لعاب پیندازند
 بناوق لقا مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه کثیرا
 طباشیر سفید صمغ عربی کندر گل ارشی بلوط بوداده
 تخم حاص بوداده هر یک چهار مثقال افیون زعفران
 تخم کرفس هر یک درم سوده باب کالنج و پوست تخم
 بناوق سازند
 بیدار لیتون نافع از نفخ و برودت معده صفته
 زعفران کاشم تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چغره
 هر یک شش درم مغز بادام شیرین لبان دکر
 هر یک دو درم فلفل سه درم کوفته بخیته بعل
 سه چند بقوام آرند
 بنفشه مر با نافع از سرفه گرم و از خشونت ریه
 و خجروه و ملین سینه صفته بنفشه تازه خرس بود

آن گرفته با شکر طبرزد و در قوق هموزن نیکو مالیده
 در آفتاب بگذارند باز یک چند شکر نیکو بیندازند
 و ببالند و در آفتاب بنزد چیل روزه بگذارند بعد از آن
 شکر طبرزد یک چند بر آن گذاشته باز بگذارند و باز از
 آفتاب بردارند
 با سلیقون نافع از علت چشم و تاریکی بصر اقلیسیا
 طلاوه درم نخاس سوخته پنج درم سفیداب از زیر
 طخ اندرانی هر یک دو درم نوشادر چغره فلفل و فلفل
 هر یک درم کف دریا آشته قرنفل هر یک درم
 نیکو صحت نموده استعمال کنند
 با سلیقون نافع از نزول ما و قاطع و معده و جالی
 بصر و صالح مشاخص صفته شادنج سرکه صفرا
 اقلیسیا طلا سافج هندی سورتجان مصری طوطیا
 نخاس سوخته صبر تو بال نخاس زعفران هر یک
 دو درم فلفل و قرنفل نوشادر هر یک درم بختور
 مقرر صحت نمایند
 با سلیقون نافع از عارض چشم و تاریکی چشم صفته
 اقلیسیا طلا آشته کف دریا هر یک ده درم نخاس
 سوخته شش درم نمک اندرانی سفیداب از زیر
 نوشادر سافج فلفل سنبل کحل هر یک دو درم فلفل
 جوز بوا آشته هر یک نصف درم کافور دانگ
 بدستور صحت نمایند
 با سلیقون الملک جالی چشم و اگر در حالت صحت
 هر روز یک مرتبه یا یک روز در میان استعمال کنند
 فقط صحت کند صفته اقلیسیا طلا کف دریا هر یک ده

صخره سوخته پنج درم سفیداب از زیر بلخ اندر آن
هر یک سه درم نوشادر و دار فلفل هر یک دو درم
قرنفل آشنه هر یک درم فلفل چهار درم کافور صفت
درم بدست و کحل تیار نمایند و دیگر نسخه با سلیقون
که شفای دو دیگر ذکر کرده بعضی این عاصی نیامده
اینجا ذکر نکرده -

پالوده چوب جینی دو توله سائیده خصیه الثعلب بصر
نیم توله صلیب کرده با شیر و نبات و گلاب بقدر حاجت
بنزند و در عفران نیم دانگ عنبر نیم دانه سوده داخل
دیر است محو و مزاج کشاسته و لعاب بهر آن داخل کرد
پالوده بنیزند لیکن عنبر و مشک داخل نباید کرد -
نسخه برای شقاق دست و پا صفت چندی کرده و
شخم مکدی و سیر سفنانخ نیم سیر بهر آن موم کافوری
مکدی توله برگ نیم نیم پاوشا بهتر نیم پا و گل خطی دو توله
سنبل الطیب سه توله جینی کرده بزیک آنرا از چینه
با برگ دار و از کد آب کشیده و دیگر ادویه را با آب
شیره گرفته جینی را اول گذاشته یا موم انداخته صاف
نموده شیره مایه و مخلوط کرده با کش ملائم بچونشانند
تا غلیظ شود -

پیرلوما نافع است بابتدا و رمد و با صلاح آورد
فرسن را صفت اقا قیاسه و شش درم اقلیمیا طلا
بست و چهار درم شمس سوخته مسحوق مضبوط بنیزه
درم نیکو مسحوق نموده بشرب عطف برشته شیان سازند
بر سه الساعه بوزن فلوس خیار شرب نشیر گادیا آب
جوش داده غرغره نمایند انشاء الله تعالی در یک شب

از خناق شفا شود لیکن فائده این در ماده قلیس
زود ظاهر شود و دیگر زاج سفید بریان کرده لود
افینون هر یک جز سوده در پارچه بسته بگذارند
در همه وقت آب تر کرده بر چشم بگذارند -

بر باد فخر زجه سرطان رحم داسنگ ده درم پیپه
رو باه تازه پیپه خنجر موم هر یک چهار درم روغن
گل سرخ ده درم موم را در روغن گل انداخته
باقی ادویه بر آن بپاشند و با صوت کحل استعمال نمایند
و دیگر نافع از درم حار صفت موم سفیده درم
روغن گل سرخ بست و نیم گداخته آرد با قلا و شیان مسا
خطی آرد و هر یک درم کافور ربع درم در آن بنیزانند
و مخلوط کنند و با آب عنبر الثعلب و کشنیز توله -

باب الکسار

ترباق فاروق مجنون جلیل القدر است و موجب
خلاصی موت که از نیش هوام قتاله عارض میشود
فیلوسف با عیوس نام آنرا امض برای نفع موم
نیش هوام قتاله ترکیب کرده چون جالینوس
تامل کرده در ترکیب آن و در طبائع ادویه آن
منافع و محاسن آن از قوت اعضاء ربکیسه و آلات
آنها و دفع سموم دانست که در امراض هم فائده خواهد بود
بلکه حفظ صحت هم خواهد کرد و اسباب محدثه و مندره
امراض دور خواهد شد و در هر امر سه ازین امور در
هر مرض ازین امراض شریسته مقرر کرده و کیفیت
استعمال ادویه اشیا به عمل بد و تجویز نموده و
با استعمال در آورو چنانچه بهیجان یافت پس باین

محاسن و منافع آن و سبب استعمال در امور مذکوره
بر طبق آن منافع و محاسن ظاهر گشت و هرگاه
عمود این همچون لحم افغانی است و خاصه آن چند
سمیت است از اعفانه رتبه و آلات آن نام
رناده شد تریاق و چنین گفته که اجود نسخ و اکمل
اینها این است همون اینجا ذکر کرده میشود و حضرت
اقراص اسفیل چهل و هشت مثقال و در عسر
جالیئوس چهل و شش مثقال بود و از در چینی
بست و چهار مثقال اگر چه اولین دوازده مثقال
میگرفتند اقرص افغانی و اندر چون هر یک دوازده
مثقال لیکن حکیم با عیوس بست و چهار مثقال
میگرفت و بزرگوار دوازده مثقال تخم شلغم بود
ایر ساغاریون رب السوس روغن بلبان یک
دوازده مثقال مرزنجیب زعفران ریزه چینی و قند
الاوراق فودنج جلی فراشیون کرات جلی
قطر سالیون اسطوخودوس قطر فلفل سفید
دار فلفل کندر گزنه شکر اشبع قنار اذخر سلیسیه
سنبلی جوده هر یک شش مثقال لبنی بزرسیا یک
تخم کرفس حوت کما ذریوس ناخواه کما فیطوس
عصاره لیمه انیس شمع جلی سافج هندی خطیانا
تخم زرازیان گل مخوم زاج کم بریان حساموج
جلیان هو غاریون فوه صمغ قرمانا انیسون قافیا
هر یک چهار مثقال و قواد قیقل الیود و در نسخه
دیگر فقر الیود جاد شیر قطر لوان و قیق هر یک مثقال
زراوند حرج و قدما زراوند طویل داخل میکردند

چند بیدستر هر یک مثقال و غسل که از گس که از خاشا
خوراک او باشد و پاک کرده باشد و شراب ده رطل
مطبوخ عقیق طیب الراسخه حلو الطعم سه رطل و نصف
رطل ادویه نیل کوفته صمغ و عصاره است در شراب
بچینسانند تا آنکه شغل شود پس مطبوخ و غسل بران
ریزند و یک شب و روز در همان قسم بدارند و بعد از آن
بر روغن بلبان است کرده بدان بکشدند و در ظرف
نقره یا مینی یا ظرف رصاص بگذارند و ظرف را در آتش
خالی بدارند تا آنکه منفعت او خال مطبوخ آنست
که تریاق زود فاسد و متغیر نشود و خصوص عقیق طیب
که نافع است از گزیدن هوام و سموم قاتله و شستی
و مقوی معده و محلل بلغم دواغ نفخ شکم و امعا
و غسل صفا موجب حفظ قوت ادویه و جودل آنست
بدن و تفریق و تزیج اجزاء ادویه و کاسه که اخته
ادویه در همه معاجین اما با وجود اینها بکسر سینه را
پاک میکند و از گزیدن هوام و سباع و سنگ دیوانه
و سموم قاتله چون خشخاش سیاه و تخم و طر و انچه بالا
ذکر یافت چه اگر چه هوا مانده شیشه و از معلق رودت
و در معاجین مانند نخاس و از جذب قوت و امانند
مخارخرست و امتحان تریاق آنست که اگر تریاق
مقدار با قلع عقب مسهل قوی دهند قوت مسهل کم
میکند و اگر یک بری الا مار اول بکشدند پس بعد تریاق
آن دیگر نمیرد بخلاف دیگر خاکی که بسبب رنج و گشت
و عدم صلاحیت در روز و در هر اثر میکند فاسده
تریاق امراض بار در طب و امراض سودای چون

فالج و لقوه و سکت و صرع و وسواس و جنون و برص
و جذام و تشنج مفاجیل و عرق النساء نافع است
و مزیکی خواص و محرک کلهوات است و نافع است جرب
و سبل را و سرطان و اورام صلب و سدد جگر و ج
کلیه و ضمت آن و استسقا و نزف دم و فواق که بعد
استفراغ عارض شود و دارد آنم و جمیع اصناف
در دمقعد و القطن و صورت و نیربان و سدد و جذ
و جمیع انواع سوء مزاج و اسهال و دومی و خسل
شش و منقطه زبان و اورام رحم و صلابت آن
و سبوق و تقویت اعضا و بدن میکند و چیزیکه حالت
بدن را من شعله و سائر و قوی و سنگ شاز و
گروه و استرخا مفصل را فائده بخشد و شربته
آن از کتب قدیمه و قرابا دینها معلوم است لیکن
درین وقت استعمال او ستادی رحمة الله علیه
انیک داشته تا سه و قوتش تا سی سال باقی بماند
بعد شش ماه استعمال نماند و صبیان را ضرر دارد
تریاق عذره نافع است از سم و ج فلیط که در
احشا باشد و ادجاع جگر و طحال و صرع و خفقان
صفت حمام سنبیل ساونج لک مغسول مامیشا
قرنفل زنداوند چینی فمبولیا قسط جنطیا نارومی هر یک
دوازده مثقال ققاع اوخر عصاره لیمه النیش مکر
ازرق هر یک بست مثقال عاقر قرحا و چینی رازی
که بریت خام تخم شبت اسارون قرومانا فریبون افیون
نار دین ققاع گرم برگ باطل تخم کرفس جیلی و قوفا
سنبیل رومی هر یک سه مثقال کثیر اختشاش سفید

خلف سیاه هر یک سی مثقال پیرالبیج بست و هشت
مثقال سیخ و ورق گل سرخ اقراص اندر چون هر یک
نه مثقال تخم سداب مثقال حب اترج مفتر سباق
شامه شفته هر یک ده مثقال روغن بلسان بست
و چهار مثقال سنبیل رومی سه مثقال ققاع مرچبار
مثقال و نصف عصاره قیوم بست مثقال برگ
ترنج سیزده مثقال صمغ و عصاره راد و ثلث
بنجیا ساند و اوید بکوبند و لعسل مصفی سه چند
بقواهم آرند و مد نظر چینی نگه دارند و بعد شش ماه
استعمال کنند و قوتش تا هفت سال باقی بماند و
شربته تا مثقال -

لقاضیه منومه مرکب صافی افیون زعفران افش
آرد جو هر یک جزا دوی کوفته بخند به گلاب
سرشته بشکل لقاضیه ساخته بپویند -

و یکم سونج برگ بروج پوست بروج پوست
خشخاش برگ خشخاش گل خشخاش مرکه صافی
هر یک جز صمغ عربی و جز سوده بکلاب سرشته بپویند
لقاضیه منومه افیون پوست بروج آرد جو
صمغ عربی برابر وزن سوده بکلاب سرشته تا
ساخته بپویند -

تریاق اربعه در منہاج و کامل گفته که نافع است
از سم ذات السموم و ریاح غلیظ معده و اسه
و ادجاع کبد و طحال و صرع و خفقان و شربته آن
مثقال باب سر و در شفاقی باب گرم و لوفیق
تکمن است صفت جنطیا نا حب الغار زراوند طویل

مرصاف هر یک جز کوفته پیخته بجز بیک گزاری نیند
بجسل مصفی سه چند بقوام آرند قوشش تا دوسا
باقی ماند

باب الثانی

ثلثا یا نافع است از صرع و سکت و فاج و لقوه و
تشنج و رعشه و قرق و خبث النفس و خفقان و از
در شکم و درد مفاصل و درد رحم و محافظت جنین
میکنند و مالغ از سقوط حمل و از صداع و شقیقه سوطا
صفه مشک خالص و درم و در نسخه دیگر درم
مر و ارید ناسفت ده درم ورق طلا و ورق لقره
هر یک نیم درم زیت نیم درم ابریشم خام سوخته
چهار درم زعفران ده درم قرنفل سنبل الطیب هر یک
هشت درم دلق و سانج هندی هر یک نیم درم حب
بلبان و دو درم سیاه غیر مفرده درم فلفل سفید
زنجبیل پنج شنبه هر یک چهار درم قطان هشت درم
جوز باده درم چند بید شسته درم فریون دو درم
قشاح از خروده درم تخم شنبه خطیانارومی قشاح
لسان العصاره هر یک چهار درم عیدان پریا و شاک
هر یک هشت درم نمک هندی چهار درم قاشق
هشت درم بزر رحمل هشت درم تخم راز یا نه شش
شونیز نیم درم سقر فارسی چهار درم زوفا خشک درم
زاج الاسافه نصف درم اشنان بنطی تخم کرفس سه درم
اشنه کبریت زرد هر یک دو درم سرگرن گاو شیردار
و پشگل بنیر شیردار هر یک دو درم بادا و در هفت درم
تخم چمیره درم اصل چار درم فلفل سیاه و فلفل

بزر الیچ سفید فیون هر یک بست درم عاقر قرحا
چهار درم بندق بزاب المربعات درم ریونیز چینی
هشت درم تخم دو قوده درم بندق هندی چهار
درم تخم انجوره چهار درم اکلیل الملک چهار و نیم درم
بزر قطونا بسد هر یک چهار درم و دو دانگ ققر الیچ
چهار درم کافور خربوق سیاه سعد پیچ ساکنه بامیران
چینی تخم بلهون هر یک دو درم اصالح صفر دار شیشا
پریا و شانج کاسنی هر یک دو درم حب حلب
دو درم پنج خردل سفید و دو درم مارالسوس و مارا شوب
هر یک درم پوست پنج گز نیم درم بزار خسان سپتا
هر یک چهار درم ادویه منقوعه بشرباب ریجانی کنده
یا انچه قائم مقام اوست چیسانند و ادویه قابل
سخن کوفته پیخته بجسل مصفا سه چند بقوام آرند و در
طرف زجاجی نگهدارند بعد شش ماه استعمال کنند
شراب یک بخود یا آب پوست پنج بادیان پنج کرفس

باب الحیسم

جوارش بزر و بست تقویت معده و هضم طعام
و تقویت سده و تقویت جنین صفه کوفنی کرمانه
ناخنک که دریا صطک هر یک درم انیسون تخم کرفس
قرنفل اشنان خشک سعد کوفنی زربنا و گل سنگ
هر یک درم نمک سفید بر بادویه خوراک نیم توله
جوارش با کثر اخراج بیلد بیلد آله هر یک درم
عود خام ده درم بادام مقشر مغز تخم خیار مغز تخم
باد رنگ مغز تخم خربزه اشنانش هر یک پنج درم
دو وزن ادویه شربت نیم توله

جوارش زنجبیل زنجبیل و درم صمغ عربی الایچی
کلان هر یک ده درم قرفل دارچینی هر یک پنج درم
جوزبوا کلان یک درم زعفران یک درم نشاسته
چهل و دو درم شکر و چند ادویه -

جوارش عود سنبل الطیب یک درم سنبل رومی
انیسون تخم کرفس مصطکی هر یک درم عود غرقه سه درم
قرفل دو درم بسیار یک درم قرفه مشک هر یک
دو درم بلبله کابلی یک شب در شراب انگور سه
شکر ده بریان نموده و در نیم درم فرخنجشک و نیم درم
جوزبوا یک نیم درم مریاجوز سه درم گل سرخ نیم درم
قصب الزیره سه درم رب به سه وزن ادویه بپوشند -
جوارش طباشیر یک درم گل سرخ سه درم سماق سه
درم گلزار قافله هر یک یک درم مصطکی عود هر یک یک درم
و نیم رب به بپوشند و اگر شربت انار ترش سه
داخل نمایند مضائق ندارد -

جوارش دارچینی عود راسن هر یک شش درم قرفل
فاضل دار قفل سنبل اسارون هر یک پنج درم زنجبیل
یک درم نشاع پنج درم الایچی کلان دو درم کبابه
دو درم خولجان دو درم مصطکی سه درم بادبان سه درم انیسون
درم سیاه سه درم عسل نبات هر یک یک وزن
ورج وزن ادویه -

جوارش کافور زنجبیل فاضل دار فاضل دارچینی قرفه
ساج سنبل شیطان جوزبوا صندل حب بلبلان قافله
صفار بسیار قرفل خار شک طالبی طباشیر سعد
عود خام هر یک جز کافور ثلثی جز شکر بوزن برابر

یک نیم وزن ادویه علی الریم مجون سازند -
جوارش انار رب به رب انار ترش هر یک پادسیر
ساق دو توله زرشک دو توله صندل یک درم ورق
لقره شش باشد شربت فواکه نیم سیر در بهار انگلاب
بقوام آرند و اجزا را بدان بسپارند شربت زرد درم تا دو درم
جوارش عود دیگر نفع کند از صنعت کبد و خفقان
و مقوی معده صدفه عود هندی سنبل الطیب
مصطکی رومی قرفل پیل بواجوزبوا هر یک دو درم
بلبله کابلی قرفه بزرگ کرفس انیسون از هر یک یک درم
پوست اترج بسیار زعفران زنجبیل از هر یک
نیم درم کوفته بخته بصل صفای جوارش سازند و اگر
در حلق به لطین باشد شک المسک نیز داخل نماید
باد زنجبویه زربناد از هر یک درم مشک قتی قیاس
بازا و هر سه مثقال ادویه نیم مثقال -

جوارش عود مختصر فقیر صدفه ابر نیم خام دانه
توله عود غرقه توله پوست اترج پوست درون پوسته
دارچینی پوست صندل هر یک نیم توله نیم کوفته
در پنجاه توله آب و پنجاه توله گلاب و پنجاه توله عرق
بید مشک یک شبانه و زخیا سازند روز دیگر با کش
ملاکم جوش دهند تا بنصف رسد صاف نموده و نبات
هشت توله عسل ده توله در و حل کرده بقوام خمیر آرند
گل گاو زبان مر و ایدرنا سفته عنبر ورق طلا ورق لقره
ساج هندس طباشیر مصطکی بهمن سفید ابریشم
مقرض مشک هر یک نیم توله کوفته بخته بدان
بپوشند و مجون سازند -

جوارش خود دیگر خود خام پنج درم پوست اترج
قرنفل مصطک بیا سه هر یک سه درم قاقله کبیر
سنبلی الطیب قره الطیب هر یک دو درم زعفران
یک مثقال جوز بوازیجیل دار فلفل از هر یک یک درم
نبات سفید و وزن ادویه بدستور مرتب سازند
شراب دو درم تاد و مثقال -

جوارش دیگر خود قماری خام غنچ گل سرخ منوع
الاقطاع هر یک یک درم بیا سه قرنفل
هر یک نیم درم شکر نیم من ادویه را کوفته بچینه شکر را
بگلای حل کرده بقوام آرند و ادویه بآن بسپارند -

جوارش خود ترش الاستاوس معتد الملوک سید
علوی خان رحمۃ اللہ علیہ مفرح و مقوی معده
و قلب و دماغ است و معده را که ویران و مضطرب
مخلوط بیاغم باشد سود دارد و موافق جمیع امراض
و اسنان و در هر بلده و هر فصل نافع است و
دل تنگی و خفقان را از اکل کند و بالخصوص لیا مرقی
معده می سود دارد و اسهال مقوی و معده را که
حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع است و معده را
باصلاح آورد و کسالت و خمار را از اکل کند و بالخصوص لیا مرقی
و مقوی را سود دارد و اسهال مقوی و معده را که
حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع است و تحلیل
انجمه دهد و منع صعود انما بدماغ نماید و ریاح را نکند
و نفخ دور کند و صفت آب سیب شیرین آب
سیب ترش آب به شیرین آب به ترش آب
زیتک آب کیل آب انناس آب امرد آب نارترش

آب انار ترش از هر یک بست پنج درم آب لیمون
آب اترج گلاب عرق صندل عرق گاوزبان عرق
سید مشک هر یک سی درم نبات سفید و در طبل
عسل مصفا نیم درم طبل کثیر انگبین خالص نیم درم طبل
خود قماری عرق خام هفت درم خود قماری زناشته آب شیم
مفرح پوست بیدون بسته طباطبائی سفید صندل
و سرخ نشا نشته غنچ گل سرخ قره صندل کبیر
پوست اترج بادرنجبویه فرخ مشک درونج عطر
دار چینی و انیسون از هر یک چهار درم زعفران یک درم
کافور فیصوری نیم درم خرباشه شب مشک تبخیری
از هر یک دو درم اول مرتبه آب میوه با سواک
آب لیمون و آب اترج و عرق را با نبات و
عسل گزنه انگبین یکجا کرده بچوشانند و کف آنرا
بگیرند و بیا لایند پس بقوام آرند و با سواک ملائم
که آب میوه با سواک نشو و طبع نگردد و بعد از آن پس
اندک اندک آب لیمون و آب اترج داخل نمایند
تا تمام آب لیمون و آب اترج را تشریف کنند
و بقوام بحال باشد پس ادویه را داخل کنند و اگر
خواسته باشند ورق طلا و ورق نقره محلول
از هر یک نیم درم داخل نمایند بهتر است
شراب مثقال -

جوارش خمیره بهی مقوی معده صفت
خمیره سی و دوازده توله قاقله دار چینی هر یک توله
مصطک سه توله کشتیریک توله خمیره صندل و قاقله
سه توله بخیل نیم توله زعفران نیم توله ورق نقره و ورق

ورق طلاسه باشد مشک گلاب بجز حاجت -
 جوارش غنیمت قاقله صغار و کباب بسیار دار چینی هر یک
 چهار درم پنجیل و ار فلفل مشک خالص هر یک
 ده درم و واه مصطک قره قرنفل زعفران هر یک بست
 درم غنیمت شب یک توله جوز بواج درم غسل یک چند
 قند سپید چند -
 جوارش مصطک بلین و مقوی معده صفته شربت
 یک رطل مصطک روی سیرده درم تربید سپید بست درم
 گلاب مقوم پنجاه درم شربت از سه درم ناده -
 جوارش کونی زبیره سیاه بریان ده توله فلفل پنج
 توله زنجبیل پنج توله عود و توله قرنفل دو توله مصطک
 یک توله غسل پنجاه توله قند پنجاه توله سرکه انگور
 بست و پنج توله آب پودینه باغی بست و پنج توله گلاب
 و شیشه مشک یک توله غسل و سرکه و قند و آب پودینه
 و گلاب با هم بقوام آرند -
 جوارش کونی محلی صفته صندل فلفل هر یک
 سی مثقال زنجبیل یک سداب هر یک چهل مثقال
 پودینه باغی دو مثقال پوره ارمنی ده مثقال غسل
 سه وزن ادویه -
 جوارش کونی اکبر صفته زبیره مدبر هفت و توله
 فلفل سی درم که هشت توله باشد سداب زنجبیل
 هر یک چهل درم پوره ارمنی ده درم سیخه دار چینی
 قره حب بلان سنبل مصطک هر یک چهار درم تربید
 مجوف کلینیم وزن ادویه و اگر خواهند قوی تر باشد
 تربید و برابرا جزا کنند و بعد از اصفافه تربید غسل

سه وزن ادویه بقوام آرند و بسترشند و اخیاب و غن
 بادام یار و غن مسکه چرب کنند -
 جوارش عود دیگر که بادار و دفع کنند و خفقان و دل تنگی
 و وحشت زانک سازد صفته عود و هندسی را زیاده
 تخم کرفس و ج سنبل هر یک شش درم بسیار
 نای مشک سعد کونی قرنجشک زرنب زرنب و
 هر یک سه درم دار چینی زنجبیل قرنفل مصطک هر یک
 چهار درم گاز زبان ده درم کافور یک نیم دانگ مشک
 نیک درم گلاب بست درم قند یک نیم وزن ادویه
 غسل سه وزن ادویه -
 جوارش عود ترش آب ترشی ترنج نیم شربت سیب
 یک سیر غسل نیم سیر گلاب نیم سیر بقوام آورده زعفران
 مصطک قرنفل دار چینی هر یک یک درم اگر تلبه ده درم
 باد و پنجه بویه سه درم جوارش سفرجل فلفل و ار فلفل
 زنجبیل پیل هر یک پنج درم قاقله قرنفل سنبل و انی
 زعفران هر یک دو درم با یک سیر مری به
 شسته همچون سازند -
 جوارش مشک نافع صفت معده و بواسیر ریج
 و نفخ آن خفقان نواد صفته مشک نیم باشد قاقله صغار
 و کباب قرنفل زنجبیل و ار فلفل هر یک ده درم
 دار چینی سه درم عود و عرقه یک درم زعفران و درم
 شکریه وزن ادویه غسل هم وزن ادویه -
 جوارش کونی زبیره کرمانی صد درم ناسخه برگ
 سداب خشک هر یک ده درم غسل همچون سازند
 شربت بنفشه -

جوارش باضم مقوی و اسک که طعام را بهضم کند
و معده را قوت دهد و اختلاف اسک نماید صفت
ناخواه کنه هر یک جز مویز غیر نشسته و در همه را یکجا
کرده در دادن بگویند و بمقدار جوز صبح و شام استعمال
نمایند و ظاهر است که درین نسخه عموم جوارش نزد
بعضی یافته نمیشود.

جوارش دیگر مقوی تر در منافصه صفت فلفل
زنجبیل خولجان قرفه هر یک پنج درم پودینه خشک
برگ سداب سیرۀ کرمانی گردیا هر یک ده درم کنده
سعدا و خرهره یک پنج درم بعسل مصفا بقوام آرند.
جوارش جالینوس همه اندام را قوت دهد و بگو
دهن خوش کند و باد را بشکند و بسیاری بول که از
سردی مثانه باشد باز دارد و سرفه بلغمی بر دوپاه
را قوت دهد و بول صافی کند و دیوانگی بر که از سر
بود و قریس و قوبا و بهق را سود دارد و دیوانه
در یک کرده دفع کند و سیاهی موی نکند از صفت
سنبیل الطیب قاقه صغار و ارچینی سلیمه خولجان
قرنفل سعد کوفی زنجبیل زعفران فلفل سپید
دار فلفل قسط سحری و سود بلسان حب اللاس
اسارون قصب الزیره شیرین مصطک با و خجویه
مخلصه غیر هر یک دو درم نبات یک وزن اوویه عسل
سه وزن اوویه کوفته بخینه بسازند و بنزد روز که ساخته
باشند و مشتاق پیش از طعام یا بعد از طعام استعمال
کنند اقل مدت استعمال بیست یک روز.
جوارش کمونی زیرۀ سیاه سربان دو توله فلفل

زنجبیل هر یک پنج توله عود قرنفل هر یک دو توله مصطک
توله عسل و قند هر یک پنجاه توله سرکه انگور
ارب پودینه باغی بست پنج توله گلاب و دوشنبه مشک
توله عسل و قند و سرکه و آب پودینه و گلاب بقوام
آورد و همچون سازند.

جوارش مصطک صفت و ارچینی سیلانی زنجبیل
هر یک ده ماشه فلفل ناخواه کبابه زیرۀ کرمانی
زیرۀ سفید که دیاگل سرخ پوست اترج تخم کاسنی
رازیانه کنده مصطک هر یک پنج ماشه عود هند
دو ماشه قاقه تخم خرۀ مقشر هر یک ده ماشه کشمش
بادریچویه گل گاوزبان سنبیل الطیب زربناد و غیره
هر یک پنج ماشه عسل سه وزن علی الرستم چون سازند.
جوارش بنوری دیگر مقوی معده و باضم و کاه
ریاح صفت تخم کرفس ناخواه هر یک دو درم مصطک
خولجان قرفه قرنفل هر یک سه درم حب الرشاد
بریان بست درم اهل و خج درم کوفته بخینه
بعسل مصفا همچون سازند شربت سه درم.

جوارش هندی مسهل نافع از قولنج صفت
ترید سپید پنج درم دار فلفل سه درم شکر طبرزد
بست چهار درم همه را کوفته در ظرف نیکو دارند
شربت از پنج درم ناستش درم.

جوارش هندی دیگر قولنج را بکشد و ادجاع
مفاصل و در دیشته را نافع است مسهل است
بجوارش ترید صفت مقوی نیا پنج درم ترید سپید
مسحوق پنج درم شکر سفید پنجاه درم دانه بیل

قافله کبار زنجبیل دارچینی قرقه نار شکسته نقل بجز
فلفل هر یک دو نیم درم بعسل مصغه بقدر کفایت
بسرشدن شربت از پنجه درم ناده -

جوارش نافع از رطوبت قلب صفته بسکه کبریا
نار شک مرورید ناسفته فرنجشک پوست انج
هر یک شش درم ابریشم خام بادرنجبویه گاوزبان
هر یک ده درم سندروس سه درم کشنی خشک درم
بادروج دو درم همچنین هر یک پنج درم مشک
عنبر اشب یک یک درم مصطکی سه درم کوفته بخیته
بعسل بسرشدن شربت منقال -

جوارش طباشیر سبیل صفرا بلغم و موافق محر و مر
صفته تربید منقال سفونیا دانگ ورق گل سنخ
طباشیر عفران هر یک یک نیم دانگ عسل طبرزد
سه درم این یک شربت است -

جوارش اسفند نافع از بلغم خام شکن مسده و نافع از
بواسیر و در دشت و در حمامه و نافع در ورمی
و محلل قولنج صفته تربید سفونیا هر یک شش درم
و نیم فلفل زنجبیل هر یک چهار درم قافله دارچینی
پوست آله بسا سه مصطکی قرقه نقل جوز بوا هر یک دو
نیم درم شکر طبرزد است درم و در بعضی نسخه تربدو
سفونیا هر یک پنج منقال فلفل قافله هر یک سه
و نیم منقال زنجبیل دارچینی پوست آله بسا سه نقل
جوز بوا هر یک یک نیم منقال شکر طبرزد نیم عسل
کوفته بخیته بعسل مجون سازند شربت دو درم
و بزرگ اسهال شش درم -

جوارش منقل نافع از شقاق دلبواسیر و در مقعد
صفته پوست هلیله کابلی هلیله آله منقه نیون
مصطکی هر یک ده درم تخم ناخواه پنجه درم کوفته
بخیته بروغن خسته شفتا لوجرب نموده و منقل
است درم در آب گندنا خیسانیده ادویه بدان شربت
شربت سه منقال به آب گرم -

جوارش نافع از در و معده که از حرارت باشد
صفته کبر بادرق گل سنخ هر یک پنج درم عود خام
سه درم زرشک پنج درم مصطکی عفران راک
هر یک سه درم سنبل زیره هر یک دو درم ادویه
کوفته بخیته بشکر طبرزد یکجا نمایند شربت دو درم
با شربت سیب -

جوارش آله لولوی به نسخه دیگر صفته شیره
آله منقی و از ده درم طباشیر سفید صندل سفید
ساق زرشک ورق گل سنخ بادرنجبویه پوست بر و نا
هر یک درم کشنی خشک تخم خرفه مقشر هر یک دو درم
مرورید ناسفته عنبر اشب ورق لقره ورق طلا
هر یک دو دانگ نبات سفید آب به شیرین
هر یک دو وزن ادویه -

جوارش نافع کسی که بر فراش خود از اسهال
حرارت بول کند صفته هلیله زرد هلیله آله جفت
گلزار گل سنخ ادویه به ابر وزن کوفته بخیته
بروغن گل چرب نموده بعسل طبرزد بسرشدن
بآب انناس بنوشند -

جوارش نافع به کسی که بفراش خود از اسهال برود

بول کند صفت بلبله زرد در اسن تخم کتان بلبله کابی
هر یک ده درم پنج خطی هفت درم آقا قیاس کن
مرشیان ماسیا هر یک دو درم زاج بریان سه درم
کوفته بختی بعل همچون سازند شربت و درم
جوارش که خنک و ضعیف معده را نافع است
صفت به شیرین دانه بیرون کرده یک رطل
سیب دانه بیرون کرده نیم رطل کنترسی دانه بیرون
کرده سه رطل در سرکه بنیزند و سائیده بعل
قصبه دو رطل مخلوط سازند و با آتش ملایم بنیزند
تا منعقد شود پس از آتش فرود آورده در شک
دواوقیه طباشیر اوقیه بران بریزند و حرکت دهند
تا نیکو مخلوط گردد -

جوارش بار دقا طبع اسهال که در حالت تب و
بدون تب استعمال نکند و صفت زرشک ده درم
درق گل سرخ شش درم طباشیر چهار درم تخم
حاض بریان هفت درم کبریا چهار درم گلاب
شش درم سماق هشت درم شاه بلوط پنج درم
آرد جری چهار درم سویون سیب ده درم خربزه
حب الزمان پانزده درم کافور سه درم زعفران
پنج درم فلفل چهار درم نیلوفر پنج درم کوفته بختی
برب اترج یارب سیب همچون سازند -
چوه چند پیرتر نه باشد مشک مثقال فرفیون
مثقال مویرج مثقال عروسک نه باشد -
چوه لبان عطر قرضل مثقال عطر دایچینی مثقال
اول ادویه کوفته بنیت باخه در کهران انداخته

بماند بعد از آن عطر را بپندارند نیکو مخلوط نمایند -
چوه هر دو رافع چشم صفت مر و ایدنا صفت مر و ایدنا
اقلیدیا دهمی اقلیدیا فضی پوست زراوند که در و شقال
مرجان سفید ماسیران فیروزه نیشاپوری اصل بختی
دار فلفل صمغ عربی حنظل یکی زعفران شادنج عری
مکده هر یک شقال زیت فزنگی نیم شقال کوفته
بختی دار و سازند -

جوارش سماق مسهل صفا صفت سماق سی درم
سویون چو سویون سیب سویون کنر کاکب بغدادی
خربوب شامی هر یک ده درم شربت سیب شکری
چون سازند شربت و درم -

جوارش سفرجل مسهل مستعمل معده را قوت دهد
طعام باز دهد و قوی بکشد و مخصوص است بکوب
صفت به اصفهان پاک کرده از پوست و اندامیک
رطل پاره کند و در دو رطل مثلث جوشانند -
تا به غلظت شود بعد از آن فرود گیرند و از دیگر بیرون
آورده بگویند و یکین غسل صافی بر سر آن بریزند
و بچوشانند تا از دیگر انقاد گردد و بعد از آن بخیل
دار فلفل دایچینی از هر یک دو درم هیل فاسله
زعفران از هر یک سه درم مسهل پنج درم مقهور
مشوی دو درم تر به سفید عیون خراشیده بر وزن
بادام چوب کرده سی درم مجموع را کوفته بختی
صاف کرده بر سر آن بریزند و کفچ زنده تا یکسان
شود و شربت از آن مثقال تا هفت مثقال -
جوارش سفرجل دیگر شیمی و مقهور معده

صفته عود هندی سه درم کا فور قیصوری ریح درم
 شک سه درم لباسه باز شک سعد فرنج شک
 زربنا و زرب هر یک دو مثقال دارچینی مصطکی
 زنجبیل فلفل دار فلفل قرنفل هر یک دو درم گاو زبان
 پنج درم تخم رازیانه تخم کرفس و ج سنبل هر یک
 سه درم کوفته بخته لعسل مصفا هموزن ادویه یکجا
 شربت از دو درم تاد و مثقال -

جوارش آله لوی صفته شیر آله شقه ز شک
 بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاو زبان آب
 انار شیرین آب انار ترش عرق بید شک عرق باجور
 بخته از پاپر چکنه رانیده نبات سفید داخل کرده
 بقوام آرد پس مروریدنا صفته یا قوت رمانه
 که با شمع دارچینی مصطکی هر یک شش ماشه
 دانه هیل طباشیر سفید ابریشم مقرض صندل سفید
 گل گاو زبان کشنر خشک هر یک توله ورق طلا
 ورق لقره هر یک ساشه پوست ترنج زردنه ماشه غیر شده
 بدستور بسازند -

جوارش نافع از ضعف معده بار و صفته
 شونیز ناخواه کند ر دارچینی مصطکی عود خام پوست
 بیرون بسته کوفته بخته لعسل همچون سازند -

جوارش نافع از ضعف معده و سوء هضم با جوارش
 صفته طباشیر پنج درم ورق گل سرنج پانزده درم
 شک هفت درم عود هندی پنج درم بر رب سبب
 و رب بدورب انار شیرین بسازند -

جوارش کند که تحلیلی ریح غلیظ که از معده کند

جوارش اترج که ریح را دور کند و معده را
 قوت دهد و طعام راضم کند و بورا خوش کند
 صفته پوست ترنج زرد خشک سی درم قرنفل
 جوز اقل فلفل دار فلفل دانه هیل دارچینی خولجان
 زنجبیل هر یک درم شک یک نیم دانه لعسل
 همچون سازند -

جوارش سماق صفته سماق ده درم حب الاس
 پنج درم انار دانه خرنوب بنطی هر یک سی درم اگر هم
 نرسد عیوض اول نصف وزن ماز و نصف وزن شکر
 بنید از نند صمغ عربی دو نیم درم گلنار درم بگلای اجزا
 تر نموده لعسل سی و پنج درم بقوام آرند -

جوارش نسخه دیگر سماق ده درم حب الاس پنج درم
 انار دانه سی درم صمغ عربی دو نیم درم گلنار دو درم
 بگلای اجزا تر نموده لعسل بقوام آرند -

جوارش سماق صفته سماق دو جز دانه انار یک جز
 خرنوب سبز صمغ عربی بریان گلنار هر یک نیم جز
 کوفته بخته با مویز بنطی باز بکوبند و استعمال نمایند -

جوارش بابت شیخ الرئیس که در تقویت هضم
 دفع خفقان و کسر ریح و نفخ نفیس لطیف ندارد

صفته فضل دار فضل هر یک چهار درم خوبان
و نجیب هر یک دوازده درم و آن هیل جوزی و آن فضل
هر یک سه درم کند شصت درم شکر سفید هموزن
او و به عمل بقدر حاجت او و به کوفته بخیه بعسل
یکجا نمایند شربت دو درم -

جوارش شیخ الرئیس بنفشه دیگر نافع از منصف
با صند صدفه عود خام زیره بریان ناخواه کرد یا
مرنجبیل بریان قاقله تخم مونیر برابر وزن کوفته بخیه
سفوف سازند شربت تا سه درم و اگر زیاده کثیره باشد
تخم شاهسفرم سداب افزون نمایند و اگر بلغم و صفرا
هر دو باشند پوست بلبله زرد یک جز خرف نیم جز
شک حب الاس سماق که از نانج هر یک جز استعمال نمایند
چنانچه چین نافع است برای سرفه بارد و سعال -

بن سیت الله گفته که نافع است از سرفه بلغمی و آنست
گفته که تناول چنانچه عملی باب مطبوخ انجیر زرد و سبزه
و پنچ بادیان نافع است هر سرفه را که از رطوبت باشد
و مزاج آن گرم است اما عملی پس بالاتفاق گرم است
و شکر به معتدل است مائل بجمارت چه ورق گل سرخ
و درجه اولی سرد است و شکر در درجه اولی گرم است
لیکن از آتش یا از آفتاب یا از تخمیر حرارت کسب
نمکن چنانچه مالا صمدید ذکر کرده و این جامی تا ممل
چه قره شش در شرح قانون گفته که در طبیعت گرمی
و حرارت دارد چون خشک شد این هر دو در شربت
بنابران در دبا آتش سرد میا شد -

جلاب نافع از سرفه که از خلط غلیظ باشد بکشیج

مخمس در شش باشد صدفه اصل السوس
پرسیا و شان زوفا خشک هر یک سه درم سپستان
ده دانه خوشانیده صافی نموده شکر سفید ده درم
اضافه نموده بنوشند تا که در نفث ظاهر شود
جلاب نافع از سرفه که از رطوبت شش باشد
صفته اصل السوس درم انجیر زرد ده دانه مؤثر شربت
ده دانه خوشانیده صافی نموده بنوشند -

جلاب نافع از نزلات حاره صفراوی که انفعاده
میباشد صدفه گل بنفشه پنج درم عناب هشت عدد
خوشانیده صاف نموده شکر سفید ده درم حل کرده
بنوشند چون نفث ظاهر شود بکشیج یا شربت
ترنجبین یا بفلوس خیاشنبر و روغن بادام یا بنفشه
استعمال نمایند -

جلاب دیگر نافع از نزلات حاره صفراوی که
ثابت باشد صدفه شربت بنفشه ده درم ترنجبین
ده درم در آتش جود و او قیة حل کرده صاف نموده
بنوشند چون نفث ظاهر شود به نفوس
فکاهه مانند آن اسهال نمایند -

جلاب منصف نزلات بارده بلغمی صدفه زوفا خشک
اصل السوس پرسیا و شان هر یک سه درم خوشانیده
صاف نموده شکر سفید ده درم حل کرده بنوشند
و بعد از نفث بکشیج یا سعال نمایند -

چو ده نافع براسه قوت و سختی قضیب صدفه
زرباد قسط تلخ خود بپزند می نیلیه همین شربت
جد در خطائی مغز پسته مغز بادام هر یک قوطی

حب که اسهال بالغیم بر فک کند صفتش تربد مثقال
مصطکی نیم درم زنجبیل نیم درم عسل حب سازند -
حب شیار که حب صبرست نافع است از روده
و سر صفتش صبر سقوطری سه درم مصطکی ورق گلشن
هر یک درم کوفته بخیمه جویب سازند و بوقت خواب
فرد تربد شربت از مثقال تاد درم و گاسه تربد و بلبله
زرد و اضافی مینایند -

حب صطیجیون نافع از امراض بلغمی سودا و
منقی بدن از فضول غلیظه مختلفه صفتش ترب سفید
مجوف تراشیده دود درم صبر سقو طری حسب انبیل
هر یک یک گرم نیم خطل ستموینا هر یک دودانگ کثیرا
مقل از ذوق هر یک ربع مثقال کوفته بخته بآب جویه
سازند و در سایه خنک نمایند شربت از دود درم
ناسه و گاهی در آن افزود میکنند غاریقون بسفناج
و در صینی صطیکه انیسون اسطوخودوس

حب فوہب کہ نافع است از مواد حارہ در سرد
صفتہ صبر در درم تربہ ہفت درم مصطکی و راق
ل سرخ ہر یک دو نیم درم زعفران نیم درم پوہست
سیلہ زرد و پنجد درم سقونیہ یک نیم درم شربت
و شکرال -

نیم ایایاج نافع از علل دماغ و معده صفت ایایاج
درم تریب پوست پلید زرد و بر یک دو درم
باب بندی انتقال محمود نصف درم مقل از ق
بدرم موافق رسم پیار نمایند شربت از دو درم تا
سه درم و گاهی عیوض محموده برای اسهال بلغم
داخل میکنند و گاهی پوست پلید کابل و دغل
نمایند و گاهی باب کرفس جنوب میسازند لیکن این
باب را نیز گاهی میسازند تا در در معده ماند

حسب منتن نافع از قولنج و لقود و وجع مفصل
و فالج و لقرس و درد پشت و درد حوض صفته
سکینج استقن جاوشید مقل حرمل صبر سقوطی تر پدید
پایله نذر و از زردت برابر وزن صمغ بآب گندنا
و جویب خمسانیده ادویه مذوقه بدان بسپارند
شربت دو درم تا دو مثقال

حب نشاط صفت کثیر اینج باشد صغ عربی پنج
 باشد رب السوس پنج باشد نشا پنج باشد افیون
 بصری هفت باشد حب احلب یک باشد مروارید ناسف یک باشد
 کبریا یک باشد یا قوت رانی یک باشد کوفته بخیمه بلعاب
 بیدانه حبوب سازند و مشک یکدانه گاهی صافه
 میشود نافع است جهت سر فرو مار و زلزلات و سسل و
 قوت باطنیه و نشاط و باده محرورین و منع اسهال
 و تعدیل مزاج سوداوی -

حب اسطوخودوس که نافع است از صرع بلغمی و
سوداوی و شقیق و مانع صفت پوست هلیله زرد
پوست هلیله کاهلی هر یک پنج درم تری پیر پیر صفت

و بسفنج فستق هر یک سه درم غاریقون سه و نیم درم
خریق سیاه انگ لفظی هر یک دو درم قرفل پودینه
حب شحم خطل هر یک یک نیم درم اباج فیهرا ده درم
علا الرسم خوب سازند وقت حاجت استعمال نمایند
شریعتی تاسه درم نزد بعضی اطباء جمع میان صبر و
غاریقون نباید کرد پس درین حب عوض غاریقون
حجراتی هم وزن غاریقون داخل کنند -

حب بکینج که نافع است از قولنج و دود و فاضل و
امعا و مقعد و بواسیر و ریاح غلیظه و در حصص
صبر بکینج تخم کرفس انزروت پوست هلیله زرد و
کابلی هر یک پنج درم تربد سفید بست درم شحم خطل
سه درم کوفته پیخته خوب سازند شربت سه درم -
حب سورسجان که نافع است از درد مفاصل معین
و لقرس صفت قطره لیون و فیت و دو مثقال تربد چار
درم سورسجان سفید پنج درم بکینج و دو درم عاقر قا
دو مثقال صبر سه درم شحم خطل غاریقون قوه هر یک
یک نیم درم مانند فاضل حب سازند که بجای می همضم شود
بخلاف آن خوب که برای اعضای سر کنند
آن کلان میشوند از برای آنکه بدیر همضم شود و جذبات
از سر کنند شربت دو درم تاسه درم -

حب سورسجان دیگر که بک است از اول صفت
سورسجان سفید هلیله زرد صبر سقوطری وزن برابر
مانند اول استعمال نمایند شربت از دو درم تاسه درم
حب ملوکی شحم را که سهل همضم شود بکار آید صفت
تربد یک درم دو مثقال غاریقون دو مثقال درم هلیله زرد

هلیله سیاه هر یک یک نیم دانگ انقیون نصف درم
مصطکی ربع درم گاوزبان و رنجشک باد رنجبویه مجوده
انطاکی طباشیر ورق گل سرخ زعفران هر یک سه درم
درم بگلایب خوب سازند -

حب که بوسه بدن و دهن خوش کند و بخرا نافع است
صفت پوست اترج سبر و برگ تازه آن درختک
سنبل الطیب و قرفل جوز بواکبا بهربا سه کو سنی
هر یک سه درم مشک خالص ثلث درم کوفته پیخته
بگلایب خوب سازند و عند الحاجة در دهن گیرند -
حب که نافع است مرقه صبر را صفت فستق مقشر
لوز شیرین مقشر کثیر ارب السوس تخم خشخاش مقشر
به اندازه هر یک وزن برابر در ملث جمع و خوب سازند
و عند الحاجة زیر زبان گذارند -

حب سرفه صفت رب السوس موزینه صفت هر یک
سه درم فستق صغیر عربی کثیر امخر تخم که در هر یک
یک درم فانی نصف وزن او و به بلایب به اندازه خوب سازند
حب منتن که نافع است مرقه را صفت صبر نیم
تربد نیم درم چند بید شرب یک دانگ فریون یک دانگ
مقل دو دانگ بکینج اشق جاوشیر هزار اسپند
هر یک دو دانگ باب حب سازند جلد یک خوراک -

حب فریون صفت شبطرح غاریقون شحم خطل
مقل فریون هر یک دو درم صبر چهار درم مقل را
باب کنند ناعل کنند و دار و مارا بدان بسرشند و
خوب سازند شربت یک مثقال تاد و نیم مثقال -
حب نافع براسه در د شقیقه صفت افاقیا

در دهن

انزروت سپید افیون زعفران صمغ عربی مرکب
برگ مورد دوم الاخوین شیان مامینا وزن برابر
کوفته بخیته بلعاب بیدانه جوب سازند هر سه بقدر
خنجر و یک حب شام با سپیده تخم مرغ سوده طلا نایه
چسب که با کثر امراض چشم نافع است صدفه پوست بلیله
پوست بلیله آله منقه هر یک سیرنگ مصری فلفل صنی
نیله تخم بومهر یک بیزه درم در آتش انگشت نیل و تخم
را بریان کرده تر بچله را در یک مس مقلحی با بقیه
کفایت تا چهل روز در موسم گرما و تا پنجاه روز در موسم
سرد در مکان بگذارند که آب در آن نرسد بعد از آن
همه او را با بار یک ساکنده در پارچه کاظمه صاف نهاده
سججه که قدوة الحکما ریش الاطبا سید السند و الاشاک
معتد المملوک علوی خاجان برای سل که حرارت شدید
و سرفه داشته باشد تا لایق فرموده صدفه کافور صمغ
نیم دانگ سرطان محرق رب السوس صمغ عربی
کتیرا گل ارمنی هر یک دانگ مغر تخم کدو شنبین
مغر تخم خیابین هر یک دو دانگ کوفته موافق خنجر
حب سازند و این یک شربت است و در نسخه دیگر
بر اجزای مذکور انجبار یک دانگ افزوده اند

حب دیگر که قدس سره برای سل که با حرارت شدید
و افش دم باشد صدفه کافور قیصری نیم دانگ
طبا شیر سفید میخچ انجبار دم الاخوین که با مر و اریخته
شادنج حدسی مغسول صمغ عربی کتیرا رب السوس
سرطان سدفه گل ارمنی هر یک دانگ مغر تخم کدو
مغر تخم خولونه هر یک دو دانگ کوفته بخیته جوب سازند

این یک شربت است با شیر خرباشیر زن یا شیر بز
به مقدار سه پل یا کم یا زیاده یا با آبش جو و شربت ششاش
فسر و بریزند

حب دیگر که قدس سره برای سل که با نفث الدم
باشد بسبب نزلات حاده یا نزله از سه صدفه
کافور قیصری نیم دانگ طبا شیر سفید پوست انجبار
دم الاخوین که با سادنج شسته گل ارمنی نشاسته
عیار الریح کتیرا رب السوس فاوانیا مغر بادام شیرین
مغر تخم کاهو مغر تخم کدو و غار السمک المحلول
افانیا مغسول عصاره الحمیه التیس هر یک دانگ
افیون حب زعفران طسوج کوفته بخیته بلعاب
بیدانه جوب سازند و دو حصه کنند یک حصه اول نه بار
بالبن زنان و حصه دوم آخر نه بار باب بلیله شغال نیم
حب دیگر که قدس سره برای سل و دق و در موسم
صدف کافور قیصری نیم دانگ مغر بیدانه شیرین
صمغ عربی کتیرا شکر تیغال هر یک دانگ مغر تخم کدو
درم کوفته بخیته جوب سازند و با لاش آتش جو که
در آن سرطان نه ری بخیته باشند بنوشند

حب سرخ که در ابتداء سرفه فائده دارد صدفه
گیر و پا و سیر افیون دو دام زنجبیل نیم دام کوفته
بخیته جوب سازند

حب دیگر که قدس سره برای سل که با سرفه
شدید باشد صدفه مغر بادام شیرین رب السوس
کتیرا صمغ عربی حصیه الثعلب شکر تیغال نشاسته
غار السمک هر یک دانگ افیون نیم حب

زعفران مسوج کوفته بخیته جنوب سازند و در نسجه
 دیگر خصیة الثعلب صمغ عربی رب السوس نشاسته
 کثیر احب المحلب سرطان سوخته غار السمک کلنا
 عصارة الحية التیس هر یک و انگ غار السمک را
 اول بآب حل کنند و ادویه کوفته بخیته بدان بسروشند
 و جنوب سازند -

حب سبزه پاه نیم دایم مزاج رباع دایم خفض چار
 دایم زعفران نیم دایم افیون دایم سوده جنوب سازند
 چه که قدوة الحکماء السید السند والاستاذی الشافعی
 علویان که سیمت بیه مجرب مسیح مولوی براس
 سل تجویز کرده فاکل بخشید صفته کافور قصیده
 زعفران هر یک انگ افیون مسوج رب السوس تخم
 گل ارمنی هر یک و دوا انگ صمغ عربی کثیر اسرطان
 سوخته نشاسته بنفشه گل بنیلوفر تخم خشتی شمش
 منفر تخم که و منفر تخم خربوز اصندل سفید ترنجبین
 بنفشه گل کاذر بان پوست خشتی هر یک مثقال
 منفر بدان نیم مثقال ترنجبین را بلعاب اسفند
 حل کرده و ادویه کوفته بخیته بدان بسروشند
 هر یک را دایم حب با سه اوقیه لین اوثان و حب
 شام بقرق بید یا بانش جو فرو برند -

حب مجفف رطوبات که در شمش و سینه مجفف شده
 باشد و مجفف قرصه ری و در کل آن صمغ
 صبر حق طری باب باران شسته تری به سبب مجفوف
 شده شیده صغره بر دهن بادام شیرین چرب نموده
 هر یک به پاه و انگ رب السوس نیم درم کثیر انگ

کوفته بخیته حب سازند -

حب لثام وارید ناسفته کبریا شمع صندل سفید
 لعل بدخش یا قوت رمانی یا قوت سفید زهر مهره طیار
 ابریشم قرص سرطان محرق تیغ انجبار دم الاخوین
 منفر بدان نشاسته شادنج حدسی منسول غرض اللس
 صمغ عربی کثیر رب السوس هر یک باشد منفر تخم که و
 منفر تخم خیارین تخم کاهو مقشر هر یک سه باشد
 بسد محرق افاقیا عصارة الحية التیس طریش
 هر یک باشد افیون زعفران هر یک به پنج گل
 گل ارمنی گل مخموم هر یک باشد کافور قصیده
 خنجر دادویه کوفته بخیته بلعاب بدان جنوب سازند
 و این یک شربت است و این حب برای مدقون
 و مسلول اگر چه اسهال ذو بانی داشته باشد
 فاکره کلی بخشید و کبریا تجیر برآمده -

حب ویکه نافع از دق و سل صفته گل ارمنی
 گل دغستانی صمغ عربی کثیر اصندل سفید
 افاقیا کبریا وارید ناسفته یا قوت مرجان کافور
 عصارة الحية التیس سرطان سوخته دم الاخوین
 یک باشد منفر تخم که و منفر تخم بدان هر یک سه
 افیون پنج زعفران پنج حب سازند -

حب نافع از ناهله چشم صفته پاکسود و کبریا
 کرده سر اور بسته در ویک آب کرده چوبی
 ویک گذاشته در کبریا برشته ابریشمی بسته بسود
 تا کبریا وسط در آب ناهله قدیم سر کبریا
 در آب کرده بچوشانند تا قدر که پوست جاکو

لقوه هم شیرۀ ادرک و یا پان و نیز دروغن مناسب
حل نموده بر عضو کج ضمد سازند -

حب شخصی را بعتبریه الزکام و النزله صفت
کثیرا صبر مغسول تربدایض محکوک رب اسوس
وزن برابر گرفته پنجه حب بندند شربت به دو درم
بوقت خواب شب -

حب که در دسر را مجرب است بدستور حب شب
استعمال نمایند صفت ایا رب فیکر اهلایه کابلی غلغله
هر یک درم -

حب که در دسر فرمن را نافع بود صفت صبر درم
شخم خطل ربع درم تربدایض درم مقل کثیرا
هر یک مثقال سقمونیا ربع درم مقل رب آب کرش
حل کرده حب بندند شربت به یک است -

حب نفع از درد سر و جمیع وجع مفاصل و تشنج
صفت هلیله زرد شخم خطل تربدایض هر یک جز
گرفته حب بندند شربت به یک نیم درم -

حب نافع از درد سر و در و معده صفت صبر درم
سدر درم مصطک ورق گل سرخ هر یک درم تربدایض
کابلی هر یک دو درم هیل نصف درم آب کرش
حب بندند شربت به سه درم وقت خواب شب
در هر هفت یک مرتبه -

حب که از درد سر و در و در ابتدا از نزول ماب
نفع کند صفت صبر مثقال پوست هلیله زرد دو
مثقال تخم کاسنه دو مثقال تربدایض محکوک دو مثقال
علی الریح حب بندند شربت به دو نیم درم -

پس از آب بر آورده مقشر کرده در سایه بهین کنند
انزروت مدبر شیر خربک تولد و جاکسو مقشر مذکور
یک تولد سفید آب کاشغری اقلیمیا سوخته شسته
تولد شادنج عدس شسته تولد افاقیا شسته عصافه
مانند تولد افیون زعفران هر یک نیم باشد ادویه
گرفته پنجه در سبیده تخم مرغ سرشته مقدار بخود
محبوب سازند صبح و شام بشیر و خمر سه قطره چشم بچکانند
حب التیس از ترکیب اطباء هند بلغم را
که اخته میکند در بود ضیق النفس و انتساب نفس را
فائده کلی پنجه صفت بدش قره که قرون اسنبل
افیون عاقر قره جاور مثل اجزا برابر افیون را
در جوهر کشکمش خالی کرده باشد بگذارد و در خمیر
گیرند و در روغن گا و بریان سازند تا آنکه خیره
شود پس افیون بر آورده همراه باقی ادویه سائیده
آب مقدار نیم بالش حب بندند و یک حب صبح
و یک حب وقت عشاء استعمال نمایند و از ترشی و تشنج
و از خدای لغاخ و از روغن کنجد اجتناب نمایند
لیکن بشخصه باید داد که بلغم غالب باشد و مزاج او
سرد و بهتر این است که درین حب بجای تیس حدود اثل
کنند یا جدوار و تیس هر دو داخل کنند -

حب مجرب تیس هندی بشیر ماده گا و جوش دهر پیل
مچ سیاه سما که شکر و مساوی وزن در عرق لیمو
کاغذی تادور و زحل ساخته مقدار مونگ حب بندند
برای چیش شکر سه هفت ماسته و برای اسهال افیون
و برای هیضه یا شیرۀ ادرک یا پان بدهند و براسه

حب الشجاع که نافع است مرفالج و لقوه و وجع
مفاصل را که از بلغم باشد صفتش ترنجبین شرب
حب البیل حبشینه قافش هر یک سی درم جو شانی
صاف نموده باز با قش میزند و جوش دهند تا اسفند
گرد پس ریونیدینی مرفار لقیون صبر اترج مقشر
عصاره سنوس هر یک بست مثقال کوفته بجه بر
گذرانید بدان بسر شدند و حبوب سازند شربت از
دو دانگ تانیم درم باب گرم -

حب نافع از عشته صفتش عافه قرحا جنبه بستر
شیطیج نبر البیج هر یک سه درم بکینج تخم خنظل
هر یک چهار درم فیکر انج درم شربت دو نیم درم -

حب فطاف از فالج و وجع مفاصل و درد اعضا
و نفرس و قو لنج و ریاح غلیظ و عرق النساء و ضیکه
از رطوبت و برودت باشد صفتش پوست بلبله زرد
صبر تخم خنظل ماهی زهرج انزروت اشق و مقل ازین
بکینج چاوشیر صمغ سداب بیز و قسط هر یک پنج درم
صمغ زاباب گرم خیسانیده او به بدان سرشته
حبوب سازند مانند فاضل و خشک کنند و شربت
دو درم با بکرم -

حب نافع از یالخیولیا و جذام و مخرج سودا صفتش
اققیون بست درم بسفاج مرفار لقیون هر یک درم
خریق سیاه پنجر درم مقاطیس سه درم نمک هندی
پنج درم اسطوخودوس هفت درم کوفته بخت
حبوب سازند شربت سه درم -

حب مخرج سودا صفتش اقیون ده درم مرفار لقیون

پنج درم تخم خنظل دو نیم درم نمک فطلی درم قرضل
درم برستور حبوب سازند -

حب جمت درم و جوشش و قلاع و دردین دارند
صفتش کتله ماشه کثیر اطباء شیر عصاره کشنیز مگوه
صندل سنخ صمغ عربی هر یک ماشه گل سنخ سه ماشه
قرن ایل محرق یک ماشه بلعاب اسفول حببازند
حب جمت قلاع و جوشش دهن صفتش

مغز تخم خیارین شش ماشه مغز بادام شیرین
مغز کدو شیرین هر یک چهار ماشه صمغ عربی کثیر
دو ماشه خشخاش چهار ماشه کافور دو سنخ بهدانه
حبوب سازند شربت یک نیم درم بلعاب اسفول
حب بندند -

حب سه درم رب السوس دو درم کات چند سه
بست درم خولجان سه درم مغز خسته بلبله چاوشیر
تخم کافور بان دو درم مغز بهدانه صمغ هر یک درم
بشیره ادرک حب سازند -

حب سه درم معتدل گل بنفشه رب السوس
پریاوشان کثیر اصمغ عربی صمغ بادام نشاسته
بادیان هر یک دام مغز بادام تلخ چاوشیر دام با قلاع
مقشر چاوشیر دام تخم خشخاش دو دام شکره و ازده درم
زعفران نیم دام بلعاب اسفول حب بندند -
حب دیگر عجیب و غریب کثیر النفع صفتش
مویز منقه ده دانه انجیر سه عدد سرطان محرق دو ماشه
خشخاش سفید شش ماشه کبریا یک نیم ماشه مغز بادام
تلخ ده عدد کوفته بخت حب سازند -

حب نافع ضیق النفس و تنگی سبب آن ضعف
عصبه های سینه و ریختن ماوه بعصب سینه باشد
صفت شش از منی انستین رومی زیره کرمانی
از هر یک جز فانیزد و جز کوفته بخته حب سازند
حب بخت همین کار صفت مغز بادام تلخ فانی
از هر یک جز وی جنبه سیر نیم جز کوفته بخته بگلای
سرشته حب کنند هر چه بقدر خود صبح چهار عدد
و شام چهار عدد بخورند
حب نافع صاحب سل و سرکه کنه صفت
صندل سفید بادرنجبویه از هر یک دو مثقال
طباشیر سفید کافور قیصری صغریه کثیر از هر یک
پنج مثقال تربتین و دق گل سرخ مغز تخم کدو
گل بنبله فراز هر یک شش و پنج مثقال زعفران
مصططه خود دهنده از هر یک دو مثقال و نیم برده
هفت مثقال افیون هفت مثقال و نیم کشمش
هشت مثقال بنفشه سبز عناب از هر یک هفت ذره
مجموعه را کوفته بخته بقرق برید شک سرشته حب سازند
حب بواسطه از کام و نزله بار و صفت افیون
نصف نخود حب میوه کنند هر یک دانگ زعفران
طسوج کوفته بخته بگلای سرشته حب بقدر خود
سندند و وقت خواب در زیر زبان نگاه دارند
و اگر آن شخص افیونی نباشد حب بقدر ناشکی سازند
حب میوه جت سعال بار و صفت میوه جت بید
اسارون افیون برابر کوفته کوفته بخته حب سازند
حب منفرع مرزا ابو القاسم بواسطه اسهال و موس

صفت افیون نصف ماشکی اقا قیا حفظ کے
نشاسته صغریه کوفته حب ساخته نصف از اول
روز نصف دیگر آخر روز فرو برند از عقب آن
نشاسته بریان تخم حاض بریان طباشیر سفید
سوده بر دس و دفع داغ کرده باهن سرد ساخته
بر دس بر ف مایع بنوشند
حب میوه جت سرفه بار و صفت مر افیون هر یک
نصف اوقیه زعفران دو درم کوفته بر دس و بنفشه
دو درم چرب نموده حب سازند مثل کر سینه
یعنی موکمه
حب قوقا یا دوقا یا بریان سربانی اسم جبرست
صفت مصططه محموده مشوی عصا فستقین
صبر سقوطر دزن برابر کوفته بخته باب سرشته
حب سازند
حب جت مفاصل حار صفت کافور قیصری
منفر تخم خیارین منفر تخم کدو تخم حنظل سور سنبان
استخوان سوخته مغاث بغدادی کوفته بخته
بگلای سرشته حب سازند هر چه بقدر خود
حب منفرع مرزا ابو القاسم مفتت حصاة در شانه
صفت حجر البیهود صغریه آلو منفر تخم خیارین
سینا لیوس زعفران رب السوس مایه بزغال
کوفته بگلای باشیره تخم کرفش سرشته حب سازند
هر چه دانگ بقدر خود
حب جت جرب مجرب صفت افیمون غار لؤلؤ
پوست طیلید زرد هر یک پنج درم سقمونیای شوی

و در دم صبر مطهری تخم حنظل زیره گاو خشک ده
از هر یک سه درم بگللاب سرشته حب سازند -

حب بن حارثه جنت بهن و او جاع مفاصل و امراض
بلغمی و سوداوی صفتت بلبله زرد و بلبله سیاه صبر مطهر
انزروت سفید قتل سرخ سکنج تخم حنظل از هر یک پنج

خزفت ابیض صفتش شیرین زیره کرمانی نمک اندر است
علک دمی از هر یک چهار جز صمغ برادر ظرف مس کرده
آب بروی او کند و در آفتاب گذاشته تا حل شود

اجزا را گرفته کوفته بجایه در آن سرشته حب سازند
هر حب بقدر فلفل در سایه خشک کنند شربت می کنند
حب اساک و قوت باه و پر میوه صفتت سیاه

شتر می صفا سیم صفت کرده فلفل در از عاقر قرحا
کچور مرهتی شیر به برگ آفتبول شیر ادک شیر به بکوه
همه را حل کرده حب بندند مقدار نخود و یک حب بخورد
بعد یک پاس جماع کنند ماندگی نیار و دهن بیفزایند
و قوت دهد و قصب را محکم کند -

حب نافع از طحال صفتت زیره کرمانی چهار مثقال
سنبل الطیب فلفل سفید شاق هر یک دو مثقال
را در شراب انگور می حل کرده ادویه کوفته بجایه
در آن سرشته حب سازند -

حب دیگر نافع از درم طحال صفتت صبر سیم که
شب یاالی نمک سیاه نمک سنگ فلفل گره پوست
بلبله زرد زرد چوبه ناخواه برابر وزن در شیرین
سرد ز کحل نمایند و سه روز در شیرین لیون کحل
سازند و چون کنار حبوب سازند تا چهار ده روز حب

صبح و یک حب شام بخورند -

حب دیگر سیاه پنج درم گوگرد و پنج درم تخم دهنه
پنج درم آب ادک آب برگ آفتبول هر یک پنج درم
شکر سفید ده درم حل کرده مقدار نخود و حب بندند
و یک حب در دهن دارند -

حب جنت جرب تر صفتت پوست بلبله زرد
بلبله سیاه بلبله صبر هر یک سه و نیم باشد سقوط نماید
شش سرخ تخم شاهره سه نیم باشد مقل در شیر
پرورده شش سرخ آب شاهره تازه اگر بهر سرد
والا جوشانیده حب بندند -

حب که برای جالوق نفع دارد صفتت کچل دو عدد
شیره برگ چنبلی دومش مین بچل یک مثل
کخی یک مثل کچل سوزان کرده بساید و دوسه
مرتب پارچه بپزند و ادویه دیگر نیز کوفته با شیر
درغن انداخته تا دو پاس کحل کرده حب بسته
اگر بهار دارند و در شراب و آتش حل کرده بنام نمایند
حب منعوط مغز کف خشک تر شاق قتل تخم پاپونیز
کش خرا و وزن برابر با شیرین و نیمه لیسر کشند
و حب سازند و وقت حاجت و در دم شربت انگوری
بیاشانند نعوذ تمام آرد -

حب ثوال اول نوساد کنند هر یک یک توله
حب البان شوره زرد البحر ورق سداب هر یک
نیم توله با تیز اسه فاسدی خوب بپسایند تا و قتی که
غلط شود و بقیه را ش حب بسته نگا هارند و وقت
حاجت بسره انگور می سائید به ثوال اول طلا نمایند

حب دیگر نافع از استقامت صفت طریقت شیرین
مغز حب آراس گلزار فارسی کمر با شمشیر با قاقی
بسد محرق طباشیر سفید مر و ایدر ناسفته پوست
سرخ انجیر عصاره لخته التیس گل بار منی گل و عشتا
صمغ عربی دوم الاخون کثیر پوست خشتاش هر یک
باشد افیون زعفران هر یک یک سرخ نوانخ
یک باشد با نیم شده سوخته باب پوست کونار
حب سازند این یک شربت است -
حب الشفا که نافع است برای تب مزمن صفت
زنجبیل جد و در هر یک جز ریوند و جز جوز مائل
یک نیم جبه -
حب بنسجه دیگر ریوند یک جز زنجبیل سه جز
و جوز مائل یک نیم جز -
حب غیر مسمی و مسک که تا دوازده ساعت
لغو می نماید و مساک خاطر خواه می آرد صفت
انفو شتر اعرابی غیر اشب هر یک دو جز مشک یک جز
خمیه الثعلب خولجان هر یک دو جز مصطک روغن
یک جز قرفل یک جز کوفته بخته بقدر بخور حب
سازند تا نیم مثقال این حب توان خورد و از
عقب آن شیر تازه باب تره تیرک و آب بنفشه
نوشند نافع است -
حب اساک خوش که مسک و اساک به نظیر است
صفت جوز بواخو انجان مصری خمیه الثعلب هر یک
و دو دهم بیاسه و ام افیون مصری یک نیم دانگ
کا نور قهوه سی قسم اول و زنک بابر جد و در محراب و ام

حب سازند -
حب مسمی مغوط بیاز و شتی غیر اشب مشک
شتر اعرابی هر یک تو که کوفته بخته با شراب و دانه
حب سازند وقت حاجت دو حب با دو پیاله شراب
تناول نمایند چون مجده رسد لغو شود -
حب جد و افیون نفش هر یک جز زعفران
هر یک سدس جز ریوند خطائی جز مشک نیم جبه
باب حب سازند -
حب جد و در حکیم عماد الدین جد و در چادر شفا
جوز بوا بیاسه مایه زهره هر یک مثقال افیون
سه مثقال کثیر القدر کفایت -
حب الکرامات برای دانه هر قسم که باشد مجرب است
صفت کیمیا چون نیلا صفت کیمیا که پائیز یا دانه
برای کوفته همه با بار یک سائیده و در آب حب
و وقت حاجت در روغن گاو سائیده طلا نمایند -
حب نافع از امراض بلغمی و سوداوی صفت
دار چینی زعفران قسط سنبل حنا کما در یوسر
دانه انار حب الحلب مقشر غار یقون قره هر یک
مرصاف قرفل هر یک سه درم حب سقوط سه
شانزده درم کوفته بخته در صیف بعصیر و در
بعصیر گریست حب سازند شربت دو درم -
حریره نافع از سرفه قویب الحمد که با حرارت
صفت سیوس گندم قیفه خیسانیده صان
بر آتش بگذارند و غسل صفت هفت درم
و درم شکر سفید پانزده درم روغن بادام

یا مسکه یا روغن کنجد بر آن ریخته و متصل حرکت دهند و کسی را که مزاج گرم داشته باشد یا مرض گرم درین حریره میضه داخل کنند و برای کسیکه مزاج سرد یا غله سرد داشته باشد زعفران پودرم داخل کنند.

حب دیگر که نافع است برای برص مستحل است و آنجا معتمد الملوک علوخیان با پیچ یک جز گیر و دو جز آب زنجبیل تر سرش به جوب بندند و مقدار کنار پس بجو برون و جیمیل تر یا سرکه انگور می سوده بر برص طلا نمایند و اگر از طلا فاکده نشود دو حب بخورانشند.

حسار نافع است از سرکه که از خشکی و خشونت باشد صفت چو مقشر خنکاش سفید شکر سفید روغن بادام شیرین به صورت مقرر تیار نمایند.

حسار دیگر نافع از سرفه خشک و عسر نفس صفت با قلا مقشر سه اوقیه مخم نموده نشاسته اوقیه روغن بادام شیرین روغن زرد و بقیده حاجت.

حسار نافع است و منفع سرفه و قایلین صفت مخم خنکاش دو کف را شیر و کشیده کفک سمیه سحون سه اوقیه صمغ عربی بریان مغز بادام شیرین محض اوقیه گل قند آب خروب شامی حسار سازند اگر تقویت مقصود باشد آرد برنج باریک و مخم نمایند.

حسار نافع از سعال که از خشونت قصبه ریه که از دود و غبار باشد صفت چو مقشر مخم خنکاش شکر سفید روغن بادام شیرین یا روغن کاه.

حسار نافع بر اسهال همین سرفه صفت نشاسته شکر سفید روغن بادام شیرین یا روغن زرد.

کوبیده

حسار نافع از سل بعد قصد و تنفیه که بسبب اخلاط مقح باشد صفت چو مقشر با قلا مقشر مضمون نشاسته کثیرا بیدانه سرطان با سه پیچ می و دوازده هم پیزند و صاف کنند و شکر طبرزد و روغن که در داخل کرده حسا پیزند.

حسار دیگر نافع از سل تخم خنکاش نشاسته آب باران شیر و کشیده شکر سفید روغن بادام شیرین حسا سازند.

حسار نافع برای صاحب سل در بول صفت سرطانها سه تازه شور با سه اسفید بلخ زنجبیل تخم مرغ نیم برشت.

حب مقوی معده صفت سنبل المسک سنبل الطیب فرخ خشک و فلفل ناز خشک گلاب قرفه حسا سه قفل خولجان سانج بند می سمنه کوفی عوض کباب به صندل سفید صمغ عربی کوفته بخیمه جوب سازند هر چه بقد روغن در سایه خشک کنند.

حسار صالح از برای سل و خوار است کبده و صمغ صفت مخم و مقشر لوبیا سمنه مقشر کفک سمیه گندم محروس آتش مقشر چو سفید مقشر هر یک یک پیچ بادام شیرین تخم خنکاش سفید هر یک راج کیلیو شکر سفید بقیده کفایت دیگر گفت از آن گرفته حسار پیزند روغن بادام شیرین سازند.

حسار نافع از سل و قایلین صفت مخم خنکاش سفید دو کف کفک سه اوقیه صمغ عربی بریان سدرم مغز بادام شیرین بریان اوقیه آب خروب شامی

بعد حاجت بقوام لعوق سازند -

حشام نافع از قرحه سل و تنقیه آن صفت است که اگر
چند روز آن آب شامی غسل منصف -

حشام نافع از بود و تنقیه النفس که از غلط خلط
که بقصد ریجس پیده باشد صفت است که بخاله سمید و
آب گرم یک ساعت بخیسند تا لیه صاف
نموده و راشیون تازه بنیر تم رطل زیاده نمود و
تا بختن شود -

حشام نافع از رو که یا سرفه و خشونت چینه باشد
صفت است که بخاله سمید آب خالص یک شب بخیسند
پس کوفته و افشوده بخاله دو کنند و آب افشوده را
باشی تازه و دوشیده و فاشند و زیره و فاشین
بر آن پاشند و بر آن پاشند -

حشام طری نافع از رو صفت است که قطور یون و قیون
و غلیظ هر یک یک کف کلان قرطیم نیم کوفته و تخم کن
علیه هر یک دو کف خطی بخاله هر یک سه درم بخیر
چهل عدد و یک پنچ سه درم قند و دو درم جاد شیر و رقی
سد آب یک کف کلان همه را بپزند و صاف نموده
صد درم آن بار و غن سد آب و روغن خسرو
صفت است -

حب جالینوس جهت حمل صفت است که بهر طری
منقل از رقی شرم خطی غار یقون مس صفت است که
مشوی وزن برابر حب کف شرم شرم -
حب مبارک جهت دفع صفت است که
و محمود کثیرا پوست سیاه کباب ساکن است -

منصف بنفشه سوده اصنافه نموده حب سازند -

حب سرفه صفت است که صغیرا دم شیرین با قلا خشک تخم
تخم که و شیرین هر یک پنج درم رب السوسن نشانه
خشخاش سفید تخم خرفه هر یک سه درم شکر سفید
و ده درم بلجای پسته قبول شسته حب سازند -

حب جد و از صفت است که افیون خمر شک زعفران
و نقل بسایه صغیرا و وزن برابر حب سازند -
حب سرفه دیگر صفت است که رب السوسن کثیرا طبرزد
صغیرا دم شیرین برابر حب سازند -

حب سرفه دیگر صفت است که اسطوخودوس یک نیم باشد
کل سرخ یک نیم باشد با دم شش باشد نبات یک نیم
حب سرفه یالین صفت است که صغیرا صغیرا
کثیرا صغیرا دم شیرین که و صغیرا هر یک وزن برابر
ترنجبین پاک کرده ده وزن ادویه بلجای پسته قبول
و لعاب بهبه از حب سازند -

حب جهت سرفه اطفال صفت است که رب السوسن
هر یک شش باشد با دم تلخ نه عدد صغیرا صغیرا
چهار باشد خشخاش شش باشد صغیرا برابر بهبه
ادویه کوفته بخت حب سازند -

حب جهت سرفه اطفال بسخه دیگر صفت
کثیرا رب السوسن بهبه هر یک دو باشد قند سفید
شش باشد و سر ساقه صغیرا صغیرا
داخل کنند -

حب سرفه گل سرخ دو توله لایله سیاه شش باشد

انجیر ده عدد و موثر نه وانه روغن بادام یک توله تخم کرفس
دو ماشه خشک شش ماشه نبات یک توله شربت
از یک توله تاکیک و ام -

حب دیگر افیون جز غار لقون اسطوخودوس
بلبله کابلی صبر خود مصطکی هر یک جز مقل حاشا هر یک
نیم جز کوفته بخته خوب سازند -

حب سرفه اطفال صفته مغز بادام شیرین تلخ
پوست بجز بادیان تخم کرفس پریاوشان هر یک وزن
برابر کوفته بخته خوب سازند -

حب سرفه اطفال صفته گل سرخ شش سمن
کشتیر سه سمن رُب السوس سه ماشه شهد ده ماشه
ازین وزن دو حب بندند -

حب دیگر تخم کتان بریان کرده پنج مثقال موثر
هفتاد و سه مثقال فلفل لبست ورم زعفران ده ورم
عسل دو سیه کوفته بخته خوب سازند و نگا هارند -

حب دیگر موثر شش ماشه مغز بادام تلخ یک ماشه
رُب السوس چهار ماشه و ج باشد خوب سازند -

حب دیگر موثر شش ورم پوست بلبله ورم
فلفل نه ماشه روغن بادام یک ورم نبات دو ورم
حقنه نافع از ربو که از ورم شش باشد صفته

چو مقشر سه کف نخاکه خطمی هر یک کف انجیر خشک
غناپ هر یک سی عدد سیستان کف پریاوشان
کوتاه پنجه بروغن بنفشه لبست ورم شکر سفید پنج ورم
دانه سه ماشه افزوده حقنه نمایند -

حقنه لیسه نافع از احتباس لطن و امراض حاد و متدها

صفته غناپ سیستان بنفشه خشک چو مقشر نیم کوفته
خطمی سدوس خشک اکلیل الملک هر یک کف انجیر خشک
در سه رطل آب بپوشانند چون بیک رطل رسد نصف

رطل از و گرفته در پنج ورم شکر سرخ یک اوقیه روغن
گل یک اوقیه روغن کنجد ده ورم با هم مخلوط کرده
نیم گرم حقنه نمایند -

حقنه نافع از قوچ کج از خط حاد صفته غناپ سیستان
هر یک لبست دانه چو مقشر نیم کوفته ده ورم خطمی
سدوس گندم تخم کتان هر یک پنج ورم بنفشه خشک

سه ورم بلباب ده ورم در و رطل آب بپوشانند
تا نصف رسد پس صاف نموده چهار اوقیه از ان
گرفته لعاب اسفنج ده ورم روغن گل و روغن بنفشه

و روغن که در هر یک پنج ورم نیم گرم حقنه نمایند -
حقنه مقوی الارطام و اعصاب سفلی صفته آب آش
آب مزه بخوش آب نام آب مرو تاز به هر یک ملحفه

قصبه لاریه مسح دو ورم شراب جمهور سه
بایند موثر عسل ملحقین موافق حاجت از و گرفته
در قبل زدن حقنه نمایند -

حقنه آب حقنه چهار اوقیه و شیطح و ترندی
هر یک دو اوقیه -

حقنه برای ریح غلیظ صفته آب گند ناشکر به
آب حلبه مطبوخ شکر به روغن زنبق شیطرح
هر یک اوقیه نیم گرم حقنه نمایند -

حقنه دیگر سیرج الاثره صفته تخم کرفس تخم کشت
بادیان پنج بادیان غناب الشعلب اصل السوس

حب الغارز و فاشک پودینه ترنجبیل اصل السوس
خردل قروانا فلفل تخم انجیر انیسون و دوز عطران
کندر بوبرق افیون هر یک جز کوفته بخیته خوب سازند
حب الاشق نافع ربو بلغمی اگر چه ماده آن در قصبه
و شرا یکن رویه یا جرم رویه باشد صفت اشق درم
و آب رازیانه ترنجبیل چنان عمل شود چند پسته
نیم درم سوده بیندازند و حب بنزد و بآب غسل
فرد و برند

حب بنفشه منقش شش و سینه از اخلاط غلیظه
صفت گل بنفشه دو درم تر بد سفید مجوف خراشید
بروغن بادام شیرین لمت کرده یک مثقال سقمونیا
مشوی یک نیم دانگ رب السوس نیم درم حب بنفشه
حب نافع از ضیق النفس صفت گل بنفشه ورق
گل سرخ رب السوس هر یک درم غار یقون سفید
سقمونیا مشوی هر یک ربع درم کوفته بخیته حب بنفشه
حب دیگر قوی تر از هر دو صفت گل بنفشه ورق
گل سرخ تر بد سفید مطبوت بروغن بادام شیرین
هر یک درم کثیر رب السوس سقمونیا مشوی
ایاچ فیکر کوفته بخیته بگللاب خوب سازند جمله
دو شربت است

حب تیکلون نافع از ربو و ضیق النفس بلغمی صفت
تاکو فلفل سیاه موزیر منقش هر یک چهار درم شکلات
نیم دانگ اول تاکو را در گلاب بسایند تا چون
مرم شود و فلفل و مشک را سه سه سانموده خلط آنرا
و موزیر را بران اضافه نموده مقدار فلفل حب بنفشه

پرسپا و شان موزیر منقش ساکلی کلسرخ تر بد سفید مجوف
بسفاح افیون تخم کاسنی نیم کوفته هر یک توله نیم
ساک بالک یک قبضه جوشانیده صاف نموده
فلوس خیارشیر توله ترنجبین گلکند افغانی هر یک
توله صاف نموده روغن بادام شیرین شش شش
پوره ارینی سه ماشه اضافه نموده حقه نمایند

حقه حمت قتل ویدان صفت آب برگ شفتالو
آب خج قوت آب پوست انار شیرین گرفته قدری نمک
و نظرون و ران خل کرده حقه کنند

حب جالینوس شش و سینه را نرم سازد
صفت صمغ عرب کثیر هر یک شش درم لبان
مرصاف زعفران رب السوس هر یک دو درم
فلفل بست وچ دانه قمر پیرون وچ عدد قمر را با طلا
سجی نمایند و ادویه مدقوقه منخوله را بران ریزند
و مانند فلفل حب بنفشه یک حب زیر زبان وقت
شب بگذرانند و یک حب بنفشه بلغمی اصل السوس و بنفشه
حب دیگر که چون در دهن گیرند خلط غلیظ شش و
سینه را بر آرد و صفت رب السوس فلفل تخم رازیانه
هر یک درم فانیسه درم چون لوبیا حب سازند و
خواب در دهن بگذارند

حب نافع از اسهال که بعد استعمال سهل عارض
شود صفت افیون سنه که شکر است برابر سوود و مانند
دانه موثقه حب بنفشه تا سه روز یک یک بعمل آید
حب رب السوس فلفل سیاه شکر سفید برابر
کر سینه حب سازند

یک حب صبح و یک حب شام بکار برند -
 حب جد و ارنافع از نزلات بارده و از بروج و سرفه
 و مقوی اعصاب و ریگه صفته جد و ارنافع و سرفه
 و ارنافع و قنفل طباشیر سفید و میا و هر یک دو درم
 زعفران بسیار مصططک خود دهنده می افیون بزرگ
 هر یک درم مشک چند پیر ستر هر یک نیم درم کوفته
 بخت بگللاب حبوب سازند مانند خود شترتی حب -
 حب نسخ و دیگر صفته جد و ارنافع و قنفل زعفران
 تخم کرفس و رنچ هر یک دو نیم مثقال زربنا و قنفل
 خود قناری سنبیل الطیب و قنفل صمغ عربی قافله صفا
 و کبار و لجنان و ارنافع عاقر قریا افیون هر یک
 یک نیم مثقال فریبون چند پیر ستر هر یک نیم مثقال
 کوفته بخت بگللاب مانند خود حبوب سازند -
 حب غار یقون شیخ الرئیس نافع از بروج و سرفه
 چون علت قوی گردد و در هر راه دو مرتبه استعمال کنند
 فائده بخت صفته غار یقون سه درم رب السوس
 فراسیون هر یک درم تر عبد سپید پنج درم ایار فقیار
 چهار درم تخم قنفل نیم مثقال انیسون مثقال
 کوفته بخت بر دهن بادام شیرین چوب نموده باب
 حبوب سازند شربت دو درم با مار العسل -
 حب غار یقون بابت استاذی علوخیان
 رحمة الله علیه نافع اکثر اقسام ضیق النفس و سرفه
 بانغم و صفرا و سودا منقی سینیه و شش از آنها صفته
 غار یقون پدید بیش انش افیمون سناکی کثیر هر یک
 سه درم گل بخت رب السوس ایرسا هر یک نیم درم

از زروت سفید و انگ مغز چغوزه و دو انگ سرده
 بروغن بادام چوب نموده بگللاب شکر نرمی حبوب سازند -
 حب نافع از نزلات حاره منوم و از سرفه و سنبیل
 نشاسته رب السوس صمغ عربی تخم ختناس سفید
 افیون وزن برابر کوفته بخت بگللاب بهرانه مقدار
 حدس حبوب سازند شربت یک حب -
 حب نافع نزله حاره و سرفه و خشونت سینیه و شش
 صفته نشاسته کثیر رب السوس مغز تخم خیارین
 مغز تخم کدو تخم ختناس مغز بادام شیرین آرد باقلا
 وزن برابر سوده شکر طبرزد و صفت وزن ادویه
 بگللاب بهرانه چون باقلا حبوب سازند و زربنا و لجنان
 حب نزله و دافع سرفه شدید صفته نشاسته کثیر
 مغز تخم کدو رب السوس سوده باب کا هو چون باقلا
 حبوب سازند -
 حب نزله حکیم احمد مولوی معنوی صفته
 بزرگ سفید تخم کا هو نشاسته تخم ختناس صمغ عربی
 افیون هر یک مثقال پنج تقاح نیم مثقال زعفران
 ثلث مثقال کوفته بخت بگللاب بهرانه مقدار حدس
 حبوب سازند شربت یک حب -
 حب نزله والد ماجد معتمد الملوک علوخیان
 حدس سرفه صفته بزرگ سفید مصططک کربا نشاسته
 صمغ عربی گل کا و زربان تخم ختناس سفید
 مغز تخم خیارین افیون هر یک دو مثقال گل انجلی
 چهار مثقال رب السوس دو نیم مثقال ریون و بخت
 یک نیم مثقال زعفران مثقال کوفته بخت باب

پیل فراسیون
 و ثلث آن
 حبوب سازند
 شربت

پوست خشکاش خوب سازند هر چه مانند فلفل -

حب نافع بالبخولیا و امراض سوداوی صفت

ایارج فیکر ایک درم اقیقون لاجورد مغسول کثیرا

هر یک دودانگ سوده باطر لیل صغیر یا معجون بخاج

دو درم سرشته خوب سازند و وقت خواب فرو برند

و صبح مارا بخین بنوشند و اگر خواهند خوب را بوق

نقره پیچیده این یک شربت است -

حب نافع از البخولیا و جمیع امراض سوداوی که در

اشناسه مارا بخین در هر هفته بعمل آوان آورده صفت

ایارج فیکر ایک درم اقیقون لاجورد مغسول هر یک

دودانگ سوده بروغن بادام چرب نموده باطر لیل

صغیر یا معجون بخاج سرشته خوب سازند اگر تخم

بکد انگ اضافه نمایند قوی گردد -

حب دیگر لاد که صفت هر سه هلیله هر یک سه ماشه

ورق گلشن سنکلی هر یک دو ماشه اقیقون ماشه

سوده بروغن بادام شیرین چرب نموده خوب سازند -

حب نافع از سرفه که از خشونت سینه و قصبه ریه

باشد حرارت و تشنگی داشته باشد صفت تخم خرده شتر

رب السوس مغز بادام شیرین مغز تخم خرده شکر طرز

هر یک ده درم تخم خشکاش سفید تخم کاهو هر یک پنج درم

صمغ عربی کثیرا نشاسته آرد جو مقشر هر یک هشت درم

کوفته بخیته بلعاب اسفول خوب سازند -

حب دیگر برای همین سرفه اگر حرارت مغز باشد

صفت رب السوس پرسیاوشان گل بنفشه کثیرا

صمغ عربی نشاسته تخم رازیانه هر یک درم مغز بادام

آرد با قلا هر یک چهار درم تخم خشکاش درم شکر

دوازده درم زعفران نیم درم کوفته بخیته بلعاب

تخم مر و خوب سازند -

حب نافع از سرفه گرم مزمن صفت نشاسته

کثیرا صمغ عربی مغز تخم خیار مغز بادام شیرین مغز تخم

کدوی شیرین هر یک جزو ترنجبین شکر برابر همه ادویه

ترنجبین را با بلعاب بهدانه واسفول حل کرده ادویه

بدان سرشته چون ترس خوب سازند -

حب سرفه رب السوس دودام کات هندو شسته

بست درم خولجان سه درم مغز خسته هلیله چار دهم

تخم کافور بان دو درم مغز بهدانه صمغ عربی هر یک

درم بشیره ادرک حب سازند -

حب سرفه معتدل گل بنفشه رب السوس

پرسیاوشان کثیرا صمغ عربی بادام نشاسته

بادیان هر یک دهم مغز بادام تلخ چهار دهم با قلا شتر

چهار دهم تخم خشکاش دو دهم شکر دوازده دهم زعفران

نیم دهم بلعاب اسفول حب سازند -

حب لقا نافع از سرفه گرم دومی که با تب

باشد صفت نشاسته کثیرا رب السوس هر یک

پنج درم افیون نیم دهم کوفته بخیته بلعاب اسفول

خوب سازند و یک حب بوقت شب در دهن بگذرانند

حب دیگر نشاسته صمغ عربی رب السوس خشکاش

افیون برابر وزن کوفته بخیته بلعاب بهدانه شسته

چون حدس حب بندند -

حب نافع از سرفه که سبب انزال باشد

صفه نشسته کثیرا رب السوس منخر تخم خشنخاش
منخر بادام شیرین آرد با قلا جزا بر ایر شکر طبع نزد
برایر هماد و بر پاجاب بهمدانه جوب سازند شب
در روز در دهن بگذارند -

حب لسانجد و از خطائی چهار درم ریوند چینه
کباب چینی هر یک درم سوده بآب دریا مقدار و بخود
حب بند نه اگر گرمی کند طباشیر سفید و درم داخل کنند
حب نافع از سرفه که سبب الضباب نزلاست
حاره بسوی سینه و شش باشد صفه نذر البج سفید
تخم خشنخاش تخم کاهور رب السوس صمغ عربی نشسته
مصطک کثیرا شکر شغال آرد با قلا پوست بچ کفاح
منخر بادام انیون زعفران وزن بر ایر شکر بر ایرنج
اوزان ادویه کوفته بخیت بکلاب سرشته مانند ماش
جوب بند نذر شر بته و حب -

حب بابت والد ماجد استاد سے علوم خان
نافع از سرفه که از نزلات حاره رقیقه باشد صفه
نذر البج سفید مصطک کثیرا نشسته کثیرا صمغ عربی
هر یک دو مثقال تخم کاهو گل گاوزبان تخم خشنخاش
منخر تخم خیابین انیون هر یک دو مثقال راد پنبی
مثقال و نیم گل ارمنی چهار مثقال رب السوس و نیم
مثقال پوست کفاح مثقال زعفران نیم مثقال کوفته
بخیت با عصا رة پوست خشنخاش مانند فلفل جوب سازند
شربت یک حب -

حب نافع سرفه که موجب قلع در شب باشد نافع
نزلات حاره است صفه انیون نشسته رب السوس

صمغ عربی وزن برابر کوفته بخیت مانند خود جوب سازند
حب نافع سرفه جوب سبب صفه نشسته
رب السوس کثیرا وزن برابر کوفته بخیت باب پنج
کاهو جوب سازند -

حب منقول از قرابادین قانون نافع سرفه
که از پیوست باشد صفه منخر بادام شیرین خشنخاش
بادام تلخ تخم کتان معشیر بریان منخر طغوز هر یک
درم انیون صمغ عربی هر یک دو درم رب السوس
یا اصل السوس درم شکر فانیند هر یک دو درم
کوفته بخیت آب رازیانه جوب سازند بدانکه این
غلط کاتب است که این حب را از جوب نافع از سرفه
که از شدت پیوست باشد نوشته است چه اگر این حب
از سرفه که از رطوبت باشد نفع دارد -

حب نافع از سرفه خشک و تیرله صفه تخم خرزهره
هفت درم تخم خیابین اصل السوس تخم کتان
بریان شکر طغوز آرد با قلا هر یک پنج درم فانیند
ده درم مانند با قلا جوب سازند -

حب نافع از سرفه خشک صفه کثیرا نشسته
رب السوس کوفته بخیت جوب سازند -

حب الاجور و لنا صفه الاجور و مغسول کافور
کثیرا یک است تریب سفید مجوف سه ماشه حب انیل
یک ماشه پوست بلبله زرد بلبله سیاه پوست
بلبله کابلی هر یک سه ماشه بسفاح نیستقد و ماشه
ایاز نیمقر انیون هر یک دو ماشه کوفته بخیت
بر وزن بادام شیرین چوب نموده بقرن بادام بخوبی

کوفته بخته بآب گریب سرشته خوب سازند.

حب سرفه بار و صفت رب السوس ایریناز و فامغز بادام تلخ حلیت تخم انجیر و دمانه بشه حب سازند.
حب سرفه مغز بادام تلخ و شیرین مغز خنوزه هر یک دو درم انیسون صمغ عربی کثیر اصل السوس هر یک هر یک نیم درم قند چهار درم شیرین بادیان نیم درم محل ده درم حب بندند.

حب دیگر رب السوس مویشی شسته هر یک سه درم صمغ عربی کثیر مغز تخم کدو هر یک درم شکر نصف وزن او به بلعاب بدهد حب سازند.
حب زوفا بدهد نیم درم صمغ عربی سه درم کثیر است و یک درم خشخاش سیاه خشخاش سفید هر یک چهار درم مصطکی دو درم مغز تخم کدو و مغز تخم خیارین بادیان هر یک چهار درم گل بنفشه کاسخ هر یک سه درم کباب زوفا هر یک درم زعفران نیم درم ساخته در دهن دارند.

حب سرفه که برای بادشاه محمد شاه ترتیب داده شد صفت زعفران دمانه بزر الیچ افیون مصری بخته هر یک یکا شرب السوس صمغ عربی هر یک نیم خمیره غنبر شب هشت ماشه جد و از حریب شانزداد علی الرسم بگلایب خمیر کرده شصت و چهار حب سازند نیم ماشه خواهد شد بشری معتدل و حب درجه افیون یک پنج جد و او و سنج.

حب سرفه از حکیم علی بکیج خطیانا مرکبی جاذبه فاضل هر یک دو و شقال حب الفار چهار شقال

خوب سازند و در عین استعمال مار الحین در بخته یکبار وقت خواب بقرق گاو زبان فرویزد امرا سوادی و مالخو لیا را فایده بخشیدن یک شست حب نافع از سرفه خشک صفت رب السوس مغز تخم کدو مغز تخم خیارین گل بنفشه کثیر کوفته بخته بلعاب ببول و سفیدی تخم مرغ خوب سازند.
حب لبان نافع از سرفه شدیدی که از شدتش قهقهه شود صفت رب السوس کثیر بنفشه ترنجبین هر یک پنج درم تخم خشخاش بدهد از مغز هر یک حب درم مویشی شسته چهار درم مغز بادام شیرین مغز خنوزه هر یک چهار درم نیم درم انیسون بادیان قند هر یک دو درم آرد با قند لبان هر یک هفت درم کوفته بخته بلعاب ببول خوب سازند.

حب فافش نافع از درد جگر و یرقان و حیات صفت صبر عصاره فافش پوست بلبله زرد وزن برابر بود بآب گریب خوب سازند شربت دو درم.

حب نافع از خشونت سینه و ریو القطاع نفس و از جمیع قصبه ریو صفت کثیر صمغ عربی هر یک سه شقال کدو هر یک یک نیم شقال زعفران عصاره سوس هر یک نیم شقال سوده بشریت به شیرین خوب سازند.

حب شیطیج اصغر نافع از استرخا و فالج و در حقوه و در ذرا و در و مفاصل و نفوس بار و مسهل خلط غلیظ صفت بلبله زرد درم صبر است درم ترنجبین درم فلفل دار فلفل هر یک دو درم خردل سودر شیطیج هندی ملخ هندی تخم شطل هر یک دو درم فانیج چهار درم

بآب عسل مانند نخودی حب سازند و یک حب یا دو حب برای خوردن و هشتاد برای اطفال نصف نخود از برای کلان یک و این مخصوص است بر سردی و در طب -

حب سوزاک پوست پیچ تیب کنند که کم از صد سال نباشد هفت توله بلیله بلیله آله هر یک توله پوست گلو سه چار توله تال نکاحا سه توله کافور نیم توله قلعی کشته یک توله باجی یک توله ست ساجی دو توله بکحان بید و اندیشه یک توله جواکهار نیم توله تخم چولائی نیم توله خار خشک یک توله تخم تلخ خردوس یک توله سمندر سوکه دو توله چ بید سه توله آب مجرب به یک به یک سائیده و خورند حب برای اسهال باز داشتن شرط بلغمی عدیل ندارد فیون سماگ و در خشکوت سوده نصف جز خرماد و عهد دانداخته در عرق جوز مثل حل نموده حب البته بدارند -

حب امساک خلک الرقی یک درم و نفل یک درم مشک نه سنج با شیر ادرک مقدار نخود حب سازند یک حب یاد و حب در دهن نگاه دارند حب نافع از ریاح غلیظ و نفخ و تشنج عصب و تفلخ خصیه با صفت تخم کرفس تخم خربل انیسون مصطکی زعفران هر یک درم بلیله سیاه بلیله آله هر یک و درم سکنج نفل هر یک نیم درم پودینه قطر اسالیون قلع از خراسان و ن قسط زردینا و عود پند سی و ج هر یک نیم درم به دستور حب سازند -

جلوای مقوی میی صفت آرد نخود آرد گندم بروغن گاو بریان کرده نبات دو توله بقرق گاو بیا ده توله حل کرده داخل نموده بپزند تا چون تر حلق شود مغز بادام شیرین مغز انجک مغز نازیل مغز حلخونه مغز فندق مغز حب السمه مغز حب اخضر هر یک یک توله داخل کرده بپزند تا روغن پس در همین روغن بهین بپزد شقاقل مصری خصیه الثعلب مصری هر یک سه ماشه گفته پیخته داخل کرده در طبق چینی بین کنند غیر اشب مشک زعفران هر یک یک نیم ماشه نبات سفید سوده بران باشند و بطریق لوز بپزند هر روز بقدر توله یک لوز صبح و یک لوز شام بخورند -

نشخه و دیگر آرد نخود سه توله بروغن گاو سی توله بریان کرده نبات سه پا و بقرق گاو بریان یک به بر شاهی حل کرده داخل نمایند و تر حلقوا بپزند مغز بادام شیرین مقشر مغز حب سمه مغز حلخونه مغز حب السمه مغز حب اخضر انجک مغز فندق مغز نازیل مقشر مغز تخم خرپنه کوفته داخل کرده بپزند تا روغن پس در دهن چینی شش ماشه بهین هر یک توله شقاقل مصری خصیه الثعلب زنجبیل خولجیان هر یک سه ماشه غیر اشب یک ماشه ای شتر آله سه ماشه تو در می گلگون تخم تال نکاحا هر یک سه ماشه سوده داخل کرده در طبق چینی بین کنند و بطریق لوز بپزند هر روز دو توله با شیر گاو بنوشند -

نشخه و دیگر آرد سیده آرد نخود هر یک بست توله بروغن گاو و چهل توله بریان کرده عسل مصفاة توله

نبات سفید یکنیم با کوبه عرق گاو زبان و عسحق
 بید مشک حل کرده داخل نمایند و پیرز تا نرملوا
 شود پس مغز بادام شیرین مغز پسته مغز انجکاک
 مغز حب السم مغز حب الحنظل مغز نارگیل مغز فوفی
 مغز بلغوره کوفته داخل کرده پزند تا روغن پس در
 دایمینی بهمنین شقاقل مصری نولنجان خسته اشک
 مصری هر یک توله نجیل دانه میل مصطلک روسی
 هر یک سه ماشه مویاسی هر روغن پسته گداخته انداخته
 بر هم زنند تا نیکو بخار شود و فرو آورده در طبق
 چینی بین کرده مصطک خالص دو ماشه نبات سفید
 پنج توله سوده باشند بطریق کوزه پزند بقدر توله تا دو توله
 حلوا سس مالکنانی حافظه را قوت دهد و سیاهی
 نگاه را دور تقویت با سه لیلیه است صفت
 مال کنن یک سن و ده استار صغیر عربی پنج استار
 پوست ناسخاوه دو استار عاقر قرحا پانزده مثقال
 قرنفل و مصطلک هر یک دو نیم مثقال کباب چینی پانزده
 مثقال روغن گاو نیم سن پوست لیلیه سیاه نجیل
 هر یک ده استار عسل یک سن و ربع مال کنن و سیاهی
 ناسخاوه و لیلیه در روغن بریان کنند و باقی اجزاء
 کوفته همه را در شهد انداخته حلوا سازند و در ظرف
 چینی نگاهدارند شش مرتبه پنج مثقال -

باب الخار

حمیرة صندیل صندیل سفید ابریشم مفر من هر یک
 نه ماشه گاو زبان گل سنخ هر یک توله عطران
 هر یک دو ماشه گل بلبلو فرو رده توله قند سیاه

لشحه دیگر بپورده صندل سفید پنج توله گاوزبان گل گاوزبان
هر یک سه توله گل سرخ گل نیلوفه هر یک دو توله برگ
فرخشتاک توله یک شبانه روز در عرق گاوزبان و
عرق غناب الثعلب و عرق بید مشک هر یک نیم درم
و گلاب پاویس پنج باشد روز دیگر بجوشانند تا بپزد
رسد پس مالیده صاف نموده با قند یک اشار
بقوام آرند و طباشیر و گلاب منفر تخم کدو و منفر تخم
خیارین تخم خرفه منفر کشنیز خشک هر یک دو درم
منفر تخم کاهو یک نیم درم کافور ماشه زعفران یک نیم درم
مشک باشد کوفته بخیته بدان بر سرشند
خضاب برگ خاجز و دسمه و جز و در و پنج شب
نمک اندرانی باز و بریان خبث الحیدر بر آب
در سیم که سوخته بگذارند تا سرخ شود
لشحه دیگر خبث الفضه در سر که بپزند
خضاب دیگر خبث الفضه در سر که بپزند
یا ترنج داخل کرده در سر که بپزند تا بپزد روز
بگذارند
خضاب دیگر شقائق النعمان رطل شب
وسک هر یک او قند در سر که بپزند و دفن کنند
خضاب دیگر بپزی جو که پیش از خوشه بر آرد
بالصف و زن آن در شیشه کرده زیر سر که بپزند
خضاب دیگر برگ کنیر در شیر زن بپزند
تا ثلث شیر بماند تمام شب بگذارند
دیگر یک شقائق در زیت بسایند تا چون
شود و اگر شب در آن افروخته نمایند آب است

دیگر تخم نویر ساییده در روغن مسکه یک توله درون
یک ماه در سر که بپزند و دفن کنند
خضاب دیگر آمله پاویس در روغن و مسکه
نیم سیرتیک ساعت بپزند و یک رطل از آن بپزند
و صفت اسیرب و شب هر یک چهارم حصه رطل بپزند
تا بهنگی در جوش حرکت دهند
خند لیتون اصلاح برده و وضعت کبد که کسب
بر دبا شد و قصور و مضم و راج و مشاخ بلغمی مزاج را تا شش
صفته شراب که پنج رطل اصل مصفای یک نیم رطل
از بخیل پنج درم قاقه مغار و کنار هر یک نیم درم
قرنفل دانگ و اچینی یک نیم دانگ زعفران یک
فلل سیاه مسک هر یک یک نیم دانگ و راسی مشک
در زعفران همه ادویه را بر سر بسایند و زعفران
در کتان بسته بپزند تا غلیظ شود و مشک انداخته
از آتش فرو دارند
خمیه ابریشم ابریشم خام پنجاه مثقال و گلاب
چهار رطل عرق بید مشک دو رطل سه شبانه روز
بجسایند و با ش ملاکم جوش دهند و صاف نمایند
و بانبات دو رطل و غسل مصفای یک رطل بقوام آرند
و از آتش برداشته غنیر چهار مثقال و ورق طلا سه مثقال
ورق نقره مثقال در آن حل کرده ابریشم مقبض
و دو مثقال گل گاوزبان و دو مثقال مصطکی الماشیر
گل سرخ خود بپند می صندل سفید هر یک دو مثقال بپزند
و در آن را سفته صلایه کرده که با گلاب صلایه کرد
مثقال مرجان صدیه کرده مثقال مشک خاصه سوخته

قرابادین جلال فارسی

بریزند و بر سر که بپزند

لشحه دیگر ابریشم دو رطل در چهار رطل آب سهر
شبانه روز بجسایند و جوشانیده صاف نموده گلاب
و عرق بید مشک عرق گاوزبان آب به آب میب
هر یک ثلث آب ابریشم با هم مخلوط بجوشانند
و کف بگیرند بعد از آن صندل سفید گلاب سوخته
سه مثقال طباشیر سفید آب سوخته دو مثقال در کتان
بسته در دیگ اندازند و با ش ملاکم ساعتی بجوشانند
و بانبات مقدار قبول و الله و بقدر کفایت اضافه
نموده بجوشانند تا به قوام شربت به آید از آتش
فرو آورده غنیر دو مثقال در آن حل کرده بعد یک لحظه
صبر کرده مشک مثقال در گلاب ساییده داخل کنند
و ورق طلا در غسل طبر زوده دام حل کرده اضافه نموده
بر سر که بپزند و در ظرف چینی بگذارند و اگر آب فوکه
موجود نباشد شربت فوکه بجای آن کنند

لشحه دیگر منفر ابریشم خام ده مثقال و گلاب
و عرق بید مشک و عرق گل گاوزبان هر یک نیم رطل
یک شبانه روز بجسایند و روز دیگر جوشانیده
از آتش فرو آورده مشک تبخی غنیر اشوب
هر یک مثقال و ورق طلا ده عدد و ورق نقره سی عدد
انداخته تبار نمایند

خمیه مروارید که تقویت دل و دماغ و معده نماید
مروارید ناسفته سه ماشه مرجان کبریا و ورق طلا شش
ورق نقره هر یک نیم ماشه صندل سفید مصطکی هر یک
ماشه نبات سفید یا نند سفید پاویس سه گلاب عرق بید مشک

بقدر حاجت غلبه مشک خالص هر یک نیم باشد
بدستور مقرر خمیره سازند

باب الدال

دستور العمل خوردن چوب چینی بابت استا و
معتد الملوك علوی خان رحمة الله علیه اگر فصد
ضرور باشد از هفت اندام یا با سلیق و اشال آن
خون بگیرند اگر مانع از موافقی نباشد و با فاصله
پانزده روز صفت از گل گاوزبان گیلانی یا درختچه
عنب الثعلب اصل السوس غنچه گل سرخ گل زعفران
گل نیلوفر آفتیون بکتان بسته بسطاج شامه
پرسپادشان از هر یک دو درم تخم خیار نیم کونست
یک توله انجیر زرد و آلو بخارا هر یک ده دانه تخم کاسته
دو توله نیم کوفته عناب ده دانه سپستان بست دانه
جوشانیده صاف نموده ترنجبین خراسانی شش توله
گل قند آفتابی چهار توله جل کرده صاف نموده تا دور
عمل آرند روز سوم سناکلی نه باشد در مطبوخ ضایع
نموده بعمل آرند روز چهارم خلوص خیار شنبه
شش توله در محلولات سناکلی شش باشد در مطبوخ
اضافه نمایند در دغن بادام شش باشد اضافه کرده
استعمال نمایند روز پنجم بلیله مر یا یک عدد بکلاب
شسته لا جور و مغسول یک باشد پاشیده تناول
نمایند بعد از آن تخم فرخ مشک یا تودی گلگون یا تخم
یا لنگ چهار باشد لعرق گاوزبان و عرق بید مشک
هر یک چهار توله شربت انار شیرین یا شربت گاوزبان
یا شربت باد شنبویه دو توله بنوشند روز ششم

شنبه روز سوم بعمل آرند روز هفتم شنبه روز چهارم
استعمال نمایند روز هشتم شنبه روز نهم یکا بریزند
و اگر نفخ در قاروره یا بام گذارسته ظاهر نشود اعاده
منضجیات مذکوره نموده مسهل مذکور گیرند و اگر اضیاء
افتد چه که از ایاسج فیهقار لیون چینی ترید فیهقار مقشر
هر یک یک نیم دانگ حجر ارشنه یا غار یقون بوزن
یک دانگ و نیم تخم حنظل نیم دانگ محمود یک نیم
شمت مغسول نیم درم مصطکی قش از زرق کتیرا یک نیم
هر یک دو نخ و بوقت سحر روز هفتم استعمال نمایند
و صباح آن طبوخ مذکور استعمال نمایند و چند روز
مفاصله داده چوب چینی شروع کنند و بدین دستور
چوب چینی هر روز سه توله بدین شش بخاری مقدار
سوخو یا با قلا ریزه ریزه نموده در پیاله چینی بکلاب
و عرق بید مشک هر یک نیم سیر یا ده ده توله شب
خیسانیده و صبحش یا شست سیراب در دیگ سنگین
یا سی تازده قلعی کرده ستراده اب طبق سفالین بنشیند
اطراف او را خمیه آرد و آتش محکم نموده براد چای
بار کنند و شک سنگین بر سر او گذارند و مقدار سه
همه قلعی بار یک دود و شاخ در زیر او بسوزانند
تا این همه تمام شود پس دیگر از آتش فرو آورده
لمحه صبر کنند که شور حرارت او کم شود و داسه بر سر
گرفته سر دیگ را بتدریج برگردانند سر بخارا بر دارند
تا سر و گردن عرق کنند پس یک پیاله یا آنجوره آب
او را به نبات سفید دو توله داخل کرده گرم گرم
قوه بنوشند و در بار بر سر او گذارند و چوبه بنشیند

تا عرق خشک شود و آب را در شیشه کرده در تمام
 یک شبانه روز قدری گرم بجای نموده و قدری سرد
 بعضی آب و قدری در شیر نان و طبع غذا بقدر خوراک
 داخل کرده صرف نمایند تا آنکه تمام شود و باز دیگر
 دیگر بدستور مذکور طبع نموده بدستور مذکور بعمل آرند
 و همچنین تابست و دیگر در عمل نمایند و درین چین
 هفته یک مرتبه عرق نشیند باین دستور که بعد از پنج
 چوب چینی فرو آورده و گذشتن مدت که حرارت
 کم شود کرسی نهاده لحاف بر کرسی کشیده دیگر را در زیر
 آن کرسی گذاشته علیل خوابیده لحاف دیگر متصل
 لحاف کرسی بر خود کشیده سر خود را از لحاف بر آورده
 سر دیگر را کشوده دارند تا بخار از پاهای تمام بدن رسد
 و عرق آید و یک پیاله او را باد و توله نبات گرم گرم
 بنوشند و لحاف بر خود چیده خواهند تا عرق خشک شود
 و همه آب را بدستور مذکور صرف نمایند و از ابتداء
 شروع چوب چینی بلکه یک هفته مقدم و بعد از فراغ چوب
 تا چهل روز از ماست و پنیر و ترشها و ترکار پسا
 و حرکات خفیفه و نفسانی و بدین و نمک اجتناب نمایند
 و از جمیع ناشنشن ماه پرمیهر کنند.

و دستور اشامیدن چوب چینی بابت حکم محمدی
 باید که هر روز پنج مثقال چوب چینی بکندگی بشت کاه
 تراشیده و با یک نیم سیر کبری آب در و یک پیاله گلی بپزند
 تا ببلشت رسد پس صاف کرده گرم گرم بدستور نموده
 بیاشامند و هر روز همین دستور تابست یک در صبح
 بیاشامند اگر بموضعی بدن الم داشته باشد بعضی اوقات

بخار نرم بدان میداده باشند بخوبی که تمام بدن عرق بکند
 و درین ایام غذا را سه سبک از اقسام بالوده مایه شده
 و شور با و بخود آب و امثال آن بگوشت نعلی و مرغ
 کم نمک بخورد و آب خالص بخورد و آب طحاح نیز بخورند
 باید بگوشت خورش را بغذا املی مذکور قرار دهند
 و بگوشت پارچه ناسی بکمک با شربت قند و بعضی
 از حلویات قند و مریات و زرد و تخم نیم پرشت
 بخورد و درین ایام از ترشی و سبزی و پیاز و غذاهای
 غلیظ و لبنیات پرمیز و بجماع اگر خواهد نرود
 و دستور العمل بدستور دیگر پنج چوب چینی تازه
 خوب سنج بکند و تا گل و گرم خورده نباشد
 و سنگین باشد و پاره های پیرگ باشند و پنج علی
 اختیار کنند هر روز پرشت مثقال باشند و انگ
 از پنج بکشند بعد از آن که آنرا تراشیده باشند
 به تنگی کار دس و آنچه از آن ریزه شده باشد
 بغیر بال بیرون کرده باشد تا آب چوب چینی خراب
 نشود و باد و من آب بوزن بتریز و دیگر گلی که
 چرب نبوده باشند بپوشانند تا سه چار یک بوزن باشد
 لیکن بر سر دیگر سر پوش گلی دارند و حوالی دیگر را
 بنجیر ولته محکم کنند و بر سر دیگر سنگ دارند تا
 بخار بیرون نیاید پس با آتش ملائم همه خشک افتد
 بپوشانند که سه چار یک بماند و طریق دانستن
 آنکه چه وقت بوزن مذکور رسد آنست که یک در
 بطریق امتحان همه مقرر که در خشکی و تری و گندگی
 و باریکی و کوچکی و بزرگی هم سنگ باشد بدان همه

بوزن شخص بچو شانشند و شخص سازند که بچندین میهم
که سوخته شود به چار یک می رسد بعد از آن هر دوه
بهین وزن هم یک روش میشود جو شانشیده
باشند یا اینکه سر پوش و یک را سوراخ پار کنند
اول مرتبه به چار یک آب در دیگ کنند و چوب
باریک از آن سوراخ در دیگ کنند تا بقدر دیگ
برسد و ملاحظه کنند که بچه موضع از چوب آب مذکور
رسیده آن موضع را از چوب نشان کنند و بعد از آن
دوین آب بکشند و همچنین بچو شانشند تا وقتی که
گمان شود که بمقدار مذکور آمده است پس سوراخ
سر پوش را باز کنند و بساحت این کار کنند که بخار
بسیار تلف نشود و اطراف چوب را تر کنند که آن
امتحان شخص شود و شخص کنند که آب بموضع نشان
رسیده یا نه اگر رسیده باشد فوالماد و الا سوراخ را
زود محکم کرده دیگر بچو شانشند تا آن مقدار که آب
بموضع مذکور رسد و تا ممکن باشد نوس کنند که سوراخ
کمر کشوده شود که بخار تلف نشود بهتر و اگر روش دیگر
امتحان می کنند باز شخص سازند که چه مقدار میهم
سوخت میشود و بمقدار معلوم می رسد باز هم مقدار
همیه میسوزانیده باشند و بهین روش اکتفا نمایند
که بهتر است و بعد از آنکه جو شانشند بر روی کشتی
و بلخاف بپوشند تمام بدن در امی راه نفس دیگر را
در زیر خود بگذارند و سر دیگر را آهسته آهسته بردارند
و بخار آن تمام و کمال بدن صرف کنند خصوصاً عضو
مهلول و در انشای بخار به پیاله کوچک از آب گرم

این پنج بطریق قوه پاشا مانند پس بخوابند و
بلخاف بپوشند تمام بدن و راه نفس بگذارند و اگر
راه نفس بیرون نگذارد خوف هلاک است و صحرای
در جو شانشیدن شیخ شروع کند و صبل بخار گیر دو تا
عرق باقیست حرکت نکند و نموده آب چوب چینه
سر کرده بجای آب بنوشند و اگر تشنگی در وقت
بخار شود آبیکه از بیج گرفته خوب سر کرده باشند
بنوشند و همچنان براسه روز آینده همیشه آب
بیخ سر کرده تیار دارند و اگر سه چار یک آب
از براسه دفع تشنگی کافی نباشد در آب چهار من بیخ
چوب چینی ده منتقال بچو شانشند که تا یک من بماند
و بدینند تا بست یک روز چینی کنند و اگر ضعف
در روز سه پدید آید بخار و عرق نکنند لیکن دو پیاله
آب گرم بطریق قوه بنوشند و باقی را سر و بجای
آب بنوشند و در ختمای پنبه دار بپوشند و چوب
عرق آید بهخت پنبه دار خشک کنند تا بوی عرق
در رخت پیوسته گردد و در غدا شعله با قلیه بخور آب
و کباب گوشت نقلی و بره و کبک و مرغ خروس
فریب سب ترشی و بے نمک در آب چوب چینی که
سر کرده باشند و میل و دار چینی داخل نموده
وقت تشنگی بنوشند و آب مذکور نان و طعام
پزند و روغن در طعام داخل کنند و استنجا
و مسکن دست و روک و همه حاجات آب
بیخ کنند و از غذای غلیظه و تنوری و گندمی و شیر
و استها و سبزیها و همه میوه باد شیرینی مفروض

و غسل پیریز کنند و اگر خواهند با دام و پسته و فندق
و بادیان قندری و قرص عنبر و کوارش و صلیک و شربت
قند و نبات و گلاب و بید مشک و تخم بالنگه و تخم
ریحان که بآب چوب چینی ترتیب داده باشند
بجوز است و واجب است که از غم و غضب اندوز
خود را نگاهدارند و از هوا سی سرد نیز تا منقرض شود
و ندگر سینه باشد و نه افراط غذا کنند و در وقت غذا
بها که بهار و خریف است در صحت مزاج بخورد
تا که احیاناً اگر مرض در اثنای خوردن عارض شود
شک خوردن گیرد و بتدریج مرض مشغول شود
لیکن بتدبیر مناسب حال باشد و بعد بخت یک روز
بهمام رود و تغییر رخت نمایند و در دیگر بیماری
آب آب چوب چینی بنوشند و طعام بی نمک بخورند
و از امور مذکوره دیگر پیریز نمایند و بعد از یک
اندک نمک بپذیرند تا در ده روز بهبودی مقرب گردد
منافع چوب چینی تقویت قلب است و تقویت
حرارت غریزی بلکه تولید آن و تقویت روح و تشنگی
و دماغ و تربط آن و اصلاح مزاج سوداوی
و قلع مایخی و لیا و ریح کننده و برص سیاه و سرطان
جسم و قروح خبیثه و گریه سوداوی و جذام و کلمه
و سپر و جرب و قوبا و سودا و اورام صلیب و پیشین
و مفاصل سوداوی و تحصل دم ضالح و سیمین
و قروح مذکوره و حرقة البول کننده و نافع است جهت
اقسام آنشک و جهت جماعی که فرزند ایشان
نمی مانند یا فرزند نمی شود بسبب امر امنیکه پدر

و مادر در رحم و اعضاء تناسل دارند مثل سرطان
رحم و درم صلب و قروح خبیثه و درندگی که جهت از آن
عادت افیون و وجع و رک جبت قویخ شانه که از
استلار عضلات و اعصاب و ریاضات آن موضع
و حوالیش عادت شود و جهت بواسیر و بواسیر
و قروح جبت و رذایه الفیل و آنشک و ریاح
در کمر و پشت لیکن باید که پیش از خوردن چوب چینی
استیصال خلط فاسد و سیب مرض بکنند مثلاً
هرگاه قروح و بواسیر که از باد فزنگ و آنشک
پیدا شود و بنفحات آن گل گاوزبان گیلاس
و بادرنجیویه و تخم خیار هر یک توله انجیر و آلو بخارا
هر یک ده دانه بپوشانند و صاف نموده و ترنجبین
شش توله گلشن آفتابی چهار توله اضافه کرده
بنوشند در سه روز پیشش باشد و افیتون و
بسنجاق فستق پوسته و لبلله زرد پوست و لبلله کاپلی
لبلله سیاه هر یک نه باشد داخل کنند و جهت تقویت
دم و تقویت احتیاج که بواسطه ارغاسه او و
منفجه و انصباب مواد فاسده و تا چهار روز بپوشانند
این دو کند و روز پنجم سنا و مکی شاه هره گسرخ
هر یک جزو داخل کنند و اگر طبیعت ملین نشود
روز ششم یا هفتم جهت اصلاح جگر و یونجه
داخل کنند و علی الاضطرار بر روز هشتم چه که
ایا راج فیکر او غار یقون در یونجه چینی و ترنجبین
مقشر هر یک یک نیم دانگ و تخم خنظل نیم دانگ
مجموعه دانگ و نیم شمشاد منقول نیم درم مصطلکی

مقل ازرق کثیر انکس هندی هر یک دو نخ و دگرفته
باشند یا شربت بنفشه ده مثقال سحرچیزند و بعضی
اطباء در جمع میان صبر و غار یقون منع می کنند
ولمذا سحر که غار یقون داخل نکنند چرا که در ایام
صبرست عوض آن حجر از منی بقدر آن داخل کنند
و اگر سهل عمل جهان نگردد باشد بعد از تقدیم نفیج
حب مذکور را مرتبه دیگر می تواند میل کرد و اگر قصد
ضرر در باشد قبل از سهل باید کرد و اگر دوسه روز
چنین منفعی بگیرد غناب بهشت دانه سپستان باشد
غناب الثعلب سه ماسه بنفشه دو ماسه بادرنجبویه
دو ماسه گل گاوزبان دو ماسه بادیان دو ماسه
خیارین ماسه و بعد نصف کنند بهرست و بعد
مسل پس از چندی بجمام روند و شش وعده در چوب
خوردن کنند -

و دستور نختن چای سافج توله چای خطائی توله
بسیار باشد چار ماسه قافله و ماسه قنفل ماسه حنظل
چار سنج دار چینی غناب هر یک ماسه مشک دو سنج
مشک طریح ماسه و چهار ماسه درسی و دو برابر
آب بخور و نصف بماند بعد نصف شیشه گلاب انداخته
جوش داده صاف نماید -

و دستور دیگر چای چای خطائی دار چینی قنفل
ناخواه بادیان هر یک توله سوا چای باقی ادویه
را نیم گرفته اولاده سیر آب بچوشانند و بر کتر اسی تا نصف
رسد پس ادویه را درین داخل کرده جوشش دهند
تا سه سیر آب بماند صافی نموده گرم گرم درم سیان چوبی

چای را درین انداخته سرازتر اگر فته لحاف بالا بیندازند
و دو پیرنگدارند پس بر آورده صافی نموده و شیشه
کرده بدارند ده توله شام نبات سفید و توله اصل
کرده گرم گرم چون قهوه بنوشند -

و دستور مروق ساختن آب کاسنی و آب غناب
تازه هر یک را علیحدہ در ظرف گلی کوده بچوشانند
و کف آنرا بگیرند و از آنش فرو آورده بگذارند تا
تر نشین شود و صافی هر یک گرفته ده توله مروق
کاسنی و پنج توله مروق غناب با دو توله سکنجبین
بجوش آورند و هر روز یک توله مروق کاسنی و نیم توله
مروق غناب الثعلب پیفزیند تا وزن آب کاسنی
شانزده توله و آب غناب الثعلب هفت و نیم توله
برسد برای یرقان فائده کلی دارد -

و دستور اشامیدن چوب چینی بطریق قهوه
بدرویش است کلی آنکه انفع است اما پیرنیز در
نفش بسیار و آن اینست که هر روز بهشت شفا
صبح چینی را در دمن بر نیاب بچوشانند تا سه چار
یک بماند پس صافی کرده قریب هفتاد مثقال
گرم گرم صبح بطریق قهوه بپاشانند و همچنین طریقت
آخر روز بعد که از غذا خالی شده باشد مسامی
القدر را گرم بنوشند و تهمه آب را سرد کرده در
اشنا سه روز وقت تشنگی بجای آب بنوشند
و دیگر آب بخورند و طعام و نان در آب بچینند
و از نمک و موصفات و لبنیات و سبزیها و میوهها
قاطبتی بر سبزیها بند و تفاوت در میان این طریق

در وقت شوق هر چه است که اینجا بخار گیر و آسجانه -
 و ستور خور و ن عشبه بقول حکیم توفیق کی یکی آنکه
 چهار روز بخورد هر روز نیم مثقال عشبه را بکار دزیره
 کرده بعد از آن در ماه و ن انداخته نرم نمایند اول
 شب هفت پیاله قوه خوری آب در آن ریزند و
 صاف کرده بخوشانند تا چهار پیاله قوه خوری با
 پس بطریق قوه بخوشانند و نقل همان روز در چهار
 پیاله آب بخوشانند تا دو پیاله بماند شب همان طریق
 بخورند و این دستور است و یک روز بخورند
 و این وسطه است و یکی آنکه چهار ده روز بخورند
 و غذا نخورد آب با کوابل حاره و از ترشی و نمک ماست
 پرهیز کنند و اگر میسر شود باب عشبه غذا نزنند
 روش دیگر آنکه هر روز نیم مثقال پنج چینی با سه چهار
 یک تبریز آب بخوشانند آنقدر که چهار یک آن بماند
 صافی نموده نصف آن آب را صبح و نصف را
 آخر روز گرم گرم بطریق قوه بخوشند و اگر آب خالص
 بخوشند یا طعام در آن نیز نزنند باک نیست لیکن
 از حموضات و لبنیات و شیرینها و غذاهای غلیظ و
 سرد و هوای سرد و غم و غصه پرهیز نمایند بلکه از فراغ
 تا چهل روز دیگر نیز پرهیزند و از جمیع نیز پرهیزند
 و ستور خور و ن عشبه آنست که شصت مثقال
 عشبه را بد رازی انگشت قطع کرده بعد از آن هر
 که ام در عرض چهار حصه کند و یک من تبریز کلاب
 و یک من عرق میبد مشک تا سه روز بخیشاند پس
 در دیگر گلی بخوشانند و در وقت خوشانیدن و ن

تبریز آب خالص و یک من عرق میبد مشک کرده و
 آنسته آنسته با آنش ملائم بخوشانند آنقدر که نصف
 بسوزد پس آنرا در هفت روز هر روز سه پیاله ترشی
 خوری کم کرده بخورند باید که یک پیاله صبح و یک
 پیاله میان روز و یکی بوقت شام و قریب سی مثقال
 نبات سفید اگر در تمام عرق کرده بخوشند بهتر است
 فراغ سازند و از ماهی و شیرینی و لبنیات و غذاهای
 و حموضات و جماع و غم اندوه و مثل آن اجتناب نمایند
 و از بلاد و کلیا و شور با و گوشت های لطیف و ازغ
 و بره و نعلی و سبک بخورند و در شام آن عرق
 میبد مشک و کلاب باک ندارند و بعد از فراغ تا سه
 ماه پرهیز کنند و بحمام بروند و اگر خواهد شربت احتراز
 بخواه و اگر خواهند که در ایام گرم آب عشبه بگویند
 تا اینکه هفت و شصت مثقال عشبه را با سه چهار یک
 تبریز آب بخوشانند و آنقدر که یک چهار یک آب
 بماند صاف نموده و دو حصه نموده نصف صبح و نصف
 را در آخر روز نیم گرم نبات بیاشانند مضایقه است
 و ستور عشبه خور و ن نقل کرده است استاد
 من که شقول از حکماء و رنگ است سه مثقال عشبه
 را هر روز بعد از خوردن یک شانه زرد را
 که بعد هشت پیاله شد خیسانیده صبح با آنش ملائم
 بخوشانند تا نیمه بماند پس صاف نموده پیش از طعام
 سه دفع بخوشند تا بست و یک روز همین کنند
 و از امور مذکور پرهیز کنند و غذا نزنند و بخورند و
 نقل عشبه را خشک کرده با دایچینی و زنجبیل ساکن

وزنش در ربع وزن کبابه کوفته بخته بانبات و عمل
مصفا و وزن او و به چون ساخته بعد فراغ صبح
و شام یک توله -

و ستور خور و ن قافور به بعضی انیک حکم و الدین
محمود نوشته قافور به نیم شقال یا قوت زمانی یک انگ
لعل بدخشان غنچه اش به خود قمار می مصطکه هر یک
نیم انگ این را کوفته بروی سنگ سماق صلا کرده
بگل آب سرشته و بمجروح و حب سازند بوق طلا چیده
در سه روز هر صبح یک حب بخورد و قریب ظهر بخورد
آب گوشت حلوان یا مرغ جوان فربه که اندک برنج
دارد پختی و قرضل داشته باشد بخورد بعد عشا چون
غذا خوب هضم شده باشد عرق بید مشک ده توله
گل آب ده توله تخم بالنگو چهار ماشه نبات و دود توله بخته
و اگر باین طریق که قافور به بروی سنگ سماق صلا
کرده در سی ماشه معجون طلا داخل کرده سه صد کرده
صباح و در سه روز میل کنند بهتر است -

و و انیکه قه صفراوی را دفع کند و خشیان تسکین
دهد صفت سماق طباشیر حب الرمان از هر یک شقال
کوفته بخته آب نامار میخوش میل کنند -

و و انیکه قه صفراوی و بلغمی را دفع دهد صفت
مصطکه عود قرضل کشنه خشک هر یک یک شقال کوفته
بخته آب نبه نشند و کذا اگر با بسد مصطکه سماق هر یک
نیم شقال کوفته بخته آب بی میل کنند -

و و انیکه عسر بول را دفع کند صفت بادیان تخم کرفس
هر یک دو شقال چوشانیده و صافی نموده شیر و تخم کرفس

آب آن شیر و کرفته قند سفید داخل کرده نبوشند -
و و انیکه مدر بول است صفت تخم خیار تخم بادیان
تخم خربزه هر یک سه درم بایک دران تخم کرفس بادیان
اینهون هر یک چهار درم چوشانیده و صافی نموده
باشد شیر کشیده قند سفید و دود توله بیاشانند -
و و انیکه مدر بول است صفت اینهون تخم کرفس
هر یک سه درم قند سفید چهار درم کوفته بخته کف کنند
بعد از آن شیر و تخم خیار این تخم خربزه میل کنند -

و و انیکه بواسه الف را سود دهد صفت زاج سفید
سودخته زنگار شسته هر یک ماشه سفید آب کاشنی
شته سه ماشه شکر و نه سه ماشه طوطیاسی که باقی مضبول
سه ماشه دم الاغ این پوست کند و در ساق هر یک
سه ماشه لبر که سوده کوفته بخته درم زرد و نیم ساق
توله بروغن گل سرخ توله کداحه از آنش فرو داده
ادویه را داخل کرده چند ان بالان که ناچون مرهم شود
بر کاغذ گذاشته در بینی گذارند -

و و انی نافع بسلس بول صفت کند که بانیه گارما
و ان بیل عود اصلیب زرد و در چینی صندل سفید
پوست بیرون پوسته شونیز هر یک سه ماشه کوفته
بخته لعسل مصفا سرشته هر روز چهار ماشه از آن
تناول نمایند بعد از آن بازنگ دان نهیل سوده
بگل آب بخته بشرت عود داخل کرده نبوشند -

و و انی نافع شیخ الرئیس که قرحه نشانه و مجری
قضیب را با صلاح آرد صفت اسرب سودخته مغز
تخم خربزه هر یک پنج درم طباشیر و درم صندل

تخم خشخاش شاخ گوزن سوخته هر یک سه درم
افیون نیم درم بنبرنج یک و نیم دانگ مرد درم
نیکو سق نموده شیاف سازند یا شیر با بر و غن
بطبخ در اخیل سچکانند -

دواء الکرم بار دافع از ضعف کبد و صلابت
آن تلخه و از سوز القیه صفت اسارون سیلخه
سنبل قوه هر یک دو درم دارچینی قسط ققاج
اؤخر مصطکی هر یک درم زعفران تخم کاسنی هر یک سه
درم سوده بعسل بچون سازند شربت یک مثقال
و حمر ثانی از سده جگر و ازیر قانیکه از سده جگر
کبدی باشد صفت کندر مصطکی حب بلسان سیلخه
اکلیل الملک زعفران بیل هر یک سی درم زراوند
شش درم زربنا و در و پنج فلفل هر یک یک درم
افیون زنجبیل هر یک چهار درم قرنفل دو درم
خرق سفید شونیز و رقی گل سرخ هر یک هفت درم
سعد شست درم صبر شست درم کوفته بخیه بعسل
بچون سازند شربت مثقال -

دواء الکرم صغیر که ضعف جگر و معده و طحال و
صلابت اینها را دفع کند و در ابتدا هفتقامه است
لون را نیکو گرداند و امراض کهنه بارده را نافع است
صفت سنبل الطیب مرسلین قسط تلخ ققاج اؤخر
دارچینی زعفران برابر وزن کوفته بخیه و مرزادر
مثلت یک شبانه روز خیسانیده با هم مخلوط کرده
بعسل بقوام آرند و نرد بخیه نار دین داخل کنند
و دواء الکرم کبیر تالیف جالینوس نافع از استسقا

و در دماغه مثانه و حله رحم که از مواد غلیظ باشند
و از صلابت اینها و مفتوح سد و در بول صفت
زعفران دوازده درم مود قوه هر یک چهار درم
سنبل شش درم انیسون دو قوا سارون ریون چینی
فطر السالیون هر یک چهار درم قسط سیلخه ققاج اؤخر
حب بلسان هر یک درم قوه دو درم عصاده سوسا
قافق جوده اسقولا و قند زیون هر یک سه درم
روغن بلسان نیم اوقیه مرچا درم و در بخیه شسته
بجای حب بلسان حب البیان و کبر رومی سه درم
اودیه کوفته بخیه بروغن بلسان چرب کرده بعسل
بچون سازند شربت درم با شراب غسل -

دواء الملک الاصفی صفت جگر و معده و برودت
و صلابت اینها را نافع است و قتیق صد دانه بطبخ
افستین و گاهی بجای حب الفارق ققاج اؤخر میکنند
دو امیکه نافع است ادرم گوش و از دانه که از
گوش می آید و از در دانه گوش صفت باقلا صری
شب یمانی فلفل سفید نظرون زعفران افیون
پوست انار مرکندر سنبل هر یک دو مثقال
جنزید شربت مثقال بهر که و غسل مقارمی که شسته شود
دوائی مقوی دندان صفت موم و غسل در آفتاب
باب گرم بگذارد و زفت جزوی افزوده دهند
دوائی اندر دماخش نافع همه در دماغه دندان
بلکه همه امراض دندان را صفت فلفل عاقر قرحا
لبن یلثوع بازو وزن برابر سوده بمیعه
مخلوط کرده بر دندان گذارند -

نیکو

دوائی نافع از ضربان دندان صفتش تخم حنظل
صبر بر آب در ظرف سنگی با سرکه خمر و زیت بجز نشاند
و قطره از آن در گوش متصل دندان متوجع نمیدارد
دوائی نافع که اصلاح لثه و لوز قین مستحب
و متورم میکند صفتش فلفل سفید مثقال مرثقال
شب دو مثقال باز و سبز دو مثقال سوده استعمال نماید
دواء سرفه مستعمل جالینوس صفتش افیون مثقال
تخم کاهولبت مثقالی چند بیدستر هشت مثقال
سداب بستنی خشک چارده مثقال تخم کتان
شانزده مثقال پنخ جاوشیری و شش مثقال
مرچ چارده مثقال زعفران هفت مثقال سوده
بجسل بپوشند و بمقدار باقلا بدهند اگر تپ
داشته باشد بآب بدهند و الا بشراب
دواء نافع نفث الدم تالیف اندروماش
اقاقیا چار مثقال درق گل سرخ هشت مثقال
گلنار بری هشت مثقال مردو مثقال بآب کتیرا
مثقال سوده اقراص سازند و یک مثقال بآب
فطر بدهند

دواء نافع برای انقطاع صوت صفتش
زرد تخم مرغ کجند مقشر شیر تازه ملحق نمایند
دواء نقل زبان که موجب انقطاع صوت باشد
صفتش پودینه انجیر خشک پنجه صمغ عربی سوده
انداخته بپا میزند تا چون غسل شود لعوق نمایند
و دیگر زعفران سوده بعقد عنب شره لعوق نمایند
دواء دیگر زعفران نیم خرد غسل سبزو

بپزند تا منعقد گردد پس جب بسته در زیر زبان بگذارند
دواء دیگر زعفران سه نیم درم رب السوس کند
درم سوده بعقد عنب یا بجسل عقد نمایند
و لوک نافع از ربو بلغمی صفتش کفیر یا لوره ازنی
ملاکم سحر نموده با پارچه گندیده بر سینۀ و اضلاع
دلک سازند و باروغن یا سمن بر سینۀ و اضلاع
بالند و شروع دلک بلائمت نمایند
دواء نافع از ربو که از رطوبت باشد صفتش
حرف کنجد هر یک سی درم زوفا خشک هفت درم
شراب بقدر حاجت

دواء که استعمال در ربو شود وقت اختناق و
ضیق النفس کند صفتش پوره ازنی چار درم
حرف دو درم کوفته با پنخ اوقیه ماء الحسل بکار برند
و این دوا عرق الفسار نیز نافع است

دواء عجیب النفع از صرع و ام الصببان صفتش
عاقه قره حاد و درم نیکو سحر نموده با سرکه در کحل
انداخته بالند با غسل مصفیه بست درم همچون
و در درم بآب گرم بست روز بنوشند

دواء نافع از درد مایه گوش و قروح آن
مریک مثقال کند سه مثقال نظرون سه مثقال
زعفران چار مثقال عصا سه خشخاش دو مثقال
گلاب دو مثقال مغز بادام مقشر بست عدد
سوده بپوشد اقراص سازند و قدری با
روغن گل در گوش بچکانند

دواء نافع از ریش سر که دک صفتش مردارنگ

خشب الفضة سفیداب قلعی هر یک چهار مثقال
و دم الاغون قنبیل دو مثقال زرد و نرطویل مسند
بادام تلخ سوخته هر یک مثقال زرد و چوب گرفته بسر که
سرشته بمانند -

دوار و دیگر نافع از ضیق النفس صفت سورنجان
انیسون هر یک نصف درم کوفته حل کرده با گلند
ده درم بنوشند -

دوار و دیگر نافع از ضیق النفس که بی نظیر است صفت
ترب پارچه پارچه کرده با غسل مصفی هموزن بر یک
گلی کرده بخوبی که نصف دیگر خالی ماند طبق گلی برش
گذاشته بار و گندم و ماش یا بگل حکمت مستحکم کرده
در تنور تمام شب بگذارند و سرتنور را بطبق آبی بند
کنند و صبح دیگر را بر آرد و ده مالیده صاف نمایند
و هر روز دو ملقه استعمال نمایند و استاد علی علویان
رحمة الله علیه بجای ترب چند و بجای غسل شکر طریز
ترتیب مذکور تیار فرموده فائده کلی بخشید -

دوائی مجرب اطباء هند برای ربو و ضیق النفس
صفت گندم در ظرف گلی مانند انگشت سوزانیده
زرد و چوب نیم وزن گندم مذکور نیم سوخته کوفته بخیته
بگذاشته از دینج نیم ماشه باب گرم یا باب سرد بحسب
مزاج اول روز بپزند و روز دیگر مقدار چه مانند
چشم مرغ افزود نمایند همین قسم تا پنجاه یک روز بپزند
و و اینکه جالینوس برای نزول مارد در چشم بپخت
نموده صفت زهره گاد در آوند نحاسی تاده و زرد بگذاشته
پس دوازده مثقال از ان گرفته زعفران روغن بلبل

و جاشیر هر یک دو مثقال فلفل دوازده حبه غسل
خالص و و چند زهره همه را مخلوط کرده در آوند نحاسی
بپزند و در ظرف نحاسی بگذارند -

دوائی نافع از تاریکی چشم و از عشا کسی را که از دور
نه بیند و از نزدیک بیند کسی را که آب در چشم جمع
شده باشد صفت زهره زراغ سیاه و زهره گرگ زهره
ضبع و زهره جل و زهره زهره هر یک دو درم غسل صافی
سه درم روغن بلبلان یک نیم درم چون سرده بنامند
و صبح و شام در چشم کشند -

دوائی حید النفع برای عسر نفس که شیخ رئیس
در قانون ذکر کرده صفت کلس العلق التي تحت الحجر
اذا حرق فی کوزه خرن حه تر مد فیلط العسل مصفی و
لیتم کل یوم ملقه -

دوار سرده متعل شنج رئیس صفت پوست خنثی
مع تخم یک صد و پنجاه عدد و تخم کرفس جلی سه رطل
مویز قسم اول شفته زرد و دینج و ورق گلشن اصل السوس
مخلوک گلکار هر یک سه رطل و در نسخه دیگر از هر یک
سه اوقیه و دینجی بنیل الطیب یک نیم درم نرم
کوفته و در پنج حصه آب باران سه شبانه روز بجایانند
و آبش نرم بپزند تا ثلث آب باقی ماند پس مالیده
صاف نموده صغیر کثیرا هر یک رطل هر صاف
نیم رطل رب السوس رطل مصطکی زعفران هر یک
درم همه را سحق بلیغ نموده بر مطنوخ آهسته آهسته
پاشند تا مخلوط شود پس بست چهار رطل مصطکی
بران ریزند و آبش نرم بپزند تا بقوام شربت رسد

و در ظرف زجاجی نگهدارند.

و واسه ابو لوقیوس نافع از هر سرفه و از هر ماده و اما
دوبله باطنی که سائل گردد صفتی بکینج خطیا نام جاؤ
نافل سفید هر یک مثقال حب الغار شقی چهار مثقال
سحق نموده بآب سرشته اقراص سازند.

و وانی از سرفه مالح که عارض اطفال شیرخوار میشود
بحر که شیر می اندازد و رنگ بوقت سرفه تیره میشود
صفتی آرد با قلا مثقال زر دی برین پوست خشنک
رب السوس مغر بهدانه صمغ عربی کثیر عصاره برگ
بارنگ عصاره برگ عطن فانی هر یک دانگ مغز بادام شیرین
مثقال کوفته بخیته باروغن بادام شیرین جرب نموده بپخته میشود
بوزن دو اوقیه بپزند و مثقال لوتق نمایند و اگر بپخته اند بپخته با
عوض پوست خشنک یک مثقال ترنجبین داخل کنند
و اگر سرفه خشک باشد عصاره کبریت یک مثقال داخل
و وانی از سرفه اطفال صفتی صمغ عربی کثیر
رب السوس مغر بهدانه فانی وزن برابر کوفته بخیته
بگذارند و بشیر مضعه بدینند و اگر بلغم غالب داشته باشد
جزء از حله سحق نموده داخل کنند.

و واسه برای درم لثه صفتی مرجان سفید هر صره
آتش شسته هر یک ماشه بآب تاج خردس و آب برگ خنک
سوده بر درم بالند.

و واسه صفتی آب برگ چقد را آب برگ بارنگ
آب غیب الثعلب تازه آب برگ حنا هر یک یاوسیر
شاه تره غیب الثعلب برگ نیم پسیا و شان گل نیلوفر
شخم مورد و تخم پوار هر یک دو توله در آبها سه مذکور

بجوشانند تا نصف رسد بعد از آن روغن خنبیلی
یک نیم پاؤ داخل کرده بجوشانند تا آب رفته روغن بماند
و واسه از سرفه بلغمی اطفال صفتی قرفل و ج نانخواه
نمک برابر کوفته بخیته بمقدار یک برنج با شیر مضعه بدینند
و واسه نافع از سرفه که از ماده بارد غلیظ عارض شود
و کف بر نیاید صفتی پودینه نهری پنج اوقیه مغر جلیوه
تخم انجیر هر یک اوقیه فلفل تخم کتان هر یک سه اوقیه
بعسل مصفی بپزند.

و یا قوز ابار که شیخ رئیس در قانون ذکر کرده
نافع است از سرفه گرم صفتی پوست خشنک ترده
بآب باران بخیته صاف نموده شکر سفید انداخته بقوام
جلاپ آرند و اگر پوست خشنک تر یافت نشود
خشک بگیرند و اگر از تخم خشنک سیاه یا پوست آن
تیار نمایند و قدری از زبر البج سفید و چیزی از
افیون افزود نمایند قوی گردد.

و یا قوز اسافج بابت جالینوس صفتی پوست
خنکاش ده عدد بآب باران تمام شب بخیسانند
و جوش دهند و مالیده صاف نمایند و بفانیند
قوام دهند.

و یا قوز امرکب نافع از سرفه خشک و مانع نزلات
حاره صفتی پوست خشنک با تخم ببت عدد
تخم خطی کثیر صمغ عربی تخم خبانه می بهدانه هر یک
پنج درم اصل السوس نیم کوفته بمغول از هر یک
بست درم در شش رطل آب باران و دوشاب زرد
بخیسانند و با قش ملائم بپزند تا ماست را شود

و آب نصف رسد بقتند و در طبل با بتمنج با یک رطل
عسل با یک رطل تمنج بهترین است که عوض این
همه شکری سفید باشد قوام کنند.

و پا قور از مرکب نسخه سر بیوان و این نسخه در ابتدا
هر فرجه حار استعمال توان کرد و صفت خشکاش سفید

مع پوست است و درم خشکاش سیاه با پوست

ده درم تخم خیار سی تیر اصنع عربی تخم خطمی بهرانه

هر یک پنج درم و پنج رطل آب باران یک شایر و

بجینسانند و بپزند تا نصف رسد و شکری سفید

یک رطل فانی یک رطل دران آب صافی انداخته

بقوام آید.

و پا قور از نافع از سر فز شک و از رسل و نافع نوزل

و کثرت نفث و از سر فز که در شب شدت نماید صفت

خشکاش سفید و سیاه مع پوست برابر صد درم

تخم کاهو نیز را پنج برابر وزن سی درم در پالصد درم

آب باران بپزند تا دو صد درم آب بماند پس صاف

نموده و پیاده درم اهاب بپول و صد درم تمنج بقوام

جواب آید.

و دار چالینوس نافع از خروج دم کثیر همراه سر فز

صفت کندر دم الاخوین هر یک و دو درم شایر و

گل ختم هر یک مقدار زاج سفید گلزار هر یک چهار درم

کوفته بخیته سه درم با یک قراط انیون و یک قراط

نیز را پنج درم و انگ از سنبیل و دار چینی استعمال نمایند

و دار قابض نافع نفث دم که از اشتقاق عروق باشد

صفت گل ختم که با هر یک سه درم گل ارغوانی درم

شب یانی از عفران هر یک یک نیم درم کوفته بخیته

و دو درم از ان صبح و دو درم بوقت تمام استعمال نمایند

و دوا سی رازی نافع از قه الدم صفت گل ارغوانی

صنع عربی گلزار دم الاخوین کندر برابر وزن بابت

و آب سیب تناول نمایند.

و دوا نافع از نفث الدم که با حرارت و درد سینه

باشد صفت تخم خشکاش سفید سیب الاس نشاسته

برابر وزن کوفته بخیته با شکر جو که در دوا کار خورشید

استعمال نمایند.

و دوا نافع از رسل وقت خشکی سینه و بچخت موت

صفت آب عصیر برگ بارتنگ یک اوقیه روغن

بادام شیرین یار روغن که دو و درم شقال اول بتار

نبوشند بعد ساعت آتش چه که در دست طمان

بخیته باشد و عصیر بپزند و دران علی کرده باشند

و در روغن بادام دران اندود و باشند نبوشند

و در شب وقت خواب با آب استخوان و صمغ عربی

کثیرا بنوشند.

و دوا برای صفت صفت گل از یک باشد لک

ناشته یک باشد خاکسی چهار باشد تخم گلستر چهار

بخیتر زرده و از عناب و دوا باشد و دوا

نموده شربت کند و داخل کرد و بپزند

صفت دیگر گل از یک باشد لک باشد لک باشد

کثیرا یک باشد عناب و صمغ عربی کثیرا

و در روغن بادام دران اندود و باشند نبوشند

و در شب وقت خواب با آب استخوان و صمغ عربی

و براس طفل سراج وزن این -

و دیگر مرورید ناسفته گل لاله یک مفسول هر یکا شنه
سنوت کرده و چند و پرسی قبض گل داغستان
یک ماشه داخل نمایند -

دو ارناف از تپ نشه صفته تخم کاسنی قشر کرده
مقدار یک توله در جھولی انداخته عرق غلب الثعلب
و عرق کاسنی هر یک دو توله گلاب پنج توله در جھولی
انداخته بطریق کوکنا بچکانند تا عرقا سے چکیده شود
باز آن عرقا سے چکیده را با لانش کنند و تا هفت بار
بهین عمل مکرر کنند پس در آن آب سکنجبین بر ورے
بار دو توله داخل کرده بکار برند -

دو ارناف حلوئی جالینوس گفته که ازین دو اسعاجه
کرده ام بکنی که در شش او قرص بود صفته سبیل الطیب
طیلس چار شقال حما هشت شقال سادج هند
چار شقال کندر سه شقال سنبل هندی سه شقال
اذخر کی ده شقال و صمانه چار شقال سلیمه هشت شقال
دار چینی ده شقال خلط السادج چار شقال لب لیس
شقال عصا سه بیرون پنج شقال مصطک سه شقال
عطران شش شقال این ادویه را جمع کرده بپز
گرفته با اسسلی و شیر آب شیرین بپزند و یک شکر چه
گرفته و مغز چغوزه بست دانه سوده بنیدارند و خلط
نمایند و یک بندر از آن چند روز بخورند و بلسه
و داد و سه روز بخورند و بعد از آن ایامی که از صبر
گرفته باشند یک ماهه در یک روز باب بنوشند
و این دوا کسیکه در قهص پیشش علت داشته باشد

بشیر زنان استعمال نمایند -

دو ارناف المسک مرورید ناسفته کمر با سبیل الطیب
زربناد و در پنج عقر بے زعفران هر یک دو نیم توله
بهنیدن سنبل الطیب و زلف سادج اشنه چند بندر
قافله صغار از هر یک سراج کم از دو توله دار فضل
نیم توله زنجبیل توله مصطک سراج کم توله مسک توله و
سراج غنبر توله نبات سی و شش توله غسل مصفی
آتش ندیده دو وزن بعد از انقضاء یکده ماه
ثلث معجون دوا المسک جدر و انقبض اعلی مخروج
سازند و برابر هم تخمیز کرده اند این نسخه بخط حکیم
سیح الزمان تصحیح یافته -

دو ارناف المسک تلخ انستین چهار توله و هشت اش
ریون چینی چهار توله هشت ماشه زعفران دو توله سکه
مشک خطائی یک توله دو ماشه صبر سقوطی چهار توله
هشت ماشه ناخواه چهار توله هشت ماشه تخم کرفش
دو توله چهار ماشه سادج یک توله دو ماشه هر یک توله
دو ماشه چند بندر هشت ماشه غسل فام یک کبری
دو ارناف المسک نافع از سوس که از احتراق
خط صفرای پیدا شده باشد صفته مصطک عطران
مشک هر یک یک درم و نیم فستق باد و بنجوبه
افیمون هر یک سه درم و عود خام یک زربناد
در پنج هر یک پنج درم مرورید کمر با سبیل الطیب
هر یک شش درم صبر چیل درم که فته چینی
معجون سازند شربت شقال با عرق کمر باشد -
و دیگر سبیل سادج مشک چند بندر مروری هر یک

بست درم زعفران تخم کرفس اسطوخودوس
هر یک چهار درم صبر زردافشتمین هر یک هشت
درم ریونید چین شش درم عسل سه وزن ادویه
شربت مثقال -

دواء المسک معتدل مروارید نیم درم کبریا
یک درم گل سرخ طباشیر کشنیزه گاوزبان هر یک درم
مشک ریح درم زربادیک درم شربت سیب درم
دواء المسک بارونافع از خفقان و غشی صفت
که باید مروارید و ورق گل سرخ هر یک درم تخم خرفه
بوداده کشنیزه گاوزبان آلهه مقشهر هر یک سه درم
ابریشم مقرض معتدل سفید هر یک دو درم زعفران
یک درم مشک نیم درم قند سفید سه چند -
دیگر نافع از خفقان و دفع ضعف دل صفت
ورق گل سرخ طباشیر کشنیزه کبریا هر یک خروید مروارید
نیم خروید مشک سدس خروید نبات سه وزن ادویه
که باب سیب ترش حل کرده باشند دوسه برگ
ترنج و برگ سیب انداخته بقوام آرند و از آتش
فروداورده ادویه بدان بسازند -

دواء المسک حار در پنج باشد بهمنین
سابع سنبل قافله هر یک ده باشد قرفل دواء
زرباد زنجبیل دار فلفل چند بیدستر هر یک پنج
بجسل صفی معجون سازند -

دوائی که منع ریختن میست سر کنند صفت آب
برگ چغندر ده توله برگ سوز توله عصا سه
لخته انیس توله برگ درخت بخیلان توله معتدل

توله افاقیا توله آب پالمک ده توله همه را یکجا کرده بپوشانند
تا نصف بماند بالیده صاف نموده روغن چغندر ده توله
داخل کرده چندان بجوشانند که آب رفته روغن بماند
در شیشه نگاه دارند بزودیه سه سه بالند -

دواء نافع از کف صفت معتدل بست درم مروارید
یک هفته معتدل در آب لیون بسازند و هر روز یک مرتبه
اول در ساق خشک کنند باز به آب لیون بسازند
تا هفته پنجمین کنند بعد آن قرص ساخته نگاه دارند
هر روز یک قرص به آب گل خطمی حل کرده بشرب
کف بماند و صبح به آب سبوس کنند و گل خطمی بشویند -
دواء نافع از سفت صفت معتدل مغز تخم کبریا و بریان مغز
تخم چند وانه بریان سفید آب کاشغری هر یک توله
مردار سنگ سه باشد دم الاخون توله تخم بوار سه باشد
طوطیا کرمانی مقسول توله آب برگ خناده توله داخل
کرد و کحل نمایند تا چون مرهم شود پس بجعل آید -

دواء المسک حار نافع از وسواس و جنون کسان
خلط سودا باشد صفت زرباد و روغن هر یک نیم درم
مروارید کبریا هر یک سه درم بهمنین سابع
سنبل قافله قرفل استنه چند بیدستر هر یک یک نیم
درم ابریشم خام شش درم زنجبیل دار فلفل هر یک
درم مشک نیم مثقال کوفته پیچیده بسجلی معجون سازند
شربت و درم بایک ادویه شراب میانی یا بعرق گاوزبان
دواء المسک بار و غبیری صفت ابریشم مقرض

معتدل سرخ و سفید گل ارغنی گل گاوزبان آلهه مقشهر
طباشیر سفید مروارید ناسفته کبریا فیه وزه نیشاپوری

کوفته بخیته سه وزن او ویه رب به شیرین سرشته
دو نیم مثقال عنبر اضاف نموده ورق طلا ورق لقمه
هر یک چهل عدد مخلوط ساخته بکار برند -

و و او که از وزن راحل بماند صفت زعفران حسام
سنبل اکلیل الملک هر یک سه درم سافج هندی و و
قروانا هشت درم شحم البط و شحم الذجاج شحم هر یک
بست درم روغن سنبل و و درم خشک کوفته بخیته
بگذاشتی که راخته بایک بیضه مرغ مخلوط کرده بعد طریقه
نافع بسیار است -

و و او و دیگر سنبل زعفران و صفت که هر یک
دو درم سافج هندی درم سوم هشت درم روغن
سنبل مقدار حاجت موم را بر روغن مذکور گرم کنند
بباقی او ویه در قند منجول مخلوط کنند و استعمال کنند
و و او و دیگر قند چار درم روغن بلسان و و و
چا و شیرین زنگس هر یک درم مسلمان درم اول قند را
خمیر کنند و باقی او ویه در قند منجول مخلوط سازند و بعد از آن
روغن بلسان بر آن بچکانند استعمال کنند بصرفه -

و و او و نافع از دیابتیس و جریان لول از حرارت مثلاً
و مقوی و بهی و صفت طباشیر بهمن سرخ و صفت قند
خصیه الشطب مصری کشیر اصمغ عربی تخم بالنگو تخم
قوچ خشک هر یک یک توله مغز تخم که و مغز تخم هندوانه مغز
چلغوز و مغز پسته مغز حب السهند هر یک دو توله مغز

بادام شیرین و تخم کدو هر یک سه توله ورق طلا
ورق لقمه و عنبر به رب یک شش ماشه غلبان
نیم تبه سفید و توله رب به شیرین رب انار شیرین

رب سیب شیرین غسل صفت گلاب عرق بید مشک
ماء اللیم ساده هر یک دو توله بدستور مرکب نمایند و شش
بماء اللیم پنج توله بنوشند -

و و او از شقاق پاشنه صفت از و سبز کوفته بخیته
به پیه بزرگ راخته بشکاف پیکند -

و دیگر اسفندج قلعی اسفندج اسرب بر روغن سبزو
نیرشته بشکاف پیکند لیکن باید که اول بار آبشوریند -

و دیگر شلغم باره کرده بر روغن جوش داده صفا نمایند
و دیگر از شقاق انگشتان صفت پنج بفساج و بفساج
سوده بشکاف پیکند محقر زکریا گفته که مالیدن
روغن شقاق را نافع است خصوصاً بر نایف اسرکت
و و او و دیگر نافع از سقوط طفل اگر از رطوبت رحم باشد

صفت در روغن محقر زکریا و چند بید تر حلیت
مشک تبخی دانه اهل ناز و سبز طباشیر هر یک درم

زنجبیل ده درم کوفته بخیته بیک درم بآب بنوشند -
و و او در و گرده و در کن آن اول حارست صفت

و و او حالبس از خون شربانی صفت که در اقایا
گندار صمغ عربی و و الاخرین از زردت شب قططار

صبر کوفته بخیته با سفید تخم فرخ سرشته لعل آرند -
و و او و دیگر شب یمانی سه درم ساق مرغ غفران

عود هر یک سه درم غسل مقدار حاجت کوفته بخیته
مخلوط نموده استعمال کنند بصرفه -

و و او و دیگر نیرایه خرگوش و پیه خرگوش و
نیو حق نموده بر صوف گرفته بعد طریقه استعمال کنند
و پیه لور و نافع اند در صفت سنبل سینه قطع

زعفران دارچینی حب لبسان هر يك درم و روق
گل سرخ هفت درم با ترنجبین بقوام آرند شربتی
دو درم بآب کاسنی دراز یانه -

دو او معطس صفتی کندیش فلفل عاقر قرقص
نوشاد در نظرون صبر و اچینی مشک مرزنجوش خربق
چند بیدستر هر يك برابر کوفته بخیته درین بیدند -

دو او معطس نافع لقوه و جمیع امراض بارده دماغی
صفتی عاقر قرقص درم کندیش چار درم برگ دلی
که دو تنور رسیده شمش درم صفتی زعفران
نراوند طویل هر يك نیم درم بکار برند و در نسخه عوض
زعفران دم الاخوان است -

دو او نافع از درد کینه گوش صفتی خربق سفید
مرکب را فینون زعفران هر يك چهار درم چند بیدستر
سه درم قلقلی پنج درم فلفل بادام تلخ هر يك درم
عصاره حرم شب هر يك چهار درم مروافینون و کندیش
و چند درم که در آن پوست انار جوشانیده باشند
بنجیسانند چون مهر شود و دویه مذکوره سحی نموده بنیزانند
و مخلوط سازند و یک درم از دیاور و عن ناردین
در گوش بچکانند -

دو او نافع از دوسه و طینین که از سردوت باشد
صفتی برگ صنوبر و فاخشک حب الغار برابر بیکو
طبخ نموده صاف کرده در گوش اندازند -

دو او قاطع رومات صفتی کاغذ سوخته پوست خیمخ
سوخته افاقیا هر يك دو درم کوفته بخیته بآب قتیله
ساخته درین بگذارند -

دو او نافع از قرحه بینی و ناسور بینی و ناسور گوشه چشم
صفتی نوشاد در اشتق هر يك ده درم براده نجاش
قلقلی قلقلی رسوخست راج سوخته نوبال نجاش
هر يك پنج درم در دود و رطل سرکه بنجیسانند و در ایام
صیفت در آفتاب ننهند و از نجاشی هر روز حرکت
دهند تا سرکه خشک شود و وقت حاجت قتیله
آلوده کرده بگذارند -

دو او نافع از ثقل زبان صفتی نوشاد در عاقر قرقص
فلفل خردل برابر سوده زیر و بالا سه زبان هالند -
دو او نافع از درم لبات صفتی حلیت دو نیم درم
شب یامانی درم سوده لعسل سرشته ریشه اوده لبات
رسانند -

دو او نافع از طلاع صفتی شیاف مایه طباشیر
برگ بازنگ زرد و دلیله زرد گلنار برگ زیتون
ماتین گلان شب یامانی برابر کوفته بخیته در دهن بپاشند
دو او نافع از جوشش دهن صفتی مریان سفید
کات شسته طباشیر سفید زرد و کباب برابر
بآب تاج خروس سه شسته هالند -

دو او نافع از ناسوراته صفتی پنج سوسن عاقر قرقص
هر يك درم شب گلنار عفت سماق هر يك درم
سوده پاشند -

دو او نافع از فواق که از پیچ غلیظ باشد صفتی
سداب ناخواه برابر سوده بشاب بنزدنا صفت
رسدیک اوقیه از آن بنوشند -

دو او نافع از پتیارم مرکب سوزا القنیه و تراشیدگی

رو د پشت بامرض صفت زرشک چاشمال
چند بیدستر جدوار هر یک نیم خود سوده بکلاب شسته
نبوشانند راز یا نه انیسون مکه شقال خود لصلیب
درم خود قمارسی آله خشک مکه دانگ سوده
بسکنجین بزوری معتدل سرشته بخوراند.

دوار نافع که رکه عرق بسیار از سر او باشد
صفت اطر فیض که کشیزی شقال بخورد بعد آن
شیره تخم کاسنی سکنجین افیمو پنج شقال قرص
زرشک شقال سوده عرق شاهتره عرق کاسنی
هر یک پنج توله نبوشند.

دوار نافع از درد رحم که از برودت معده باشد
صفت چند بیدستر تخم کرفس سکنجیل زراوند حرج
و ج برابر کوفته بخت یک شقال از ان نبوشند.
دوار مر براس آله که بعد سوختن بر می آیند
صفت کجشک و طر نه سوزانیده تاسیاه شود

پس ساسیده بکار برند.
دوار نافع از فواق که از خشکی معده باشد صفت
آب گرم روغن بنفشه نبوشند.

دوار فواق مختصر فقیر صفت پودینه زیره سیاه
انیسون بادیان هر یک چهار ماشه جوشانیده
صاف نموده اندک اندک نبوشند.

دوار تیکه قطع فی صفراوی کند صفت زرشک
دانه انار ترش سماق هر یک جزو طباشیر گل سرخ
دانه گاو ترش هر یک نیم جزو پوست بیرون پسته
نیم جزو کوفته بخت دو درم باب سیب یا بشریت انار

منفع استعمال نمایند.

دوار نافع از قی بلغمی و سوداوی صفت
ورق گل سرخ چهار درم خود خام مصطکی سعد بنبل
نفع پوست بیرون پسته قره قرفل فرخجشک برک
منقوع بکر که خر و آب سیب هر یک دو درم زرشک
سه درم سوده دو درم میبید نبوشند.

دوار مویایی کافور از هر یک جزو صبر گجراتی
یک نیم جزو در روغن نموده قدر خشک نبند.

دوار نافع از قی بلغمی و از قی که بسبب بلغم و صفا
باشد که کمر بتجربه فقیر در آمده صفت طباشیر شست
دانه هیل چهار ماشه فلفل دراز دوا ماشه دار چینی

یک ماشه نبات سفید شانزده ماشه کوفته بخت
نه حصه نمایند و تاندر و ز لعل آرند هر حصه را یک
توله غسل یا سکنجین داده یا سکنجین لمونی استعمال نمایند
دوار نافع از قروح امعاء و فاق صفت

بزر قطونا مر و تخم لبله بارتنگ تخم در تخم خطمی
هر یک پنج درم بریان نموده درست گذاشته
طباشیر شاسته صغیر عربی بریان هر یک ده درم
گل ارمنی پنجاه درم سوده با تخم کاسنی مذکور مخلوط
کرده سه درم از و لعل آرند.

دوار نافع استخوانه است صفت عمر هند
صنع عربی نبات سفید برابره سوده شش ماشه
نبوشند.

دوار مفتت سنگ گرده و دمانه صفت اسارون
موقوفه اسالیون هر یک دو درم دو قوچ حبیب

تخم کرفس انیسون کثیرا هر یک درم سوده میخ شسته
باب پرسیا و شان بنوشند -

و و ا که باه را زیاده کند و بدن را تر و تازه دارد
صفته شتاقل تخم جیر تو در می سرخ و سفید بخیل
هر یک دو درم فلفل دراز سه درم لسان العصفیه
کندر تخم پیاز تخم شلغم تخم ملیون تخم کدو زعفران
هر یک دو درم کوفته بخیه بروغن جوز هند
لست کرده لعسل معجون سازند -

وز و ر صدف کلان سوخته شادنج هر یک درم
سوده در چشمه پاشند جفیه فرمونه مخلو شود -

و و و رین برای سیاض چشم کف در یادرم شکر طبرزد
و و ا نافع از درد درم و و ر آن صفته حلبه در آب

بخیاساند و چند مرتبه بشویند و بنهند و پارچه را
و لعاب آن به پارچه برآورده پیه بط و و جاج گخته
بر پارچه نذ کور گذرانیده پیه و لعاب با هم مخلوط کرده
بگذارند وقت حاجت اول صوف را بروغن گل
تر کرده بدو اند کرده آلوده کرده در رحم گذارند -

و و ا نافع از سیلان مده و سدید از جسم صفته
گل سرخ چهار درم تخم کاهون نشاسته هر یک م غفران
دو درم کوفته بخیه بروغن گل و شیر زنان شسته
صوف بر آن آلوده کرده بگذارند -

و و ا در حیض صفته لوبیا سرخ سی درم شکر شمشیر
نیشهین هر یک چهار درم لوبیینه ده درم فو چهارم
همه را با پنج رطل آب بچشانند تا یک رطل بماند صاف
نموده سه اوقیه از آن باقی بگذارد بنوشانند -

و و ا نافع از حروق آب گرم جو سوخته باز ر دی
بنفشه مرغ سرشته بمانند -

و و ا نافع از حرق روغن سفیدی بنفشه مرغ
در قاروره انداخته اول قدری روغن بنفشه
و بالا قدری سفیده کاشغری بنفشه از نند و حرکت دهند
تا چون مسکه شود -

و و ا برای حرق آتش موم یک توله بروغن بنفشه
بار و غن گل ده توله گداخته قدری سفیده و قدری
مردار سنگ و زردیهای سی بنفشه و دماغ مرغ و جگر
از شرح در ماولن انداخته شکوحتی نموده اند که
کندر هم بر آن افزوده چون مرهم سازند -

باب الدال

و و و ا صغر نافع از بقایا رند که عارض اطفال باشد
صفته انزروت شش درم شیان مایشا درم
صبر و دوانگ -

و و و ر سفید کافوری نافع از گرمی چشم و ر حقیق
صفته صدف سوخته مروارید ناسته هر یک درم
نشاسته درم کافور دوانگ -

و و و ر سفید نافع از درد حدیث صفته انزروت
پنج درم نشاسته دو درم شکر طبرزد و صمغ عربی
هر یک درم -

و و و ر نافع از سفیدی چشم صفته سلطان سحر
اقلیمیا طلا شک صلب شیخ سوخته کف دریا یک
جزء کوفته بخیه سحر بگذرانیده در ماولن نرم کرده
بگذارند -

شکر طبر در دو درم -

باب الراء

رب اسیدب نافع از صفرا و جوش خونی طلاق
شکر و قه آب سبب در دیگ سنگین بریزند تا برنج رسد
رب ریاس نافع از اطلاق شکم و قی شدید و تب گرا
رب خضر م نافع از صفرا و تشنگی و تبهای گرم
آب خضر م در دیگ با آتش ملائم بپزند تا برنج رسد
رب ریاس در دیگ سنگی بپوشانند تا نصف
رسد پس شکر سفید نصف آن پیندازند و قدری
زعفران انداخته بگذارند -

رب قوت نافع از درد خلق و از خونی صفته
قوت شامی تلخ کوفته آب او گرفته با آتش بپزند
تا نصف رسد پس از آتش فرود آورده پنج حصه
از آن گرفته و از مثلث سه حصه گرفته مخلوط کرده
با آتش ملائم بپزند تا بلبش رسد پس از آتش
فرود آورده مرد شب پانی سوده انداخته
بپزند تا ستوی شود -

رب اجاص نافع از تبهای گرم که با قبض
شکم باشد صفته اجاص تلخ و شیرین از دانه پاک
کرده در دیگ انداخته آب شیرین بالا آتش بقدریکه
او را بپوشد پیندازند و جوش دهند و از آتش
فرود آورده سر کنند و بیفشارند و باز بپزند
تا به رنج رسد -

رب خشخاش نافع از نزلات سست و خونی
باجب کوفته در چار حصه آب که شش رطل میشود

فرور نافع از بیاض صفته کف دریا و قلیسیا ذهبی
سرگین سوسمارند تقواریت مرجان عین الریان بجز
نمک هندی هر یک دو دانگ قریشا دانگ سه دانگ
دو دانگ شادنج منسول مر و ازید ناسفته مکین شکر
زنگار نو شاد در لعل و لعل سنبلی پوست تخم مرغ مک
دانگ و نیم مایران طوطیا هندی هر یک دو دانگ
کوفته بخیت صبح و شام بکار ببرند -

فرور کمر بادم الاخوین حب الاس ششج ارسته
هر یک ماشه کوفته بخیت فرور نمایند لیکن این فرور را
بعد استعمال کردن آلوده صفته سافج هندی عاقر قرحا
نمک لاهوری هر یک شش ماشه بسکه و گلاب جو غلیظ
صافی کرده یک قوه خوری از آن گرفته گیر و دو ماشه
نیلا تخم صحرایان یک ماشه سوده داخل کرده بر دانه
که ریزه ریزه میشود بمانند و بقیه بسکه و گلاب بعد یک
گهر می بشویند و یک گهر می دیگر صبر کرده این فرور
بر دندان بپاشند -

فرور نافع از بیاض چشم صفته کف دریا از زروت
شکر طبر در هر یک جز و بورق رنج جزو -

فرور نافع از جرب و قمل و غلظ اجفان صفته
زده تخم مرغ در آفتاب خشک کرده از زروت سفید
مریخ شیر خردم مر مایران هر یک نیم درم زعفران
شیاف میش هر یک دو دانگ -

فرور صدف کلان سوخته شادنج یک درم سوده
در چشم بپاشند خفه مر مننه ملو شود -

فرور بن برای بیاض چشم صفته کف دریا درم

نجیسانند و در ویک انداخته بپزند و از آتش فرود آورده سرد کنند پس بالیده صاف نموده سه رطل و یک نیم رطل غسل انداخته بپزند تا چون لعوق شود - رسیختن شش و دیگر نافع از زلزلات بهمه اعضا ششماش کالان سفید به دانه نیم کوفته در نه رطل آب یک شبانه روز نجیسانند و بپزند تا بنصف رسد پس سر کرده بمالند و صاف نمایند و سه رطل از آن بگیرند و یک نیم رطل منجیح و یک نیم رطل شکر طبرزد با غسل بپزند تا چون لعوق شود -
روغن قسط آس سه درم قسط گرفته برگ گستر بست چهار رطل کوفته یک شبانه روز با شش ملائم بپزند تا آب رفته روغن بماند -

روغن راحب مختصر معروفه و استاذ انکسای حکیم غلام الدین محمود صفت هجده وار خطای زریق زربا کنند هر یک دو ماشه زراوند طویل سه ماشه مرکه چهار ماشه صبر سقوطی بست ماشه برگ کرفس پنج ماشه مقل از رزق دو ماشه سبکینج چهار ماشه جاوشیر دو ماشه حلیت دو ماشه عاقر قره حاسور سبجان جوز بویخندیک هر یک دو ماشه شجوف چهار ماشه دانسک دو ماشه زفت صابون رومی نیم ماشه آب لیمونیه تر نیم ماشه سبکینج دو ماشه روغن سوسن ده ماشه روغن گسرن ده ماشه روغن بابونه ده ماشه روغن قسط ده ماشه روغن سداب ده ماشه روغن زیتون ده ماشه موسم زرده ماشه علی الرسم روغن کنند -

روغن مصری مختصر استاذی صفت

روغن بادام تلخ طوطیا هندی صبر سقوطی در ناون با هم روغن سازند -

روغن مختصر نافع از درد هر جا که باشد صفت غلب الثعلب چوب چینی گل بنفشه بنفشه گل بابونه گل خطمی پنج سوسن معروفه ایرسا اصل السوسن هر یک توله چو شانیده صاف نموده روغن کجید پاوسیر انداخته بپوشانند تا آب رفته روغن بماند دیگر مغز بادام تلخ سوخته طوطیا هندی ارگا صبر سقوطی در ناون کرده آلفه بماند که یکسان شود روغن بپزند روغن گوگرد و جت جرب و قوبا و غار شش بدن صفت گوگرد در دو کوفته بخینه در چهار جرب زو

روغن دینه تازه بیا میزند و پاره که پاشن این روغن جرب نموده فسیله کنند و فسیله را روشن کنند و ظرفی زیر او نگاه دارند و هر روغنیکه از فسیله بچکد در ظرفی بگیرند و بکار آرند و بر قوبا و جرب بماند که نهایت نافع روغن نافع براسه شستی قصب صفت زهره گاو خشک کرده یک عدد ذره خرگوش خشک کرده یک توله عاقر قره توله کبابه توله فلفل نیم توله چند بیدستر نیم توله سیاز نرگس ده عدد حرن توله میوه سالک توله تخم آجوه توله روغن بلبان سه توله تخم کرفس توله خراطین خشک کرده اگر از دهن برآمده باشد بهتر و الا از هر قسمی که بخواهد سه عدد زنجبیل سبز توله نمک سنگ توله سیاه دانه نیم توله موسیای توله فریون توله مشک نیم توله میاودیا ریزه ریزه کرده و خشک نموده در شیشه انداخته

و گل حکمت نموده بطریق چووه بچکانند و قشرب
گذاشته بالند و یک برگ تنبول پیچیده بالاس
او پارچه تنک پیچیده گذارند تا یک پاس و از
آب سرد هفت روز پی پی کنند -

روغن مجرب که بر محاسن مانند منع موی سفید
کند و سیاهی مونگا دارد و صفتش روغن پنبه دانه
روغن مورد و روغن آله از هر یک چهل مثقال
سعد کوفی سیلجه رومی سنبل الطیب شونیز و فلفل
شحم حنظل قط تلخ عود هندی ققاع و خسرک
نصب الزهره اسارون پوست جوز تر از هر یک
هفت مثقال کوفته بخته بان سرشته بچوشانند
و هر روز بر محاسن بالند -

روغن نافع بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمة صفتش مقل ارزق سه ماشه افیون دوا
حصاره خیمه انیس دو ماشه نیم کوفته باب برگ گندنا
نیم ماشه در مادن بدستور بالند تا هموار شود و تخم
بزرگ پنجه درم سر بنفشه دو ماشه گل خطمی سفید
ماشه گلنار فارسی کوفته بخته پی پی مرغ ده ماشه و پی پی فار
ده ماشه موم و پنجه ماشه غیر متعل بر روغن گا و گداخته
ادویه را بان مزوج نموده در مادن بدستور
سرب بالند تا هموار شود استعمال کنند -

روغن رال درازاله ادرام حاره و ادرام بارده
هر عضو خصوص ادرام قضیب و خصیه و استسقا
و بخت قوبا و شقاق و بخت دفع الزوال و بخت خصوص
شوره و بخت اندمال جرمش از سرشته و قرح اول

بنهایت مفید و مجرب است صفتش روغن کنجد
بست مثقال رال ده مثقال موم صفی ده مثقال -
روغنیکه قضیب را قوت عظیم دهد صفتش
بج کنیز سفید که آنرا در فارسی خنزیره و بعره و فلی
گویند و آن بر دو گونه است یکی آنکه گلش سرخ باشد
و آن بسیار است و دوم آنکه گلش سفید باشد -

آن قلیل یافته میشود لیکن نافع درین هر دو نوع
اخیر است و چرب باشد که در هند معروف است
و خراطین و بیهوشی همه را یکجا کرده در نیم پادشرب
دو آتش در ظرف سفال نگا دارند بعد بطریق
چووه بگیرند و بعد بست و یکدراستمال نمایند -

روغن مقوی صفتش زربنا و آله نیم جیل سعد
سنبل پوست ترنج حباب الاس بالنگو مصطکی زرفا
عود و عرق قنفل کندر سرخ پودینه اکلیل الملک
فریون چند بیدر قسط انیسون کرفس زعفران
حب النار کبابه غبر لادن مشک غنبر هر یک توله
عطر کر نه سداب هر یک توله در شانزده حصه آب
مطبوع نموده و قتیکه نصف باقی ماند و شش فن
ادویه روغن چنبیلی داخل کرده بیدار روغن بالند
روغن زربنا و شیر زربنا دخی ادرک هر یک
ده توله جوز الباسه دارچینی الایچی هر یک توله
دواله توله بادام پسته بادام فزنی جلعونه جل شک
هر یک ده توله زربن دو توله ابریشم توله درونج توله
اسارون سیلجه قسط تلخ قرفه سعدا و خرمی
هر یک دو توله اگر عرق چهار توله سنبل بادیان

دواله توله بادام پسته بادام فزنی جلعونه جل شک
هر یک ده توله زربن دو توله ابریشم توله درونج توله
اسارون سیلجه قسط تلخ قرفه سعدا و خرمی
هر یک دو توله اگر عرق چهار توله سنبل بادیان

انیسون ناسخو اکلیل الملک بابونه حماما سافج
 زنجبیل فلفل دار فلفل هر یک توله گلسترخ چار توله
 حب الغار نه ماشه فرقیون غیر لادن توله سداب
 نه ماشه چند توله عطر کر نه فواکه را سبزی ساز و دیالسا
 را در شانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث بمباند
 روغن سرشت روغن کتان روغن کنجد روغن یون
 برابر وزن مجموع ادویه را داخل کرده بجوشانند
 تا روغن بماند اندک عطر کر نه و زعفران مشک اندازند
 روغن نافع از صداع گفته بار و صفت روغن شبت
 روغن قودنج روغن مرزنجوش روغن شیخ و تمام
 روغن سداب و روغن ورق الغار بابونه پنج قلع
 اقیون زعفران مرکب یکجا نموده جوشانیده صاف
 نموده بنیدازند روغن همه یک یک حسرو
 دیگر ادویه ریج حسرو -

روغن که موسی بر صفت ساجی اکک آب
 نادیده که جز و زنج ده جز در آب که چار انگشت
 بالاماند یک روز بگذارند و آن آب بریزند و دیگر
 آب بدستور بنیدازند باز بعد یکروز آب بنیدازند
 و دیگر آب بر سرش کنند و بعد یکروز باز دو کنند
 پس هر روغنی که باشد جز و ادویه سه جز و آمیخته
 بنزد تا روغن بماند و چون مود و رشود زعفران
 و گلاب آمیخته موضع موشویند -

روغن مقوی دماغ صفت موسی کشمش انجیر
 هر یک پادسیه مغز پسته چار مغز تخم خیار مغز تخم زرد
 هر یک نیم پاد تخم کرفس انیسون هر یک توله اسطوخودوس

بادام بابونه هر یک دانه بادیان توله صطک و ام
 حب فلفل و دوام سنبل توله گلسترخ پنج دانه گلسترخ
 و ام فواکه را یکجا کرده سحق نموده در بست چهار برابر
 آب طنج داده جدا انگارند و ادویه باب را در
 بست چهار برابر جوش دهد تا نصف بماند با طنج و
 یکجا کرده روغن بادام پنج دانه زیت نیم سیر روغن کتان
 دو دانه روغن سرشت پنج دانه روغن کنجد روغن قودنج
 پنج دانه روغن مالکونی پنج دانه داخل نمایند و بجوشانند
 تا روغن بماند صاف نموده بکار برند -

روغن گلسترخ دو دانه زرباد کرفس حماما اکلیل الملک
 سافج هر یک دانه نصف وزن همه در بست چهار
 برابر آب بنزد تا ثلث بماند روغن کنجد چار دانه
 داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند و وقت خواب شب
 بر سر مالیده بخواب رود -

روغن آب کشینه صفت آب کشینه تازه غلب
 هر یک سه توله روغن زبرسه توله صندل سبغ توله
 اکلیل الملک حماما هر یک نیم توله و روغن چار ماشه
 زرب شش ماشه گلسترخ توله گل غطی نیم پاد و
 هر یک توله یا بسا را در بست چهار برابر آب بجوشانند
 تا ثلث بماند با روغنما و شیر جات طنج کنند
 تا روغن بماند نافع است -

روغن که نافع از جھوله و جمیع در و دانه مضام
 بادوی و بلغمی صفت رو باه زنده را دست و پالسته
 در دیگ آب جوشان که نیم من باشد همچنان زنده
 بنیدازند تا خوب سخته شود و صاف گردد و صاف کرد

آب از آبگیرند و نگاها دارند و بگیرند فلفله و لنگنه
چون بخواهد آب منبیل جلالت هر یک نیم پا و تخم دهنود
انار پوست بپزد و با فیون خالص سه دام
همه را جوکوب کرده در یک من آب خالص بآتش
بلاتم نهند تا پانزده سیر آب بماند صاف نموده این آب
با آب روباه که اول گرفته بود یکجا نمایند و پنج سیر
شیره دهنود سیاه گرفته و اضاف این آب نموده
و پنج سیر روغن کنجد خالص گرفته بدان آمیزند با نشی ملائم
در کمال ملائمت بچوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند
صاف کرده بکار برند و از باد پریه نیز نمایند.

روغن مقوی دماغ صفتش ابریشم دام و روغن دم
قسط سلیمه سعد از هر یک دو دام شیره زربا
شیره انبی او یک هر یک ده دام جوز بوا بسا سه هر یک
دو دام و ابرجینی ده دام قرنفل الایچی هر یک دو دام
دواله دام مغز بادام مغز پسته مغز بادام فرنگی ده دام
مغز چغندر ده دام نارجیل اسارون زربب هر یک
دو دام منبیل بادیان ناخه اه انیسون اکلیل الملک
بالونه حماما سافج هر یک درم زنجبیل یک نیم دام فلفل
درم گلسترخ چهار درم مغز چار مغز ده درم شبت
چار درم و و و از ده درم عطر قرنفل یک نیم باشد
روغن زیتون روغن سرشت روغن کنجد روغن کتان
اگر غرقه هر یک چار درم زعفران عطر کرده مشک
فوک را مثل مینیس با بد و در شیر داخل نموده نگاها دارد
و باقیات را در شانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث بماند
بعد از آن برابر وزن جمله ادویه چهار روغن و آب بپزد

و بنفشه محلول با شیره داخل کرده بر آتش گذارند تا آب
نماند پس از آن مشک و عطر غیره خوشبو داخل کنند
و نگاها دارند.

روغن نافع از فالج صفتش شیرین شیره برگ دهنود
سیاه روغن کنجد هر یک پا و سیر فیون دام شکر طمانی
خشک سائیده هفت دام در ظرف مسی قلعی دارد
انداخته بآتش ملائم بچوشانند تا آب نماند و در ظرف
انگیزه نگاها دارند و در عضو ماریوت بالند در موسم
سرمادر آفتاب نشسته و در گرما احتیاج آفتاب نیست.
روغن نافع فالج صفتش زهر تیله کچله عاقر قرحا
تخم دهنود اجمود خراسانی پوست بپزد و کثیر سیاه
فیون کچلی سفید هر یک دو دام لالنگنی نیم پا و کچلی نیم پا
همه را جوکوب کرده در شیر گاومقدار سه که بالاس
ادویه آید سه روز نگاها دارند و قتی که شیر نیکو خشک شود
بیارند یک سیر پا و بالار و روغن کنجد یک سیر شیر گاو
با دویه بآتش جوش دهد لیکن آتش ملائم کند.
تا زانیکه شیر نماند بعد بقطر آتش تیز دهد که چند دام
روغن بسوزد و بر آورده صاف نموده نگاها دارند و
وقت حاجت بکار برند و آنچه کشف آن باشد
در چوب شیر آمیخته کحل کرده نگاها دارند عنی بجال
ق نیم باز آید.

روغن دیگر روغن کدو روغن کتان هر یک
پا و سیر شیره تخم کدو یک سیر شیره تخم خیارین
پنج دام سرکه ولایتی پا و سیر این همه را بپزد و تا ثلث آب
نماند نگاها دارد.

روغن نافه از خارش و دود صفت سیاه پنج توله
حنای خشک شش توله برگ خیار شنبلیله پنج توله
قره پنج توله قروت سه توله کوکنا سوخته دو توله کنیزک
نیز پنج سه توله پیروز دانه توله موم کافوری نه توله
روغن کتان هفت توله -

روغن نافه از در ذات الحجب صفت غلب
پرساوشان بنفشه گل خطمی آرد با قاجوشانیه
صاف نموده بروغن گل سرخ یا بروغن کدو مخلوط
کرده بچوشانند و سفیداب کاشغری افزوده بر سیننه
و اضلاع بالنت -

روغن پازیرگس برای با صفت پیاز گس را ریزه ریزه
کرده با برابری کجنگا هار دتا هفت روز و نصف کجنگا
منغر با دام ریزه ریزه کرده اندازد و دو کیسه کرباس
سبک و اندک نمی میداده باشند پس مثل بادام روغن
بگیرد و بعد از آن بگیرد و ازین روغن ده درم فریون
قنه هر یک دو درم بیاسه یک درم دار فلفل بکنیم درم
عاقه قمر عاده نیم دام تخم جرجیر چند بیدستر هر یک یک
نیم دام موم نیم دام موم را در روغن گذاشته اجزای را
باریک ساییده در آن انداخته و خوب حل کرده گاه در

روغن سوسن سلیخه اوقیه قرنفل نیم اوقیه قسط
حب بلبلان مصطکی هر یک اوقیه قرنه نیم اوقیه
در سه پا و روغن کجنگا اندازد و سیر پیاز سوسن اندازد
و در سایه نگا هار و تابست و یک روز صاف نموده بکار
روغن برای زخم صفت دیو دار زرد چوب دار بلد
ملطبی مد و دهنه انس هر یک برابر گرفته در آب تر کرده

یک شب نگا هار و برآورده باریک بسایند روغن کجنگا
چهار چنداد وید در آب چهار چند روغن انداخته پیروز
تا آب برود و روغن بماند صاف کرده بکار دارد -

روغن خارش صفت گندک زنجبیل یک پیسید هر یک
نیم پا و برگ اکه سفید چهارده عدد روغن سرشت چهار
روغن را در کراهی مانند اخته دو اندک آب اندازد و ملائم
بیزد تا آب مانند بعد از آن این هر چهار عدد را ساییده
پارچه بیز کرده اندازد و کفچه زند که همه یکی شود بعد از آن
برگهای اکه سفید نکلور اندازد و بگذارد که در کراهی
سرو شود و در شیشه دهن کشاده بکار بکار برد -

روغن فریون صفت عاقه قمر هفت درم کنگل
چار درم موینر ج سه درم همه را جو کوپ نموده در چهار
چند شراب انگور سی بچوشانند تا نلک بماند نیم وزن
شراب باقی روغن کنی انداخته بچوشانند تا روغن بماند
بعده مقابل بیزده درم دو درم فریون سحی بلنج
نموده داخل کنند و جوش ملائم دهند تا فریون
حل شود و لنت زده گاه در رند بکار برند -

روغن عاقه قمر حافریون قسط عاقه قمر حافریون
هر یک خرفلفل حب الغار اصول نرگس هر یک نیم
جز زیت ده چنداد وید -

روغن جغت فریبی قصب و درازی و تحکام
صفت شب یانی کبریت سیاه مرقش شاخرف
هر یک درم مروارید دو درم کتله چار درم انیون چار درم
زراوند و حرج قسط کنش موینر ج سلیله هر یک دو درم
روغن زیت سی درم اگر زیت بهم نرسد روغن کجنگا

داخل کند آب شصت و پنج توله او دوی را با هم سق بلنج
نموده در آب بجوشانند و فیک نصف بماند روغن اندازد
و باقی ملائم بجوشاند که آب نماند -

روغن زعفران شش دایم مکی دایم قصب الزریه
بج دایم قرومانا مر اجد البسکه تر کند زعفران قصب الزریه
جد اتر نماید تا شش شبانه روز در هفتم قرومانا بسکه
تر کند روز هشتم پنج انار روغن کنجد بروی افکنند

و بعد باقی ملائم بجوشاند تا روغن بماند بکار برند -
روغن بالونه سنبل لباسه هیل حاکلتان اکلیل الملک
هر یک توله بالونه چهار توله در و واژه وزن آب جوشانده
نصف بستاند بار روغن کنجد برابر اجزاء طبع نماید -

روغن حماما سنبل لباسه هیل حماما بالونه اکلیل الملک
هر یک چهار توله کتان شانزده توله در و واژه وزن
آب جوش دهد تا نصف بماند روغن کنجد برابر وزن
اجزاء داخل کرده جوش دهد -

روغن گل سرخ بادیان سنبل مصطکی بالونه حماما
اکلیل الملک تخم شبت و ج زنجبیل هیل هر یک نیم توله
در یک نیم سیر آب جوش دهد تا نصف بماند روغن کنجد
شش توله روغن بادام دو توله روغن ریتون چار توله
داخل کرده بجوشاند تا روغن بماند بکار برد -

روغن مصطکی سنبل ده دایم اکلیل الملک یک پاؤ توله
حماما زرب اسارون هر یک توله مصطکی دایم اگر خام
توله گل سرخ دایم در بست چار برابر آب بجوشاند تا نصف
رسد پنج دایم روغن چنبیلی اصنافه کرده بجوشد تا گداخته
اثر آب بماند بعد از آن در دامن اکبری کلاب

حل نموده خوشبو سازد بکار برد -

روغن بار دور طب نافع از صداع حار و سردیام
قرائط صفت تخم که و تخم خاک و مغز تخم خیارین
بادام شیرین تخم خشتاش سفید کنجد مقشع برابر وزن
روغن برآمده استعمال نمایند بینی بسیار نافع است -

روغن نافع از ورم نقرس و ج مفاصل صفت
بالونه غیب الشلپ پرسیاوشان اکلیل الملک برگ حنا
سورخجان بوزیدان مغاث بغدادی گل خلمی سفید
گل بالونه اصل السوس ابرسیانیم کوفته در چهار سیر

آب بجوشانند تا یک نیم سیر آب بماند روغن کنجد
روغن زیت روغن تخم خشتاش روغن تخم خسر پزه
داخل کرده بار بجوشانند که آب رفته روغن بماند در
روغن ارندیه کرده بزرگداخته صافی نموده زعفران
منزعات نیز داخل کرده شب بماند صبح در حمام بماند
و آب گرم دلغاب ریشه خلمی بشویند -

روغن جبت رطوبت بدن صفت روغن کتان
روغن کنجد هر یک پاؤ سیر شیره خشتاش دو دایم آب
که در سیده چار دایم آب برگ خرفه چار دایم کلاب
پاؤ سیر علی الرسم بنزند -

روغن دیگر روغن گل سه دایم روغن کتان دایم
روغن بادام دایم روغن که و نیم دایم شیره تخم خیارین
و دایم سرکه ولایتی برابر همه او دوی را یکجا کرده بنزد
تا آب نماند بکار برد -

روغن لبوب نافع از ورم سرد و در گوش که از
سودا باشد و نافع از مالینجیا و خدام جد صفت

بج

بند ق مغز بادام مقشر مغز پسته تازه مغز کجی مغز
چنانکه مغز کدو و جوز پر بر وزن کوفته روغن اینها بر آید
روغن نافع از شخوص جدا صفت روغن زنبق
رطل فریون نو اوقیه سوده مخلوط نمایند -

روغن قسط نافع از فالج صفت قسط اوقیه فلفل
عاقور حافریون هر یک سه اوقیه چند بید تر نیم اوقیه
در نیم رطل روغن نرگس ساییده با عصاره مسترجه
بالند -

روغن دواله یکدم آله کچور را بر شمش گل سفید
گل نیلوفر گل سرخ گل کبودنی هر یک درم در بست برابر
آب بچوشانند صاف کرده روغن کدو شش ماشه
روغن بادام تلخ روغن کجی چار درم اضافه کرده
بچوشانند تا روغن بماند بکار برود -

روغن ناروین نافع از درمحه و کبد و قولنج
و بر و اعصاب و شرب و مضاد و احتقان و از درد گوش
و از صداع و شقیقه سوطا و از استرخا و مثانه و حنقانا
فی الاحلیل صفت قصب الزریه سجد برگ غار
عیدان بلسان سانج هندی راس ابل انجیر
برگ آس قردمانا اذان الفار مغز شمش هر یک دو اوقیه
نیکو کوفته در دیگ آهنی بنیدازند و بالایش شراب
یا جمهوری یا بنید عسل و آب شیرین بقدریکه او بیه را
بپوشد روغن سرکه هفت نیم رطل ریزند و نیمه دیگ
خالی گذارند و با آتش ملائم بپزند و ساعت بساعت
حرکت دهند تا شش ساعت روز پس از آتش بر آورده
سرد نموده روغن را صافی کرده بگذارند و کلسر خ

اوراق آن گرفته سه اوقیه حماما دو اوقیه نیکو کوفته
در همان دیگ بگذارند و با آتش شراب یا جمهوری یا
بنید و آب شیرین و روغن صفت ریزند تا سه ساعت
با آتش نرم بپزند و حرکت دهند و جوز بواج اوقیه روغن
بلسان شش اوقیه پس او بیه و در همان دیگ بگذارند
و از آتش فرود آورده سرد کرده روغن گرفته بگذارند
و سنبل طیب قرنفل و میعه سالک هر یک سه اوقیه
آب اس سه اوقیه نیکو کوبیده روغن بلسان میعه
بر آن انداخته حرکت دهند و آب جوش دهند
پس آب آن گرفته بدان روغن مذکور آمیخته باز در
دیگ کرده جوش دهند تا آب فته روغن بماند -

روغن ترب مشابیه روغن زیت کندن نافع از درد
گوش صفت آب ترب سه جز روغن کجی جز و بچوشانند
تا آب رفته روغن بماند -

روغن غار بیل زفت رطب نافع از امراض که از
برودت و رطوبت باشد صفت غار و روغن کجی
بچوشانند یا در آفتاب بگذارند و صاف نموده بچاشند
روغن زیتون نافع از درد کرده صفت کجی را با گلک
زیتون ترب ساخته روغن کشند -

را مجران دوائست هندی نافع از سوء مزاج باز
وضعف معده و از سوء اس و سودا و پاه را زیاد
میکنند و محافظت جنین مینماید و اصلاح کرده و مثانه
میکنند و سنگ کرده بر آید صفت و ج قسط مزراوند
طویل و در حرج هر یک دو اوقیه مثقال فلفل دراز
و خجیل هر یک بست مثقال تخم کرفس تا نخواه کرد و یا

را از پانه بر الرطبه تخم خرفه تخم جبر تو در می سرخ و فلفل
 اذنان الفار زیره کرمانی تخم شبت هر یک بست چهار مثقال
 قرنفل استنه قصب الزریره عیدان بلسان هر یک
 دوازده مثقال اکلیل الملک شیخ زرب حب بلسان
 سیاه سیاه قاقله قرفه هر یک شانزده مثقال پوست
 بلبله زرد پوست بلبله شیر آله هر یک سی و دو مثقال
 بسفاج خربق سفید آس مر با جوز برز الیچ بستانق شک
 شیطرح هندی زرشک وانه اترج مفتخر بهین
 لسان العصافیر هر یک بست و چهار مثقال جوز سی عدد
 پنج قصار بر می تخم فخنکشت هر یک دوازده مثقال
 تخم گدازه ما هر یک کشش درم افیون فریبون چند تیر
 هر یک سه درم بلبله سیاه چار درم سانج هندی سه
 حلیمه مخرط اسالیون و دو تونز راوند چینی هر یک سه درم
 کوفته بخته فانیله هموزن ادویه گرفته در روغن گاو
 نیز هموزن ادویه گرفته و غسل مصفی برابر وزن و
 در روغن و فانیله بگیرند و فانیله را بسطی بطل آب گدشته
 چون غسل غلیظ نمایند و غسل بالانکش ریزند و ادویه
 بر روغن گرم کرده است کنند و نگه دارند پس اول
 فانیله و غسل را در مادن بزرگ بیندازد و ادویه
 مذکوره بر و بپاشند و بسر شند و در ظرف که در غسل
 نهاده باشند بدارند و بعد از شش ماه استعمال کنند
 شربت مقدار مازد در اول شهر سه روز و در آخر شهر
 سه روز به آب گرم استعمال نمایند.

روغن نافه از در دو درم ذات الجنب صفت
 غلب الشعلب گل بنفشه گل خطمی آرد با قلا آرد و جو کثیرا

پرساوشان هر یک توله جوشانیده صافی نموده
 آن آب صافی را با پیله کرده نر و روغن گل سرخ
 و روغن کدو هر یک پنج توله جوشانند که آب رفته
 و روغن باند بوقت حاجت استعمال کنند بسیار نافع است
 و تخم بر آتش آمده.

روغن قسط جت قوت باه صفت پیار و قسط
 چار دام سنبل الطیب یک توله چار باشد زرب
 سیاه استنه بزرگ کابلی دار چینی قرنفل جوز بوا
 صندل سفید هر یک توله و چار باشد شک خالص
 زعفران عود خام عود بلسان نکه هر یک هشت است
 موصلی سیاه تخم کونجی هر یک سه توله چار باشد زنجبیل
 یک توله هشت باشد با بزرگ یک توله بود هشت است
 بسکچیه یک توله چار باشد فلفل و یک توله چار باشد
 همه را جو کوب نموده در هفت سیر شراب عرق یک شایز
 نر کنند بعد بست هشت سیر آب جوشانند تا هشتم
 خصه بماند ببالاید و نقل دور کنند بعد در روغن بادام
 یار و روغن کنجد بخته یکصد و بست توله با این آب مذکور
 بهم جوشانند تا روغن بماند نگاهدارد و هر روز بنهار
 نه درم بپاشند و چار درم در اندام باله در خصیه
 و آلت اندازد یکیزان باب گرم اندام را بشوید در
 یک هفته در خود عجب آب بشیند که و قخته در عرق خود ندیده باشد
 مجرب ملک تاج الدین نائب وزیر است و اگر
 همین ادویه را بار بار یک کرده در یک صد و بست
 توله روغن کنجد سیاه بیندازد و دو هفته در آفتاب
 بدارد و بوقت حاجت روغن بر سر آرد و بر در کسر

آب باتش ملا تخم بچو شانه تاملت ماند در زرقه استعمال نمایند -

زرقه سفید آب کاشغری شسته دم الانخوین بپزند
هر بابشیر خرد تخم چاکسو مقشر هر یک سه ماشه نیمه تله مقصود
بر بیان نیم ماشه گیر و شسته سه ماشه همه را در شیر خرد
از پارچه دریایی گذرانیده بچکاری نمایند -

زرقه دیگر از زردت مر با بشیر خرد سفید آب کاشغری
هر یک توله دم الانخوین طوطیا کرمانی مغسول هر یک
سه ماشه افیون زعفران هر یک نیم ماشه چاکسو در
کیسه کتانی در آب که در آن سرگین خرد جو شانه بپزند
بخیسانند و مقشر کنند یک توله ازان بگیرند و در
کهرل انداخته بالند تا چون مرجم شود هر روز و ماشه
انرا با بشیر خرد و توله در بچکاری کرده در احلیل بچکانند -
زرقه انزروت سفید کوفته بخیته خرد شسته بر آتش
بریان کرده چاکسو مقشر باین سخو که در کیسه کتانی
کرده در آب که سرگین خرد درین جو شانه بپزند
خیسانند مقشر کرده توله سفید آب کاشغری دم الانخوین
طوطیا کرمانی مغسول هر یک سه ماشه زعفران افیون
هر یک ماشه همه را کجا کرده در کهرل بالند تا کیسان
شود هر روز و ماشه انرا در دوتوله شیر خرد داخل کرده
از بچکاری بچکانند تا بقرحه که در فرج شده با سد برسد -

باب السین

سفوف ناف از اطلاق شکم صفتی صغری بر بیان
هفت درم نشاسته بر بیان چاک درم اسبغولی بر بیان
ده درم حب الاس بر بیان شش درم طباشیر شش درم

تخم شاهسفرم بر بیان شاه بلوت بر بیان نبر حاض بر بیان
کل ار بنه تخم خنکاش بر بیان تخم خرفه بوداده هر یک
شش درم باب رب رب و رب انار شیرین و ترش
بخورد و شربت ده مثقال -

سفوف انارماز و پوست انار فضل ساق هر یک
دو ماشه میان انار خام خالی کرده او ویرا با سفیده
تخم مرغ خمیر نموده در میان آن پیر کنند و درین مضبوط
کرده بر آتش گذارد تا آب خشک شود او ویرا پراورد
سفوف سازند -

سفوف بهی و مقوی که اندک نغز دارد صفتی
مغز بادام بوداده مغز پسته مغز انجیرک مغز حلیموزه
خصیه الثعلب دارچینی خولنجان لباسه بنین شاقول
مصری هر یک مثقال وانهیل نیم مثقال زعفران
دانگ مشک غبر هر یک نیم دانگ و برق طلا دواشته
جبرس خالص نیم مثقال نبات سفید پنج مثقال
سفوف سازند -

سفوف مصطک طباشیر کشنیز بر بیان هر سه
برابر سفوف سازند -

سفوف حب الاس کند خبث السید کگل ارنی
هر یک چهار دام سفوف کرده سه ماشه پیش از
طعام متصل بخورد -

سفوف دیگر سنبل سعدماز و قرن ایل حرن
نمک سانجر هر یک وزن برابر -

سفوف ناف بر اسه وجع مفاصل صفتی
سورنجان مصری دو نیم توله سناکلی یک توله دانه ماشه

مغز بادام شیرین نه ماشه پوست هلیله لرونه ماشه
زعفران یک نیم ماشه تربد سفید سه ماشه قند سفید
هفت توله شش ماشه شربت نه ماشه -

نسخه دیگر سورنجان مصطکی هر یک ماشه بولید
غنچه گسرخ هر یک دو ماشه سناکی سه ماشه نبات
پنج ماشه سوده کف کنند بعد از آن شربت و روغن
پنج توله سح حل کرده بنوشند و هر گاه تشنه شوند
آب سح بنوشند -

سفوف کندر ناخواه غصص مصطکی هر یک سه ماشه
زنجبیل چار ماشه مغز تخم انبه چار ماشه انگوره چار
نمک لاهوری چار ماشه کوفته بخیته یاب برگ چوکا
شسته در انار خام بر کرده بدستور محوده و تنور نهند
تا آرد سرخ شده میل بسیاری نماید بر آورده تا سر شود
و وارا از انار بر آورده نگا دارند بقدر چیدار سرخ
نهایت یک ماشه میخورده باشند -

سفوف حب الیمان نافع از خلفه صفته تخم
وانه انار ترش بر بیان کرده سهر ساسا صد درم کرونا
کشیز خشک سه درم در سرکه تر کرده بر بیان نموده
هر یک ساعت درم کز مانج خر نوب بنطی کلنا هر یک
ده درم تخم کرفس سفوف سازند یاب سر و بخورند -
سفوف نافع برای حصاة صفته خاکستر پوست
تخم مرغ که پیچ بر آورده باشد حبه الیه و خاک تر کبریت
مسکوی الوزن سفوف سازند و نیم توله باشیره
تخم خیارین نیم توله و شیر تخم خربزه نیم توله میخورده باشد
نسخه دیگر خاکستر کبریت مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه

تخم مصفر حب البیان حب بلسان سلیمه همد را
کوفته بخیته سفوف سازند و باشیره تخم مسک
بالا آتش شش ماشه وقت شب بخورند -

سفوف بنگ برای اسهال فائده کلی دارد
صفته بنگ نو قسم اعلی پاک کرده بروغن بنفشه
یا بادام چرب نموده و قلیلی از شیر علف سبز که از زیر پا
هندی سابی دوب گویند و قلیلی از شیر ناخواه
مزوج کرده بدست مالیده بر سفال آب مالیده
برق برشته نمایند و باز فرو آورند از آتش
و همچنین بعد سرد شدن همین عمل کنند و باز آتش
فرو آورند تا هفت مرتبه همین عمل کنند پس چهار
مشقال از آن بنگ با زنجبیل بریان و مصطکی یک
مشقال کوفته بخیته سفوف سازند و سه ماشه از آن
باب سر و بنوشند -

سفوف هندی نافع برص صفته نافع شامی
شش دام نمک سنگ دو دام هر دو را خشک نمایند
تا یک ذات شوند و در کراهی آهنی کیده آتش کنند
و با چوب آهنی بچینانند چنانچه سرخ شود فرو آورده
و سر کرده و و انار آب انداخته بدست مالند
ساعتی پس بگذارند که دوات نشین شود آب بالا
بریزند و همچنین هفت نوبت کنند نگاه خشک کرده
در شیر کجیکو رکهرل دو ساعت دو شرا به
انداخته بگل حکمت مهر کرده خشک ساخته و یک
سبب پاچک دشتی آتش در کود می داده در
ها نجا سر کرده بر آرند پس در شیر تر بچله که در

آب جوشانده باشند تا نقد رختی کرده بهما قسم
آتش دهند بعد از آن تخم شبت و حلبه و شونیز
و ناخواه از هر یک پنج درم این هر چهار را با یک
سائیده بپایزند و بصاحب عارضه روز اول
یک ماشه ازین سفوف با یک سرخ مار قشیشای
بخوراند و هر روز یک ماشه ازین دو ابیفزایند
و از مار قشیشای هم کم کم بپزایند تا مار قشیشای
بد و سرخ رسد و سفوف هشت ماشه بهمین وزن
میخورد و باشند تا شش ماه پهنیز از ترشی و بادی
و چیزهای ثقیل غذا پلا و قلیه و خشکه و اگر نه دال
خشکه و گچیری و نان میخورد و باشند تا فایده
انشار اند لقائے -

سفوف سورنجان سفوف نیا مخرج فقیر صفت
سورنجان مصری هفت ماشه گسرخ سناکی هر یک
پنج ماشه پوست هلیله زرد تر بد سفید هر یک چهار ماشه
سفوف نیا مشوی لاجورد و مغول هر یک ماشه
پوزیدان بسفاج مصطک هر یک دو ماشه زعفران
رب السوس هر یک دو ماشه مغز بادام شیرین پنج
قند سفید هفت ماشه کوفته بنجیه سفوف سازند
سفوف قابض مشک خالص فلفل در انجیل
نیم برشت هر یک سه ماشه مصطک انار و اند پوست
خشتاش بوداده کشتیه خشک بریان هر یک چهار ماشه
صنخ عرله ماشه شربت سه ماشه -

سفوف بنگ نوع اعلی بروغن بنفشه یا بادام
چرب کرده بریان نمایند و یک مثقال بکوبند

و با مصطک یک مثقال از نجیل برشته یک مثقال
باز کرده سفوف سازند شربت سه ماشه -
سفوف بابت حکیم اشرف خان ماضی طاع
و مقوی معده صفت کشتیه خشک کشتیه بریان
زیره گرمی بادیان هر یک شش ماشه طباشیر
چهار ماشه آله سماق هر یک توله سفوف سازند و بعد
طعام پنج ماشه بخورند -

نسخه دیگر قره سافج هندی خود قماری مصطکی
هلیله کابلی فرنجشک نارمشک زیره سیاه
دارچینی فلفل در انجیل قرفل اشته انار دانه
جوز بوا قاقله صغار و کبار هر یک شش ماشه
عجبر اشوب دو ماشه قند سفید سه وزن ادویه
شربت از پنج ماشه تا شش ماشه -

سفوف ارسطاطالیس که برای اسکندر وضع
کرده اصل نسخه است صفت قره سافج هندی
خود قماری اسارون مصطک هلیله کابلی فرنجشک
نارمشک زیره گرمی دارچینی اشته فلفل
دار فلفل از نجیل قرفل انار دانه جوز بوا فلفل
کافور قاقله هر یک دو درم مشک عجبر هر یک
درم نبات شش وزن ادویه شربت از درم تا سه
سفوف مقوی معده و دفع ثبث شکم و نفخ
صفت مصطک قاقله صغار دارچینی بسا سه برابر
وزن قند و چند شربت از سه ماشه تا چهار ماشه -
سفوف سورنجان دو ماشه زعفران ماشه
باعرق بادیان پنج توله و گلاب پنج توله بخورند

رفع نفع و بقیه اری کند -
 سفوف دافع قرحه کشته در قضیب صفت مروری است
 یک نیم تولد حجر البیود کل ارمی هر یک دو تولد صمغ عربی
 کثیر اخار خشک تخم کاسنی کل فلفل منقر تخم خرزنده
 منقر تخم خیابین هر یک پنج تولد ثعلب مصری نیم سیکو
 سحی نموده سفوف سازند و نه باشد با شیر گاو بنوشند -
 سفوف نافع سرفه قالمض حب الالاس سمر سا کرده
 منقر حب البلوط بریان خشخاش خرزوب شامی هر یک
 دو جز و صمغ عربی یک جز و سفوف سازند شربت درم
 سفوف مامیران عجیب النفع و دافع قرحه و جراحی
 و مثانه صفت مامیران چینی زرد و چینی هر یک مثقال
 زرشک منقی هفت مثقال گلنار فیون صمغ عربی
 هر یک مثقالین طباشیر کوبیده زرد و منقر تخم خیابین
 هر یک ده مثقال تخم خرزنده پنج مثقال کنجد سفید
 شش مثقال شکر طبرزدست مثقال سفوف سازند
 و سه درم با مثلث ده درم بنوشند و دو درم شرب
 وقت خواب بآب خالص بنوشند -
 سفوف قالمض صفت بنگ خالص دار فلفل
 زنجبیل نیم شربت مکده سده صمغ انار و انار پست شکر
 بوداده کشیده خشک بریان مکده چهار باشد صمغ عربی
 باشد کوفته بخیته سفوف سازند و آب سمر بنوشند -
 سفوف مصطک غرض سرقی پوست ترنج لعلناع
 بر ایند وزن سفوف سازند -
 سفوف منزل صفت ناخواه چار تولد بادیان
 سداب زیره کرمانی هر یک چار تولد مرزنجوش

پوره ارمی هر یک تولد عیدان الملک هشت تولد
 شربت مثقال -
 سفوف گلشن پنج دام گل ارمی گل مخموش شادنج
 مغسول هر یک پنج دام تخم خرزنده پنج درم سدر و ایدنا
 خشخاش رب السوس اتاقیا عصاره بخته التیس
 افیون هر یک سدر درم شربت دو دام بلعاب بنول
 یا شیر خرزنده -
 سفوف حب الریان دیگر نافع از اسهال که از
 ضعف معده و امعا باشد صفت دانه نار بریان
 جز و حب الالاس رومی بلوط سماق کمون مدیر سویق
 تین سویق غبار کشیده بریان خرزوب بطل و شامی
 هر یک نیم جز و سبک رامک عود حرث هر یک شش
 جز و در لخته کوکیر حرث نیست و وزن حب الریان
 دو جز و وزن دیگر ادویه نصف جز -
 سفوف دیابیطس صفت خبث الحیدر بصری
 بست درم کوفته بخیته در سمر که خمر هفت روز
 خیسانده محض باز بسایند و قشور کنند و سمر که
 خمر کشاید زرد تر کرده خشک نموده سحی نمایند
 و پنج درم از دیگرند طباشیر چار درم کشیده درم
 شوکران و دو درم کوفته بخیته سفوف سازند
 شربت دو درم -
 سفوف بزور نافع از ریاح و نفخ صفت
 کر دیا یسون زیره کرمانی قاقده قرز ناخواه
 تخم کفص هر یک دو درم قرفل نیم درم زنجبیل
 دار فلفل هر یک دو دام شکر بست مثقال تین درم

سفوف مقلیاتا نافع از اسهال و زحیر و صفت
معهده و مقصود بواسیر صفت حرف بریان
یک نیم رطل زیره کرمانی مدبر نیم رطل تخم کتان
تخم کناب نبطی هر یک ربع رطل مصطکی یک نیم اوقیه
بلبله سیاه بریان بروغن چرب کرده ربع درم -

سفوف حب احب نافع از اختلاف حب احب
بادانه مویریک جز و حب الاس سماق هر یک نیم جز
وصنع عربی یک جز و مصطکی گلنار هر یک ربع
جز و سفوف سازند -

سفوف طبر نافع از سحج و اسهال مراری صفت
صنع عربی نشاسته گل ارمنی اسبغول تخم شاه شرف
تخم مرو هر یک جز و بر روز در دست بگذارند و باقی
ادویه بگویند -

سفوف که وقت افراط عمل مسهل بکار آید صفت
کفک شامی بست درم کندر گل ارمنی صمغ عربی
خرنوب نبطی بلوط دانه مویریک هر یک دو درم زرد کبک
درم کوفته سفوف سازند -

سفوف مقوی معده صفت پودینه خشک عود نام
مصطکی قرنفل برابر وزن گرفته کوفته سفوف سازند
سفوف مسهل سودا و مزمل امراض که باعث آنها
مواد غلیظ باشد صفت پوست بلبله کاپلی بلبله سیاه
افقیهون اسطوخودوس هر یک سه درم نمک لفظی
نمک هندی صبر هر یک نیم مثقال حجر ارمنی فلانج شک
هر یک مثقال شربت سه درم تا چهار درم با ماء الحین
و گاهی درین نسخه سفوف نیا مغر حب لقرط زباده میکنند

و گاهی از ان صبر و در میکنند -
سفوف لاجورد دیگر سنگی یک ماشه تربید غاریقون
گلشن لاجورد مغسول بلبله زرد بلبله کاپلی بلبله سیاه
بسفاج ریون خطائی تخم بادرنجبویه اسطوخودوس
افقیهون کوفته بخیه سفوف سازند -

سفوف بے نافع از سودا که بر ذره هضم که از شر و
ماء الحین استعمال توان کرد صفت لاجورد مغسول
یک ماشه کتید ایک ماشه تربید سفید صوف تراشیده
چهار ماشه پوست بلبله زرد پوست بلبله کاپلی
بلبله سیاه هر یک سه ماشه بسفاج اسطوخودوس
افقیهون هر یک سه ماشه کوفته بخیه سفوف سازند -
سفوف طین دیگر نافع از سحج و اسهال لاری و تیر
صفت اسبغول تخم مرو تخم ریحان بارتنگ تخم حنا
همه را نیم بریان کرده نشاسته صمغ عربی طبایع
گل ارمنی سوده همه برابر وزن شربت از دو درم
تاسه شاید که این سفوف را بر روغن گل یا بر روغن
بادام چرب نموده لعل آرند -

سفوف مقلیاتا بار و نافع از سحج و زحیر و اسهال
صمغ ارغوی صفت اسبغول بریان بست درم
گل ارمنی سی درم صمغ عربی تخم خشخاش هر یک
ده درم نشاسته طباشیر هر یک پنج درم بدستور
سفوف سازند -

سفوف نافع از گزیدگی عقرب صفت
زراوند طویل ریوند چینی پنج کبر عاقر قرح
برابر شربت از درم نادو -

سفوف نافع کسے را که سنگ دیوانه گزیده باشد
لیکن پیش از ترسیدن از آب استعمال توان کرد
صفته سرطان نهری سوخته خطیان را هر یک نیم
کندر یک نیم درم پودینه سم درم گل محتوم و درم
شریبتی سه درم -

سفوفی نافع از اسهال کبدی مکرر به تجربه آمده
صفته دم الاخوان طباشیر بریان طراش شیرین
صنغ عری بریان مغرب الاس کبر باز رشک
سمان مغرب پهلوان کتیرا هر یک یک ماشه پوست شکار
بریان سه سرخ پنج انجبار اقا قیا هر یک ماشه افیون
زعفران هر یک یک سرخ کافور قیصوری از یک تخم تاد و تخم
سوده باد تنگ چهار ماشه افزوده سفوف سازند
و بر وزن بادام شیرین شش ماشه حرب نموده
باشیرا بهمان چهار ماشه و لعاب ریشة خطلی سفید
چهار ماشه شیر خرقه دو توله بریان شیر و تخم خشتان
توله ب به شیرین و د توله نبوشند -

سفوف سورنجان صفته سورنجان ماشه
کشتیز خشک دو ماشه مصطکی نیم ماشه نبات سفید
سه ماشه سوده کف کند بعد از آن شیر و تخم خرپزه
یک توله شربت گاو زبان دم توله شش روز این تخم
بعل آرند روز هفتم سورنجان غنچه گل سرخ پوست
پلیله نزد و تر به پدید زنجبیل به قاشق نشتی به اسوس
هر یک ماشه سنا کلی مغرب بادام شیرین هر یک دو ماشه
قند سفید پنج ماشه سفوف کرده کف کنند و با الاشش
با یک پیال آب سرد نبوشند -

سکنجبین اقیهونه نافع از طبل سوداوی و بلغمی
صفته اقیهونه پنجاه درم بدو انار آب بنفشه
سیر رسد صافی نموده شکر سفید یک نیم انار و خاک
پانزده استار بقوام آرند شربت پانزده درم +

سکنجبین بادیان پوست پنج بادیان پوست پنج کبر
تخم کاسنی انیسون پوست پنج کا کچ سفید زوندا خشک
غافک استنین هر یک ده دام تخم کشوف تخم کرفس
پوست پنج کرفس جده سنبل اسارون هر یک شست
مشقال سرکه صندرم باشدش وزن آب جوش دهند
تا نصف بماند نصف وزن ادویه غسل و نصف وزن
نبات داخل کرده بقوام آرند -

سکنجبین ساده صفته غل انحر آب خالص هر یک
رطل شکر طبرزد سه چند بقوام آرند و اگر عوض آن
گلاب بیند از حرارت معده و کبد را دور کند و گلاب
درین سرکه پنج کاسنی و تخم کاسنی میخسانند پس
نفتج سد و اقیهونه سوده بعد از قوام داخل کنند
اسهال سودا کبد بیناید -

سکنجبین نافع از طحال صفته پوست پنج کبر فوه
اسارون و ج لحنی درخت بید اسقو لو قندریون
نخلة الطرفا همه را بس که بنزند و سکنجبین عسل سازند
سکنجبین سفر طاب به یک رطل مصطکی و رطل
سنبل هر یک درم ادویه در کیسه کتانی کرده در آب
به ندر کوراند اخته جوش دهند و با سرکه و شکر سفید
به دستور مقرر بقوام آرند -

سکنجبین وردی گل قند شکری در گلاب گرم حل کنند

صافی نموده بر ورق گل سرخ بیندازند و بالایش
سرکه ریزند و بپزند.

سکنجبین سفر علی دیگر شستی قاطع ملغم و صفرا
و مقوی اعضا صفت آب یک جز و شکر سفید

یک جز و سرکه گندم ریح جز و لقوام عمل آرند.
سکنجبین ساده منفع مختصر فقیر صفت سرکه خاص

یک رطل آب لغنا و ریح رطل گلاب نیم رطل
شکر سفید سه وزن بدستور مرتب سازند.

سکنجبین افقیونی دیگر مسهل سودا صفت برفاچ
سه درم بدقون ساخته در پارچه کتان بسته خربوت سیاه

چار درم نیز کوفته در پارچه کتان دیگر بسته افقیون
در پارچه دیگر بسته خل انحر صد درم آب خالص

دو رطل همه را در دیگ انداخته بپزند چون نیم پخت
شود صره افقیون بیندازند و از آتش فرو آورده

مالیده صافی نموده در آن آب مصفی شکر سفید و در
گلاب رطل شکر یک نیم من لقوام آرند.

سکنجبین غصه نافع از جسات طحال و جگر و
مفتح سد و از ضیق النفس و از سرکه که از طوبت

ورق گل سرخ نیم جز و ورق گل رادر سرکه مذکور
چوش دهند تا بنصف رسد و شکر سه چند افزوده

لقوام آرند.
سکنجبین بزوری معتدل مفتاح سد و محلل ریح

در رطل صفت در سرکه ده رطل پوست سیخ کرفس
پوست سیخ رازیانه هر یک شش اوقیه تخم کرفس

رازیانه انیسون هر یک دو اوقیه در یک شازند
چنانچه بپزند و بپزند تا ششم حصه کم شود پس سرد کرده

صاف نموده شکر سفید سه وزن داخل کرده
لقوام آرند.

سحوطی که در دوسه را فی الحال نسکین کند صفت
خنجر مریم هشت مثقال اصل السوسن و مثقال

بورق گل سرخ یک مثقال سوده سحوط نمایند.
سحوط نافع از فاج و لقوه و استرخاء اعصاب و

از رعشه و از جمیع اوجاع بار در طبعه صفت
عصاره خطل تر عصاره پنجه عقدر عصاره پنجه طبعه

هر یک طبعه شونیز تخم حرم هر یک دو درم همه را
مخلوط بوزن یک دانگ با شیر و خمر سحوط نمایند.

سحوطی که تقیه سر میکند و فضول را میزد صفت
شحم خطل منق از دانه و پوست ده مثقال کندر

فلفل سفید و سیاه فلفل دراز هر یک چار مثقال
زعفران یک مثقال مر صبر اشق عاشا هر یک

مثقال سقونیامشومی شش مثقال عصاره انیسون
و و مثقال کوفته پنجه آب سحوط نمایند.

سحوط چند شحم خطل فلفل سفید کندر شحم پنجه

همه را بگویند و به آب مرزنجوش سحوط نمایند -
 سحوط نافع برای کسی که خوشنور احس کند و بگوید
 نکند صفتی چند بیدستر سوده فصل سحوط نمایند -
 سحوط نافع برای کسی که بوی بد را احس کند و
 بوی خوش را نکند صفتی مشک سوده بپوشند -
 سحوط نافع از سکت صفتی سداب مرزنجوش
 چوش داده صاف کرده بره گریخته سحوط نماید
 سحوط نافع از سیاه صفتی روغن زیتون و روغن
 زیتون سحوط نمایند -

سحوط نافع از صداع ریجی و شقیقه بارد صفتی
 روغن بادام تلخ بارو روغن تخم شمش تلخ بآب
 مرزنجوش خلط نموده سحوط نمایند -

سحوط نافع از بدبوی که در بینی باشد صفتی
 بول خر سحوط نمایند -

سحوط نافع از جنون که از ماده محترقه باشد صفتی
 آب برگ عنب الطلیب بروغن بنفشه یا بروغن
 نیلوفر یا سفیدی تخم مرغ یا با شیر و خمر سحوط نمایند -
 سحوط نافع از بطلان شامه صفتی شونیزریه که
 تخم حنظل خرق سفید برابر وزن چون عا س
 حب سازند و یک حب بروغن مرزنجوش یا
 بروغن کدو سحوط نمایند -

سنون نافع از تغییر دندان که بسبب ماده باشد
 صفتی فلفل پودینه قسط را و دندان در حرج حلیت
 ناخواه سوده با دویه جالبه مخلوط کرده سنون نمایند
 سنون برای درد دندان صفتی مرابهل چوب

عاقه قره حابر و وزن سنون سازند -

سنون نافع از ضعف دندان صفتی صندل
 کبابه فلفل هر یک پنج درم تقویم چار درم دارچینی
 دو درم با نشاسته گندم مخلوط کرده سنون سازند -

سنون که سیاهی دندان ببرد صفتی قنبیل
 فلفل حاماسانج هندی باز و سوخته سنون سازند
 سنون دیگر طباشیر سفید فلفل مرجان سنج سفید
 کتیر خشک مر و اید ناسفته صدف سوخته
 شاخ گوزن سوخته پوست تخم مرغ کوفته بخت
 سنون سازند -

سنون که از حرکت دندان نفع کند صفتی
 سعد ورق گلشن سنبل الطیب نمک اندرانی
 که مانج شاخ گوزن سوخته برابر سنون سازند -

سنون مقوی دندان صفتی بلبله بلبله آله
 گلشن گلنار آقا قیاس شب یمانی قسط طباشیر
 عاقه قره حاسوده سنون سازند -

سنون که دندان را سفید کند و جلا بخشد
 و پنج دندان را قوی میسازد صفتی کاسه
 ده درم آرد وجود و از ده درم سوده بصل شسته
 در تنور بر خشتی گذاشته سوخته سوده سنون نماید
 عاقه قره حافخر هر یک پنج درم سوده بر آن
 اضافه نمایند -

سنون مجرب از جفت رفتن خون از بن دندان
 و ریاندن گوشت لخته صفتی ناز سوخته
 عود سوخته سعد هر یک سه توله سماق نه توله

گلزار سه توله بطریق معمول تربیت نمایند.

سنگون که گوشت پنج دندان پرویان و قطع شوند
کنند و بوسی و نان خوش کند صفت پوسست بلبل زرد
پوست بلبله آله ورق گل سرخ گلزار قاقیازنج
طبا شیر عاقر قرخا هر یک سه بوزن برابر هر صبح
یا ساق صلایه کرده دوازده گلاب بشویند و آنگاه بشویند
سنگون برای درودندان و مقوی آن صفت
تریاق چند برید ستر ملطیت قلع مر واریز را وند و ج
زنجبیل سیاه افیون و پنج برابر عسل مخلوط
کنند جزوی از و گرفته برنج دندان نمند.

باب اشین

شریت اصول مفتع مواد غلیظه مفتع و در رافع
از سوراقتیه و استقا صفت پوسست پنج بادیان
پوست پنج گرس پوست پنج کاسه هر یک سی درم
پنج کبریا نروده درم بادیان تخم گرس تخم کاسه
هر یک بست درم انجیر بست عدد دوزین متقی چل درم
فلاح او خرده درم خوشا سینه صافی نموده غسل
بسیار چار رطل بقوام آرند.

شریت اسطوخودوس صفت عذاب دو صد درم
اگر سنجار یا پانصد وانه سپستان سه صد وانه کمرندی
رطل سونبر رطل افندیون چار توله نه ماشه اسطوخودوس
پنج توله بسفاج سه توله در و پنج دو توله لاجورد نه توله
گل بنفشه دو توله ورق گل سرخ هفت توله گاد زبان
گل گاد زبان هر یک پنج توله با و زنجبویه پنج توله
پوست بلبله زرد پوست ترنج ابریشم مقه هفت توله

و ابریشمی سه توله صندلین هر یک پنج توله سفاج سه توله
بصندین هر یک چهار توله تخم بادروج سه توله مشک توله
کافور مثقال عنبر مثقال ترنجبین نیم رطل شیر آله نازده
پنج رطل آب کد و هفت رطل عرق شاهتره دوازده رطل
عرق نیلوفر دوازده رطل عرق کاسنی هفت رطل
گللاب دوازده رطل شربت سیب رطل شربت برل
شربت انار شیرین رطل نبات سه رطل عسل نیم رطل
علی الرسم بسیار ندر اجزا و اسحق کوفتی باشد جو کوب کر و
در آب کد و عرق با جیساتند و صبح جو ش دوه
صاف نمایند و شیر آله و رلوب و نبات و عسل
و ترنجبین داخل نموده بقوام آرند بعد از آن لاجورد
و ابریشم و مشک و کافور و عنبر داخل نمایند
خوراک از چار توله تا هشت توله.

شراب اسطوخودوس صمغ مسده دماغ را
نافع است صفت اسطوخودوس ده دام بسفاج خیار
بالنگو گاد زبان هر یک پنج دام قند با عسل رطل
شریت اسطوخودوس صفت اسطوخودوس و توله
موزین شش هفت توله کشش پنج توله بهمن سفید توله
شقاقل توله تخم خیارین پنج توله قسط شیرین توله بنفشه
توله پوست نارنج توله لعلب دو توله عود شش ماشه
گل گاد زبان دو توله با و زنجبویه تخم خطمی هر یک
دو توله مشک مثقال عنبر مثقال زعفران و مثقال
نبات صد مثقال گللاب دو مثقال علی الرسم
شربت سازند شربت از توله تا سه توله.

لبنه و دیگر موزین مقه ده دام آله مشک پنج دام

ابریشم خام پنج دام خود دام سینه سه دام درونج دوام
 بسفاج دو دام اسطوخودوس ورق گل سرخ پیسون
 تخم کرفس تخم خاتم نقل دارچینی هر یک دو دام مشک
 دام نبات دو وزن ادویه اجزا را جو کوپ نموده در
 دو سیر آب شیب نجیسانند و جوش دهند تا نصف رسد
 صاف کرده با نبات بقوام آردند شربت از انتقال تا پنج شفا
 شربت می که نافع از سردی خشک که از حرارت باشد
 صفت زوفا خشک گل سرخ هر یک شش دام گل سرخ
 گل نیلوفر هر یک سه دام مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
 هر یک توله تخم خرفه دو توله سوسای بزرگ و ادویه را در شانه
 توله آب انداخته جوش دهد تا ثلث بماند صاف نموده
 شیرهای بزرگ را از زنده با نبات ده دام بقوام آردند
 شربت نافع از فکر و سواس از تالیف این بر صفت
 گاوزبان نعناع گل سرخ ورق اترج ورق حیوانی
 جلق ریحانی پرسیاوشان هر یک چهار دام به سبب
 هر یک سه عدد دانه پاره پاره گرفته همه را کوفته در دیگ
 بیندازند و بالا کش که را بخود حریر خام مقراض
 لاجورد محرق شسته جو زباز را وندم حرج درونج
 همچنین صندلین مرادید ناصفت صلایه کرده طباشیر
 زرشک خود مصطک هر یک مثقال کوفته بخته در پارچه
 بسته همه در پنج ده رطل آب بجوشانند تا ثلث رسد
 صافی نموده بگذارند و نقل آمدا در نه رطل آب بیک
 جوش دهند تا ثلث رسد پس صافی نموده این هر دو
 آب صافی بعسل شکر سفیده درم پنزند تا بقوام شربت
 آید پس هر دو کرده مشک یک دام سوده بپندازند

شربت زوفا زوفا خشک گل سرخ هر یک چهار دام
 گل بفتنه سه دام شیر مرغ با دام چهار توله شیر مرغ تخم
 دو توله نبات ده دام ابریشم دو توله عنبر و داشته مشک
 زعفران داشته گلاب یک انار ادویه را را جوش داده
 در شانه زده حصه تا نصف رسد با شیر با دام و تخم
 و نبات بقوام آردند و عنبر و مشک و زعفران داخل کنند
 شربت از یک توله تا سه توله
 شربت انگوری صفت رب به ده توله رب الگوده توله
 عسل دو توله اندک جو زباز تا دام آید در آخر جوش
 زنجبیل مصطک و نقل قاقه زعفران هر یک مائه
 دارچینی بار یک نموده در کیسه کرده بنیدازند تا دو
 جوش خورده مالیده صاف نموده بکار برند
 شربت اگر خود پنجدرم نار مشک سه دام بنبل دوام
 و نقل مصطک جوز الطیب هر یک دو دام نبات نیم سیر
 گلاب دو سیر مشک شش سرخ ادویه را را جو کوپ نموده
 در پارچه گره سست بندند و با گلاب جوش دهند
 تا نصف بماند مالش داده صاف نموده و با نبات
 بقوام آردند شربت از نه مائه تا یک نیم توله
 شربت زرشک صفت زرشک نام اکو سنجار البسته
 انبلی دو دام ساق شش مائه انار دانه چار مائه
 خود خام دو مائه تخم کاسنه چار مائه پوست تربنج
 دو مائه نعناع دو مائه شکر ده دام زرشک و آکو
 و تمر مندی را خیسانیده بگیرد شکر داخل کرده
 بقوام آردند
 شربت اسطوخودوس بابت ملاسدید نافع و منفع

مرواد سوداوسی و بلغمی مخصوص دماغی صفت
اسطوخودوس ده درم عود الصلیب گاو زبان تخم
رازیانه تخم کرفس تخم خطره بریک پنج درم سیستان
مویز منقی بستی دانه بتفتنه خشک ورق گل سرخ
بریک هفت درم پریاوشان ده درم اصل السوس
و پنج درم همه را بنزد و با سه رطل عسل مصفی یا بشکر طبرزد
بقوام شربت آرند -

شربت انار شیرین نسخه شیح مقوی معده نافع از
سوزختن و سرفه صفت آب انار شیرین بیدانه چهار رطل
آب سیب شامی یک رطل نبات سفید یک رطل
فانیذ سحری یک رطل بقوام آرند شربت دواوتیه -

شربت مقوی قلب صفت آب هندوانه بست چار
دام آب کدو بست چار دام عرق شاه تره دوازده دام
کلاب ده دام عرق کاسنه چهارده دام عرق بنلوفر

چهارده دام آب لیمون شانزده دام عناب چهل دانه
الوجهار چهل دانه زرشک پنج دام مویز و دو توله نمش
دوازده توله ریواج دو توله گرده هاق دو توله گاو زبان
بادنجین بیخ توکه ابریشم قرص هفت توله غبر چار ماشه

کافور دو ماشه رب سیب ده دام رب بده دام نبات
سی چهار دام اول ابریشم را یک شبنم زرد و یک سیب
آب خجیا کنند و صبح جوش داده صاف نموده اجزای را

در هفت سیر یک شب خیسانند و صبح شاستند
تا نصف باز صاف نموده آب ابریشم و عرق باد و ریواس
و نبات آمیخته با آبش ملائم جوشانند تا بقوام شربت آید
و غبر اصل کرده و کافور را سائیده و داخل نمایند

شربت از دو توله ناسه توله -

شربت انجیر نافع از قویخ صفت انجیر دوازده دام
در پانزده برابر آب جوش داده صاف نمایند
وسی و ام قند سفید و سه دام عسل انداخته جوش دهند
تا در آن حل شود بعد از آن قند نقل سنبلی خولجان
و ارچینی بریک توله زعفران نیم توله جو کوب نموده
در پارچه بسته در آن انداخته جوش دهند تا بقوام
آید مالیده صاف نمایند -

شربت نافع از سرفه صفت پوست پیچ رازیانه
ده مثقال پوست پیچ کاسنه ده مثقال پوست پیچ
پوست پیچ کرفس و سیبجان را دانه تخم کاسنی
اوخر کرفس عناب الثعلب گل سرخ اصل السوس
پریاوشان بریک پنج مثقال انیسون اسارون
بوزیدان بریک سه مثقال ماهی زهره و مثقال
قند یک من -

شربت دینار قریب با اعتدال نافع از سردی
ماسه ریقا و کبد و احشاء و اورام آنها مدبول و
ملین طبع صفت تخم کاسنی نیم کوفته بست مثقال
پوست پیچ کاسنی سی درم گاهی ورق گل سرخ

پانزده درم داخل میکنند و ریوند چینی چار مثقال
ریوند چینی نیم کوفته در پارچه بسته با دیگر ادویه پزند
و صاف نمایند و با شکر سفید یا شکر طبرزد و رطل
بقوام آرند و کاسنه مثقال ریوند را سوده وقت

قوام نیند میریزند -

شربت انجیر خون را بند کند و اسهال دمی

و اگر در هر رطلی ازین شربت یک مثقال صندل باشد
قوی تر گردد -

شربت انار منفع مسکن فی صفراوی و غشایان
صفه آب انار شیرین شکر سفید برابر وزن یکبار کرده
بر آتش بگذارند و آب لغعاع بقدریکه تلخی نیار بپزند
و بپزند و پوست بیرون بسته قدر قلیل و بر یک تریج
در بطنج بیندازند و بقوام آرند -

شربت ششخاش پوست ششخاش با تخم سی
نیم کوفته و تخم آن سحق نموده در گلاب یک شنب
بخشیا نمزد و باد و من آب جوش دهند تا غلظت باشد
پس صاف نموده با شکر سفید رطل بقوام آرند -

شربت زعفران منفع بلغم غلیظ که در سینه باشد
صفه تخم کرفس بادیان هر یک پنج درم زعفران
هفت درم انجیر بست دانه بویزه سی درم جلبه
چار درم تخم خطمی اصل السوسن مقشر ایرسا هر یک
سه درم برسیا و شان هفت درم عناب پستان
هر یک بست دانه فراشیون سه درم بپزند و صاف
نمایند و شکر سفید دو رطل و گلشنه یک رطل
بقوام آرند و برای دفع حرارت نخل و برفقه و
خشخاش در مطبوخ افزایند و عوض گلشنه
ترنجبین و خمیره برفقه داخل کنند -

شربت پا قوت مخرج آب انار شیرین آب آمود
آب بالشرین هر یک اوقیه قند سفید یک من
بگلاب بقوام آورده از آتش فردا آورده پا قوت
رانی دو ماشه مراد پیر ناسفته سه ماشه کبریا اصل

نافع است صفه پنج انجیر هفت مثقال قوطشامی
پنج مثقال صندلین هر یک چهار مثقال صندل
کرده و دیگر دو پیرا کوفته و شکر طبرزد و یا نبات
و رطل اضافه نموده بقوام آرند شربت از ده درم
تا مثقال و گاهی خلعت تخم خرفه حب جال داخل میکنند
شربت انجبار دیگر صفه صندلین هر یک نیم مثقال
انجیر هفت مثقال اقا قیاد و مثقال قند سفید سیر -

شربت آستین بابت شیخ رئیس صفه آستین درم
در سه رطل آب بپزند تا بلع رسد و الیده صاف نموده
پشوی و خیر کرده عصا آن ثلث وزن آب و
عسل رطل وزن و شراب نصف وزن آب ریخته
بقوام آرند -

شربت ورد و کمر منفع صفه و بلغم صفه ورق
گل بنج و دمن تازه و دره من آب بپزند تا رنگ
و مزه در آب یافته شود پس ورق گل افشوده با دره
آب ورق گل بنج و دیگر دمن بچته صاف نموده با دو
من عسل با شکر طبرزد بقوام آرند -

شربت بلبله زرد و نافع از وجع مفاصل که از صفرا و
بلغم رقیق باشد و نافع از التهاب تب محرق صفه
بلبله زرد و صندل و آب گرم شسته در آرد و عرق
داخل کرده آب بالالتش بپزند و قدریکه بلبله را بپوشد
و در آفتاب سه روز بگذارند و آن آب نگاه دارند
و آب دیگر بالالتش بدستور بپزند و بگذارند تا بلبله
سفید شود پس آب را در دیگر بیندازند و ترنجبین
صد درم و شکر سفید یک رطل از اخته بقوام آرند

هر یک سه شانه کافور یک ماشه سائیده ورق نقره
عنبه شش ب ماشه بنیدارند -

شربت مالینو لیا مرقی و پنجه سوداوی آب سیب
آب بن شیرین آب انار شیرین بکلاب یا عرق بید مشک
یا عرق گاوزبان یکصد مثقال بقند بقوام آورند و
وقت جوش یا قوت نه مثقال عنبه مثقال لاجورد و نه مثقال
اضافه نمایند -

شربت حب الاس نافع از اسهال که با سر فر باشد
صفحه حب الاس دو جز بکوبند و بچوب شانه و صاف
کرده و در جرقند انداخته بقوام آرند -

شربت ابریشم بگردل و احشار قوت دهد و باه
زیاده کند و نشاط آورد و صفه ابریشم بخواه درم در آب
سه شبانه روز بخیسانند و در دیگ سنگین بچوب شانه
تا نیم آید صاف کرده و خولجان و ج مصطک هر یک درم
زعفران یک درم اضافه کرده با یک من قند
بقوام آرند -

شربت نصفی خون صفه ورق بنفشه بست دام
الو بخار صده و نه عنبه دو صده و نه قمر بنده سی درم
طباشیر و درم شاهره و در شک هر یک بست درم
سرخ گاهی بست درم عنبه شش نیم درم شک درم
سوامی مشک و عنبه و دریه مارا در هفت سیر آب
یک شبانه روز بخیسانند بعد از آن با تشن مالم
بچوب شانه تا نصف بماند و نیم سیر آب کدو و نیم سیر
آب انار و نیم با و شربت حاصل و یک نیم سیر نبات
داخل نموده بقوام آرند و مشک و عنبه داخل کنند -

شربت الو سبل صفه و بلغم رقیق و نافع از تپه اسه
گریم و امراض صفه و سی و بلغمی صفه اجاص بزرگ
صد و ده عنبه بختاوی سی و ده قمر بنده سی درم
بنفشه خشک بست درم تربی بست درم تربید را
کوفته و در پارچه بسته با هم او و پی بنزند و صافی نموده
با تخم بن و شکریه سیر یک رطل بقوام آرند و
سقه بنیا مثقال زعفران نیم مثقال اضافه نمایند -

شربت انار شیرین نافع از سقه و خافه صفه
آب انار شیرین را جوش دهند تا نصف رسد
پس دو رطل آن گرفته با شکریه سیر یک رطل
بقوام آرند -

شربت بادرنجبویه نافع از خفقان سه
و توش سوداوی صفه بادرنجبویه خشک
پنجاه مثقال و آب تازه نیم من با یک من
قند بنزند -

شربت نردری معتدل معده و بگرد
مفاصل با سود دارد و با دارا دفع کند صفه
پوست بچ کر فس بچ کاسه هر یک سی درم
سرخ کاسه بچ بادیان هر یک بست درم
رازیانه تخم کر فس هر یک ده درم تخم کشوت
چند درم و در پارچه بسته در آب بچوب شانه
و بنیا لایند و با یک من قند بنزند -

شربت بنوری بار و صفتش تخم کاسنی تخم گدو
 تخم خیارین تخم خربزه بادیان هر یک و نیم درم
 پنج کاسنی ده درم پنج بادیان پنج درم قند سفید
 و و چند بقوام آرند -

شربت مندل اسکنان قلب و معده و کبد
 و نافع از تب محرق و تب دق صفتش براده صندل
 سی درم و در پارچه بسته در نیم رطل سرکه گیشا بزرگ
 بخیسانند و سه رطل آب اضافه نموده بجوشانند
 تا یک رطل بماند پس صاف نموده نیم من آب
 انار شیرین و نیم من آب تمهیندی و سه رطل
 شکر سفید داخل کرده بقوام آرند چون سرد شود
 طباشیر و صندل سحق نموده هر یک دو درم
 کافور قیصری نیم مثقال با لایش ریزند -

شربت فواکه نافع از قهصر اوی و مقوی معده
 و مشتی صفتش آب به ترش آب به شیرین آب گند
 آب انار شیرین آب سیب شیرین آب انگور ترش
 آب حمض ترش گرفته قدری سماق و در عود
 و شبنم و حب الاس و زرشک یک شان و بخیسانند
 مالیده صافی نموده شکر سفید داخل کرده بقوام آرند
 شربت گند صفتش گند ترشیده آتش بر کوزه
 یک جز و آب خالص ده جز و در یک کوزه بپزند
 تا مرسود پس از آتش بر آورده مالیده از پارچه
 گذرانیده در دو جز و آب مصفی شراب گند
 صاف جز و و عمل مصفی جز و بقوام آرند -

شربت توت نافع از دیجه و خناق و درم حار

در دهن صفتش عصاره لوت سرخ و تخم رطل
 و غسل مصفی رطل زعفران و عصاره لوت سرخ
 هر یک دو درم شربت یک نیم درم بجوشانند
 تا بقوام عمل ریختن آید -

شربت بنفشه معتدل در سردی و نافع از آفت
 و ذات الریه و در گرده و در طبع و سینه
 و خنجر صفتش برگ بنفشه تازه گیلیه با چار رطل آب
 بجوشانند و صاف نموده با یک رطل آب
 شکر طبرزدیک من انداخته بقوام آرند و اگر تازه
 نیابند از بنفشه خشک تیار کنند -

شربت عناب بار و رطب نافع از سرفه و غلبه
 خون و از ماشر و جدری و حصیه و در دهن و سینه
 صفتش عناب رطب رطل در چار رطل آب بجوشانند
 تا یک نیم رطل بماند و شکر طبرزدیک من افزوده
 بقوام آرند -

شربت نیلوفر سرد و در طب نافع از سرفه و
 سوزش و بلین طبع و سینه و نافع از صداع و تب
 صفتش برگ نیلوفر تازه یا خشک رطل با چار
 رطل آب بجوشانند و صاف نموده شکر طبرزدیک
 یک من افزوده بقوام آرند -

شربت قطع عرق خرم گیه که از دو سه
 برگ گرفته باشند چهار آنار با و با لاجوز با آب
 هر یک ده توله قافلین تخم بلبلون تخم شربت
 هر یک چهار توله تخم گدو دو توله بهمن سفید
 چار توله بهمن سرخ دو توله صندلین هر یک دو توله

شبیاف شبیه مشکب مسری هفت توله کش خرباسه توله
مشرقیه از لیم مشرقی القفل هر یک یک نیم توله
مشرقیه شیرین شیر با دام شیرین مشرقی نیم توله
زعفران هر یک دو توله و نیم نبات دو سیر و راس
لبوب و مشکب زعفران لکریه را در دوازده آنا
آب خیسانیده و جوش داده صاف نموده با عرق
نمک را سینه از نبات بقوام آرند -

شربت پد آب به شیرین رطل در دیکت گین جوش
دهند و صاف نموده سه رطل شکر سفید داخل نموده
بقوام آرند -

شبیاف نافع از درد صفتة شبیاف مایشتا
انزروت هر یک هفت دانه زعفران دو دانه کتیرا
دام افیون نیم دانه باب باران بهشت سفید تخم مرغ
حل کنند و اندر چکانند و ترکان را ساکن کنند و ده را
از چشم باز دارد و از پس یک هفته چشم ببلنج جلبه
و اکلیل الملک و باله نه می باریک شود -

شبیاف نافع از ابتدای رید کند صفتة اقلیا
سی و شش درم اقلیمیا است و بار درم نخاس
سوخته مشول وزن نه دانه دام بشرط غص نمیکند
شبیاف که سسی است بجایب المنوم نافع از در گویا
و از هر یک درم و از مواد قوی صفتة مایشتا است
و بهر متقال از زردت هشت متقال زعفران
مرا و ان زردت سوخته هر یک هشت متقال
صمغ عربی دوازده متقال باب باران مخرج نبات
یا بصیده تخم مرغ استعمال نمایند -

شبیاف لیم نافع از بقایا برده و غلط اجناس
خشونت هاس و اجرب و الشرفاق و الحده و ریتنج
و الکنه و السلاق و النمله و السعفه و الجساده که عارض
در ملحه و الحاکه که عارض در چشم شود و وسیل الرقیق
صفتة شادنج مشول شش دانه نخاس سوخته
چهار دانه بدم و ارید کبریا الشیخ هر یک دو دانه
صمغ عربی کتیرا هر یک پنج درم دم الاخوین زعفران
هر یک نصف درم کوفته باب شبیاف سازند -
شبیاف صطفیایان نافع از استرخا چشم
و ظلمت بصروا بت از آب نزول و السبل و ناخونه
و بیاض و الدمه صفتة اقلیمیا نصف زعفران افیون
فلفل هر یک دو درم نمک هندی درم بوریق ار
مرو صبر هر یک شش دانه حب الیثیل درم صمغ عربی
شبیاف مایشتا و انزروت هر یک چهار درم زنج
دام صمغ نموده باب حل کنند -

شبیاف سرخ شادنج ده دانه مس سوخته هشت دانه
صمغ عربی دو دانه کتیرا صمغ هر یک دو دانه
بدم و ارید شادنج هر یک چهار دانه دم الاخوین
زعفران هر یک دانه نمره روشنائی آتخوان خرم
سوخته پنج درم دخال کند چهار درم صندل
سه درم حب بلسان سه درم لاجورد مشول ده درم
شبیاف ابیض سوخته ده دانه کف دریا چار دانه
زنگار یک نیم دانه بوریق سبکیغ الشق هر یک دانه
بطخ و ج شبیاف کنند -

شبیاف زعفران برای دمه صفتة زعفران دانه

سنبیل دو دایم فلفل سپیده سرخ نوشتادریکنیم باشد
مانند و سه دایم کافور سه سرخ بآب باران شیا ف سازند
شیا ف غریب صفتی صبر کند هر یک دایم انزروت
و دم الاغون گلنار کحل شب هر یک نیم دایم زنگار ربع
درم شیا ف کنند و عند الحاجة در ناسور بچکانند
علیل بجانب ناسور بچکانند تا که از آن قطر با بچک
بعد از آن شیا ف را در آب مخلوط کرده سه قطره بچکانند
تا جابر قطره در افاق و در میان قطره با ساعت
وقفه کنند پس علیل همچنان سه ساعت بخشد و اگر با
از فجر یا زوال روز را عاده کند تا که آب از چشم بچکد
و باز از چکیدن باز ماند.

شمر و هم مقوی و باغ معتدل صفتی غبر دایم عود و هند
دو درم صندل مقاصری سه دایم علیل و علیج ده
ادویه را سخن کرده مخلوط کنند و به بینی بدمند لیکن
صندلی و عود را با گلاب سخن نموده پس خشک کنند
و عطر را با شکر سخن کنند بعد از آن شکر را از آن بشویند
و با ادویه مخلوط کنند.

شیا ف ابیض دیگر صفتی سفید ابی صافی و نج
درم نشاسته کثیرا هر یک ربع درم صمغ عربی افیون
هر یک درم شیا ف سازند و بشیر و خمر ملل آردند
شیا ف که وقت شدن در استعمال توان کرد
فی الحال در گوش را و در چشم را ساکن سازد
صفتی حلیه را چند بار از آب بشویند و در آب گرم
نیم دانگ بنجیسانند و لعاب آن از دست یا از چوب
بر آردند و در جام انداخته در آفتاب بگذارند تا خشک شود

همین قسم از کتان لعاب بر آرد و ده خشک سازند هر دو
لعاب یک یک جز و زعفران نیم جز و سوده مانند
عس شیا ف سازند یک یک حب و چشمه یا
گوشش بپندارند.

شیا ف اسود نافع از حرارت و شفت و معده و نافع
از حرارت و در دوسبل که با حرارت باشد صفتی
صمغ عربی کثیرا هر یک دایم سفید ابی صافی
چار دایم آقا قیا پنج دایم مرصافی سنبیل افیون هر یک
چار دانگ کوفته بخیه بآب شیا ف سازند.

شیا ف سکون و ج صفتی افیون زعفران
سفید ابی کاشغر نازج محرق شیا ف سازند.

شیا ف سرخ دیگر نافع در آخر رموز غلط جفا
که بعد از میان صفتی شادنج ده درم نازج بحر
دو درم زعفران سنبیل هر یک درم بشیر اب
شیا ف سازند.

شیا ف کند که بشور چشم را بچنه میاز و صفتی
کندر جز و انزروت نیم جز و اشق زعفران
هر یک ربع جز و بلعاب حلیه شیا ف سازند.

شیا ف که گوش و چشم بر ویانند صفتی کند انزروت
مردم الاغون کحل اقلیمیامی فنی برابر وزن شیا ف
سازند.

دیگر اسفندنج جز و انزروت نیم جز و شیا ف سازند
شیا فیکه سفیدی غلیظ چشم را دور کند صفتی
سکینج اشق انزروت برابر وزن کفیر یا لوره جز
شیا ف سازند و بعد حک موطن سفیدی بآب

سخته مالیده صاف نماید بسد اسپ قطران تخم فنجانش
اکلیل الملک بابونه هر یک شش ماشه کوفته بکینیت
و رمان انداخته بسرشته و ضماد کنند -

ضماد که پیشتر از اصل کند صفته منگ بمقشر گفت
 خود الصلیب باشد سوده بشیر و تر یا بشیر برشته
 روغن گل سرخ پنج قوطه زده تخم مرغ عدد داخل کرده
 بر یا فوخ ضماد نمایند -

ضمما وصفته اس سوده بدرد سر که سرشته ضما نمایند
ضمما و نافع از ذات الجنب صفتة بنفشه خشک
آرد با قلا آرد و جو خطمی با بونه اکلیل الملک نمالند
سوده سوم نرد بر روغن بنفشه یا بروغن کنجد که ختم
ادویه در آن انداخته ضما نمایند

ضماد نافع از نقرس حار صفت است بنول خطی
آرد و جوهر بنفشه و در و سرکه و عن گلشن سرشته
ضماد نمایند -

صنایع که برص را از بین ببرد و زنگش تا بستر روز
پایانده صفت شیطرح نیل قوه شب یمانی کاسرخ
وقت بصر که ترک کنند و بطبع قوه طلا کنند -

نخود و نافع از برای امی نافع صفت آرد و باقی
جوست از ان ترش باز و پوست تخم مرغ سوده ضار و نافع
نخود برای حمل پلک و گوشه چشم صفت عین مقشر
مسح نخود از سوده و بچین سرشته ضار نماید

ضماد نمایند -
ضمادی که بسلع سودود و صفت اشق لبس که
حل کرده ضماد نمایند -
ضماد مسکن در درحم صفت خشخاش در شیر گاو
بپزند و چون مرهم ساخته گسخت و زعفران سوده
و موس زرد بر روغن گل که اخته بهر اختلط کرده ضماد نمایند

شماره و تاریخ از روزم طحال غصه خسته انجیر خج دام در سر که

ضماد یکم خون بینی را بند کند صفت آن آرد جو گلندر
اقاقیا عصارة لحتیة التیس صندل سفیدافیون
هر یک سه درم کافور دانگ سوده بکلاب سرشته
بر پیشانی ضما و نمایند -

ضماد و نافع از ورم لبواسیر و درد آن صفت
پیاز در آتش بخت پست آن دور کرده بروغن گاو
دزده تخم فرغ سرشته ضما و نمایند -

ضماد و نافع از گشت حمله صفت آن عدس مقشر ماز و
برگ آس پست اند شیرین برابر لب که شراب
سرشته بر عانه و قطن ضما و نمایند -

ضماد و نافع از صلابت طحال صفت آن شق مقل کرش
برابر لب که شراب ضما و نمایند -

ضماد و نافع از درد گوش و ورم که بسبب اخل شدن
آب ظاهر شود صفت آن پوست خنکاش پاره بکلاب
بنفشه خطمی تخم کتان آرد جو سوده بشیر ز نان
سرشته ضما و نمایند -

ضماد و نافع از برآمدن پوست از گردن و نافع صفت
حرف نمک برابر سوده ضما و نمایند -

ضماد و نافع از گزیدگی سگ و سباع و دیگر حیوانات
صفت آن پیوم و زفت و بازرد ضما و نمایند -

ضماد و نافع از بوم صفت آن پیاز و نمک و عسل
گرفته مخلوط کرده ضما و نمایند -

ضماد و تقویت ذکر صفت آن پیاز نرگس سه توله سیاه
چهار توله بکار و چوبی ورق کرده در شیرینش آلود
که چهار انگشت از روی دوا برو و خیس اندود

و در آفتاب گذارند تا شیر خشک شود پس در کهرل
انداخته قسط تلخ قسط بجرمی نراوند مدحج پیه کرده بز
مغز ساق گاو پیه مرغابی هر یک توله روغن چنبیلی پنج توله
لاون توله عنبر اشپ سه ماشه عطر نایب سه ماشه
داخل کرده در کهرل بماند چون نرم شود و حشفه کند
ضماد نمایند -

ضماد و نافع و نادر و مقل از رزق سه توله باب طبع
برگ مور و حل کرده ضما و نمایند -

ضماد و پینه باب سائیده بر استخوان شکسته بندد
چون سنگی که بران سائیده باشد خشک شود
دوا را هم واکند و اگر اندک تو قوت کند استخوان
ز پاده از حد خود نشود -

ضماد و برای ضرب و سقطه صفت آن میوه آمله برگ حنا
خشک کنده برابر وزن گرفته هار یک سوده با
سفیده بیضه حل کرده بالاس پاره پاره مالیده بر
موضع ضرب بگذارند هر وقت صبح و شام مجرب است
ضماد و نافع از درد شدید که بسبب سردی باشد
صفت آن کشیر خشک اکلیل الملک زعفران
تخم کتان بشیراب سوده بر اجفان ضما و نمایند -

ضماد و نافع از نفیس بار و مجرب صفت آن تخم کشل
کنجد حلیه سوده بعرق بادیان سرشته ضما و نمایند -

و دیگر حلیه را در سرکه بنزد و عسل بالانش ریزند
و بسایند تا چون سهره شود بر موضع درد ضما و نمایند
چون خشک شود روغن گل بالانش ریزند -
ضماد و مصطک روی زرد چوب میوه کنجد سیاه

اجزایا همه برابر گرفته کوفته بخیته و سفیده تخم مرغ
حل کرده بر موضعی که ضربه رسیده باشد بمی بگذارند
تا در دو روز نشود جده انگشتند -

ضماد برای درد کرده که از ضعف باشد منقول
از کرم یا صفت کلسنج اقا قیاری امک برگ مورد
صندل برابر کوفته بخیته روغن کلسنج سرکه انگوری
داخل کرده ضما د نمایند -

ضماد صابون نیم با و گندک توله زیر چوب توله
میبارا چار توله زرده تخم مرغ بقدر خمیر با بونه نه ماشه
نیم دو دایم شیر کوسه دو دایم افیون چار ماشه
تخم شبت نه ماشه تخم حلبه نه ماشه ریونند توله روغن
خروج دو ماشه موم و صابون را در روغن برکش
حل نمایند و ادویه پابسات را کوفته بخیته در آن
مثل می چون لت نمایند بعد از آن زرده تخم انداخته
لت کنند و ضما د سازند -

و یک صندل سرخ شش ماشه گندک سه ماشه
اب گوی سه درم سیار می شش ماشه زرد چوب توله
زرده تخم مرغ سه درم موم شش ماشه روغن کتان
یک نیم دایم روغن خردل یک نیم دایم مثل مرهم
طه تم سازند -

ضماد که بول الدم را بند کند صفت اقا قیاری
ضمض برابر وزن سوده با سرکه سرشته ضما د نمایند -
ضماد از درم پستان که از بستگی شیر باشد نافع است
صفت تخم کتان سوده جسل سرشته ضما د نمایند -
ضماد درم گرم پستان صفت اسفول با سکنجین

و آب مخلوط کرده ضما د نمایند -

ضماد نافع از حدیه که از رطوبت یا ریج باشد صفت
راس ابل و ج در سر که چندمان بنزند که هر اشود
پس فقر کشود در آن زیاده کرده چون مرهم ساخته
ضماد نمایند -

ضماد سی صفت بورق سبیل سعد خردل و چینی
خولخان سدای برابر شیر بز خردل هر که گاه و نصف
وزن ادویه غسل نصف وزن ادویه همه را بکوبند
و بشیر بز تر کرده خشک کرده پس بر صلا یه حقی کر
و خشک نموده باز هر که گاه و تر کنند و خشک کنند
باشد مخلوط کرده ضما د نمایند -

ضماد فریون چار ماشه خردل شش ماشه
چند دو ماشه سعد سه ماشه جوز الطیب عدد بورق
سه ماشه عاقر قرع شش ماشه فلفل چار ماشه
و ج شش ماشه ابل چار ماشه دار چینی سه ماشه
خولخان سه ماشه نیم وزن مجموع ادویه شیر
داخل کرده ضما د نمایند -

ضماد جبت طوالت قنیه صفت سیاه فلفل
قسط اسارون کثائی جوز و اسکندره کعبه غسل
نمک لاهوری سرشت جبرجیر آرد سه دار فلفل
سحق نموده با ب عجمین نمایند باز سحق کرده جسل کنند
ضماد ایر سامونیز عاقر قرع قسط فلفل اینسون
زعفران عطر کرده روغن کنجد خوشبو ضما د نمایند -

ضماد جالینوس ایر سیاه شغال مو نیز ج
قسط شیرین بر یک دو نیم شغال چند بر شریف

فلفل گرده سته و نیم شقال پشیر لائق خمیر یکجا کرده
ضماد نمایند -

ضماد بابونه غلب الثعلب اکلیل الملک ریونیدینی
زرباد هر یک توله کوفته بکلاب و عرق بادیان
و عرق بادرنجبویه ساییده روغن مصطکے دولوله
داخل کرده بر موضع درم ضماد نمایند -

ضماد و مپی شیر پیاز نرگس هر یک دو دانه شیر
سوسن دو دانه عاقر قریح موزنج توله قسط تلخ توله
سعد نه دانه حب النیل توله قنطریون نه دانه
آب کشائی ده دانه شهد نه توله گرم دانه نه دانه
بوزیدان شقاق کل باب چینی هر یک نه دانه خربوا
جو تری هر یک توله آب مرج جگلی شش دانه مصطکے
شش دانه چوده خراطین توله چوده آلود توله
چوده پینه دانه سه توله فرقیون توله مغز تخم کدو تلخ
نه دانه شنبلیله سفید توله پنج شنبلیله نه دانه کچک عدد
کندر شش دانه دم الاخوان شش دانه روغن بون
سه توله روغن المکنکی ده توله روغن گاو توله ضماد
سازند بکار برند -

ضماد اسکند ناگوری عاقر قریح المکنکی پنج کثیر
کچک اجوی خراسانی اسپند گل اکبر ریزه تخم دونه
پلاس با پراگهونگی سفید هر یک دانه اول کچک را
در آب تالیکه در تر کنند و ریزه ریزه نموده با دیگر
ادویه جو کوب نموده در شیر یک انار تاسه شانه
تر نموده بعد از آن اندک در گرا خشک نموده چوده
چکانند و مقدار هر یک سرخ مال و نیم سرخ بابان بخورند

و اگر این دو دانه داخل چوده کنند بسیار خوب می شود
قنطریون گاو جوان یک عدد دستاورد ام دار سپین
جوز بوا بسیار پیاز نرگس اسن مغز پینه دانه خردل
سعد خولجان مصطکے هر یک دانه خراطین پنج دانه
ضماد محلل اورام صفتت زرده تخم مرغ و عود
صندل سرخ شش دانه شیر غلب الثعلب سه دانه
گل سرخ توله روغن کتان دو دانه آرد جو توله
سنبل الطیب شش دانه -

ضماد همسک مشک فرقیون عاقر قریح هر یک
دو دانه روغن عاقر قریح یک توله ضماد نمایند -

ضماد عود اصلیب و عود هندی مرزنجوش بابونه
افزونی زرباد زرد و هر یک توله بکلاب سرشته
روغن مصطکے داخل کرده بر معده ضماد نمایند -

برای فواق بلغمی و درم فم معده فائده کلی دارد
لیکن اگر مصطکے یک دانه سوده با گل کند بخوراند
و عقب آن لغاع خشک دانه بیل غنچه گل سرخ
هر یک چهار دانه بکلاب ده توله جو شانه با شربت
افستین و دولوله بنوشانند انشا الله تعالی
فواق زائل گردد -

ضماد مسکن و جع صفتت افیون زعفران هر یک
چهار شقال شیر زعفران بقدر کفایت -

ضماد طبع بابونه طبع کتان حلبه گو کهر هر یک دانه
انیسون تخم شبت هر یک نیم دانه شیر و سبب خالو
پنج دانه درسی و دو وزن ادویه آب انداخته
جوش دهد تا نصف بماند بعد از آن روغن کنجد

روغن زیتون هر یک نیم دام روغن کتان یک دام
اندازد و جوش دهد چون آب بسوزد روغن اجماع
نموده پیه بطایفه مرغ مصطک را ل هر یک شش شش
فرغیون باشد موم شش باشد انداخته ضماد نمایند
ضماد و مقل مرغ دام میوه ساندک و دام سبکینج سه دام
اشق سه دام کبریت چار دام ریوند پوش در بند
صندل سرخ هر یک دو دام چوب چینی زرد چوب
هر یک چهار دام بالوند سداب هر یک سه دام کملی
در سنه مزخجوش بوی مادران هر یک دو نیم گرم
اکلیل الملک حماما سنبل خشک هر یک دو دام
حب الغار ابل بادیان ناخواه تخم کرفس تخم شبت
برنگ کابلی هر یک سه دام تخم پنچاشت دو دام
زرد و تخم بقدر حاجت -

ضماد و منفع کصفته تخم کتان حلیه کنجینج سوسن
میوه ساندک سرگدن کبوتر لشکل میش زبرالنج هر یک جزو
با قدری موم و روغن بسزند و ضماد نمایند
ضماد و عصا ریوند زوفا هر یک شش شش
موم توله پیه حلوان پیه مرغابی هر یک توله روغن کدو
روغن بادام هر یک شش شش باشد کشفه سه دام
صبر چار باشد سلاس شش شش -

ضماد و افیدن زعفران جوز بواختخاش سیاه سیاه
لباسه هر یک توله از آب کشیده تر با دانه دهند و بسازند
و جب بندند وقت حاجت ضماد نمایند -

ضماد و جی مفصل که ورم را دور کند صفت
سورخان مصری عاقر قرحا هر یک پنج گرم قوتینج

تخم تره یک زفت هر یک سه دام قسط و دودرم
اجزاء را کوفته بخته بکلاب و آب خالص و روغن زیتون
سرخشته ضماد نمایند -

ضماد و جت در دشانه و باز و صفت مقل نیم پا و
ریوند و نیم دام صندل سرخ چار دام باشیه و عسل
بسرخشند و ضماد نمایند -

ضماد و مقوی بچ کنیر سفید توله مصطک جوتری جوز بوا
هر یک شش شش باشد عاقر قرحا توله موزنج خشک انیسون
کرفس زعفران هر یک شش شش دام چونک سرخ خشک
ده عدد زفت توله روغن مالکتنی دو دام پیشه
توله عطر کرده چار باشد چیز باس یاس را کاه نمایند
بعده روغن داخل نموده زفت و چونک را سخی کنند
و عطر شامل نمایند -

ضماد و بار با تجربه آمده براس سستی باه بنیطیر
صفته لونگ و جزو گلوگی سفید و جزو بالون و جزو
زعفران یک جزو عرق ادرك و جزو چند انکه باید
خوب و عرق مذکور سائیده وقت طلایم و عرق
ادرك سوده ضماد بر قضیب سازد و ریگ تبول
بالای آن بسته سه روز احتیاط نمایند -

ضماد و براس سرعت انزال صفت عاقر قرحا
بهفت عدد و بکار و چوبی ورق کدو در شیریش
به مقدار چار انگشت بالا باشد بخیسانند تا سه روز
بعد آن بکسر انداخته بسایند قسط تلخ سورخان
و پنچیل بهمن سفید و سرخ قسط سحر هر یک توله
کوفته بخته داخل کرده مومیا سه دام روغن زیتون

اضافه نموده بدستبازند تا چون مرهم شود بعد از
ضماد بر عضو سواسی حشفه نمایند -

ضماد برای ورم بلغمی صفت با بونه اکلیل الملک
غلب الغلب آرد و قلا آرد و قس گل بنفشه پریاوشان
گل خطمی باب غلب الغلب هر یک دو توله بجز نشاند
تا مهر شود پس روغن گسرخ و روغن بابونه هر یک
بج توله داخل کرده ضماد نمایند -

ضماد برای ورم صلب صفت با بونه اکلیل الملک
منترخسته تر مندی مغز حب الجذوع پریاوشان تخم خرفه
تخم کتان برگ حقنه حلیه هر یک توله سوده باشد که
پخته زهره گادسه باشد زرده تخم مرغ عدد روغن گل
دو توله ضماد نمایند -

ضماد و نافع از درد گوش که از گرمی باشد صفت
صندلین شیاف امیا حاض کی تنگ کنیزک
بزرالینج باب برگ کامو آب پوست خشتاش لعل آرد
ضماد و نافع از شقیقه صفت افیون پوست آفتاح
شبت بزرالینج هر یک دو جز کا فور نیم جزو -

و دیگر مغز حب الغار برگ سداب هر یک جزو
خردل نیم جزو -

و دیگر خردل بشارب سوده ضماد نمایند -

و دیگر پوست بچ که غیر غرضل سوده بشارب ریحانی
سرشته ضماد نمایند -

ضماد و نافع از ورم بواسیر صفت اکلیل الملک خطمی
تخم کتان هر یک توله افیون زعفران هر یک چار سنج
از زرده بیضه مرغ عدد پیر مرغ شش باشد مقل هفت آرد

میوه ساندک شش باشد مغز ساق گاو شش باشد
کوبان شتر سه باشد همه را نیکو مخلوط کرده ضماد نمایند -
ضماد و نافع صلبون چار دوا در دوا در دوا در دوا در دوا
گوگرد زرد دوا در دوا سفیده تخم مرغ پنج عدد -

ضماد و نافع طحال صفت اشق اسپندالون تخم تر
بابونه هر یک چار توله در سرکه خمیر نمایند -

ضماد برای ورم خصیه صفت تخم خبازی برگ حب
در هم کوفته بخته بر ورم ضماد نمایند -

ضماد برای کفله شدن یا تورخ صفت افاقیا
برگ مور و غصص عود الصلیب مونک منترخسته
عصاره الحیة الیمیس کوفته بسفیدی تخم مرغ سرشته
بر پاره چو آب ندیده بر با فوخ بچسباندند -

ضماد و نافع از درد گوش که از گرمی باشد صفت
شش باشد برگ مور دوا در دوا هر یک توله گلاب
سرشته و روغن گسرخ پنج توله زرده تخم مرغ
داخل کرده یک عدد بر سر ضماد نمایند و اگر ضرر بود
باشد بیدار لکتری توله داخل کنند و هر یکی شش باشد
چند بیدار تر عود دهند می عود الصلیب صندل سفید
گلاب سوده روغن گل سنج داخل کرده در شیشه
پیش بینی گذارند و منقل حرکت دهند -

ضماد و نافع از وجع مفاصل صفت غلب الغلب توله
حلیه توله بزر کتان توله شبت توله آرد گندم توله
مزرخوش توله غثا لبندادی توله سوده بخان چار آرد
بوزیریان چار باشد اکلیل الملک توله گل بابونه توله
در سرکه حل کرده ضماد نمایند -

در تخم

ضماد و جهت خراش که لغای کجی نامند صفتت سرراشیده
بروغن کنجی چرب کنند و شک سوخته و پنجم سوخته را
برابر بپاشند -

ضماد و برای درم صلب صفتت انزروت سفیده
تخم مرغ کتیر اسوده مغز تخم قمر بند می هر یک توله
کوخته در شیر گاوی پخته به فیض مرغ عدد در روغن گل سرخ پنج توله
داخل کرده بروم ضما نمایند -

ضماد و برای گرمی کرده که در زو یا بیطس می باشد
صفتت آقا قیا صندل سفید هر یک شش ماشه
مغز بادام شیرین مغز تخم که و هندوانه تخم خنثا شش یک
دو توله پودش در بند س شش ماشه آب برگ آبانگ
و پنج توله روغن بنفشه روغن مغز تخم که و مسکه گاو هر یک
دو توله همه را یکجا کرده بر موضع هر دو کرده ضما نمایند -
ضماد و برای ریختن ممرگان و منج سقوط موم صفتت
استخوان سوخته سنبل الطیب سرگین موش صدف سوخته
فلفل هر یک جز و سر سر سر جز و قلعی سوخته منسوسل
جز و زعفران نیم جز و -

ضماد و دیگر برای خراش صفتت زردچوبه برگ خنثا
پلیله زرد و غصص هر دو رنگ آبله مقشر سر که هر یک جز و
روغن گل سرخ چار جز و -

ضماد و اف اقسام صدمات سوخته برگ گردگان و برگ
جناد و در شقیقه و صدمات را باز دارد -

ضماد و شور ایل برگ عناب که بعد از قلع بر چشم طلائه
منع رویدن کند صفتت زعفران کند هر یک شش ماشه
کا فور نیم دانه سائیده استعمال نمایند -

ضماد و برای وجع مفاصل صفتت سور سجان بوزیدان
قسط تلخ مغاث بغدادی زراوند سرخ عناب الثلث
ریون چینی زعفران کوخته روغن قسط داخل کرده ضما نمایند -
ضماد و فریون زیت کنه نیم من موم زرد بخت
دام فریون تازه ده دام روغن گرم کنند و موم
در روغن بگذارند و فریون اسوده در روغن بپاشند
و در مالون مالند تا هموار شود -

ضماد و دیگر عاقر قرحا زنجبیل مومینج هر یک اوقیه
نظرون خردل هر یک دو اوقیه فلفل دام فریون
چند پودستر چار اوقیه همه را نرم بکوبند و روغن چرب
ضماد نمایند -

ضماد و انجیره پنجم در سر که سخته مالیده صاف نمایند
سداب قطران تخم فابجوشک اکلیل الملک بالونه
هر یک شش ماشه کوخته نیمه در آن بپاشند و ضما کنند -
ضماد و اشق اسپند مالون تخم ترب بالونه هر یک
چار توله بسر که خمیر نمایند -

ضماد و نافع از خنازیر صفتت مقل ادرق اشق
راتنج سیکنج جاوشیر هر یک توله بسر که چار توله شپ
خیسانیده صبح در کهرل انداخته جد و از خطائی دوا
سوده آب کشینتر چار توله حفص کک توله
داخل کرده مالند تا چون مرهم شود بر موضع مذکور
بچسبانند و نگاه دارند تا خود بخود بیفتد -

ضماد و نافع از دانه های سرخ که بر بدن طایر میشوند
صفتت سفیداب کاشغری شسته مغز تخم که و
بریان تخم هندوانه بریان دم الاغین گلنا فارسی

برگ منار هر یک توله کوفته بخیته نگاهدارند و روغن گل
و سرکه هر یک پنج توله جوش دهند تا سرکه رفته روغن
بماند پس آن ادویه مذوقه را همراه این روغن
در کهرل اندازند تا چون مرهم شود بر دانه ها ضا د نمایند
ضماد نافع از قرا نطیس اطفال صفتته زرده تخم مرغ
باب غیب الثعلب و آب خرقه تازه آب نعوان
شیر دختران روغن بنفشه و بادام سیاه می سخته آب
گذاشته استعمال کنند.

ضماد نافع از فتق صفتته جوز السرواقا قیامقل از رزق
برگ مورد برگ سینه الخشب اشلب آرد با قلا در تن
اکلیل الملک هر یک توله کوفته بخیته آب برگ یار تنگ
و آب غیب الثعلب موده ضما نمایند.

و دیگر نافع از فتق صفتته راتنج بکینج خلطیت طیب
جاوشیه مقل از رزق اشق هر یک توله و آب طبعون
برگ مورد توله حل کرده جوز السرواقا پوست بکینج
هر یک توله رویند چینی سه ماشه ستوده داخل کرده
در کهرل انداخته تا چون مرهم شود پس بر برگ پیا
آب نمیده گذاشته بر موضع چپانند و بر ندارند
تا خود بر نیاید.

ضماد منفع و منفرج صفتته دندان دبا بون غیب الثعلب
پریاوشان اکلیل الملک گل خطمی برگ عباسی
برگ چهندر تخم مرو هر یک توله کوفته بشیر گاو بخت
زرده تخم مرغ و زهره گاو هر یک عدد روغن گل سرخ
بکینج توله داخل کرده ضما نمایند.

باب الطاء

طلا که برص و هوق سفید سیاه را بر و صفتته
کندش فوه شیطنج تخم ترب ماذر یون قطن زربق سفید
موزیرج سقمونیانغشاع هر یک جزو شقایق و دوجزو
بسرکه طلا نمایند.

طلا و دیگر که برص را رنگین کند و به بیست اسلی نماید
صفتته شیطنج نیل فوه شب یانی بنفشه همه را بکوبند
و بسرکه ترکند و به طنج فوه طلا کنند.

طلا نافع از تولول صفتته نوشادر کند هر یک
توله حب البان شورده کفت دریا و رقی سداب
هر یک نیم توله با شرباب فاروقی خوب بسایند تا قتیقه
غلیظ شود بقدر ماش حب بندند و نگاهدارند و وقت
حاجت بسرکه انگور سی سائیده بر تولول طلا نمایند.

طلا نافع از سرطان مجرب ست صفتته عدس
پوست انا سگیر و قند کنند هر چهار ادویه را باب سحق
نموده برگ در سرطان مثل طلقه طلا نمایند اگر
قابل لفضج باشد لفضج دهد و الا تحلیل کند.

طلا مقوی اعصاب صفتته ذکرستی غوک خشکی
با شرباب دوا آتش سحق نموده طلا نمایند.

و دیگر رویا کافور زهر هر یک جزو صبر خزان
یک نیم جزو سوده بر روغن زنگس یار و عن کفود
مخلوط کرده طلا نمایند.

طلا چون بر عانه و کمر طلا نمایند خون استخوانه
بند کند صفتته صندل سفید اقا قیامنج انجبار
عود هندوی عود الصلیب عصا لحة الیض فزنی
مازو بنجفت بلوط هر یک سه ماشه سوده بگللاب

همه اینها با یکی از اینها بوزن دوا نیک سوده بر قضیب
طلانا نمایند و مجامعت کنند فی الحال زن خلایق
و منسل شود -

طلا اگر قضیب را سخت کند صفت خولجان جوز
میده لکڑی هر یک مقدار برابر گرفته سوده بر وزن
سرف طلانا نمایند -

طلانا نفع از بهق صفت شیخ هندی سه ماشه
تخم لوار توله پایچی دو توله ترس شامی یک ماشه
گل شقائق پنج گز گیر و هر یک سه ماشه کوفته بخت
بسرکه و سفیده تخم مرغ سرشته طلانا نمایند -

طلانا چون بالاسه نات بگذارند بر آردگی نات را
نفع کند صفت صبر درم شیاث امیشا اقا قیام بسد
هر یک دو درم زعفران نیم درم سوده باب مطبوخ
برگ مورد سرشته طلانا نمایند -

طلانا جهت اورام دمووی و صفرادی صفت
صندل سنخ گل ایمنی شیاث امیشا حنظل یکی
پوش در بند می طین فتمولیا طین شاموش سوده

باب کاسنی تازه و آب کشیده تازه آب عنب ثعلب
آب برگ خنا آب برگ کاهو آب کوکنا سوده طلا
نمایند و اگر درم در پستان باشد آرد با طلا

آرد نشوق و اگر درم در خصیتین باشد آرد با طلا
آرد نشوق بیضه سنگ یشتر حجر الیود و داخل کنند
و اگر درم در مفاصل باشد سورجنان داخل کنند -

طلا آرد و آب زرنج برابر با قدر صبر مهر را
باب بچو شاند تا بقوام آید در مو طلا نمایند و نفعند -

و عرق صندل و آب ریحان سرشته طلانا نمایند -
طلا برای ترقیدن لبها نفع تمام دارد صفت
مغز تخم کدو بر بیان مغز تخم بهدانه بر بیان هر یک توله
سفید آب کاشغری شش ماشه دم الاغون اقا قیا
گلنار فارسی طویا که مانی منسول هر یک شش ماشه
کوفته در کهرل بالند با شیر بزادویه نیکو مخلوط کرده
بر لبها طلانا نمایند -

طلا اقا قیام و اصلیب بسا سه زراوند طویل
عود هندی عصارة الحیة التیس حب الاس صندل سفید
شیاث امیشا صندل هر یک توله کوفته بکلاب و

روغن مصطک و روغن گل هر یک دو توله سرشته بر
بر معده طلانا نمایند و در چینی و کندر و کر و یا هر یک
ماشه سوده بچوارش کونی پنج ماشه سرشته تناول نمایند

بعد آن در عرق بادیان و کلاب هر یک پنج توله
و گلند آفتابی دو توله حل کرده صافی بنوشند و اگر
روغن مصطک بهم نرسد در ادویه طلا مصطک داخل

کنند انشاء الله تعالی در معده دور شود -
طلا لای که چون آنرا بر قضیب طلانا نمایند و برن
مجامعت کنند آن زن ازان مرد بی صبر شود صفت

سکنج منقل الیود شب سوخته رازیانه سوخته ستانگ
خزیر سوخته هر یک شقال نیکو کوفته باب رازیانه
خمیر کرده بر قضیب طلانا نمایند و همچنین ست طلا

بمسلم زنجبیل -
طلا سفید آب رصاصی امیران ایشان عمر هندی
سوخته زهره دب خشک و برقی حمام ایشان خضر حرن

طلالانغ روکیدن موصفتہ اقلیمیا حاصل سفید
هریک جزوی شب یانی نیم جزو همه باب نیک بایند
بر موی کنده طلانایند -

طلال دیگر همین منفعت دارد صفتہ زرنج سوده باب
نیل طلانایند -

دیگر شیر و انجیر تخم مورچه کف دریا ترشی ترنج هر یک
جزوی همه را با ربیک سائیده بشراب حاضی بنهند
تا غلیظ شود پس موی کنده طلانایند و اگر پیش
از نبات موطلانایند الفع است -

باب العین

عرق صندل صفتہ صندل براده کرده چار توله
ابرقیم خام مقرض دو توله گل گاوزبان هفت توله
عود پنج توله فرنج مشک قرفه تخم بادرنجبویه پوست انار
همین سفید هر یک سه توله اجزا را کوفته در چهار
شیشه گلاب و یک شیشه بید مشک و یک شیشه
عرق گاوزبان یک شب بخیسانند عرق بکشند
در ظرفی که عرق می آید نیم توله عنبر برع توله مشک
پوئلی بسته بنید از نند و شربت یک فحجان تا دو فحجان
عرق چوب چینی صفتہ چوب چینی اعلی غسرتی
سه صد مثقال گل گاوزبان بادرنجبویه صندل سفید
از هر یک پنجاه مثقال گل سرخ صندل سرخ پوست
انار شقال مصری از هر یک بست مثقال دارچینی
سنبیل الطیب از هر یک سی مثقال سعد کوفی سونجان
سافج هندی حصیه الطلب خولجان خود قمار
از هر یک ده مثقال همین سرخ و سفید از هر یک پنج مثقال

شعل تازه ریجان تازه از هر یک دسته مویست
طلانغی دانه بیرون کرده سه صد مثقال عنبر شست
چوب چینی و صندلین را براده کرده سائر ادویه را
نیم کوفته دو شب با نر و در عرق بید مشک و عرق
گاوزبان و آب ثلث بخیسانند و در آخر در دوم
موی را اضافی کرده صبحش همه را در یک تازه قلعی
کرده نموده عنبر را در پارچه گتانی بسته در دمان نیم
بسته عرق کشند صبح و شام بعد از استحاضه طعم
از معده دو فحجان با شیر گاو بنوشند -

عرق زردک مخرج صفتہ زردک پوست جدا کرده
استخوان برآورده ده انار همین سرخ و سفید
صندل سفید گاوزبان خولجان شقال مصری
قافله صغار و کبار هر یک پنج توله لغناغ تازه دو توله
با عرق صندلین و عرق بید مشک و عنبر در پارچه
بسته در دمان نیم گذاشته دو شیشه عرق کشند
این پنج توله تاده توله استعمال نمایند -

عرق گاوزبان گاوزبان یک انار شرب
بطوریکه چهار انگشت آب بالا ماند بخیسانند
صبح دو شیشه متوسط بکشند و همین قسم عرق بادرنجبویه
و عرق صندل و عرق عنب الطلب و عرق بادیان
و ناخواه و نیلوفر و لغناغ و فوئنج بکشند و بعضی
در کشیدن بعضی عرقها اختلاف نوشته اند -

عرق دارچینی مخرج صفتہ دارچینی قسم اول هفت توله
همین تودرین زرب زربا دسان العصار
برگ فرنج مشک خولجان هر یک توله گل گاوزبان

ساقچ هندی قاقلین داشته قره الطیب جوز لوا
بسیار به نبل الطیب نبل هندی هر یک دو توله کادیا
در پنج عطر به قرفل جو د هندی پوست ترنج ناخته
بوزیدان هر یک توله با گلاب و عرق صندل و عرق
عنبر الطیب و عرق بادرنجبویه بدستور مقرر عرق کشند
و اگر پوست درخت مغیلان پنج آثار دقت سیه بکین
و مویزین شسته پانزده آثار بدستور مقرر در خم انداخته
بگذارند چون خم تیار شود وقت عرق کشیدن دوید
نذکره بان بار کرده عرق کشند بغیر فاحش بپایند
عطوس نافع از فالج و سکه و لقوه و منق و دماغ
و نافع از درد مایه بار د در سر و برای چنین قنگی
بول صفت کنندش چه سیه فریون فلفل جنبه تیر
زراوند حب بلبلان مشک عاقر قرقا ب و رقی برابر
وزن سحی نموده در بینی بدمند -

باب الغین

عطره الوجه قرفل توله دارچینی نیم توله جوز گندم قوه
هر یک دو توله شلب مصری خولجان هر یک توله
جوز الطیب نیم توله زعفران سه ماشه زعفران سیه سیه
هر یک توله مویز سرخ پا و سیر گل گز بل نیم پا و شهد پا و
قند پا و سیر گلاب بقدر حاجت -

عطره دیگر مخرج صفت آرد جو آرد و نخود آرد و با قلا
آرد عدس مقطر سفید تخم مرغ سرشته شب بر رو
بالند صبح آن گل خطمی سفید گل نهفته عنبر الطیب
سیوس گندم شب که در عرق شاهتره و عرق عنبر الطیب
ترکیده باشند روی بشویند -

عطره با قلا سی مقطر کر ستر مس تخم ترب مغز بادام
نخود و نشاسته پوست خربزه گل خطمی سیوس گندم
کوفته بخت بگذارند در سه را از ان بشویند -

عطره مخرج صفت گل ترنج برگ ترنج تازه گرفته
آرد جو آرد میان آنها بخوبی که برگ زیر آرد باشد
و گلاب بالاس آن تا هفت روز برگ و گل تازه
سیکنداشته باشند پس عطره سازند -

دیگر پوست نارنگی در سایه خشک کرده جزو آرد جو
سه جزو -

عطره مرزنجوش صفت عاقر قرقا خردل پوست پنجه
هر یک برابر با سی و دو برابر آب جوش داده صاف
نموده بکار دارند -

دیگر ایاچ فیکر ایاچ اصل -

دیگر قرفل فلفلین جوز لوا جو کوب نموده عطره سازند
عطره نافع از فالج و لقوه و صرع و منق سر از فلفل
قلیله مرغیه صفت ایاچ فیکر خردل مویز عاقر قرقا
زنجبیل فوینج صفت اصل السوس پوست پنجه کینه
هر یک دو درم باشند جمع کند و عطره نمایند -

عطره نافع از فالج و سکه و ثقل زبان صفت
مویز خردل زنجبیل عاقر قرقا فلفل پوره ارغنه
ایر سافرنجوش هر یک برابر کوفته بخت سکنجبین
اضافه نموده عرق بادیان مخلوط کرده عطره نمایند
عطره نافع از قلع و جوشش دهن صفت
شیره تخم خیارین هر یک درم شیره بادام شیرین
هفت عدد شیره خرفه دام لعاب بید از هفت دانه

آب بشکری قدری شیر عنب الثعلب قدری -
 غرغره شیر و کشنیر تر شیر و خیارین هر یک شش باشد
 شیر عنب الثعلب آب صندل سرخ هر یک سه باشد -
 غرغره نافع از خناق چون لقمه یا بد و مده خارج شود
 صفت گلاب کشنیر خشک جو شانه صافی نموده غرغره
 خیار شنبه در آن حل کرده صاف نموده بگرغره نماید
 غرغره فلوکس خیار شنبه در شیر جوش داده صاف
 کرده غرغره نماید -
 غرغره پوست خشکانش گلاب فارسی عدس شر
 یا مسلم سافج هندی کنز ارج عذبه کشنیر خشک
 عنب الثعلب محض یکی برگ خیار هر یک توله بز البرنج
 سه باشد جو شانه صافی نموده غرغره نماید -
 غرغره آب توت یا شربت توت در شیر کشنیر خشک
 حل کرده غرغره نماید و گاهی غرغره آب گرم
 تنافانده دارد -
 غرغره نافع از قرحه خلق صفت محض کک
 دم الاخون کثیر از زردت سفید صمغ عربی
 جو شانه صاف نموده غرغره نماید -
 غالب گرم غرغره در دم مشک درم بر وزن بان
 مخلوط کرده غالب سازند -
 غالب دیگر که موسی سیاه کن صفت آمله نقی لیلی
 آب برگ مور و تازه نیم رطل طبع آب خالص همه
 با آتش ملائم بپزند تا که نصف آب بماند پس فرو داده
 برگ نیل باشد هر یک شانزده درم باز و سبزه درم
 زنجیره درم صمغ عربی هشت درم کوفته بخت

بد و میخته با آتش ملائم بپزند تا فطیم شود و
 بپوینی بر هم زنند و فرو داده قدری سبک
 و مشک سوخته داخل کرده در ظرف آگینه بگذارند
 و وقت حاجت مثقال بر روی ببالند -

باب الف

فقیله نافع از قرحه گوش صفت فقیله از گانه خطا
 نیلی ساخته بعسل و زردت نیم فرغ آلوده کرده دم الاخون
 انزروت سفید سوخته بران پاشیده در گوش بگذارند
 و بهمون جانب بخوابند -
 فقیله جبت حرقه بول و قطع چرک و جبت نو سیر
 صفت صبر زرد قلعی شسته گلاب موسی سوخته
 کرده سوخته کنیز افیون هر یک جزو طویلی مشوی
 سفید اب کاشغری شسته گل ارمنی هر یک و جزو
 باریک سائیده از حریر بگذرانیده آب کتیرا
 برشته فقیله با باریک سائیده در سوراخ
 قضیب بدارند -
 فرجه که در قطع خون حیض نظیر ندارد صفت
 شب یمانی نبر البرنج افیون فرجه سازند -
 فرجه مخترع جناب حضرت مخدومس ثلثه السامی
 جت ادرا حیض و اسقاط حمل صفت رعفران
 شش باشد جالفل شش باشد مرصاف افیون
 ایلوه هر یک سه باشد بدماجرب -
 فرجه جت کشودن خون حیض و اخراج جنین
 زنده نهایت مفید صفت عصاره کشار اسکار
 هفت قراط زهره گاو یا کبوتر تیره فرجه سازند -

فلونیا رومی صفت فلفل است جزو افیون ده جزو
زعفران پنج جزو عاقر قرقا جزو زرد الیج است جزو
شدد و نیم وزن ادویه -

فلونیا فارسی صفت فلفل سفید زرد الیج هر یک نیم
افیون دو نیم درم زعفران یک درم پادبالا الطیب
نیم درم مرکب عاقر قرقا فیون هر یک نیم درم خندبیر
زرد باد و ریح عقریله هر یک سه درم مرادینا سفته
مشک خالص هر یک چار و نیم سنج کا فوریک نیم سنج
عسل مصفیه وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند
فلونیا بابت حکیم سلیمان یا قوت رمانی لعل بخت
هر یک پنج درم مرادینا سفته هفت درم حجر لیشب
حجر لاجورد مقبول کمر بالبد صلا لیه کرد و عقیق یمینی
عبرائش ب مشک خالص زعفران سنبل رومی
سنبل مندی اشنه ثعلب شامی کباب جینی و ج شکر
زرد باد و سافج هندی زرد اندر حرج زردب شامی
جطیاناعود و بلسان اسارون در و ریح عقریله
باد و ریحویه تخم باد و ریحویه گاو زبان گل گاو زبان
گل سنبل بلسان کوفه سلیمه ناخنخاه تخم کرفس تخم زنجبیل
سلطوخودوس اقیقون مصری طباشیر سفید
گل نیلوفر تخم شاهتره تخم باد و ریح هر یک سه ماشه
ورق طلا چهار ماشه ورق نقره چهار خطاسی
انفجیحی اجمل زنجبیل سورنجان مصری ریوند سپینه
غار یقون مقل ازرق خندبیر مغرب السمنه
مغرب الزم مغرب تخم کدو مغربندق مغرب شنبلیله
مغرب تخم خیامین مغرب دکان مغربنا جیل تخم کاسنی

قرنچه جبت اخراج چنین زنده و مرده و شیمه و غیر
ولادت و علت رجاء و قاتل چنین صفت جادو شیر
خریق سیاه هر برابر وزن بازهره گاو بسترشند -

قرنچه جبت کشودن حین محرب است صفت سدا
سجود مرصاف اسهل رازیانه تخم مرد هر یک جزو
بازهره گاو بسترشند -

دیگر که همین خاصیت دارد صفت مرصاف پودینا
بازهره گاو بسترشند -

قرنچه جبت حل محرب است صفت باید که بعد از این
سه شبانه روز متصل از هر یک بخورگوش و سرگین آن و
عسل هر یک مثقال قرنچه سازند -

قرنچه جبت ادرار حین محرب است صفت فیون
راشیم سائیده به پیله آلوده کرده استعمال نمایند -

قرنچه جبت حل صفت زهره مرغابی یک درم
عطر اشب یک نیم دام زعفران نیم دانگ کوفه پیله
در دهن مورد و جوشانیده نصف شب بردارند بعد از آن
مجااست کنند نافع باد بفضله آتاه -

قرنچه جبت سقوط طفل مرده زنده صفت
خریق سیاه موزنج زرد اندر حرج بخور مریم حب مازنی
تخم خطل اشق اول اشق در آب گرم حل کرده ادویه
کوفه پیله زهره گاو و یک نیم دانگ در اشق محلول
افزوده حل کنند و قرنچه سازند -

قرنچه کوفه زنده در ده درم اشق محلول در آب گرم
سه دام قرنچه سازند -

تخم خشک شش بر یک پیچ ماشه فلفل دارچینی فاقسله
به نیکین صد لیلین هر یک ده ماشه تودیرین شش ماشه
مغز بادام مغز جعفره هر یک هشت ماشه مصطکی
هفت ماشه افیون ماشه لیکن گازرونی با شت
بهترست گلاب یک من روغن بنفشه ماشه عمل سفید
بقدر حاجت نبات سفید نیم من بدین تودیرین قرص سازند

باب القاف

قرص تجویدین مصطفی هفت دایم طباشیر سفید چار دایم
ورق گلشن هفت دایم مغز تخم خیار مغز تخم کدو خرفه
کتیر از روین صمغ عربی رب السوس عود خام قافایه ناکا
هر یک سه دایم زعفران و دو دایم شکر طبرزد هفت دایم
کانوریک نیم دایم بلعاب اسفند قرص سازند شربت
از یک درم تا مثقال با سه توله شربت بنفشه

قرص مسکن عطش و نافع از بهر بیان و سرسام و تهام
و صداع صفت تخم خیار تخم کدو هر دو و مقشر تخم خشک کتیر
و دایم رب السوس نشاسته کتیر افیون هر یک سه و ثلث
و دایم بلعاب اسفند بست قرص بندند شرتی از یک
قرص تا دو قرص و اگر بهر بیان شدید باشد بآب کرفه
یا آب خشک قرص بندند و گرنه بآب خیار
یا آب کدو

قرص برای طحال و بواسیر ریحی و درد و نفخ معده
محبوب است صفت حرق را در سرکه تند یک شب
بخسایند و در نان جوین گذاشته در آتش تنور
که ملایم باشد بپزند و بر آورده بگویند و از پارچه
گذرانیده دو توله گرفته و تخم پنج کشت یک توله

قرص فایک توله پوست پیچ کبر توله اسفند و قند و یون
توله زیره محمل هشت ماشه تخم کدو هشت ماشه قرص بنفشه
شرقی دو ماشه بایک توله سکنجبین ساده

قرص زرشک برای امراض کبد و یرقان و غیسره
صفحه آب زرشک پنج درم عصاره قافله طباشیر
لک مغسول هر یک دو درم بپزند گازرونی هر یک دو نیم درم
تخم کاسنی کثوث هر یک سه درم تخم خرفه زعفران هر یک
یک نیم درم باب کاسنی اقراص سازند

قرص کوکب مصلح معده و شعیف که فضول را قبول
کنند و مزیل گردد و تخم شش و چون بر جبهه طملا کنند مصلح
ناکل کنند و نافع از نوازل و از درد دندان و درد گوش
و نفث الدم و سیلان آن از بهر عضو که باشد و از نفه
کینه و از حیات دایره باب مرزنجوش و از سم لوزج

و مشرد و بآب سداب صفت م جذبید شربل
سلیقه کل مختوم پوست بروج هر یک چار درم افیون
زعفران قطا برق سفید هر یک پنج درم خشک شش
شش درم دو قوانیسون سیالیوس بزرالنج
سید سالد تخم کرفس هر یک هشت درم صمغ را
در شراب ریحانی شب تر کنند و او دیر کوفته بخت
بدان سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص الورد و تپهای بلغمی که نماند تا نالی کنند و ده
معده رافع نخمش و رطوبات معده را جلا کند
صفت ورق گلشن بست درم سنبلیطیب
اصل السوس هر یک ده درم او دیر کوفته بخت
بثلث اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص دیگر نافع از درد معده و رگ‌ها و از حرارت و
التهاب و رطوبت آن و انقلاب معده و تقویت هضم
نیک و صفت ورق گاسنج تازه شش مثقال
اصل السوس چار مثقال بنبل هندی دو مثقال بختیم
برشته اقراص سازند -

قرص درد دیگر که دبداله و دست نافع از سردگی
و طحال و از ته اسهال بختیم و سوداوی صفت ورق
گاسنج ده درم رب السوس پنج درم بنبل سیخه
ققاح از خرخره زعفران و صطک هر یک دو درم اوویه
کوفته بختیم پنج درم زعفران و سرکه برشته اقراص سازند
قرص درد نافع می غبی صفت ورق گاسنج پنج درم
بنبل زعفران و صطک انیسون یک عیدان هر یک
ده درم عصاره افستین هر یک دو درم ققاح از خر
پرست بلبله زرد و هر یک درم -

قرص کافور مطفی لیست سکن التهاب و بهوشگی
و کرب نافع است برای سل و دوق و قی و اسهال صفت
طبایشیر سفید چار درم ورق گاسنج هفت درم تخم
تخم که و کثیر اصمغ عربی تخم خیار بن نارون رب السوس
عود خام قاقه کبار هر یک سه درم زعفران و دو درم
شکر طبرزد و ترنجبین هر یک هفت درم کافور یک نیم درم
کوفته بختیم بلعاب بمغول اقراص سازند -

دیگر نافع است از قذرت و از تشنگی و از حمیات حاده
و از اسهال معده و جگر صفت طبایشیر چار درم ورق
سه درم شکر طبرزد و ترنجبین و تخم خیار هر یک سه درم
زعفران کافور هر یک درم بلعاب بمغول اقراص سازند -

دیگر از حمیات حاده نافع و منفع سده جگر صفت
بنفشه نیلوفر هر یک سه درم تخم باد رنگ تخم خیار
طبایشیر زعفران هر یک دو درم ورق گاسنج پنج درم
ریوند چینی و لک هر یک درم کثیر اصمغ عربی رب السوس
هر یک دو درم کافور نیم مثقال و در بعضی نسخ
کافور مثقال پنجین شکر هر یک ده درم بستور
اقراص سازند -

دیگر تالیف فقیر صفت مغر تخم که و مغر تخم خیار بن
تخم خرده منقش تخم کاهو منقش هر یک دو درم کثیر
اصمغ عربی رب السوس گل داغستانی زرد هر سه
هر یک درم ورق گل سرخ چار درم طبایشیر سفید
کافور قیصری زعفران هر یک نیم مثقال -

دیگر تالیف شیخ رئیس صفت تخم کاهو
تخم خرده هر یک دو درم مغر تخم که و مغر باد رنگ
هر یک دو درم و ثلث صندل سفید سه درم
سرطان سوخته زعفران رب السوس کافور هر یک
درم ورق گاسنج چار درم -

قرص طبایشیر نافع است از ته اسهال صفراوی و
از تب مخصوص که بالیت طبع باشد صفت
ورق گل سرخ هشت درم اصمغ عربی تخم حاض
نشاسته بریان هر یک چار درم طبایشیر سه درم
زعفران دو درم کوفته بختیم باب انار ترش
اقراص سازند بختیم ربیاس و شربت لیمون
استعمال نمایند و اگر قهقهه و قبض کثیر باشد گل گز
عصاره زرشک هر یک دو درم شاه بلوط بریان

سه درم افزه و کشتند -

قرص زرشک تالیف شیخ رئیس صفت
رب زرشک پنج درم عصاره غافث طباشیر هر یک
دو درم لک محسول زعفران گذر بنیل عصاره آستین
ریون چینی گازیان هر یک دو نیم درم تخم کاسه
تخم کشوث هر یک سه درم تخم خرفه یک نیم درم سوده باب
کاسه اقراص سازند -

قرص آستین نافع از حیات متقا و مفتح قوس
و در دوشی صفت آستین رومی انیسون اسار
تخم کرفس مغز بادام تلخ برابر باب سرد اقراص سازند -
دیگر که نافع است معده و جگر و طحال و تب غبی صفت
اسارون آستین رومی تخم کرفس مغز بادام تلخ مصطک
بنیل هر یک مثقال انیسون دو مثقال صندل ساج
یک نیم مثقال عصاره غافث مثقال سوده بدستور
اقراص سازند -

قرص غافث نافع است از تبهای گرم و کمند و از
شکلی و از سده و اورام طحال و جگر و از یرقان صفت
عصاره غافث شش استار ورق گلشن بنیل طبیب
قرص کبیر صفت پوست کیم چهار استار شق چهار
استار زرد وند طویل دو استار تخم فنجک شت فلفل
هر یک چهار استار شق و سه که شارب حل کرده ادویه
منحوله بدان سرشته اقراص سازند -

قرص کاکنج نافع از درد کلیه و مثانه و بول الدم
دمه و نافع از جرب مثانه صفت خیره سی و شش
مثقال افیون هفت مثقال نبرالنج سفید تخم کرفس

تخم حماض هر یک نه مثقال تخم شوکران تخم کبریزه
هر یک بیشتره مثقال تخم رازیانه چلغوزه بریان زعفران
مغز بادام تلخ هر یک نه مثقال تخم کاکنج جلی هفتاد
و پنج حبه بعقبه غیب اقراص سازند -

دیگر نافع از قرصه کلیه و مثانه و از تقطیع بول صفت
تخم کرفس نبرالنج شندل پنج هر یک شش درم تخم رازیانه
دو درم زعفران تخم حماض بری چلغوزه صندل افیون
مغز بادام تلخ هر یک سه درم تخم کاکنج کنار است و پنج حبه
باد رنگ دو ازده درم -

قرص ریون نافع از امراض کبد و سختی جگر و اورام
آن و از درد طحال و از ضربه که بر بدن رسد صفت
ریون هشت درم قوه عیدان لک منقی هر یک چار درم
تخم کرفس غافث انیسون هر یک سه درم بدستور
اقراص سازند -

قرص آلوترش نافع از حرارت و اسهال و
درد جگر صفت طباشیر زرشک عود تخم حماض مصطک
اسارون مشک هر یک مثقال صمغ عربی سه مثقال
گلشن پنج مثقال بکلاب اقراص سازند -

قرص اندروماض نافع از سرفه دم صفت
نبرالنج افیون بسد هر یک چار درم لبان هشت درم
کوکب الارض نشاسته گل ارمنی هر یک سه درم
تخم خشخاش دو درم گلنار نیم درم بدستور اقراص
سازند -

قرص نافع از قرصه امعاء و قذف دم که از هر مکان
باشد صفت فلفل و رد افیون اقا قی صمغ عربی

هر یک اوقیه مارونیم اوقیه فیل برنج یک و نیم اوقیه
باب مزخوش اقراص سازند -

قرص که از حیات ملتهبه و اورام جگر و تپاک از صفرا
بماند و خون و بلغم مرکب باشد نافع است صفت
ورق گل سرخ شش درم بنبل الطیب زعفران هر یک
دو درم رب السوس مع تخم خیار ترنجبین هر یک درم
کثیرا صغری هر یک درم باب به شیرین بدستور
اقراص سازند -

قرص نافع از زرق خون و از سرفه و تب و در سینه
صفت صغری گل سرخ هر یک چار درم نشاسته
کثیرا هر یک دو درم خشتاس سفید و سیاه هر یک
سه درم طباشیر درم رب السوس دو درم زعفران
دو دانگ بدستور اقراص سازند -

قرص گلزار نافع از زرق و غلظه و نافع از زحیر و
واختلاف مده و خون صفت گلزار قافیاسان
بلوط بریان آرد و کنار و طبع حب الاس هر یک شش درم
مازده که بر بیان کرده در سرکه سرکه و کرده باشند
زیره کرمانی هر یک چار درم باب بار تنگ یا
بگلایب اقراص سازند -

قرص که از بول الدم و عسر آن و از قروح کلیه
و نشانه نافع است صفت تخم کرفس نیرالبنج شش درم
هر یک شش درم بادیان دو درم زعفران چهل غره
تخم حامض انیسون مغز بادام تلخ هر یک درم تخم کاج
بست و پنچ عدد در مغز تخم خیار دوازده درم بدستور
اقراص سازند -

قرص بلین کرب را زائل کند و سقرا منع کند و
ضیق النفس را نافع است صفت تربد پنچ و نیم بسته
ده داعم رب السوس دو نیم داعم باب اقراص سازند
شربت از سه درم تا چهار درم باده درم شکر استعالی
قرص نیرور که از قروح امعاء و منصف شدید زحیر و
استحاضه و اختلال طبع و کسی که غذا و راه مفهم نشود
نافع است صفت حب الاس دو درم بادیان انیسون
ناخواه نیرالبنج تخم کرفس دو قوافیون هر یک شش درم
بدستور اقراص سازند و به شش ماه استعمال نمایند -

قرص الحشره الادویه که نافع است از ربع کنب
دور و جگر و از تریل صفت انیسون چار درم اسارون پنچ درم
افستین تخم کرفس بنبل مغز بادام تلخ مصطکی
درم صبر دو درم عصاره غافث چار درم باب
افستین بدستور اقراص سازند و یک درم
باب نیم گرم بنوشند -

قرص که از تپاک کنبه و از گرجه و از سقرا و لذیت
طبع نافع است صفت ورق گل سرخ شش درم
مغز قنار مصطکی دار چینی عصاره غافث هر یک درم
زعفران دو درم صبر درم باب شیرین بدستور
اقراص سازند -

قرص گلزار صفت گلزار کرده سماق بلوط پوست
کنار حب الاس هر یک شش داعم ماز و محمل
مفلوکون مفلوهریک چار درم بگلایب قرص سازند
قرص خرب صفت طباشیر ورق گل سرخ تخم حامض
صغری مفلوهریک پنچ درم گلزار سه نیم درم

حب الاس چار درم خرنوب بنطی سه درم نبات هون
ادویه بکلاب قرص سازند.

قرص بند صفته بسوده دام کند راقا قیا گلنار
هر یک چار درم صمغ عربی کثیرا هر یک سه درم
گل تخم چار درم ریوند درم باب قرص بند خوراک
مشقال بارب به.

قرص کمر با صفته کمر با نشاسته کثیرا صمغ عربی
منفر تخم کدو منفر تخم خیار هر یک سه درم گلنار یک نیم
درم اقا قیا یک نیم درم باب لسان الحمل اقراص سازند
باب سماق بخورند.

قرص کافور از شیخ نو علی برای سل و دوق صفته
تخم کاسنی تخم خرفه هر یک ده توله منفر تخم کدو منفر تخم خیار
هر یک دو نیم توله صندل سفید ده ماشه سه طمان سوخته
ده ماشه زعفران ده ماشه رب السوس ده ماشه
کافور نه ماشه باب قرص سازند.

قرص کافور از کامل الصناعاته صفته منفر تخم کدو
تخم خیار تخم خرنوبه بهمانه هر یک پنج درم گاسنی
سه درم صمغ عربی صندل سفید نشاسته هر یک دو درم
رب السوس طباشیر هر یک سه درم رازیانه کافور
نیم دام یا نیم مشقال سائیده بلعاب نیکو قرص سازند
قرص دیگر از سدید می صفته طباشیر چار درم
تخم خیار تخم خرفه تخم کدو شیرین منفر کثیرا صمغ عربی
رب السوس عود بنی قافله هر یک سه درم زعفران دو درم
شکر طبرزد و ترنجبین هر یک سه درم کافور مشقال
بلعاب بنفول اقراص سازند.

قرص نافع به کسی که تب از دودور شده باشد
لیکن حدت باقی مانده و سقوط شهوت شده باشد
صفته گل سرخ ده درم سماق دو درم قافله درم
هر یک قرص بوزن دو درم بندند و بخورند یک نیم
معه راباک کند و گرسنگی آرد و تشنگی را زایل کند
قرص زرشک نافع در ابتداء استسقا صفته
زرشک پنج درم بونید غافث انیسون بنفول مصطکی
هر یک سه درم سوده اقراص سازند.

قرص زرشک کبیر گل سرخ چهار درم رب السوس
دو درم تخم خرفه منفر تخم خیار بن سنبلیله طباشیر
سفید هر یک درم زرشک منفر دو درم عصایه غافث
لک محلول ریوند هر یک نیم درم کوفته بخیته بکلاب
ترنجبین اقراص سازند.

قرص زرشک صغیر صفته زرشک منفر یا زنده
تخم کاسنی منفر تخم خیار تخم خرفه هر یک سه درم گل سرخ
پنج درم ریوند چینی سنبلیله الطیب هر یک درم
سوده بلعاب بهمانه اقراص سازند.

قرص نافع از یرقان صفته زرشک طباشیر
هر یک سه درم تخم کاسنی چار درم منفر تخم خیار بن
تخم کاهو تخم خرفه هر یک دو درم صندل سفید درم
کافور دو دانگ سوده اقراص سازند.

قرص طباشیر نافع از سحج صفته ورق گل سرخ
بهشت درم صمغ عربی بریان ده درم تخم خاض بریان
ده درم نشاسته بریان بهشت درم طباشیر گل آتش
هر یک ده درم سوده اقراص سازند شربت دو درم.

قرص عود عربی قاقله صنار و کبار دارچینی فاضل
شک زعفران هر یک درم در قند و دو مثقال
قرص سازند.

قرص حکیم علی که جبت تب سرد از بلغم تن یا
یا غشیه بعد فرایا بودا باشد تجربه بر سیده طهفته
گل سرخ سه توله گل غافث عصاره غافث اینستین
مصططه تخم گاسنه هر یک دو توله سنبل اسارون انور
انیسون زرشک منقح ریوند طباشیر سفید هر یک توله
کوفته بخته باب قرص سازند بقدر یک مثقال شربت
یک قرص.

قرص مخترع طباشیر کافوری پنج جز و سلطان
جز و مخترع کد و مخترع تخم هندوانه هر یک جز و پنج
عصاره کحیکه القیس هر یک جز و سوده باب پوست
خشتخاش اقراص سازند و پنج حب الاس شیر انجبار
چهار ماشه شربت دیا قوزاد و توله بارتنگ تخم ریچان
ابرق بارتنگ ده توله بخته همه را مخلوط کرده بنوشند.
سلول و مدقوق را نفع کلی بخشد.

قرص دیگر از جاوی گل سرخ شش دام صندل
طباشیر هر یک چهار دام مخترع کد و مخترع تخم خیار تخم
اصل السوس هر یک هشت درم شاست سه درم زعفران
دو دام کافور نیم دام بلعاب انجول اقراص بنهند.
و دیگر از حکیم علی کافور جار مثقال زعفران سه مثقال
مخترع کد و دو مثقال مخترع خیارین دو مثقال
عسل چاکه مثقال شربت نیم مثقال
و دیگر نافع از تب طهفته مخترع خیارین مخترع کد

هر یک هفت مثقال کشنیزه گریه و ساق هر یک پنج مثقال
ورق گل سرخ طباشیر مخربده اقراص سازند.
قرص دیگر طباشیر صندل ورق گل سرخ مخ
تخم خیارین تخم کاسنه تخم کاهو تخم خرفه هر یک چار مثقال
کافور دام اقراص سازند.

قرص زرشک کافوری طهفته عصاره زرشک
هشت ماشه گل سرخ دو ماشه رب السوس ماشه عصاره غا
چهار ماشه مخترع خیارین چهار ماشه شاسته کثیرا
صنع عربی طباشیر هر یک دو ماشه زعفران یک ماشه
تخم خرفه طهفته سه ماشه لک مغسول هفت ماشه
ریوند چینی سنبل الطیب کافور قصوری هر یک ماشه
ترنجبین چل ماشه ترنجبین در آب حل کرده ادویه
بدان سرشته اقراص سازند.

قرص زرشک کافوری دیگر زرشک منقح
مخترع خربزه مخترع تخم خیارین مخترع کد و مخترع تخم
هر یک سه ماشه طباشیر سفید ورق گل سرخ هر یک
صندل سفید یک نیم ماشه ریوند چینی نیم ماشه
لک مغسول تخم کدوس هر یک دو ماشه کافور قصوری
نیم ماشه زعفران دو ماشه کوفته بخته باب تخم شمشیر
اقراص سازند شربت مثقال.

قرص موارید یک نیم درم ابریشم مقروض طباشیر
هر یک چهار درم ترنجبین مصفی سه درم مخترع خیار
هر یک دو مثقال مخترع کد و دو مثقال شاسته
صنع عربی خشتخاش سفید کثیرا هر یک مثقال
گل کافور بان بادرنجیب و ورق گل سرخ هر یک

یک نیم مثقال گرفته بخت بلعاب اسبغول اقراص سازند شربتی از نیم درم تا یک درم -

قرص نافع از افراط خون بواسیه صفت مر جان که با دوع سوخته گل ارمنی هر یک دو درم بلبله آله هر یک پنج درم تخم گندناسه درم مقل ده درم مقل در آب گندناحل کرده باقی ادویه بخوله بدان سرشته اقراص سازند شربت سه درم باب آهنگران -

قرص نافع از دیابیطس حب الاس تخم حاض مقل هر یک دو درم صمغ عربی نشاسته هر یک دو درم سوده بلعاب اسبغول اقراص سازند شربت دو درم -

قرص سرطان نافع از سل ودق و از قی الدم صفت گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ هر یک شش درم سرطان سوخته دهم کثیر طباشیر شادنج عدسی مخول هر یک پنج درم رب السوس سه درم سوده باب بازنگ سرشته اقراص سازند -

قرص ل نافع از دیابیطس صفت طباشیر سفید رب السوس صمغ عربی کثیرا هر یک نیم درم کافور انیون هر یک قراط سوده باب ترندی اقراص سازند و باب ترندی بخوراند این یک شربت است

قرص مختصر که همین فائده دارد صفت طباشیر سفید پنج درم تخم کاهو تخم خرفه هر یک هفت درم کشنیز تخم حاض درن گل سرخ گل ارمنی هر یک سه درم گل گلاب ساق هر یک دو درم کافور نیم درم سوده باب خرفه اقراص سازند شربت مثقال باب انار -

قرص دیگر برای فیابیطس که کله دهنه پوست نار شیرین اسباب

صمغ عربی برابر وزن کوفته بخت بهاء الاس اقراص سازند قرص حکیم علی که جبت تب که ماده آن بلغم باشد یا بلغم و سودا نافع است و اکثر تجربه در آمده صفت گل سرخ گل غافث عصارة امنستین رومی صمغ گل تخم کاسنی مکدر و لوله سنبل اسارون از خرانیسون زرشک منقی ریوند طباشیر سفید مکدر که کوفته بخت اقراص سازند هر قرص مثقال و شربت یک قرص -

قیروطی فرنیون قند هر یک دو دهم بپاشه دهم دار فلفل یک نیم دهم عاقر قرقاد و نیم دهم تخم جیر یک نیم دهم دهم یک و نیم دهم روغن زیتون یک نیم دهم ادویه طعم قیروطی سازند -

قطر نافع جمیع اقسام رمد صفت پیاز سفید شکم او خالی کرده تخم پیاز و افیون هر یک نیم دانگ در آن بنهند و آنچه از شکم او بر آید نیز بنهند زیر آتش گذارند تا که داخته شود و پیاز چه گرفته در چشم یک دو قطره بچکانند و باقی پیاز را بر چشم بپاشند -

قطر که همین منفعت دارد صفت انزروت سفید یک درم بهدانه بست دانه زعفران نیم دانگ گلاب هفت مثقال جو مقشه بست دانه حلبی پنج دانگ کشنیز بست دانه شکرنیم دانگ کثیرا دانگ باب صاف بپزند در شیشه بگذارند چون صاف شود در چشم صبح و شام بچکانند -

قیروطی روغن کتان روغن بون روغن بادام فرنگی هر یک با و سیر روغن بادام پنج دهم شیره عسلب انار شیره کشنیز تر انار شیره تخم خربزه یک دهم باد

شیره انبه اورک شیره آمله هر یک پاوسیرانیسون
بادیان اجمود هر یک دودام گل سرخ پاوسیر زرد چوب
نیم پاودار چینی کباب چینی هر یک دودام ادویه شکا
درسی و دوزن آب جوش دهند تا نصف بماند
بعد از آن شیره جات و روغن را با و همراه کرده بپزند
تا آب رفته روغن بماند بعد از آن رال هفت دانم رفته
هفت دام سیده پنج توله کند زعفران صندل سرخ
توله موم هفت دام انداخته چون مرهم سازند
قیر و طی جبت قوباصندل سرخ غنیم الشکات وند
خاکو کنار کتیرا هر یک شش ماشه آمله برگ درخت
خیار شنبه هر یک توله تیج کول سیاه سدر و کیمیا لکچ
هر یک سه و نیم ماشه بلبله بلبله آمله هر یک شش ماشه
زعفران چار ماشه کلیل المملک شش ماشه
گل نیلش ماشه گل خطمی توله گل سرخ توله موم ده توله
زیت سه پاودویه چار سیر آب بچوشانند تا نصف بماند
صاف کرده روغن اندازد و در آتش شش ماشه
شنگاه سه و نیم ماشه انداخته جوش دهند تا روغن
بماند موم روغن کند و کا فور هر یک اضاف نموده
و بکار ببرند

و دیگر سببت داد شب و نکار هر یک دام مدنگ
دودام گوگرد سیاه افشینا شکر ت هر یک دام
کیمیل دودام کتیه چار دام افیون چار دام زرافند و جرج
دودام قسط کندش هر یک دودام مویزج کزمازو
هر یک دودام زیت سی و دود توله ادویه را کلس نموده
در روغن و آب شصت و دود توله چار ماشه بپزند

تا آب رفته روغن بماند
قطر نافع از قره گوش غسل با آب و شراب
نیم گرم کرده در یکدیگر بپزند بار قطور نمایند
و دیگر آب پیاز با سفیده بقیه مرغ قطور نمایند
قطر بول الصبیان قره گوش را زده و شیج
پاک می کند

قطر سکن در گوش روغن گل سرخ جزو
سکه تند و کمنه سه جزو بچوشانند تا سکه رفته
روغن بماند نیم گرم مکرر قطور نمایند
و دیگر که همین فائده دارد صفت عصاره سرگین است
عصاره پیاز بر آب گرفته زعفران بقدر ربع وزن
یکی از آن دو نیکو حل کرده مکرر قطور نمایند
قطر نافع از گرمی کمنه و نوصه ششم خط درم
بوره ارمنی سه درم چند سید تر نیم دام زرافند و جرج
عصاره افستین هر یک پنج درم فنیون
قسط تلخ هر یک دانگ زهره کا و قنبر حاجت
ادویه را در زهره ندکور خمیر ساخته شیان سازند
بمقدار حدس یک شیان را در وقت حاجت
بر روغن بادام تلخ حل کرده بگوش چکاشند

باب الکاف

کحل لاوتاد معتمد الملوک علوی خان
رحمة الله علیه صفت چاکسو چار توله و یک
کتان بسته در دیگ که نصفش آب بر کرده
و سرگین چار در و داخل کرده باشند بسته معلق
چنانکه سرگین در آب باشد آب بچوشانند

چون چاکسوزم شود و مقشر نمایند پس بگیرند از زیر و نشسته
 بشیر خرمی کرده بر چوب که چسبانیده با آتش ملائم
 بریان نمایند تا سنج شود از هر یک ازین دو یک
 توله بگیرند و نه قرسی دو داشته اند محرق مغسول
 چهار توله بگلایه صلایه کرده شادنج عسلی مغسول
 ششش داشته امیران چینی ششش داشته طوطیا که را
 مغسول یک توله زردا بجره داشته اقلیمیا فیهی محرق
 مغسول اقلیمیا فیهی محرق مغسول هر یک ششش
 مار قشیا فیهی صمغ عربی هر یک ششش داشته مرارید تا
 ششش داشته بگلایه صلایه کرده یا قوت رمانی
 ششش داشته بگلایه صلایه کرده طلای محرق محلول
 زهره آموز زهره کبک خشک هر یک داشته شکاک
 سه داشته ادویه را سخی نموده در سرمه دان چینی گاهشته
 بمیل طلایی قبل از غذا چشتم کنند -
 نشسته و دیگر چاکسوز کیسه کتانی بسته در آب قدری
 سرگین چهار داخل کرده بچوشانند و بر سر دیگر
 چوبی گذاشته کیسه را بیاورند و در دیگر چنانکه
 کیسه در میان آب باشد و آب را بچوشانند چون
 چاکسوزم شود کیسه را بر آورده مقشر نمایند پس
 بگیرند از مقشر یک توله و بگیرند از زروت سفید
 بشیر خرمی کرده بر چوب که چسبانند و با آتش ملائم
 نمایند تا چون کباب سنج شود پس بگیرند از آن نیز
 یک توله رسوت مرارید تا سفته صلایه کرده اقلیمیا
 نقره محرق مغسول اقلیمیا فیهی محرق مغسول
 طوطیا که را بانی مغسول شادنج عسلی مغسول امیران چینی

هر یک سه داشته اند در پیله نر پیچیده در آتش محرق
 نموده بگلایه سر و کرده آب لیون صلایه کرده دلو
 مجموع را نیکو صلایه کرده در سرمه دان کرده صبح
 شام و دو میل در هر دو چشم بکشند -
 گهره سفید آب کاشغری شسته ششش داشته
 مردانگ سه داشته افیون زعفران هر یک چارینج
 سوده در طرف آهنی خاکسی نیم گرم در زیر آنظرف
 نهاده آب لیون انداخته بسته آهنی بمالند
 تاسیاه و غلیظ شود بر دو چشم طمان نمایند بخوی که
 اندرون چشم نرود و اگر آب لیون بهسم نرسد
 آب برگ تره بندی عوض آن کنند -
 گهره دیگر شیا فامیشا صبر هر یک داشته
 شیر کشنیز خشک دو داشته حفصض داشته زعفران
 سرخ کافور و برنج نشاسته یکا داشته بدستور گهره سارده
 کحل عجیب مجرب که بیاض و دمعه را نافع است
 و غشاوه جلای دهد و غلط اجفان را تحلیل میکند
 و بصارت را نیز میکند صفت طوطیا بندر
 دو نیم گرم اندام صفا فی چاردرم مار قشیا دو نیم
 درم سخاس سوخته دو درم و دو ثلث درم اقلیمیا
 اقلیمیا فیهی هر یک درم شادنج درم بسدر مرارید
 تا سفته قشور سخاس هر یک دو دانگ شیخ سوخته
 دو درم و دو ثلث درم ماء مقطوعه زجاج نیم درم
 باب باران بسایند چون نیک سائیده شود
 کافور سوده دانگ مشک قرطاسوده داخل کنند
 و حب بندند و در سایه خشک کنند وقت حاجت

باب احتمال غسانیت

کحل نافع جرب عجیب النفع براده سوزن و دودرم
زریق درم هر دو در سرخ نموده در انبوب بگذارند و
بجھیر و بن بگذارند و تمام انبوب بجھیر گیرند
و باز کحل حکمت که از موسی مخلوط باشد به چینه و بالاش
گل دیگر گذارند و خشک کنند و اقله سیاه سفید و خسول
در انبوب دیگر انداخته به ستورند کورتیار نمایند و دو
را چکانند در پارچه کتان بگذارند و از و یک درم گیرند
مروارید ناسفته نیم درم بگیرند پس چون بخار حق نماید
پس اول علیل را بعماره سوس سه روز به هم احتمال
نمایند بعد از آن یک روز باین دوا احتمال نمایند
و یک روز بعماره سوسن -

کحل نافع از بادسل پوست بینه یک ساعت بزدواج
بگذارند و بسره که در روز متوالی جوش دهند و صاف کنند
در قاروره با طرقت گذاشته در آفتاب بگذارند چون
خشک شود سوده احتمال نمایند -

کحل خند نافع از غسانه بهر دودرم و غسل مخلوط کرده بهر
آتش گذارند تا نیکو مخلوط شود از میل احتمال نمایند -

کحل که وقت خوف بر آمدن دانه در چشم استعمال کنند
محافظت نماید و نیز از مویخ محافظت کند صفت

کحل سانج هر یک درم صبر و درم نیکو سحر نموده در
چشم اندازند و از پارچه هر دو چشم بپزند و بخورند
و حرکت نکند -

کلاه مقوی دماغ صفت با دانه مقشر بریان نموده
دانه خشک بریان پنج دانه آرند و بخور بریان ده دانه

حدس بریان باشد زرباد نه باشد آله پنج دانه بجمیل
سعد منبل پوست نارنج خود بپزند و قرضل کنند
گل سرخ صطک زرباد و دینه اکلیل الملک هر یک نه باشد
حب لاس توله کباب کرس انیسون زعفران هر یک
نه باشد مشک غبر هر یک دانه کبیر توله کلاه ساخته
بر سر بزنند -

باب اللام

کحل صندل سفید شایف امینا حوض می گل انش
تخم کاهو برابر سوده بعرق بید مشک و عرق بید سواد
و کلاب و عرق کاسنی در شیشه انداخته پیش بینی
متصل حرکت دهند -

لعوقی که سر فکمن را نافع بود و سینه و شش را از
انلاط پاک کند صفت بقیه پنج مثقال غاب می دانه
سپستان خواجه دانه مویز شقه چهل دانه اصل السوس
ده دانه دانه فاخته پنج دانه خشکاش سفید و دشتال

رازیانه ایر ساکتیر هر یک سه درم صمغ اکود و درم
پرسیا دشتان هفت دانه انجیر سفید سی دانه بچون شاد

وصاف کرده بست مثقال فلوس خیاری شنبه
در آن حل کنند و با نیم سیر قند بقوام آرند و بنهند

تخم خربزه و خیابین و بادام مقشر و مغز سبزه دانه
و طیمو و گل خطی و تخم خیاری هر یک پنج دانه با قند سفید

ده درم کوفته بخته و دیگر با بر سحر نموده در آن برشند
لعوق انجیر هفت دانه مویز بست و یک دانه

بادام ده دانه گل سرخ توله بقیه شش باشد خطی
شش باشد چغوره شش باشد صمغ عربی سه باشد

درم بفساج اقیهون اسطوخودوس هر یک پنج درم
کوفته بخیته بعسل مصفیه بسندشتری این پنج درم تا هفت درم
محبیه محسک نافع از در رب وضعف معده آب تیرش
رطل شراب کهنه رطل بنیزند تا بقوام آید و سکه درم
سوده دران بنیدازند -

معاجین طعس نافع از فالج صفتش کندش فلفل
عاقه قره جازنجبیل پوره نوشادر نظرون صبر مشک
دارچینی عرزش خوش خربق سفید چند بیدستر بر برون
سوده سحوط نمایند -

معجون صرع نافع از جمیع اقسام صرع صفتش عاقه قره
سیالیوس اسطوخودوس غارلقون هر یک ده درم
قره مانا حلیت زرافوند درج هر یک سه درم کوفته
بخیته بعسل مصفیه بسندشتری -

معجون نافع از صرع که از سبب مشاکت رحم معده
و دیگر اعضا باشد صفتش پوست بلبله زرد پوست
بلبله هر یک ده درم اقیهون اسطوخودوس حجر ارنی
بفساج هر یک پانزده درم ایاس فیفا ترید هر یک
بست درم غارلقون کما فیطوس هر یک پانزده درم
شحم خطل هشت درم نمک هند می چهار درم کوفته
بخیته بعسل مصفیه بقوام آرند -

معجون نافع از صرع بلغمی بسبب سبوسی زرافوند درج
هر یک شش درم حب الغار پنج فاوانیا هر یک ده درم
چند بیدستر چهار درم اقراص سفید پنج درم بعسل
معجون سازند شترتی و درم با سکنجبین -

معجون نافع از لقوه و برای تبدیل مزاج سرد

کتیه او باشد نشاسته سه ماشه مهدانه شش باشد
خشتخاش شش ماشه غناب چار دانه عسل هفت دام
نشسته و دیگر طایفه کثیر این سون صمغ عربی هر یک
توله تخم کتان بریان نموده خرمای غارک منقی هر یک
هفت توله عسل مساوی وزن ادویه باروغن خمیه
نموده لعوق سازند -

لعوق ربو وضیق النفس بر نافع ست حله تخم کتان
هر یک ده دام مغز بادام شیرین و تلخ چاقوزده رب لیس
هر یک پنج دام کتیه اصمغ عربی نشاسته بادیان هر یک
سد دام برودغن گا و چرب کرده باشد قوام آرد -

باب المغم

مغسل زکریا نافع از سفیدی چشم صفتش انزروت
ده درم کف دریا پنج درم پوره دو درم بنجیل درم
شکر طبرزد چهار درم کوفته بخیته و عسل هموزن ادویه
سرخشته بکند ازند وقت حاجت بچکانند -

مغسل نافع از حفره چشم و سفیدی رعیق صفتش
زنگار چهار درم اشق دو درم طوطیا اقلیمیا طلا شخته
هر یک درم مشک نیم درم بعسل هموزن بسندشتری -

مغسل نافع از صلابت و زیادت لحم و خشونت اجفان
و از زیادت گوشت در گوشه چشم صفتش زاج سوخته
هشت دام اقلیمیا طلا سوخته شسته هشت درم
م چهار درم زعفران دو درم نوشادر درم و نیم بنیل
فلفل هر یک درم کوفته بخیته بعسل بسندشتری -

معجون نافع از انجولیا صفتش پوست بلبله کابلی
پوست بلبله آمانقی هر یک ده درم ترید سفید معجون

صفحه زنجبیل با قرق را شونیز قسط فلفل و ج هر یک
 ده درم سداب خشک حلیت جنطیا ناز را و زرد قسط
 بنده بیدستر خردل هر یک پنج درم کوفته بخیته بعسل
 و عسل بلا درده درم شربت مثقال -
 معجون نافع از زرد که اخراج اخلاط و مده می کند
 صفه رب السوس ز و فاشک هر یک ده درم
 مغز بادام تلخ بوریق که با حوت ز را و ز قسط فلفل قرم
 اصل السوس تخم انجبره هر یک پنج درم بر سیاوشان
 هفت درم سوده بعسل معجون سازند شربت سه درم
 با طنج ز و فاکبیر -
 معجون نافع از ضعف دل صفه صطک داچینی
 فلفل دراز نام فلنجشک یا و روج سافج هند
 هر یک پنج درم کشنیر سنبل الطیب هر یک سه درم
 که با م و اسید ناسفته طباشیر هر یک دو نیم درم
 با و پنجه و هفت درم مشک درم زعفران نیم درم
 کوفته بخیته بعسل که از بلبله مر با گرفته باشند معجون
 سازند شربت درم باب سیب بوزن و فاقیه -
 معجون نافع قلب در هر حال صفه سب که با
 هر واریه فلنجشک سب پوست ترنج آمله هر یک
 شش درم ابریشم خام با و پنجه و یه گا و زبان هر یک
 ده درم سندروس سه درم با و روج کشنیر خشک
 هر یک دو درم بهنین هر یک پنج درم صطک سه درم
 شک غنیر هر یک درم سوده بعسل اقوام آند شربت
 معجون اچوب چینی مخترع صفه اچوب چینی بست توله
 بهنین شقاقل مصری هر یک پنج توله بوز زبان خولجان

هر یک دو توله مخاشا بندادی و اچوبی هر یک ماشه
 زنجبیل توله جد و اخطائی شمش ماشه خصیه الغلب
 مصری پنج توله مغز بادام شیرین مغز انجکک مغز
 حب اسمنه مغز بلغموز مغز نارجیل هر یک پنج توله
 غنیر اشب یک دو ماشه ورق طلا شک بنی هر یک
 سه ماشه عسل نصف دو و صد چهار توله بدستور مقرر
 معجون سازند هر روز توله با عرق چوب چینی دو توله
 و عرق زردک دو توله بنوشند تا چهل روز زیاست
 یک روز بچوب تحمل طبیعت بکار برند -
 معجون اچوب چینی و یکم چوب چینی سوله خصیه اشب
 مصری بهنین خولجان شقاقل مصری هر یک
 شش مثقال مغز پسته مغز بلغموز مغز بادام شیرین
 مغز حب الخضر مغز نارجیل مغز حب الزم مغز انجکک
 مغز پنجه ده هر یک سه ماشه ابریشم مرقض دو ماشه
 غنیر اشب یک ماشه نبات سفید پنجه ده توله بوریق
 بید مشک و گلاب و عرق گا و زبان بقوام آرند -
 معجون مخترع صفه مغز تخم که و مغز تخم هندوانه
 هر یک سه توله مغز انجکک مغز بادام شیرین هر یک
 سه ماشه طباشیر توله تخم خشخاش دو توله صندل سفید
 توله بهنین گل گز پوست بیرون پسته مخاشا بندادی
 هندی ابریشم مرقض گل گا و زبان گیلانی هر یک
 توله ورق طلا و ورق نقره بوز الیچ هر یک سه ماشه
 زعفران غنیر هر یک دو ماشه نبات سفید پنجه ده توله
 شربت توله که شیرین بست پنج توله گلاب عرق مشک
 عرق صندل هر یک بست پنج توله بقوام آرند -

معجون عجیب الفحل در دقت و صلیح و همه اوج
بارد کننده را دفع کند صفت صبر اوقیه پوست خربلیه
اوقیه بصاره کرنه معجون سازند شربت نصف
مشقال تا یک مثقال -

معجون نافع از صرع که سبب صعو و بخار بر دماغ
می شود صفت بلبله کابلی آمله هر یک ده دانه بپاچ
انتهیون اسطوخودوس حجر ارشنه غار یقون کما فی طبع
ترید ایارج فیه هر یک پانزده دانه تخم خط شست دم
سافج هند می چار دانه میل معجون سازند -
معجون زوفا خشک پودینه پنج سوسن خسرول
قرمانا فلفل تخم انجیر انیسون برابر بشود و چند
معجون سازند -

معجون سرفه شیر کثانی کوچک پنج انار شیر
پانسی پنج انار زوناد و انار انجیر یک انار بلبله زرد
یک انار اگر شیرهای مذکور بهم نرسد و نیم انار از
خشک آن گرفته در ده سیر آب بچوشانند تا پنج سیر
بماند هم چنین زوفا و انجیر و بلبله را جدا جدا در آب
چوش داده صاف کرده آب آنها بستانند و همه را
یکجا کرده با تش ملائم بچوشانند تا نزدیک انعقاد رسد
بعده چار سیر نبات و یک سیر عسل اضافه نموده بهوام
آزند و این اجزاء داخل نمایند و از چینی قسط بپزند
میوه سالنه هفت توله هفت توله زوفا فلفل سیاه
زنجبیل هر سیاه شان قرمانا ایرسانا سناخاه هر یک
پنج توله تخم خیار بین ده توله عفسران دو توله
شربت از نیم درم تا یک درم -

معجون کاسه الریاح صفت زراوند طویل دو توله
زراوند مدحج سه توله درونج زراوند قاقله صغار
هر یک دو توله عود مصطکی زنجبیل هر یک توله بپاچ
سه توله گل گاوزبان بیست توله نمونه بیست توله
عنبر مثقال شربت انار شصت توله نبات دانه اکی
گل گاوزبان در ده رطل آب شب بچینانند و صبح
در کمال آهستگی بچوشانند تا یک ثلث بماند صاف نموده
جدا جدا بپزند و نمونه را بهم بدین دستور جدا در آب
خیشانیده و بچوشانیده بدست خوب مالیده صاف
نمایند و بهر دو آب را بهم آمیخته با شربت انار و نبات
بقوام ملائم آرند و ادویه را کوفته بخیته بدان
سرسشته معجون سازند -

معجون که بدن لاغر کند و ضعف بقوی راه نیاید
صفت آمله بلبله سیاه سدر و س تخم کرفس و چرنی
زیره گل سنخ تخم گندنا کشنیز عسل سه وزن ادویه
معجون بسودده مغسول کبریا شب یانی شادنج
مغسول دم الاخوین گل ارینی گل مختوم گلندار هر یک
دو ماشه عسل ده و نیم توله شربت از هفت ماشه
تاده ماشه باب لسان احل -

معجون سهل صفرا و بلغم و سوداوی صفت
حب السلاطین پاک از پوست و زبان در شیر
پخته و خشک کرده یک جز و حب النیل ترید سفید
مدیر بسا سه گل سنخ بادیان هر یک سه جز و عفسران
یک جز و قمر هندی ده جز و قند سفید پنج جز و شیرین
باب بکیر نه و قند داخل کرده قوام آرند حب السلاطین

بکلاب سائیده و داروهای دیگر کوفته بخیه داخل کرده معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم اگر احتیاج باشد آب گرم نبوشند.

معجون حکیم علی قلمی کشته سه توله ست سلاطین و دو توله ست گاو بهفت توله مغز تخم خیارین ده توله مغز تخم خرپره چارده توله کات هندسی پنج توله شسته خرپه پنج توله تالکخانه الایچی خورد هر یک بهفت توله خار شک سر والی پاکخانه بند آله گل نیلوفر پوست درخت انبرنج پختی گلومی برگ باشه خرماسی شلیمانی تخم تاج خروس هر یک دوازده توله ریونید بهفت توله سوای بهفت ادویه بالاسی دوامای دیگر راجو کوبیده و بهفت سید آب بچوشانند ثالثت بماند صاف کرده با یک سیر نبات باقی در غایت ملائمت بچوشانند تا بقدم آید و باقی ادویه را سوده داخل نمایند و شربت از دو مثقال تا چهار مثقال و اگر سوزاک شدید باشد در عقب زرشک سه توله و ریونید ده توله کلاب شرب تر نمایند و صبح صاف نموده یک توله شیر تخم خیارین و چار توله نبات اضافه نموده نبوشند.

لشکر و دیگر طبع چار ماشه سیاه و دو ماشه طباشیر کاشه ست گلو پنج ماشه قاقله صغار و ونیم ماشه قاقله کباب و ونیم ماشه مغز تخم پیچیده ماشه نبات برابر مجموع خوراک پنج ماشه.

معجون جبهه سرعت انزال صفت و نقل زربلیج به با سه خوراک و مغز تخم خیار تخم خنکاش مغز نارسیل مغز بادام هر یک پنج و ام عاقر قرقاش سنبیل هر یک دوام

افیون زعفران هر یک سه دام غسل سه وزن ادویه معجون لبوب صفت مغز نارسیل مغز چنبره مغز بادام مغز حب الزلم مغز پسته شقاقل مغز کنجد بهشتین شرب هر یک پنج درم قند مقدار مجموع آب ترنجبین معجون سبیل خوراک بهشت درم محرور را.

معجون صمغ مقوی المسک صفت صمغ سنبیل صمغ ستاوری موصلی سیاه تخم کوا پنج هر یک نیم پاؤ خار شک پاؤ سیر بازومی خار دار سه دام قرقاش دو دام دارچینی و ونیم دام الایچی خورد سه دام خربزه با سه هر یک دو دام حبیلی تخم او تنگن پنج سبب هر یک چار دام سمندر سوکمه سه دام اسکنه نیم پاؤ رنجبیل پاؤ سیر قسط شیرین ستا و هر یک سیم پاؤ مغز نارسیل یک انار مغز بادام نیم پاؤ توگز زرد دو دام سورنجان سه دام تخم گند چار دام اسارون دام اشته پنج سوسن هر یک دو دام صمغ و سه و غن سبیل نموده با سه وزن ادویه نبات معجون سازند کلاب عرق بید مشک لقه حاجت و عنبر و مشک نیز نافع است.

معجون ریگ ماهی یک نیم اوقیه حب الرشاد تخم گند رشت هر یک دام غسل دو وزن ادویه معجون جهت ادرا حیض صفت انیسون تخم کز رازیانه پودینه مشک طامشع هر یک ده دام دارچینی اسارون ابل هر یک بهفت دام غسل سه وزن ادویه و از دو درم تا چار درم لعرق بید مشک بخورند معجون نیکو این خالد البرکلی محقق در اوجاع مزه

بسیار نافع است صفت سورنجان سفید ده دم
شامکی پنج دم زنجبیل اسارون کمون کرمانی
دار فلفل هر یک دو درم بصل معجون سازند
شربت و دوشمال باب خالص -

معجون مرکبی نافع از خارش تر صفت پوست
بلبله کلان پوست بلبله آمله منقی با و بزرنگ
هر یک توله تربچه کلوک و دتوله شهد و وزن ادویه
معجون طلا نسخه و القرن قرنگی صفت ورق طلا
سی صد و دو فاذ بهر میسای کاتی نارجیل دریائی
جد و از خطائی مر و اید تا سفته عنبر مایه شتر اعرابی
هر یک نیم توله بسفنج گل سعد کوفی قاقله صغیر قسط
کنند دریائی بهمنین فلفل سیاه و از فلفل و ج سفید
عود قمار سی سافج هند سی سنبل الطیب پوست بلبله
اکند زعفران بادیان قر فلفل و ارچینی بوزیدان
کبابه زنجبیل شقاقل مغر جلفوز و خولجان ناخده
مخلص گل بابونه ابریشم مقرض خطیانا راوند
گرد اسارون انیسون عاقر قرحا ریوند خطائے
خصیته الثعلب هر یک توله مشک دو ماشه نبات
برابر ادویه غسل خالص نصف ادویه -

معجون طلا نسخه حکیم الملک صفت تخم شمشاد
فرنج مشک ابریشم مقرض گاو زبان گل گاو زبان
هر یک توله تخم کاسنی انسان العصاره بهمن سفید
هر یک دتوله خولجان توله تخم پیاز و دتوله زعفران
صمغ عربی هر یک نیم مثقال بلبلون دو توله اذیل
مصطک قر فلفل هر یک توله کشنیز نیم توله پریا و شان

نیم مثقال دارچینی توله اسارون نیم مثقال انیسون توله
آب سیب شیرین پنج توله آب انار شیرین نیم مثقال
اجزاء نیم کوفته در دو اتار شامجانی آب زردک
بخسایند یک شب و بچشانند و صاف نموده
عسل ده توله باسی توله قند بقوام آرند عنبر شنب
یک توله مشک خالص نیم توله ورق طلا و ورق نقره
هر یک توله بعد قوام داخل کردن عنبر و مشک
دورق طلا و ورق نقره در لنگری انداخته خوب
بکفت دست بالند تا خوب مزوج شود نافع باد -
معجون طلا نسخه حکیم علی گیلانی شربت سیب
یک نیم اتار ورق طلا توله عنبر توله مشک دو ماشه
زعفران سمانه شده خالص پا و سیر نبات سفید
سی دام کلاب سه اتار عطر کلاب شش سرخ -

معجون طلا که بخت شاه جهان پادشاه ساخته
بودند صفت نبات یک سیر پا و بالا عسل نه دام
دو شاپ یک دام عنبر سه توله ورق طلا سه توله
دو ماشه مشک نیم توله نبات را قرص عنبر ساخته
همه اجزاء را بدستور معجون سازند ورق طلا
انداخته در هم نمایند -

معجون طلا نسخه دیگر صفت زعفران مر و اید تا
مشک خالص عنبر شنب بهمن سفید یا قوت سرخ
مایه شتر اعرابی هر یک چار نیم دام شربت فواکه نیم پا
عرق گاو زبان عرق بید مشک کلاب هر یک
پا و سیر نبات عسل سفید هر یک شش دام ورق
طلا و ورق نقره هر یک چار نیم دام آب انار پا و سیر

آب سبب آب به هر یک چار دام خوراک یک شقال
 باد و توله نبات و پاد شیر و دواشته غلب سائیده
 معجون طلا نشسته دیگر صفت طلا یک توله غنیمت توله
 مشک یک ماشه زعفران سه ماشه شربت سبب
 سی دام نبات سفید پنخ دام عطر قدری -
 معجون اساک صفت جوز بویاسیه قریض و پانی
 نادر قرعاسیند اجو این خراسانی مالک لکنی افیون پوست
 ششخاش نخود بریان موصلی سیاه و سفید تخم کوب
 تخم اوئنگن تخم ترب کعبه سیاه کباب چینی خولنجان
 مصطک کافور هر یک دو دام مجموع اجزا را کوفته
 با عسل مصطفی بشنند شربت و دو درم وقت حاجت بخورند
 معجون که شیخ بوعلی که جهت رفع لیسان و حفظ
 ریسه وضع نموده صفت فلفل سفید کندر سعد کنی
 زعفران هر یک شقال فستق مویز سیاه هر یک پنخ شقال
 با عسل مقوم بیایند -
 معجون مسکاتاقیا گلنار هر یک سه دام صندل سفید
 و سنخ عدس مقشر قصب الزریره صمغ عربی تخم حاض
 طباشیر کندر هر یک دو دام تخم مورد و شقال
 کوفته بخت با نبات سفید و و چند ادویه بقوام آرد شربت
 نه ماشه در چند روز باعث اساک قوی گردد -
 معجون مسک صفت جوز الطیب سه دام زعفران
 دام افیون چار دام مشک و انگ قریض سه دام
 عسل یازده و نیم دام در ظرف آهنی عسل را گرم کرد
 معجون هندسی للباه پوست پنخ اوئنگ کساره

پنخ بند گوگرد متعین پنخ سدر یا بی سوچرس و اچینی
 تال کلکانا هر یک و نیم دام شکر سفید است و در نیم دام
 شیر گا و و نیم نار -
 معجون مبنی حکیم غل بنین تودیرین بوزیدان
 تخم لیلون هر یک توله پیاز تخم شلغم تخم انجبه هر یک
 نیم توله تال کلکانا تخم اوئنگن مغر کرم کوچ جدر و زرش
 هر یک سه توله مویز سیاه کافی ده توله صندل سفید
 بگلای سوده پنخ توله نشا شسته خرفه هفت توله عرق
 پوست پنخ سنبل ده سیر کبری ماء اللیم و سفند جوان
 ده سیر کبری آب محلی که مانند ماء القصر گرفته باشند -
 پنخ سیر کبری و ورق طلا محلول شقال و ورق لقره
 محلول و و شقال غنیمت شقال مشک شقال
 زعفران سه شقال نبات دو سیر کبری عسل یک
 اکب ی نبات و عسل را آب محلی و ماء اللیم و
 و عرق سنبل بآتش در کمال آهستگی بقوام آرد و
 اجزا کوفته بخت داخل نمایند شربت از شقال تاد و
 شقال بایک فنجان عرق پوست پنخ سنبل
 تناول نمایند و از ترشها پرهیزند -
 معجون تربد دافع مواد بلغمی کند صفت
 تربد سفید مجوف مضمع یک رطل زنجبیل یک اوقیه
 فلفل سه دام مصطک اوقیه تربد را بخراشد و
 بروغن بادام چرب کرده باز زنجبیل و فلفل مصطکی
 جمع کرده با سیاه بسایند و باد و رطل عسل خام غلیظ
 صاف خمیر کرده نگاهدارند شرتی و دو درم تا پنخ درم
 در آب گرم حل کرده و اگر اندک بجزر شاند جاست

نانش باد -

مجنون انارین صفتش گلشن ده دام طباشیر شده ام
کشتی پنج دام رب انار شیرین و ترش هر یک بکوزان
منصرح کافوری خنجر حکیم محمد باشم طلوی استاد
استادی ستم الملوک علوی خان مروارید نافه
دودانگ که بادانگ کافور قیصری دودانگ عرق
جبر لاجورد و حجر فطاس صندل سفید طباشیر پوست
بلبله کابل بلبله سیاه آله منقی گل گاوزبان گیلانی
غنچه گلشن اسطوخودوس هر یک داشته منقش کرد
سرخ خرفه منقش هر یک پنج باشد زرشک و دانه منقش
گل نیلوفر هر یک دو داشته کوفته پیخته انبه بت فوایدش
پنج باشد نبات سفید بقدر حاجت گلاب عرق بید
بقدر کفایت منصرح سازند شربتی شقال لیکن اگر
درین نسخه غلبه اشب دودانگ داخل میکنند بهتر میشود
منصرح برای قرصه اعصاب و خنجر شیرازی طلوی
در سج بنایت سفید شیرین و جو منقش شیرین و منقش لاس
شیرین و پنج انجیر شیرین و تخم خیارین شیرین و منقش کدو
شیرین و تخم شمشاد هر یک ده داشته لعاب ریشه فطری سفید
شیرین و بهلانه رب به شیرین رب ریاس به شیرین
هر یک پنج توله شربت فواکه شیرین و نبات بقدر حاجت
همه را یکجا کرده بقوام آرند مروارید نافه گل ارنی
که با شمع پنج انجیر عصاره لخته التیس نشاسته
هر یک دو داشته صمغ عربی کثیرا هر یک داشته سوده
در حالت قوام باندازند -

منصرح خنجر حکیم محمد باشم یاقوت ربانی دوا باشد

گل ارنی طباشیر سفید که با هر یک دو داشته ورق لقره
نیم داشته تخم خرفه منقش پنج داشته کافور قیصری نیم داشته
گل گاوزبان دو داشته شربت فواکه قند سفید بقدر حاجت
بدستور تیار نمایند -

منصرح یاقوتی صفتش یاقوت ربانی بهفت داشته
مروارید نافه سه داشته غلبه اشب نیم داشته گاوزبان
بادنجوب گل گاوزبان صندل سفید تخم کاسنی پوست
بلبله زرد لاجورد و صندل هر یک سه داشته زعفران مشک
خالص جبر و زطلانی طباشیر سفید هر یک نیم داشته
گل خنجر و جبر ارنی هر یک دو داشته فواید حیوانی دودانگ
اسطوخودوس آله منقش گلشن تخم خرفه منقش و رنج فواید
هر یک سه داشته تخم زرشک دارچینی هر یک دو داشته
ابریشم مقرض پنج داشته ورق طلا و ورق لقره هر یک
ده عدد و افیون مصری نیم داشته کوفته پیخته با عسل
و رب به شیرین سه وزن اوویه بدستور تیار نمایند -

منصرح یاقوتی حکیم عالم یاقوت ربانی مرغان سرخ
ابریشم مقرض هر یک داشته تخم بالنگود و داشته تخم منبری
و منقش شک هر یک دو داشته تخم بادنجوب نیم سه داشته
پوست ترنج یک نیم داشته قاقله قرظ سانج هندی
بهندین نار مشک هر یک داشته مصطکی نیم داشته
در پنج عقرب نیم داشته زعفران زرد بنعود هندی
هر یک داشته گل گاوزبان گلشن هر یک دو داشته
صندل کوفنی منقش هندی شده جوز بوا و دارچینی گل نیلوفر
هر یک داشته صندل سفید و سرخ طباشیر سفید هر یک
دو داشته کوفته پیخته با عسل و چند اوویه مجنون سازند

دو داشته

مفرح خنجر مرزا ابوالقاسم ننگ سه توله در ده توله
آب بچو شاند تا به نصف رسد صاف نموده بروغن
کونی آنقدر بچو شاند که روغن بماند بسباسه ننگ
دار چینی پوست اترنج خصیة الثعلب مصری فرنجشک
اشنه صطکله هر یک دو توله زعفران جوز بوا گل سرخ
فلفل هر یک توله مشک متبی نیم توله سوده بروغن
مذکور خرب نموده با عسل معصفه سه وزن ادویه تیار نماید
وزنستان نیم شقال و در گریز باغ شقال بخورند -
مفرح معدل دل را قوت دهد و رنگ نیلگون رو
طعام بکوارد و ذیبن را تیز کند و تشنگی نشاند صفته
مروارید ناسفته بسده هر یک ده دانه کمر با بچ دانه
صندلین هر یک هشت دانه گاوزبان ورق گل
هر یک هفت دانه فرنجشک شش دانه تخم کاسنه
بچ دانه درونج دو دانه سافج چار دانه قهیمون شش دانه
زرین باد طباشیر هر یک هشت دانه تخم فرنجشک
چار دانه تخم بادرنجبویه چار دانه زعفران دانه نمبر
کافور هر یک دانه مشک نیم شقال عود خام ده دانه
کشتیرنج دانه ششاش بنفشه گل ارشی هر یک چار دانه
شریت سیب سه وزن ادویه مفرح سازند -
دیگر از حادوی گل سرخ نیلوفر پنج دانه مروارید بسده
کمر با گاوزبان صندلین طباشیر چوب کیوژ کشتیرنج
هر یک یک نیم دانه جنین فرنجشک تخم شاهسفرم
تخم بادرنجبویه تخم خرده تخم کاسنه تخم خیارین
هر یک دانه کافور نیم شقال شریت سیب سه وزن
ادویه بدستور مفرح سازند -

مفرح یار و صفته گل سرخ طباشیر هر یک سه دانه کشتیرنج
درم بسده مروارید هر یک نیم دانه کمر با نیم دانه کافور
شش سرخ شریت سیب سه وزن ادویه بدستور
مفرح سازند -
مفرح یار و دیگر طباشیر گل سرخ هر یک درم کشتیرنج
نیم درم صندل دانه تخم خرده دو دانه تخم خیار چار دانه
تخم کدو دو دانه گاوزبان دانه زرشک سه دانه
مروارید ناسفته دانه کمر با بسده هر یک نه سرخ
شکر و وزن ادویه بگلابل حل کرده مفرح سازند -
مفرح مروارید معمول حکما صلیب راسی صفته
صندل ده توله مفر تخم خیارین سه توله گل سرخ دو توله
مروارید نیم توله کشتیرنج دو توله قاقله صغار بهمن خفیه
درونج هر یک دو توله نشاسته خرده هر یک سه توله
کافور ورق لقره هر یک نیم توله مشک سه دانه
عسل سه وزن ادویه نبات دو وزن ادویه
گلابل یک شیشه -
مفرح سیچی نسخه شفائی دل و جگر و دماغ را قوت دهد
و سینه بیفزاید و اشتهاى طعام آرد و مجرب است
صفته خرده گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ هر یک
پنج درم خولجان کبابیه قرنفل سنبل قاقله کبار و صفا
جوز بوا تخم فرنجشک صطکله پوست ترنج سان العصار
بسباسه هر یک سه درم اشنه چار درم مروارید ناسفته
سعد کونی سافج بهندی غنبر اشوب هر یک دو درم
زنجبیل دار فلفل هر یک درم خصیة الثعلب ده درم
زر محلول لقره محلول هر یک نیم درم عسل کمر با

هر یک درم جز اعظم شقال غسل مصفی و چند
بست و چون سازند -

مفرح جالینوس که قضیب را سخت کند و او عیبه
منی بکشد و دل و دماغ را و اعصاب را قوت دهد
و شہوت جماع زیاد کند و رنگ چهره صاف سازد
و خون صالح در بدن افزاید و منقطع و دوستی مرد
در دل زن پیدا کند صفت مرورید بسد اینسون
بهن سفید هر یک درم پنج کاکج پنج لبلاب صمغ عربی
کتیرا هر یک نیم دام اسارون نیم شقال کز بازج
شعراکونی سلیخه دارچینی مصطکی نقاح افخر هر یک
شقال اجزاء را کوفته با سه چندان غسل صاف بشند
و هنگام خواب زمانه پیش از جماعت مقار
یک شقال با قدری آب نیم گرم هر که بعد از جماع
چهار توله قند سیاه فی الفور بخورد همان لحظه قوت
بحال آید و نقصان باه نشود -

مفرح رشیدی صفت یا قوت سرخ و دماش
یا قوت زرد یا قوت کبود یا قوت سفید هر یک
چهار دماش لعل بخشی فیروزه هر یک سه دماش
زرد دماش عقیق یمنی چهار دماش لبد و دماش شیش
چهار دماش مرورید ناسفته چهار دماش کربالا جور و
هر یک دو دماش ابریشم مقرر سه دماش تخم خجک
پنج دماش قرفل سه دماش پوست بیرون پسته چهار دماش
آله متقی بلبله هر یک ده دماش بادرنجبویه گل بنیوفر
هر یک چهار دماش صندل سفید پنج درم صندل سحر
پنج درم ربون چینی عصا زرشک هر یک پنج درم

نود و هندی چار دماش بادرنجبویه گل بنیوفر سه دماش
طباشیر پنج دماش غنبر اشهب شک و رن طلا
قافله کبار هر یک چهار دماش سنبل الطیب سانج بهند
بهینین هر یک دماش آب سیب شیرین آب جمن
کلاب نیم رطل نبات سفید بقدر ضرورتی -

معجون قترع صفت یا قوت رمانی حجر رشید عقیق یمنی
طلا گداخته در بوت و لقره گداخته غار یقون شیش سفید
افیتون مصری فلفل سیاه زنجبیل قرفل مرزنجوش
هر یک شقال و دو خود و نیم گل ارمنی حجر لاجورد خول
نمک لفظی زیره کرمانی هر یک چهار دانگ و یک
نخود و نیم مشکطرا شمع فطر اسالیون حجر الیود و تخم گند
مرکی کند را اگر زعفران هر یک نیم شقال و نیم خود
و دندان فیل پنج دانگ و سه چند شیره و لبلب مرابا
بقدر ضرورت جواهر را در شراب صلایه کرده تیار نماید

معجون لبوب مقرر حکیم فضل الله میسی و مقوی
صفت دارچینی زنجبیل هر یک شش شقال
کباب چینی قرفل فلفل دراز هر یک شقال
مغز پسته مغز بادام شیرین مغز نارجیل مغز فندق
هر یک دو شقال ابریشم مقرر برشته انداخته
انفخه حمل تخم کرفس تخم شبت تخم پیاز تخم بلبلان
تخم گندنا تخم ترب تخم شلغم تخم جریزیدان جدوار
خطاے حب الصنوبر صغار و کبار خولجان توپین
قرفه بهینین فلفل مغز تخم خرپره حب اقلقل
حب اخضر اسان الصافی مرابا غرضل خنک
مرابا خول عاقر قرحا هر یک شقال قریص انجیر

افیتون

پنج دام

گرفته بخت لبعل صفتی سه وزن او و به معجون سازند -
 مفرح بار و خنجر صفتی یا قوت روانی لعل بدخشیانی
 هر یک سه ماشه مر واید ناسفته پنج ماشه که با شمع پنج
 هر یک سه ماشه بسنگ لاشی ورق لقره هر یک
 دو ماشه ورق طلا یک ماشه غبار شرب دو ماشه
 زعفران پنج ماشه بریشم مقرض سه ماشه گل نیلوفر
 گل گاوزبان تخم باد خجوبه پوست ترنج گل سدر
 هر یک سه ماشه آله منقی یک ماشه پوست بیرون پسته
 سه ماشه خشک دو ماشه طباشیر پنج ماشه تخم خرفه قشر
 تخم کاسنی هر یک پنج ماشه صندل سرخ نیم ماشه
 سماق دو ماشه زرشک ماشه هر یک ماشه عود هندوی
 دو ماشه سنبل الطیب سانج هندی قاقله کبار هر یک
 دو ماشه کافور قصوری یک نیم ماشه شربت فواکه پسته
 بقدر حاجت معجون سازند -

معجون مفرح نافع برای کسی که فرزند تولد شود زنده
 نماید که الله تعالی از استعمال این معجون زنده ماند محبت
 صفتی مر واید ناسفته لبش سفید عفت و پنج
 گل اریشی پنج انجمار مکد تولد مفر تخم هندوانه تخم خرفه
 عنبر و العالیب که شش ماشه ورق طلا ورق لقره
 که است عد و شراب غوره سی تولد نبات سفید
 نیم انار عسل با و سیر بدستور تیار نمایند شربت
 پنج ماشه با کلاب پنج تولد -

معجون حب الالاس گلنار فارسی گلشن اصل السن
 پریاوشان هر یک پنج دانه کشنیر خشک دانه گل نقشه
 زرد فاختک قره دانه تخم انجمار تخم کتان هر یک چهار دانه

پنج سوسن سه دانه ششخاش سفید پوست ششخاش هر یک
 ده دانه پوست ششخاش راشب در نیم سیر آب بنجیانند
 صبح صافی نموده در مطبوخ بنیدارند -
 معجون مفرح بادام مفر حلقوره مفر انجمار هر یک تولد
 مفر پسته تولد در می گلگون تولد در می زرد و بهمن سرخ
 و سفید شقاقل مصری ابریشم مقرض مفر تخم خربزه
 خا خشک هر یک تولد مفر حب اسمنه دو تولد که گفته
 بخت نبات سفید چیل و پنج تولد عرق گاوزبان کسیر
 شیر گاو قوام ناین شربت یک تولد -

معجون مقوی و بهی نافع از قرحه کهنه صفت
 تخم بلبلون شقاقل مصری تولد در می سرخ تولد در می زرد
 بهنچین هر یک پنج ماشه تخم که رشش ماشه تخم شبت
 تخم تره تیزک هر یک هفت ماشه تخم حبس چهار ماشه
 تخم خربزه دو تولد تخم خیارین دو تولد تخم سیاه تخم گندنا
 هر یک هفت ماشه سعد کونی سه ماشه خولجان جوزیا
 و اچینی فلفل بوزیدان پیاز عسل بریان هر یک
 هفت ماشه تخم انجمار نه ماشه که انگبین چهار دانه تولد
 عسل صفتی سی تولد بدستور معجون سازند شرب پنج ماشه
 معجون لبوب دیگر بابت حکیم فضل الله مقوی
 صفتی دارچینی بنجیل هر یک شش شقاقل کباب چینی
 قرنفل دارنفل هر یک شقاقل مفر پسته مفر بادام مفر نازیل
 مفر فندق هر یک و شقاقل ابریشم مقرض ماشه انجمار الفند
 حمل تخم کرفس تخم شبت تخم سیاه تخم بلبلون تخم گندنا
 تخم کشوث تخم فلفل تخم حبس بوزیدان حب و در خطانی
 مفر حب الصنوبر صغار و کبار تخم ترب خولجان

تو در بین همین قرفه فلفل حب افلفل مغز تخم خربزه
حب انحر السان العصا فیروز فصل سیاه خشک
مرا خردل عاقر قرحا هر یک شقال مایه شتر اعرابی
سه ماشه قرص افنی هر یک خربزه کوفته نیمه حبس
سه وزن ادویه معجون سازند -

معجون شیخ زینیس نافع از نسیان و محی فط
اعضا رقیبه صفت فلفل سفید کند رسد کوفته
زعفران هر یک شقال مغز پسته مویز سیاه هر یک
پنج ماشه حبس مقوم بقدر حاجت -

نسخه سلیمانی نافع از ضیق النفس و ضعف معده و
رطوبات معده و مفید بصر و قوی لون و مغز مله و
کلفت و شش و رافع خنده و فساد غذا و سخن کلیه و شفا
صفت نمک طعام دو انار و آب جوشانده و در
طرف سفالی کرده و در تنوره بنشیند تا آتش تنور سرد شود
نمک هندی نوشاد و کافی هر یک به قند و شقال اقیون
سنبل الطیب حلیت زیره کرمانی دارچینی هر یک
ده شقال کاشم بخمیل انیسون اصل السوس هر یک
چهارده شقال کوفته پنجه داخل ساخته و ریشته بنهند

شترتی برای صحت بصر یک ماشه ناشتا و برای جماع
شقال بازده تخم مرغ نیم پرشت هر چند کند شود و بهر
نسخه دیگر نمک هندی چهار رطل نمک سوچل نمک
لاهوری نوشاد هر یک شش اوقیه تخم کرفس
بست درم فلفل سیاه پانزده درم فلفل سفید و ازده درم
افزایان درم اقیون سنبل الطیب حلیت کونج
هر یک شش درم دارچینی کاشم حب القراطیم بخمیل

انیسون اصل السوس هر یک چار درم نمک هندی یا
خوب بریان کنند پس در ظرف سفالی نهاده و در تنور
گذارند تا آتش سرد شود و بعد ملح لاهوری انداخته
و همه ادویه جدا جدا بکوبند پس وزن کرده با نمک هندی
مخلوط نمایند و در ظرف چینی سبزه سفالی سبز گذاشته
در جو بگذارند -

نسخه دیگر خمر که انشا الله تعالی از جمیع نسخ ملح سلیمانی
نافع است صفت نمک هندی نمک فلفل نمک اندر
نمک لاهوری نمک کچلون نوشاد و کافی هر یک دو رطل
شب یمانی نیم رطل شب در سرکه انگوری بگذارند صبح
بآب باران و عرق دارچینی در تنور ظرف سفالی بگذارند
تا آب و عرق خشک شود پس فلفل سیاه و سفید و فلفل
و شیطی هندی کاشم بخمیل اصل السوس حب القراطیم
هر یک شش درم جاوشیه حلیت سنبل الطیب
زرد و نه رطل و در حج حب و از خطای هر یک شقال
تخم کرفس انیسون نوشاد و کافی هر یک چار شقال سوده
بدان مخلوط نمایند و او له آنت که همه ادویه و نمک
جوش داده آب آنها کوفته تخمیر نمایند -

موم بر و عنجوبت بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمة صفت مقل از سق سه ماشه انیسون و
عصاره لیمون انیس دو نیم ماشه کوفته آب برگ گند
خیسانیده بدسته بالند تا هموار شود تخم کرب کب پنجه
سرخ شده و ماشه گل خطی سفید گلدار فارسی هر یک
پنج ماشه کوفته پنجه بهر مرغان ده ماشه بهر موشش
پنج ماشه موم غیر مستعمل پنج ماشه بر و عنج کافور و موم

گداخته ادویه بدان مخرج کرده در مایون انداخته بسته
اسرب بالند تا هموار شود استعمال نمایند -

موم روغن موجب تلپین است صفت عصاره
تفاه الحار بنفشه شحم خنظل کوفته بنجیه موم زرد روغن
حب الخروع گداخته ادویه بدان مخرج کرده بالا ای
ناف و شکم بالند -

موم روغن محرب جبت دفع پیس دماغ صفت
لعاب نیکو لعاب بهمانه لعاب گل خطمی شیر سیرطان
آب سیب شیر جود روغن کدو روغن بنفشه روغن بادام
روغن دمنه تازه روغن پیله گرده بنفشه همه را بجوشانند
که آب و لعابها سوخته گردین مغز قلم گاو شیر و خمران
افزاده نموده در سکرل بالند تا یکسان شود -

مرهم کبلیه شقال سپاری سوخته تراوند مخرج پوست
کوکنار سوخته هر یک دام سیندر سه ماشه قلعی شقال
تنکاب بریان سه ماشه آب سفیدی تخم مرغ عدد لعاب خطمی
توله دو ماشه آب مکوی روغن کتان روغن زیت هر یک
دو توله موم نه ماشه مرهم سازند -

مرهم آب برگ خطمی بست دانه روغن کتان سه اوقیه
زیت سه اوقیه آب برگ خرفه دام گل سرخ دو اوقیه
بالش نرم بنزد تا روغن بوزن خود آید بعد مردها رنگ
دو نیم اوقیه سفیده قلعی دو اوقیه باب کشنیز سوخته سفیده
تخم مرغ دو نیم اوقیه موم دام سرکه قدری مرهم بنزد -

مرهم داخلیون لعاب حلبه لعاب کتان لعاب
خطمی سفید هر یک دو نیم دام مردها رنگ پنج دام زیتون
نیم سیر لعاب راجوش داده فرو در لعاب از آن روغن

و مردها سنگ را یک جا نموده بر آتش نرم بگذارند
و از نیز حرکت دهند بعد از آن لعاب را داخل کنند
و حرکت میداده باشند تا که منعقد شود -

مرهم جبت زخم صفت روغن بنفشه توله موم شش تا
مغز سان گاو دو ماشه لعاب بهمانه نه ماشه گل بنفشه
توله گل بنفشه را در شانزده توله آب بجوشانند تا نصف
رسد روغن کدو یک دام داخل کرده بجوشانند
تا روغن بماند با اجزاء دیگر مرهم سازند و بکار برند -
مرهم مختص فقیه جبت آبله آوخته صفت موم زرد
سه ماشه روغن گاو روغن افیون هر یک ده ماشه
سفیداب قلعی دم الاغون مردها سنگ بسره سوخته
برگ خنطوطیا کرمانی روغن چوب چینی رال هر یک
یک ماشه کوفته بنجیه بدان مخرج کنند با دسته
در مایون بالند تا مرهم شود -

مرهم گوگرد سه و نیم ماشه حقیق شور لیخته کف دریا
درم گچیلی مار سفید ماشه زفت سی و پنج ماشه
روغن چار ماشه -

مرهم آرد جو آر و گندم هر یک دام زرده تخم مرغ
سه عدد و موم یک نیم دام روغن کتان شش دام
یک نیم پاؤز تراوند با دام رال هر یک توله سیندر
نیم دام لعاب خطمی نیم پاؤ لعاب حلبه نیم پاؤ شیر
عنب الثعلب نیم پاؤ صندل سرخ شقال -

مرهم تخم شبت حلبه اکلیل الملک تخم کتان باؤ
اشق نقل سلاسن بازو مردها سنگ الالباب مغز
ساق شتر پیله پیله مرغ روغن سداب روغن شبت

هر یک تولد بدستور مرهم سازند -

مرهم کندر باشد انزروت باشد نشاسته کثیرا هر یک دو باشد مخمر تر باشد باشد پیه پیه ششش باشد پیه جوان ششش باشد موم باشد روغن کدو تولد زعفران دو باشد پوست سوسن چهلخوزه دو باشد بدستور -

مرهم سازند -

مرهم با سلیقون صفت موم چل پنج تولد زیت سی تولد مرغان زده تولد رالی پانزده تولد مسکه پانزده تولد زیت دو صد است و پنج تولد زیت را در روغن بانه با تش ملائم گردانند و موم انرا در داخل شود و روغن دیگر انداخته مرهم سازند -

مرهم برای شستن باده صفت ایلوه روغن هر یک دو باشد هلیله زرد و مروار سنگ هر یک سه باشد روغن کتان تولد موم هفت باشد -

و دیگر مرغان و پوست کندر زجاج هر یک برای هر موم تولد روغن گل پنج تولد مرهم سازند -

مرهم کنجه صفت کبک شش باشد مروار سنگ تولد آب عنب الشلب تولد سفید تخم مرغ عدد موم یک نیم دام روغن پنج دام مرهم سازند -

و دیگر حبت نل و جاد سه انزروت و مروار سنگ زرد و جاد کلان زرد و نل طویل کبک با تیر و طی مرهم سازند -

مرهم حبت ایاکوت شیر کوی پنج دام مندل زرد ساد زده تولد کبک شش باشد موم و مرغان هر یک تولد روغن کتان سه دام رالی تولد مروار سنگ تولد با تش ملائم چند آنکه بخت شود -

مرهم که در تابستان بکار دارند و در سنگ با سرکه بساید چند آنکه عمل شود روغن گل اندک اندک میداده باشند تا غلیظ شود پس بگیر و سفید رده اندک کافور داخل کنند و بسازند و بکار دارند و نگاه باشد که درین مرهم اندک صبر کنند و دم الاغین و انزروت باید بپزند -

مرهم که در شش و نظرون زفت با و شیر هر یک دو تولد روغن قسط شش تولد زفت را در روغن بر آتش حل نموده او و پیه انداخته مرهم سازد اگر روغن کم باشد یک دو تولد انماقه نمایند -

مرهمی که بخت ناسور نظیر زرد و صفت زبانه سنگ را در میان کاسه سفالین بسوزد آنقدر که خاکستر شود بعد از آن صلاویه کند و پنج عدد فلفل و بوزنج فلفل کدوی را بسوزاند کوفته بخته کاتر سفید بوزنج پاک آنرا نیز سخی نموده در روغن گاو گند و موم بقدر حاجت آب نموده بگذارند که حدت آن پاره نشیند اجزا را داخل نموده در نادون نرم نمایند و بکار برند که زخم های کهنه که سالهای دراز بر گوشت شده باشد با صالمح بی آرد و فلفل تقا -

مرهم مخمر بادیان قرنفل هر یک باشد پوست تخم شنبه دو باشد صندل با و مرغان هر یک و شام زعفران و تولد روغن گل سه تولد زرد و تخم مرغ یک عدد نبات نه باشد نبات لابلار و غنما حل کنند و مثل مرهم نرم سازند و مشک و عنبر و کافور قدری در آن داخل کنند و بکار برند -

هر هم که فور مرار سنگ سفیده قلعي بر یک دو دام سفیده
مرغ دو عدد و کا فور یک سرخ روغن چنبلی ده دام علی اکرم
مرهم سازند -

مرهم خمیره روغن گا و یک دیم دام پاک بالانجیر ترش
پنج دیم دام تخم مرده دام درج دام پنبول سه دام
ورج دام شیر و انجیر بفت دیم دام حلب یک دام ورج
تخم کتان یک دام ورج شیر کا و بست و بست دام
شیر و انجیر رابار روغن مخروج نموده نگاهدارند بعد از آن
اجزاء را در شیر که دو جوش یافته باشد داخل نمایند
بعد از آن همه را بر روغن مخروج کرده مثل مرهم سازند
مرهم دیگر تخم کتان شش ماشه پخال کبوتر خشکی توله
خمیر ترش شش ماشه این هر سه را مثل مرهم سازند
هر هم که نفع قوی دارد صفت تخم مرده تخم کتان کثیرا
حلبه گل خطی برگ چقدر روغن زرب الخروج هر یک توله
کوفته بخیته بروغن گل سرخ پنجاه توله زرده تخم مرغ یک
عدد سرشته زهره گا و سه ماشه سوده داخل کرده
بر هم زنند تا چون مرهم شود -

مرهم خنجر نراج سفید محرق زنگار شسته هر یک ماشه
سفیداب کاشغری شسته شبنم شسته طوطیا کرانی
مضول دم الاخوین قشار کنند مرار سنگ بسکه سوده
هر یک سده ماشه کوفته بخیته موم زرد غیر متعل دو توله
بر روغن گل سرخ پنج توله که اختار آتش فرد آورده
ادویه داخل کرده در کهرل انداخته بدسته بالند
تا چون مرهم شود -

مرهم سفیداب کاشغری شسته مغز تخم خیارین بریان

مغز تخم کدو بریان مغز تخم هندوانه دم الاخوین کثیرا
کلار فارسی برگ خنجر یک توله کوفته بخیته بروغن
گل سرخ پنج توله که هموزن دس سرکه داخل کرده
جوشانیده باشند و سرکه رفته روغن مانده باشد
داخل کرده بر هم زنند تا چون مرهم شود سپس بر
دانه بالند -

مرهم مغز تخم کدو سه توله مغز تخم هندوانه دو توله
سفیداب کاشغری توله مرار سنگ بسکه سوده شش
دم الاخوین طوطیا شسته تخم پنوار هر یک توله آب
برگ خیار توله در کهرل انداخته مرهم سازند -

مرهم دیگر مغز تخم هندوانه مغز تخم کدو بریان
کثیرا اندر دست سفید مغز تخم هندوانه بریان کوفته بخیته
بر روغن گل سرخ پنج توله و موم زرده توله در کهرل
انداخته بالند تا چون مرهم شود بر خشم بگذارند
مندمل سازند -

مرهم دیگر مغز تخم خرنبره بریان توله مرار سنگ
بسکه سوده شسته حنظل شیان امیثا هر یک
شش ماشه پوش در بندی با پی تخم پنوار هر یک
دو ماشه کوفته بخیته بروغن گل سرخ پنج توله و سرکه
دو توله سرشته در کهرل انداخته بالند تا چون مرهم
مطبوع فواکه بلین شکم در امراض حاده و نافع از
صداع و سکن تشنگی صفت تخم هندوانه بست دام
آلوسی عدد و غناب سی عدد و تخم کاسنی پنج دام
سپستان بست عدد و بنفشه خشک سه دام و خنجرین
بست دام در شب بر خمر طل آب بخیا کنند

صبح بخورشان تا بیک طل رسد سروده نباشند -
مطبوع ملین طبیعت صاحب نر را صفت
بنفشه دو درم اصل السوسن محکوک ده دام در یک
رطل آب بپزند تا بنصف رسد در آن بسبب درم
ترنجبین حل کرده صافی نموده نباشند -

مطبوع جهت اصحاب مراق بسیار نافع است
صفته اشنتین نهانه گل سرخ یک نیم توله تربیاری
هر یک درم سنبل الطیب مصطکه از خر اساق بلبلو هر یک
نیم درم در آب تر نمایند صبح جو شانه ده تا که نصف
باقی ماند سه فلوس ازین شکر سفید آمیخته نماز خورده باشد
مطبوع که سودارادور کند خصوص از دماغ و نافع
از مالخولیا و نیز نافع از ابتداء و جذام و قوبا و جرب
و بوق سیاه و کلف صفته بلبله سیاه ده درم برفنج
پنج درم سنبل هفت درم اسطوخودوس دو درم
تر بد سفید چار درم زیت ده عدد افیتمون ده درم
در سه رطل آب بپوشانند تا یک رطل ماند صاف
کرده و شب در آن مطبوع افیتمون بخیا کنند
صبح صافی کرده غار لیتون ثلث درم صبر درم
نمک هندی نیم درم خربق سیاه ربع درم حله ده
مطبوع بلبله زرد نافع از جمیع امراض صفراوی
مثل همدار و تب غبی و غیره صفته پوست بلبله زرد
بست دام در یک رطل آب بپزند تا ثلث رسد
پس صافی کرده با ترنجبین و شکر طبرزد و جلاب بنوشند
مضمضه که گوشه دین دندان بر ویاند و دخت
کند صفته مور و پودینه و شکر گل قند کنز ماز و عاقر قرحا

ماز و سنبل پوست انار ترش علی الرغم هر یک قدری
در هم کرده بسره و گلاب پنجه مضمضه کنند و بعد از آن
وزوری بدین صفت بیخ دندان بپاشند و رقت
خواب که خوب اثر کند تسخیر و زور عاقر قرحا و شکر
گل سرخ دو نیم مثقال جفت بلوط دو نیم مثقال گلنار
حب الاس هر یک دو نیم مثقال خر و بنبله سبب مثقال
پوست سماق سه مثقال مویرج دو مثقال -

مقله صفراوی صفته آلو بخارا ده عدد سیستان
بست عدد تر هندی ده درم گل بنفشه نیلوفر
رازیانه هر یک دو مثقال تخم کاسنی کوفته بخت
بیخ مثقال جو شانه ده صافی نموده ترنجبین شش توله
گل قند آفتابی چار توله در آن حل کرده صافی نموده
نباشند و اگر تر هندی ده درم و شربت بنفشه و
پوست بلبله زرد هر یک شش درم جو شانه ده
صافی نموده فلوس خیال شربت شش توله ترنجبین
شش توله گل قند چار توله حل کرده صافی نموده
روغن بادام شیرین شش ماشه اضافه نموده بمالند
و اگر خواهند بجای فلوس خیال شربت شش چار توله
داخل کنند اسهال صفراوی نماید و اگر سقمونیاست
نیم درم صردار دقوی شر کرده و در حیات بلبله را
موقوف کنند و بجای سقمونیار یونند خطا

سر و سازند -

مقله صفراوی که بد موی مزاج یابد و صفته
عنا بده دانه سیستان بست دانه آلو بخارا هفت
زرشک منقی چار توله شاه تره دو توله سرفه سیاه و

هر یک تولد جو شانیده صافی نموده گلقد چار تولد
باشکریخ حل کرده صافی نموده بنوشند و اگر سناکی
تولد فلوس خیار شنبه شش تولد روغن بادام شش
داخل کنند اسهال را خلاصه مگر نماید و اگر یک درم
ریوند خطائی سردار و سازند قوی تر گردد -
مقله بلغمی رازیانه تخم کاسنی از هر یک ده درم بوی
بست دانه انجیر و هفت دانه عرق بابونه و پیرایه
از هر یک ده درم انیسون شکافی از هر یک دو درم
جو شانیده صافی نموده گلقد غسل باشکریخ تولد
داخل کرده صافی نموده لعل آرند و اگر عارضه شش
وسیند باشد اصل السوس بنفشه هر یک دو درم
اضافه نمایند و در امراض دماغی اسطوخودوس و درم
بیشتر آید و اگر ده درم سناکی و شش درم بسفاج
و شش درم تربدورین مقله بقیض آید و گلقد غسلی
و فلوس خیار شنبه هر یک ده درم و روغن بادام یک
اضافه نمایند اسهال بلغمی کند و اگر تخم شقال حبثیل
سردار و سازند عمل بسعت تمام نماید و اگر روغن بخی
و و شقال اضافه نمایند قوی تر گردد -

مقله سوداوی گاو زبان شایسته افیمون بکتاب
بسته غلب اشعلب اصل السوس غنچه کاسریخ
قطر ریون دقیق بسفاج نفعی هر یک دو و شقال
بادرنجوبیه و و شقال غناب ده دانه پستان بست و
مویز سقوی ده دانه جو شانیده صافی نموده دویانه
لعل آرند و روز دیگر سناکی و و شقال افزوده نمایند
و اگر پوست بلبله زرد و پوست بلبله کبابی و بلبله

هر یک دو و شقال لاجورد و خسول نه دانه در سق
اضافه نمایند و سناکی یک تولد و سه دانه کنه و بالاش
فلوس خیار شنبه و پیرایه هر یک شش تولد و گلقد
چار تولد لعل کرده صاف نموده روغن بادام شیرین
شش باشد اضافه نموده لعل آرند اسهال نمودانند
و همچنین اگر حبث افیمون یک تولد استعمال نمایند
نیز اسهال سودا کند -

مقله که در فالج استعمال توان کرد و صفتش تخم کرفس
رازیانه تخم کشوث انیسون هر یک شقال حبثیل
اصل السوس پنج بادیان پنج کرفس پیرایه و شتان
بادرنجوبیه هر یک دو درم مویز سقوی ده دانه جو شانیده
صافی نموده گلقد غسلی چار تولد لعل کرده صافی نمود
لعل آرند تا دوسه روز این نسخه را استعمال کنند
و روز دیگر سناکی و و شقال اسطوخودوس و و شقال
اضافه نمایند و بعد از آن سناکی یک تولد سه دانه
و سقوی افزایند و فلوس خیار شنبه با گلقد مذکور حکم
و روغن بادام شیرین اضافه کرده لعل آرند
و یک روز راحت داده روز دیگر مقله مذکور با ضا
ساده اسطوخودوس لعل آرند و شب حبثیل یا
حب صبر وقت خواب استعمال فرمایند و صبح آن
مقله مذکور با اضافه خیار شنبه استعمال فرمایند -

مقله که در صرع بلغمی استعمال توان کرد و صفتش
خود السوس و پیرایه و سناکی و و شقال
انیسون اسطوخودوس اصل السوس پوست بخی
پوست بخی کاسریخ بادرنجوبیه هر یک دو درم مویز سقوی ده دانه

تواریخ

جوشانیده صافی نموده گلقدن عسلی چار توله حل کرده
صافی نموده بعمل آرند تا سه روز این مقلی بعمل آورده
روز چهارم سنایلی نه ماشه افزوده استعمال نمایند
روز پنجم فلوس خیارشیرشش توله روغن بادام شیرین
اضافه نموده بعمل آرند یک روز راحت داده روز دیگر
مقلی مذکور که باضافه سناسست بعمل آرند و شب روز
آینده حب بنقن یا حب صبر یا حب لوغافیا یا حب
قوایا بحسب حال بعرق بادیان فرو برند و صبح
آن مقلی مذکور که باضافه فلوس خیارشیرشش بعمل آید
و اگر داده سودا هم باشد در مقلی مذکور فیتون گاو زبان
به سفنج هر یک دو مثقال افزوده نمایند -

مقلی که در وجع مفاصل بلغمی استعمال توان کرد
صفحه سورسجان مصری سفید و ماشه غنیشلب
اصل السوس بادیان اذخر یکی فطور یون دقیق
هر یک دو درم جوشانیده صافی نموده گلقدن عسلی
چار توله حل کرده صافی نموده بعمل آرند و باقی بنبیر
در بنور که بالا گذشت بکنند -

مقلی که در استسقا توان کرد و صفحه غنیشلب
باد بنجیویه اذخر یکی غاریقون فطور یون و تسبیق
اصل السوس بادیان پرسیا و شان شکاعی باد آورده
هر یک دو مثقال مونیر منقی بست و اند گلقدن آفتابی
چار توله شیریت دینار چار توله حل کرده صاف نموده
بعمل آرند و اگر سنایلی موافق شیریت در آن افزایند
و فلوس خیارشیریدان یا کندن اسمال نمایند -
مقلی که برای ادرار طشت استعمال توان کرد و صفحه

حلبه شکله اشبع بادیان گل بنفشه تخم خیارین نیم کوزه
خسار خشک تخم کرفس کثوث انیسون کنفر استنه
آلو بالو تخم بلبلون فوه الصاعین دو تو خیار شیرین
گاو زبان تخم خربزه نمیکو فته کما ذریوس کما فیطوس
غنیم الثعلب هر یک دو مثقال جوشانیده صافی نموده
ترنجبین شش توله گلقدن آفتابی چار توله حل کرده و
نموده بعمل آرند و اگر این مقلی دو روز بعمل آورده
روز سوم سنایلی نه ماشه و روز چهارم باضافه سنای
یک توله سه ماشه و فلوس خیارشیرشش توله و روغن
بادام شیرین شش ماشه اضافه کرده بعمل آرند
اسمال نمایند و اگر احتیاج مسهل نباشد در مقلی
مذکور بجای گلقدن شیریت کثوث یا شیریت آلو
یا شیریت گاو زبان کنند و وزن ادویه مذکوره
مقدار یک مثقال کنند و از تخم خیارین و تخم خربزه
شیره بگیرند -

مقلی که در ذات الحجب استعمال آن توان کرد
صفحه غناب ده دانه پستان بست و اند گل خطمی
گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس تخم خیارین هر یک
دو درم جوشانیده صافی نموده
شیره مغز تخم گونده ماشه بارتنگ چار ماشه
یک ماشه شیریت نیلوفر دو توله اضافه کرده بعمل آرند
و فصد باسلین کرده خون بگیرند و در چهارم بجای
شیره تخم گونده شیره تخم کامو یک توله شیره تخم خیارین
دو توله داخل گردانند و روز پنجم شیره مغز تخم گونده
شیره مغز تخم هندوانه عوض کامو خیارین بکنند

رودر ششم کاسنی و خیارین هوش کرد و هوش داده
و رودر هفتم با کزغ کرد و هوش داده داخل کند و رودر
هشتم فلوس خیار شنبه ترنجبین خراسانی هر یک شش
اضافه کرده گلشن آفتابی چار توله در قلی مذکور
اضافه نموده حل کرده روغن بادام شش باشد

انداخته نبوشند
مطبوع آفتابون فوکی برای اخلاط سوخته
صفت پست پایله زرد پایله سیاه هر یک سه درم
اجاص ده عدد و عناب بست پنج عدد و مویر منقعه
دو ستار ترنجبین ده درم شاهره چار درم بنفشه
بسطاج اخیون اسارون فستق سنکلی هر یک
دو درم ترنجبین دو ستار خارشتر پنج درم علی الرهم
پنیر و غار لقون و تربد و ایلج فیکر برای لقویت بنفشه
مطبوع مدطش تخم خربزه تخم خیارین حبس دانه
عناب شلب خار شک هر یک شش باشد منخسته آلو
بال غره الصبح هر یک دو باشد انجیر زرد ده دانه بقرق
گاوزبان جوشانیده و ترنجبین خراسانی حل کرده
صافی نموده نبوشند

مشطخ و سهل بعضی طبایعین دستور میدهند
لشتره روز اول بنفشه نیلوفر تخم کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هر یک دو باشد
ترنجبین دو باشد انجیر زرد پنج عدد و عناب ده دانه
سپستان بست دانه آخر شب جوشانیده صبح جوشانیده
صاف کرده بخورند با گلشن پنج باشد باز صاف کرده
تغذای خود آب روز و دو هم بنفشه نیلوفر تخم بادیان

اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هر یک ده باشد
ترنجبین ده باشد آلو بخارا پنج عدد و عناب ده دانه
سپستان بست دانه پنج کاسنی پنج بادیان پنج کبر
هر یک دو باشد جوشانیده صاف کرده یا گلشن
پنج باشد بخورند روز و سه هم بنفشه نیلوفر کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هر یک ده باشد
انجیر زرد پنج عدد و عناب ده دانه سپستان بست دانه
بالوند بادرنجبویه هر یک دو باشد زرشک سه باشد
ترنجبین ده باشد آلو بخارا پنج عدد و عناب ده دانه
پست پایله زرد دو باشد بسطاج دو باشد کشته ترنجبین
ده عدد و تخم کرفس زونا دو باشد اجزای جوشانیده
صاف کرده با گلشن پنج باشد بخورند غذا بنوعیه
روز چهارم سنکلی سه باشد گلشن دو باشد بنفشه
نیلوفر کاسنی بادیان اصل السوس پرسیاوشان
گاوزبان هر یک دو باشد عناب ده دانه سپستان
بست دانه بالوند بادرنجبویه هر یک ده باشد زرشک
سه باشد ترنجبین ده باشد آلو بخارا پنج عدد و کشته ترنجبین
ده عدد و عناب ده دانه انجیر زرد پنج عدد و تخم کرفس
پوست پایله زرد و فاسطاج قنطاریون دقیق
پنج کاسنی پنج بادیان پنج کبر هر یک دو باشد اجزای
جوشانیده صاف کرده با ترنجبین یازده باشد بخورند
روز پنجم سنکلی پنج باشد گلشن بنفشه تخم کاسنی
بادیان اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان بالوند
هر یک دو باشد زرشک شاهره هر یک سه باشد
زونا بسطاج تخم کرفس پنج کاسنی پنج بادیان پنج کبر

قنطور یون و قنق هر یک دو ماشه انجیر زرد پنج عدد
خوبانی پنج عدد کشته پیش ده عدد پوست هلیله زرد
دو ماشه قمر سندی دو ماشه آلو سنجار پنج عدد بادرنجبویه
خنازی گل خطمی هر یک دو ماشه اجزاء جو شانیده صاف
کرده با ترنجبین بست ماشه صاف کرده بخورند
روز ششم محمود دانه گلاب ترید سفید دانه گلاب
نمک هندی دانه گلاب اجزاء کوفته نیمه باد و فاشق حلا
روز پنجم اول بخورند و در عقب جلاب باقی غذا
نخود آب برنج جوان روز هفتم شربت بقیه ده ماشه
یاب و عرق بید مشک شربت کرده بخورند غذا برقرار
صبر بقوطری نیم ماشه محمود دانه گلاب ترید سفید دانه
عاریقون دانه گلاب زنجبیل دانه گلاب گل سرخ دانه گلاب
اجزاء کوفته نیمه بلعاب کثیر احب ساخته و بر شرب
فرود برند و خواب روند و هر گاه بیدار شوند خواب
بکنند و صبح جلاب چنین است که پنج ماشه گل سرخ
تخم کاسنی بنفشه بادیان پیر سیاه شان گاوزبان بابونه
بادرنجبویه هر یک دو ماشه زرشک شاهره هر یک سه ماشه
زرد فالوپست هلیله زرد تخم کرفس پنج کاسنی پنج بادیان
بسنطاج هر یک دو ماشه انجیر پنج عدد خوبانی پنج عدد
کشته خربش ده عدد خنازی بادرنجبویه گل خطمی هر یک
دو ماشه قمر سندی ده ماشه آلو سنجار ده عدد واصل السی
دو ماشه قنطور یون دو ماشه عناب ده عدد و سیستان
بست دانه اجزاء را شب بخیا تند و صبح بخورند
وصاف کنند و با ترنجبین بست ماشه بخورند غذا برقرار
مارا بچین نافع از امراض سودا دی صفت

هر روز شیر بز سرخ رنگ لراع چشم صبح البدن جوان
که ریاده هر دو بطین نیاده باشد و چهل روز از این
گذشته شش ماه نگذشته باشند و صفت ان بزرگ
و شاهره و بزرگ کنار و بزرگ بازنگ و بزرگ کاسنی
و دانه آتش جو باشد یک سیر گرفته در و یک گل سبزه
یاسی تازه قلمی کرده نموده دو سه جوش چوب بخیار
پوست جدا کرده تراشیده بر هم زنند یک توله که
و دو توله یک بچین صاف و انجیر و اخل کرده بگذرانند
تا بریده شود پس شیر او را بیکریاس بسته فرود آورند
بگذارند تا سرد شود پس در کریاس دوشی بچین
تا تمام آب چکیده شود پس آن چکیده بار و یک
در و یک کرده جو شاند و کف آن را بگیرند تا و یک
کف نیارد پس در نیم شیر آن یک بچین افقیو نه
شش توله داخل کرده سه حصه نمایند و هر حصه
بفاصله دو گھڑی بنوشند که مجموع چهار گھڑی بنوشند
هر مرتبه که بخورند ده قدم راه روند و بعد از آن
مسلم بنوشند غذا میان روز و نخود آب شرب تلیم
خنک بخورند و از مالش و ترشها و یا و یا و یا و یا
مسلم در هر هفته بدین طریق کنند که چهار گھڑی
شب باقیانند حب لاجورد یا حب افقیو یون یا
حب اسطوخودوس القند توله بعرق گاوزبان
فرود برند و صبح آن قلوبس خیار شنبه شش توله
کافند چهار توله در سار بچین حل کرده صاف نموده
روغن بادام شیرین شش ماشه غذا نموده بعد از آن
روز هشتم هلیله مرابعد و گلاب یا عرق گاوزبان

شسته لاجورد و مغسول یک ماشه بران پاشیده
تناول نمایند و بالاسی آن مار کچین بدستور مقرر
بنوشانند روز چهارم و پنجم عمل روز هفتم و روز نهم
عمل روز دهم و روز سیزدهم یک عمل روز شانزدهم کنند
و روز بیست و دوم بلیله مر یا شسته لاجورد و مغسول
یک ماشه پاشیده بخوراند و بالانش عرق گاو زبان
و عرق بادرنجبویه هر یک پنج توله شربت گاو زبان پنج توله
بنوشانند و اگر خواهند چهل روز استعمال نمایند
و گاهی شیراز سنگ دانه مرغ سه ماشه سوده عین
سیرکه و کچین می نهند و گاهی تخم کل معصفر سه توله
سوده شب در شیر بزمی اندازند و صبح می جویند
و صاف کرده لعل می آرند و در بعضی اوقات با الیقا
استقواء باشد ماء کچین از شیر شتر بدینند و در بعضی
افزاید ماء کچین بتدییج استعمال توان کرد -

ماء الکحل بطریق مشهور صفت گوشت حلوان در لاج
و مرغ که مجموعش پنج سیر برسد با یک توله صطکی و
یک توله دارچینی و قدری پیاز و اگر آن گوشت
زیاده گیر و همان مقدار و برین ادویه زیاده کنند
در و یک کرده بخوشانند و در و یک پیاله قلعی کرده
بگذارند و سر و یک پنجه بند کنند چنانکه بخار بر نرود
و بعد ساعتی که تمام عرق گوشت در پیاله جمع شود
و یک راسر کرده سرش بکشاید و عرق در شیشه
یا در ظرف چینی در مکان سرد نگا دارند و بعد
برداشت طبعیت میل کنند -

نکته دیگر بابت حضرت اعلی که برای قوت باه

و خفکان و ضعف و لایع تناول میکردند صفت
مرغ خربه قطعه و راج دو قطعه و ده هفت قلعی و پنجاه
گوشت دو سیر و از استخوان و پوست و چربی پاک
کرده در تاون سنگین یا چوبی بکوبند و در و یک
قلعی دارند سازند و صندل سفید و سرخ براده کرده
قافله صندل و کبار دارچینی هر یک دو توله و قفل توله
کشنیز بوداده چار توله بر گوشت بندازند و اگر در لاج
باشد برگ کاهو برگ کاسنی هر یک نیم سیر داخل نمایند
و کلاب و عرق بید مشک هر یک یک آثار آب خاص
و و انار غنیم سه ماشه مشک دو ماشه همه را در و یک
انداخته خوب بر هم زنند و عرق بکشند و در جامی سرد
در شیشه نگا دارند روز اول دو دام و روز دوم
سه دام و سوم پنج دام و دهم پنج دام بخورده باشد

باب النون

لقوق چوب چینی صفت چوب چینی یک مثقال
رنیره رنیره در عرق بید مشک و کلاب و عرق بادرنجبویه
و عرق گاو زبان هر یک دو توله شب بخیشانند
و صبح هانی نموده با شربت گاو زبان یا شربت
بادرنجبویه دو توله بخار بر نهند و روز دوم نیم مثقال
چوب چینی بپزایند و بدستور مذکور عمل نمایند
و روز سوم نیم مثقال دیگر بپزایند و بدستور لعل
آرند و روز چهارم نیم مثقال بپزایند و روز پنجم
نیم مثقال بپزایند و روز ششم نیم مثقال
بپزایند و روز هفتم نیم مثقال بپزایند و بعد
ازین تا چهل روز یا بابت یک روز و چون عاقل

باب ایلبا

یا قوتی از حکیم ولی مروری تخم بادرنجوبیه پوست بزرگ
 هر یک سه درم پوست تنج سه مثقال گشنج دو درام
 صندل سرخ و سفید هر یک سه درام بسبب سمن سرخ کبابه
 هر یک یک نیم درام کمر با شیب قزقل سانج و ارچینی هر یک
 دام لعل مثقال یا قوت زرد چار مثقال عنبر نیم مثقال
 ز قخلول نیم مثقال سمن سفید کشتی گل ارمنی طباشیر
 هر یک و دو دانگ زرباد کافور هر یک نیم درام گادربان
 آله هر یک پنج درام عصا زرشک ده درام عفسان
 یک نیم دانگ شراب انار شراب سیب هر یک است مثقال
 شراب حمض یک من ادویه را کوفته بخیته همچون سازند
 بعد از جیل روزی مثقال سجز و نافع است بفضله و منه تعالی
 یا قوتی یا قوتی ثلثه هر یک شش ماشه لعل نمرود چان
 ابریشم سوخته لاجوردیشم سوخته عود غرق صندل سفید
 مصطک جودار شاخ گوزن سوخته غیر ورق نقره ورق طلا
 کمر با عقیق هر یک شش ماشه مروری ناسفت
 فادر بری ناصیل هر یک توله مشک زعفران فیروزه
 هر یک سه ماشه کافور مثقال عرق کاسنی عرق گادربان
 عرق بید مشک عرق نیلوفر گلاب آب انار و سیب هر یک
 پاویه شربت زرشک یک زن ادویه عملی و لاسیت
 دو وزن ادویه نبات یک وزن ادویه قند سفید
 یک وزن ادویه شربت مثقال -

بدستور مذکور بعمل آرند و اگر خواهند در عرقهای مذکور
 کم و زیاد کنند و نمک ربع وزن از معمول در غذا
 بندازند و بر پیرایه دستور و دستور العمل چوب چینه
 که بالا گذشت بعمل آرند -

نفع نافع از صرع چدر عود فاوانیا سه ساکره در
 بینی بدینند -

نظول نافع از سرسام حار و سه نقره صفت
 گل بنفشه تخم خرفه نیکوفته مکشور درم پوست خشک
 گل نیلوفر گشنج تراشه کد و شیرین تازه با بوده مکشور
 کشک جو کوفته پنجاه درم در پنج من آب بجموشانند
 تا نصف رسد اول سر را بخار آن بدارند پس باب یکم
 نظول کنند -

نظول نافع کسختن و امثال آن عنبر الثعلب بالونه
 اکلیل الملک تخم شبت تخم مرو تخم کتان حلیه بزر النج جودربان
 صافی نموده نظول نمایند -

باب الواو

و جوری که چون در دهن صرع بریزند بموش آید صفت
 حلیت چندین بستر کوفته بخیته در سکنجین عملی حل کرده
 و جوری سازند -

و جوری که سه درم اطفال را نافع است صفت
 کتیرا صمغ عربی نفاسته سوده بر روغن بادام شیرین چرب
 کرده بقوام فانیند و عمل و جوری سازند -

خاتمه الطبع

حمد و ستایش مر حکیمی را که نفوس عقلا و عقول حکما منظر حکمت اوست و لغت مر طبیبی را که نوع انسان را بدو اسی بهدایت از علت ضلالت نجات داده و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادهم مضارا عذرا بمقتضای عبودیت اوست الصلوة و السلام علیه و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد در این رساله نافعه مسمی به قرابادین جلالی فارسی از تالیفات حکیم حاذق طبیب فائق سید جلال الدین امرودیهو غفر الله لنا وله هر نسخه آن بے نظیر و تاثیر عدیل را کسی به اہتمام تصحیح حاذق زمان سر آمد فضلاء و دوران فضائل اکتناه مولانا مولوی محمد احسان الله فرنگی محلی صائمه الله عن شر کل شیء و عوی در مطبع نامی منشئی لؤل کشور بسط الله ظله السامی حلیہ طبع پوشیده مطبوع عالم گردیده بر خریداران جوهر شناس و حکمت اساس مخفی نماند که این گوهر بے بہا بخت فرودخته میشود چشم لیاقت بسوزن غفلت و وخته لشدر در قانکہ مشک آنست کہ خود بویرد نہ کہ عطار گوید بہاہ
و یقعدہ شندہ مطابق ماہ ستمبر ۱۳۴۷ عریض با ختام رسیدہ

RESERVE

—————





CALL No.

71.93
ق 39 ج

ACC. No.

3110



AUTHOR

TITLE

قرا پا دین جلالی

THE BOOK MUST BE CHECKED AT THE TIME
OF ISSUEPERSIAN SECTION
MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.



